



فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۳۴. زمستان ۱۳۹۵

شاپا: ۱۷۳۵-۲۲۴x

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیرمسئول: محمد رضا فضلی

سر دبیر: سید نصراله سجادی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجوادی پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت‌ی سیدبگلو، مهدی شکرانی، لقمان کشاورز، مهدی نادری نسب، فرشاد امامی، محمد رسول خدادادی، فرزاد نوبخت، مهدی سلیمی، علی فهیمی نژاد، کیوان شعبانی مقدم، مهدی بشیری، مهدی مومنی، احمد یوسفی صادق‌قلو، سید محمد حسین رضوی، علی کاشی، محمد حسن عبداللّهی، شهاب بهرامی، سید صلاح الدین نقش بندی، محمد هادی توکلی، محمد مهدی شمسایی، ستار پروین، ابوالقاسم حیدرآبادی، مسعود دارابی، رضا کریمی، حسین اسکندری، سهیلا علیرضا نژاد، لاله سامع سیاهکلرودی، طیبه زرگر، مریم نجار نهاوندی، فریده خلیج آبادی فراهانی، روح انگیز لطیفی، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پراکنش و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کوتاه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر.
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام. (آخرین زمان به روز نمودن سایت). "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فهرست

- شناسایی و اولویت بندی موانع و راهکارهای توسعه حقوق ورزشی در ایران
کیوان شعبانی مقدم، حسین ذکایی، محمد تقی حسن زاده
۹.....
- مطالعه تغییرات چوب چوگان با استناد بر نگاره ها و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی
فاطمه غلامی هوجقان، سید سعید سیداحمدی زاویه، آذرتاش آذرنوش
۲۱.....
- امکان سنجی موفقیت تیم های ورزشی استان آذربایجان شرقی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور
محمد رسول خدادادی
۴۱.....
- ارایه الگوی مدل ارتباطی هوش سازمانی و اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران
عبدالرضا امیرتاش، کنایون کامکاری، محمد جواد افشاریان
۵۵.....
- ارتباط علی بین نشانه های حسی بصری با رضایت مندی از تجربه حسی و وفاداری مصرف کنندگان ورزشی
محمد صیادفر، فرشاد تجاری، علی زارعی، محمد رضا اسمعیلی
۶۷.....
- نشانگان تمرین زدگی، خستگی و عملکرد ورزشی
محمد رضا فضلی، رضا قره خانیلو
۷۹.....
- نقش دیپلماسی جوانان در روابط خارجی دولت ها با استفاده از ظرفیت YNGOs (تشکل های غیر دولتی جوانان)
روح اله مدبر، حسن کلاشلو
۹۳.....
- بررسی عوامل موثر بر مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در دوره ۹۰-۱۳۸۵
نصیبه اسمعیلی، حسین محمودیان
۱۱۳.....
- رابطه استفاده از فیس بوک و پایبندی به ارزش های خانوادگی و دینی با کجروی فرهنگی (مورد مطالعه: جوانان شهر تبریز)
صمد عدلی پور، حامد اکبرپور، محمد محکی
۱۲۹.....
- عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر مسئولیت پذیری جوانان شهر تهران
منیر سادات میر محمدی، منصور حقیقتیان، اسماعیل جهان بخش
۱۵۱.....
- بررسی جامعه شناختی رابطه مصرف شبکه های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران)
فریبا شایگان، محمد رحیمی
۱۶۹.....
- جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج
سپهिला صادقی فسایی، سید محسن بنی جمالی
۱۹۵.....



شناسایی و اولویت بندی موانع و راهکارهای توسعه حقوق ورزشی در ایران

کیوان شعبانی مقدم^۱

حسین ذکایی^۲

محمد تقی حسن زاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۳

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اولویت ها در توسعه نظام حقوق ورزش کشور انجام پذیرفت. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی متخصصان حقوق ورزشی (رؤسای کمیته انضباطی، مدرسان حقوق ورزشی در دانشگاه ها، وکلای ورزشی و کلیه کسانی که در زمینه حقوق ورزشی مقاله و یا پایان نامه ای نگاشته اند) بود. نمونه گیری به صورت دسترس و به شکل گلوله برفی بود که طی آن ۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته در دو بخش اصلی بود که روایی صوری آن توسط چند تن از اساتید مدیریت ورزشی و حقوق تایید و پایایی آن نیز با روش آلفای کرونباخ (۰/۹۵) مورد پذیرش واقع شد. داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و آزمون تحلیل تشخیصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تجزیه و تحلیل یافته ها، در بخش موانع، ۴ بعد (بخش علمی-آموزشی، بخش نیروی انسانی، بخش حقوق و قانونی و بخش مدیریتی-ساختاری) مورد بررسی قرار گرفت که اصلی ترین آنها به ترتیب: موانع علمی-آموزشی، موانع قانونی-حقوقی و موانع نیروی انسانی و در بخش راهکارها، اصلی ترین راهکارهای توسعه حقوق ورزشی به ترتیب: راهکار نیروی انسانی، راهکار علمی-آموزشی و راهکار قانونی-حقوقی بودند. گفتنی است که بعد راهکار ساختاری-مدیریتی، هیچ نقشی در تابع ممیزی ایفا نکرد و در نتیجه بر توسعه حقوق ورزشی تاثیر معنی داری نداشت. در پایان، شیوه های کاربردی برخاسته از نتایج تحقیق برای رفع موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی و راهکارهایی به منظور ارتقای آن ارائه شد.

واژگان کلیدی: اولویت، توسعه و حقوق ورزشی

۱. دکترای مدیریت ورزشی، عضو هیئت علمی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: keivanshabani@gmail.com

۲. دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دکترای مدیریت و برنامه ریزی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

ورزش در زمان حاضر نقش مهمی در زندگی انسان دارد. بازی های ورزشی دیگر به جنبه تفریح و سرگرمی محدود نمی گردد، بلکه به ابزاری محوری در تربیت نسل جوان و عاملی موثر برای سلامتی تبدیل شده، از آن به عنوان یکی از ضروریات زندگی یاد می شود (ویکرو بریر^۱، ۲۰۱۴).

گذشته از آثار بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی، ورزش از نظر ملی و سیاسی نیز جایگاهی پر اهمیت یافته است؛ تا آنجا که بسیاری از کشورها، سرمایه های کلانی را در این مسیر صرف می کنند (میسون و همکاران^۲، ۲۰۰۶، ۵۷). این اهمیت روز افزون، حقوق دانان را به توجه و تحلیل روابط و رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن واداشته است؛ تا آنجا که "حقوق ورزشی" به عنوان یکی از گرایش های دانش حقوق برای مطالعه و بررسی جوانب حقوقی ورزش ایجاد شده است. لیکن ادبیات حقوقی ما در این زمینه نوپاست و رویه قضایی آن گونه که باید، به این پدیده مفید و مهم اجتماعی و مبارزه با خطرهای آن و تحلیل روابط حقوقی و تخلفات مرتبط با آن نپرداخته است (جانسون و هوی^۳، ۲۰۱۱، ۲۲۴). علم حقوق برای تعیین حقوق افراد مورد استفاده قرار می گیرد و با همه جنبه های زندگی سرو کار دارد که ورزش هم از آن مستثنی نیست. امروزه با رشد و توسعه ورزش حرفه ای، بسیاری از مردم زندگیشان را از طریق ورزش می گذرانند و با آگاهی جامعه از حقوق فردی، کسانی که درگیر ورزش هستند نیز منافع خود را از طریق دانش حقوق حفظ می کنند (شعبانی مقدم^۴، ۱۳۹۲، ۲۳). حقوق ورزشی عبارت است از: مجموعه عوامل موثر در تنظیم روابط حقوقی جامعه ورزش. منظور ما از حقوق ورزشی، مجموعه مقرراتی است که بر تمامی امور ورزش اعم از ورزشکاران، تماشاگران، مدیران فنی، مدیریت های ستادی ورزش، پزشکان ورزشی، سازندگان لوازم ورزشی، فروشندگان لوازم ورزشی و بالاخره کارکنان سازمان های ورزشی حاکم است. این یک تعریف کلی است؛ یعنی مجموعه قواعد و قوانین حاکم برکل ورزش (فیرلی و همکاران^۵، ۱۱۴، ۲۰۱۳). در واقع، حقوق ورزشی با تعیین قواعد و مقررات با اهداف متفاوتی سر و کار دارد (اسکالف و رابینسون^۶، ۱۹۷۸، ۴۹). برخی از مهمترین این اهداف عبارت اند از: پیشگیری از تخلف ها و بروز حوادث ورزشی از طریق آگاهی دادن به فعالان عرصه ورزش در مورد پیامدهای حقوقی تخلف ها و حوادث ورزشی؛ اِعمال و اجرای حق بر پایه موازین حقوقی در مواردی که حادثه ورزشی حقی را ایجاد کرده است؛ کمک به برقراری و حفظ نظم و انضباط در فعالیت های ورزشی؛ تبیین قلمرو وظائف و اختیارات مربیان، معلمان و مدیران ورزشی از منظر حقوقی؛ ارائه راه کارهای حقوقی در مورد حوادث ورزشی پس از رخداد؛ کمک به فراهم شدن محیطی مناسب برای ورزش در جهت جلب هرچه بیشتر افراد جامعه به ورزش و ایجاد اعتماد در خانواده ها- به طوری که این اعتماد عامل ترغیب و تشویق فرزندان شان به ورزش شود (آدلر^۱، ۷۲۲، ۲۰۱۱).

از دیدگاه حقوقی، قوانین ورزشی را می توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

الف) گروهی از قواعد که ساختمان اصلی بازی های ورزشی را احاطه و اداره می کند و در واقع، مبین قوانین بازی و اجرای درست هر شاخه ای از فعالیت های بدنی است، مانند اینکه در بازی فوتبال از هر تیم یازده بازیکن در برابر هم صف آرای می کنند که یکی از آنان دروازه بان است؛ بازیکنان حق ندارند با دست

1. Wicker & Breue
2. Mason et al
3. Jonson & Hoye
4. Fairley
5. Scalf & Robinson
6. Adler

توپ را هدایت کنند؛ بازی باید در محدوده معین زمین ورزشی جریان یابد؛ حمله به دروازه بان ممنوع است و تخلف از این قواعد، خطای ورزشی است و ضمانت اجرای ویژه ای به عنوان مجازات متجاوز را به همراه دارد.

ب) گروه دیگر از قواعد که بعضی مراقبت ها و احتیاط های ویژه را بر بازیکنان تحمیل می کند و هدف آن ها تامین ایمنی بازیکنان به هنگام مسابقه و پرهیز از خشونت و انتقام جویی و سالم سازی محیط ورزشی است. این دو گروه با هم ارتباط دارند و مجموع آن ها، موضوع حقوق ورزشی قرار می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۴۰). امروزه، زنان و مردان ورزشکار به حقوق توجه زیادی پیدا کرده اند و انتظارات آنها از حقوق نسبت به گذشته متفاوت است. حقوق بر همه جنبه های ورزش، سازمان های ورزشی، ورزشکاران، دست اندرکاران ورزش و تماشاچیان تاثیرگذار است (ونگ^۱، ۲۷۵، ۲۰۱۰).

پدیده ورزش به دلیل قدمت و سابقه تاریخی و همچنین نفوذ قابل توجه در روابط انسانی، ابعاد گوناگونی دارد. در حقیقت اثر ورزش در مباحث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قابل توجه به نظر می رسد (حکمت نیا، ۱۳۸۸، ۵۵). حقوق ورزشی با لحاظ ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی، با اهداف متعدد به عرصه ورزش وارد گردیده است. با وجود این، درک و دانسته های افرادی که در عرصه ورزش فعالیت دارند از حقوق ورزشی بسیار کم و ناچیز است. فروغی پور (۱۳۸۴) در مطالعه ای که به بررسی میزان آشنایی مربیان، معلمان و مدیران ورزشی شهر تهران با حقوق ورزشی پرداخته بود، بیان داشت که تنها ۱۷ درصد از این افراد با مبحث حقوق ورزشی آشنایی دارند (فروغی، ۱۳۸۴، ۳۷). این درحالی است که مطالعات متعدد، مهمترین وظیفه مربیان و مدیران ورزش را وظیفه مراقبتی دانسته است که این وظیفه در هشت حیطه (احراز سلامتی، آموزش متناسب، بازدید و بررسی، سازماندهی و تجانس، نظارت بر فعالیت های ورزشی، توجه به شرایط جوی، کمک به ورزشکار مصدوم و اتخاذ تدابیر لازم) تقسیم شده است. آشنایی با موارد یاد شده از لحاظ حقوقی، ملاک آگاهی های حقوقی و مسئولیت های مدنی این افراد قلمداد شده است (آدلر، ۲۰۱۱؛ جانسون و هوی، ۲۰۱۱ و آقایی نیا ۱۳۸۶).

یکی از ارکان اساسی توسعه ورزشی هر کشور، توسعه نظام حقوقی آن است. در کشور ما نیز تلاش هایی بدین منظور صورت گرفته است. آدرم (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان "بررسی و مقایسه میزان آگاهی مربیان چهار رشته منتخب ورزشی شهر اهواز با جنبه های حقوقی و قانونی ورزش"، ضمن بررسی مربیان چهار رشته ورزشی تکواندو، کشتی، فوتبال و بسکتبال، گزارش کرد که مربیان ورزشی نسبت به جنبه های قانونی و حقوقی ورزش آگاهی پایینی دارند. در تحقیقی دیگر، نتایج پژوهش بنیان و کاشف (۱۳۹۳) نشان داد که بیشتر مربیان ورزش به وظایف و مسئولیت های حقوقی در رویدادهای ورزشی آگاهی داشتند. همچنین، بین دیدگاه زنان و مردان در مورد مسئولیت های حقوقی تفاوت معنی داری وجود داشت؛ بدین معنی که مربیان ورزش زن نسبت به مرد آگاهی بیشتری درخصوص مسئولیت های حقوقی داشتند. از لحاظ مدرک تحصیلی نیز مربیانی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر بودند، آگاهی بیشتری نسبت به دیگران داشتند و در نهایت، مربیانی که دارای سابقه متوسط به بالا (۱۵ سال) بودند، به آگاهی های حقوقی اشراف بیشتری داشتند (بنیان و کاشف، ۱۳۹۳، ۸۲). شیخوند (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان "بررسی حقوقی - جرم شناختی خشونت در ورزشگاه های کشور"، اختصاص تنها یک بند از یک ماده قانون مجازات اسلامی به مبحث مهم حقوق ورزشی را ناکافی دانسته و خواستار تشکیل دادگاه های تخصصی کیفری در این زمینه شده است. قبادی سامانی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان "مسئولیت مدنی ورزشکاران و مدیران ورزشی در نظام حقوقی

ایران"، پرداختن به بحث حقوق ورزشی و مسئولیت مدنی اقشار دخیل در امر ورزش را مسئله‌ای مهم و قابل توجه دانسته است، چرا که عدم آگاهی از مسئولیت‌ها و عواقب این صدمات، عواقب جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. او در تحقیق خود با تاکید بر آگاهی از مسئولیت مدنی، به بررسی مسئولیت مدنی ورزشکاران و مدیران ورزشی (مدیران فنی و مدیران اداری) در نظام حقوقی ایران، به عنوان سه قشر تاثیر گذار در امر ورزش پرداخته است. صوفی املشی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان "وضعیت حقوق (مسئولیت مدنی) ورزشی در ایران" با تاکید بر رشته ورزشی فوتبال، ضمن تاکید بر بازنگری در قوانین و به دنبال آن اجرای دقیق قانون، بیان داشته که عدم آگاهی از مسئولیت توسط همه کسانی که به نوعی با فوتبال مرتبط هستند، سبب شده تا هر سال آمار تخلفات و عدول از قوانین بالا برود. بنابراین برگزاری کلاس‌های آموزش حقوق ورزشی و به دنبال آن اعطای مدارک مربوطه و لزوم داشتن این مدارک جهت شرکت در بازی‌ها، بازبینی قوانین موجود جهت جلوگیری از اثرات منفی بر روح و جسم ورزشکاران، اطلاع رسانی دقیق از مفاد مقررات فوتبال و کمیته‌های انضباطی مربوطه، توجه به هدف به جای وسیله، حذف بازیکنان مریبان و داوران که نسبت به مسئولیت‌های محوله عدول می‌کنند و یا حداقل نزول رده مشارکت در لیگ‌ها برای خاطیان را به عنوان راهکار پیشنهاد کرده است.

با وجود این، مشکلات موجود در عرصه ورزشی بسیار بالاست. پرونده‌های حقوقی ورزشی، راند خواری، قراردادهای غیر قانونی، ناتوانی در ارائه اعتراضات به ناداوری‌ها و ... که ناشی از عدم آشنایی حقوق ورزشی است. اینک، این سوال پیش می‌آید که آیا دانش ما از حقوق ورزشی ناچیز است؟ آیا نظام ورزشی در تربیت نیروی انسانی متخصص در عرصه حقوق ورزشی ناتوان است؟ آیا ساختار مدیریت حقوقی متزلزل و سست است؟ و آیا قوانین و مقررات حقوقی ورزشی بدرستی تعریف نشده‌اند؟ باوجود توسعه چشمگیر و فزاینده حقوق ورزشی در جهان و تاسیس دانشکده‌ها و دوره‌های تحصیلی و تحقیقاتی در این زمینه (مانند مرکز حقوق ورزشی ژوهانسبورگ، دانشکده حقوق ورزش و وینچستر و موسسه حقوق ورزشی سانتاکلارا و برنامه‌های حقوق ورزشی مثل تولین^۱)، در کشور ما هنوز تلاش قابل قبولی برای گسترش علمی و کاربردی حقوق ورزشی صورت نگرفته است. گواه ادعای مذکور اینکه براساس سند تفصیلی طرح جامع ورزش کشور (۱۳۸۴)، تنها دو نفر از استادان رشته حقوق، در زمینه حقوق ورزشی مطالعات تخصصی داشته‌اند. افزون براین، مواردی چون عدم وجود رشته دانشگاهی با نام حقوق ورزشی و یا دست کم طراحی واحد درسی اجباری با این نام سبب شده اغلب فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی کشور با مشکلاتی در زمینه امور حقوقی خویش مواجه باشند (شعبانی مقدم، ۱۰۴، ۱۳۹۳).

باتوجه به تعداد زیاد استفاده کنندگان از ورزش و لزوم پاسداشت حقوق آنان در همه ابعاد، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی متخصصان حقوقی و ورزشی به مبحث بین رشته‌ای «حقوق ورزشی» می‌تواند آسیب‌هایی را برای کل سیستم ورزش کشور به بار آورد. از این رو، شناسایی کلیدی‌ترین مسائل و مشکلات مرتبط با حقوق ورزشی اهمیت ویژه‌ای دارد. منظور از نهادهای سازی در این تحقیق، توسعه، بسط و استقرار همه ابعاد حقوق ورزشی در سطح جامعه و سازمان‌ها و کنشگران است. از سوی دیگر، بررسی و تدوین راهکارهایی برای توسعه و نهادهای سازی حقوق ورزشی اهمیت بالایی دارد و می‌تواند راهکارهای اجرایی مفید و اثربخشی را در اختیار متخصصان حقوقی و ورزشی قرار دهد. بنابراین هدف از اجرای این تحقیق شناسایی موانع موجود در عرصه نهادهای شدن حقوق ورزشی و ارائه راهکار توسعه بود.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف انجام تحقیق، کاربردی و از نظر جمع آوری داده ها از نوع توصیفی - تحلیلی است که به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی متخصصان حقوق ورزشی (رؤسای کمیته انضباطی، مدرسان حقوق ورزشی در دانشگاه ها، وکلای ورزشی و کلیه کسانی که در زمینه حقوق ورزشی مقاله و یا پایان نامه ای نگاشته اند) بود. نمونه گیری به صورت دسترس و به شکل گلوله برفی بود که طی آن ۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته در دو بخش اصلی بود که روایی صوری آن توسط چند تن از اساتید مدیریت ورزشی و حقوق تایید و پایایی آن نیز با روش آلفای کرونباخ (۰/۹۵) مورد پذیرش قرار گرفت. بخش اول پرسشنامه شامل ۱۲ سوال بود که در زمینه موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی تدوین گردید. در بخش دوم پرسشنامه نیز ۱۱ سوال مبنی بر راهکارهای توسعه حقوق ورزشی آمد. پاسخ سوالات بر روی طیف ۵ سطحی لیکرت قرار گرفت (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد و ۵=خیلی زیاد). پایایی این دو بخش در جدول ۱ و ۲ آورده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (جدول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه و آزمون فریدمن برای اولویت بندی موانع و راهکارها) استفاده شد.

جدول ۱: ضرایب پایایی و اعتبار برای پرسشنامه موانع حقوق ورزشی

موانع	تعداد سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اعتبارات هر بعد
موانع علمی- آموزشی	۳ سوال	۳/۷	۰/۸۸	۰/۷۲
موانع نیروی انسانی	۳ سوال	۳/۷	۱/۰۳	۰/۸۰
موانع قانونی و حقوقی	۳ سوال	۳/۵	۰/۹۴	۰/۷۸
موانع ساختاری- مدیریتی	۳ سوال	۳/۷	۰/۹۲	۰/۷۳
مجموعه سوالات موانع	۱۲ سوال	۳/۷	۰/۸۵	۰/۹۳

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، ضریب اعتبار پرسشنامه برابر ۰/۹۳ می باشد که بالاتر از ۰/۷۰ و نشانگر قابلیت اعتبار بخش اول پرسشنامه است.

جدول ۲: ضرایب پایایی و اعتبار برای پرسشنامه راهکار حقوق ورزشی

راهکار	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اعتبارات هر بعد
راهکار علمی- آموزشی	۳ سوال	۳/۷	۱/۰۴	۰/۸۱
راهکار نیروی انسانی	۲ سوال	۳/۷	۱/۲۰	۰/۸۷
راهکار قانونی و حقوقی	۲ سوال	۳/۶	۱/۱۱	۰/۸۳
راهکار ساختاری- مدیریتی	چهار سوال	۳/۷	۱/۰۷	۰/۸۹
مجموعه سوالات راهکار توسعه	۱۱ سوال	۳/۷	۱/۰۵	۰/۹۶

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، ضریب اعتبار پرسشنامه برابر ۰/۹۶ می باشد که بالاتر از ۰/۷۰ و نشانگر قابلیت اعتبار بخش دوم پرسشنامه می باشد. سطح معنی داری در این تحقیق برابر $P \leq 0/05$ در نظر گرفته شد؛ به این معنا که اگر $P \leq 0/05$ شود، فرض صفر رد شده و فرض مقابل مورد تایید قرار خواهد گرفت.

یافته های پژوهش

بر اساس سؤالات مربوط به ویژگی های شرکت کنندگان (۷۵ نفر نمونه) میانگین سنی آنان، $34/72 \pm 9/82$ سال بود. جدول ۳، توزیع جنسیت و میزان تحصیلات شرکت کنندگان را نمایش می دهد.

جدول ۳: توزیع جنسیت و میزان تحصیلات نمونه آماری

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر	
۴۹/۳	۳۷	زن	جنسیت
	۳۸	مرد	
۳۰/۷	۲۳	فوق دیپلم و پایین تر	میزان تحصیلات
۲۸	۲۱	لیسانس	
۴۱/۳	۳۱	فوق لیسانس و بالاتر	

با توجه به جدول ۳، تعداد زنان و مردان شرکت کننده در تحقیق تقریباً برابر بود و بالاترین مدرک تحصیلی مربوط به مدرک فوق لیسانس و بالاتر (۴۱/۳%) می باشد. در اولویت بندی موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی از آزمون فرید من استفاده شد که این آزمون دارای دو خروجی است. در خروجی اول، میانگین رتبه های هر آیتم نشان داده شده است و در خروجی دوم، معنی دار بودن رتبه ها مورد بررسی قرار داده است. نتایج آمار فریدمن به شرح زیر گزارش داد:

جدول ۴: میانگین رتبه های موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی بر اساس نتایج آزمون فریدمن

رتبه ها	
میانگین رتبه ها	موانع حقوق ورزشی
۲/۵۶	موانع علمی-آموزشی (فقدان منابع علمی کافی در زمینه حقوق ورزشی) (عدم اهتمام کافی به درس حقوق ورزشی در دانشکده های تربیت بدنی و حقوق)

۲/۵۶	موانع نیروی انسانی (پایین بودن دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش) (کمبود نیروی انسانی متخصص حقوق ورزشی) (عدم آشنایی کافی افراد دخیل در ورزش با قراردادهای ورزشی)
۲/۲۸	موانع قانونی و حقوقی (عدم انطباق کافی مقررات داخلی ورزش با قوانین و مقررات بین المللی) (عدم وجود یا ناکافی بودن آیین نامه های انضباطی مدون در رشته های مختلف) (پراکندگی و ابهام در قوانین و عدم وجود قوانین و مقررات جامع و شفاف)
۲/۶۰	موانع ساختاری-مدیریتی (عدم وجود یا ناکافی بودن کمیته های انضباطی در رشته های مختلف) (عدم شفافیت مالی در ورزش و شیوع فساد و دلالتی) (عدم وجود برنامه های بلند مدت برای توسعه و نهادینه سازی حقوق ورزشی در کشور) (عدم وجود دادگاه های تخصصی یا نهادهای حکمیت (داوری) برای رسیدگی به پرونده های ورزشی)

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود، با توجه به میانگین های به دست آمده برای چهار عامل مذکور، اولویت بندی آن ها به ترتیب زیر است: ۱- موانع ساختاری- مدیریتی؛ ۲- موانع علمی- آموزشی و موانع نیروی انسانی (به طور مشترک در اولویت دوم قرار گرفتند)؛ ۳- موانع قانونی و حقوقی.

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن موانع حقوق ورزشی

آماره آزمون فریدمن	
۷۵	تعداد مشاهدات
۳/۹۲	آماره کای- دو
۳	درجه آزادی
۰/۲۷	سطح معنی داری آزمون

$$*p \geq 0.05$$

در جدول ۵، به ترتیب داده های هر متغیر، مقدار آماره کای- دو، درجه آزادی و سطح معنی داری (Sig) محاسبه و ارائه گردیده است. در اینجا با توجه به اینکه Sig به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین فرض متفاوت بودن رتبه ها و اولویت ها رد می شود. در اولویت بندی راهکارهای توسعه حقوق ورزشی، نتایج آمار فریدمن به شرح زیر گزارش داد:

جدول ۶: میانگین رتبه های راهکارهای توسعه حقوق ورزشی بر اساس نتایج آزمون فریدمن

رتبه ها	
میانگین رتبه ها	راهکارهای توسعه
۲/۴۷	راهکارهای علمی-آموزشی (تألیف منابع علمی روزآمد برای ارتقاء دانش حقوق ورزشی) (برگزاری کلاس ها و دوره های آموزشی به منظور ارتقای دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش) (آموزش کاربردی حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه های ورزشی)

۲/۵۱	راهکارهای نیروی انسانی (تربیت نیروی انسانی متخصص در حقوق ورزشی) (آموزش کاربردی حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه های ورزشی)
۲/۴۵	راهکارهای قانونی و حقوقی (تدوین قوانین شفاف و روزآمد) (تدوین آیین نامه های انضباطی برای رشته های مختلف ورزشی) (ایجاد ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از بروز مشکلات مربوط به قراردادهای ورزشی در سطوح ملی و بین المللی) (انجام مطالعات تطبیقی در خصوص وضعیت حقوق ورزشی در کشورهای دیگر)
۲/۵۷	راهکارهای ساختاری-مدیریتی (تشکیل دادگاه های تخصصی و نهادهای حکمیت (داوری) به منظور رسیدگی به پرونده های ورزشی) (تدوین قوانین جامع مالی در ورزش و مبارزه با دلالی و فساد) (ایجاد کمیته های انضباطی با ترکیب حقوقی مناسب برای رشته های مختلف ورزشی)

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود، با توجه به میانگین های به دست آمده برای چهار عامل مذکور، اولویت بندی آن ها به ترتیب زیر است: ۱- راهکار ساختاری- مدیریتی؛ ۲- راهکار نیروی انسانی؛ ۳- راهکار علمی- آموزشی و ۴- راهکار قانونی و حقوقی.

جدول ۷: نتایج آزمون فریدمن راهکار حقوق ورزشی

آماره آزمون فریدمن	
۷۵	تعداد مشاهدات
۰/۴۲۹	آماره کای- دو
۳	درجه آزادی
۰/۹۳	سطح معنی داری آزمون

$$*p \leq 0/05$$

در جدول ۷، به ترتیب داده های هر متغیر، مقدار آماره کای- دو، درجه آزادی و سطح معنی داری (Sig) محاسبه و ارائه گردیده است. در اینجا با توجه به اینکه Sig به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین فرض متفاوت بودن رتبه ها و اولویت ها رد می شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت بندی موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی و ارائه راهکار توسعه می باشد. بدین منظور ۷۵ نفر از متخصصان امور حقوق ورزشی در تحقیق شرکت داده شدند. نتایج تحقیق نشان داد که بین عواملی که از آنان به عنوان موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی یاد شده است، تفاوت معنی داری وجود ندارد و اولویت بندی این موانع بدین صورت می باشد: ۱- موانع ساختاری- مدیریتی؛ ۲- موانع علمی- آموزشی و موانع نیروی انسانی (به طور مشترک در اولویت دوم قرار گرفتند)؛ ۳- موانع قانونی و حقوقی. همچنین، در بین راهکارهای توسعه در حقوق ورزشی نیز تفاوت معنی داری مشاهده نشد و اولویت بندی راهکارها بر اساس آزمون فریدمن چنین گزارش شد: ۱- راهکار ساختاری- مدیریتی؛ ۲- راهکار نیروی

انسانی؛ ۳- راهکار علمی- آموزشی و ۴- راهکار قانونی و حقوقی.

نتایج کلی به دست آمده از بررسی های انجام گرفته آماری به شرح زیر می باشد:

در بخش موانع نهادینه شدن، موانع ساختاری- مدیریتی در رتبه اول قرار گرفت. پاسخ دهندگان عقیده داشتند که عدم وجود یا ناکافی بودن کمیته های انضباطی در رشته های مختلف، عدم شفافیت مالی در ورزش و شیوع فساد و دلالتی، عدم وجود برنامه های بلند مدت برای توسعه و نهادینه سازی حقوق ورزشی در کشور و عدم وجود دادگاه های تخصصی یا نهادهای حکمیت (داوری) برای رسیدگی به پرونده های ورزشی در زمره مهم ترین موانع ساختاری مدیریتی نهادینه شدن حقوق ورزشی در کشور به شمار می روند. پاسخ دهندگان برای رفع این موانع، راهکارهای تشکیل دادگاه های تخصصی و نهادهای حکمیت (داوری) به منظور رسیدگی به پرونده های ورزشی، تدوین قوانین جامع مالی در ورزش و مبارزه با دلالتی و فساد و ایجاد کمیته های انضباطی با ترکیب حقوقی مناسب برای رشته های مختلف ورزشی را پیشنهاد کردند. بی شک، مدیران باشگاه و سازمان های ورزشی مهم ترین جایگاه را در هر بخش ایفا می کنند. مدیران در راس هرم سازمانی قرار گرفته اند، ولی در دهه های اخیر، مدیران ورزشی برای اداره مؤثر سازمان های تحت سرپرستی با مشکلاتی مواجه شده اند. تجاری شدن ورزش ها و رشد باشگاه های خصوصی، ارتقای سطح آگاهی های جامعه و بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات ورزشکاران و شرکت کنندگان در برنامه های ورزشی، افزایش هزینه های ورزشی و کمبود بودجه و همچنین مقررات دست و پاگیر دولتی مدیران را برآن داشته تا خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و برای عملکرد بهتر و موثرتر مهارت ها و توانایی های مورد نیاز در عملکرد مدیریتی را بهبود بخشند (صائبی، ۱۳۸۱، ۷۰ و قدیریان، ۱۳۸۲، ۷۲). برخی اغلب با این استدلال که مدیریت امری ذاتی و تجربی است و با آموزش مهارت های تخصصی تفاوت دارد، از نقش آموزش در مدیریت غفلت می ورزند و سبب ایجاد مشکلات در این زمینه می شوند (خداداد حسینی و فرهادی نژاد، ۱۳۸۰، ۴۵). بیشتر مدیران و مربیان در باشگاه های ورزشی حرفه ای، نسبت به وظایف و مسئولیت های قانونی خود در برابر ورزشکاران و سایر ذینفعان از آگاهی و آشنایی سطح پایینی برخوردارند (بارکوکیس، ۲۰۱۱، ۲۰۷ و فروغی، ۱۳۸۴، ۳۷) و این امر سبب بروز مشکلاتی بویژه در زمینه تدوین قراردادها گردیده است و هر ساله شاهد مشکلاتی در این زمینه در عرصه ورزش هستیم. نتایج تحقیق نشان داد که لازم است مدیران با قوانین و مقررات ورزشی آشنا شوند و یا از متخصصان حقوق ورزشی به عنوان مشاور بهره جویند. همانطور که نتایج در بخش راهکار های توسعه نیز نشان داد بخش ساختاری- مدیریتی دارای اولویت بالاتری نسبت به سایر بخش هاست.

موانع علمی آموزشی نظیر فقدان منابع علمی کافی در زمینه حقوق ورزشی، عدم اهتمام کافی به درس حقوق ورزشی در دانشکده های تربیت بدنی و حقوق و همچنین، موانع نیروی انسانی نظیر پایین بودن دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش، کمبود نیروی انسانی متخصص حقوق ورزشی و عدم آشنایی کافی افراد دخیل در ورزش با قراردادهای ورزشی به طور مشترک در اولویت دوم قرار گرفتند. منابع انسانی از بین همه دارایی ها به خوبی شناخته نشده است. کارایی و اثربخشی هر سازمان به میزان قابل ملاحظه ای به نحوه مدیریت و کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی بستگی دارد. نیروی انسانی گرانبهاترین منبع سازمان برای شکوفاسازی استعدادها و دستیابی مستمر به عملکرد عالی محسوب می شود (قدیریان، ۱۳۸۲). هر ساله منابع مالی و انسانی فراوانی به منظور افزایش توان و قابلیت های نیروی انسانی در قالب آموزش های کوتاه مدت، سمینارها و همایش ها صرف می شود. این تلاش ها براین عقیده استوار است که آموزش مهارت های مدیریتی، مناسب ترین استراتژی برای بهبود عملکرد و افزایش اثربخشی مدیران و نیروی سازمان و به روز شدن اطلاعات و آگاهی های آنان تلقی می شود (والتر، ۱۳۷۴، ۱۳۰). مربیان ورزشی، معلمان تربیت بدنی،

مشاوران حقوقی ورزشی از جمله نیروی انسانی مهم سازمان های ورزشی هستند که با آموزش صحیح در زمینه حقوق ورزشی می توانند از بروز بسیاری از حوادث ورزشی و تشکیل پرونده های ورزشی پیشگیری نمایند (ونگ، ۲۰۱۰، ۲۷۵ و فیندالی و همکاران، ۲۰۱۲، ۵). در کشور ما جای خالی وکلای ورزشی و قضات ورزشی در عرصه ورزش شدت احساس می شود. در بخش راهکار توسعه نیز راهکار نیروی انسانی در اولویت دوم و پس از آن راهکار علمی آموزشی در اولویت سوم، بیان شد. پاسخ دهندگان براین عقیده بودند که در بخش راهکارهای نیروی انسانی، تربیت نیروی انسانی متخصص در حقوق ورزشی و همچنین، آموزش کاربردی حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه های ورزشی از اولویت بالاتری برخوردارند و پس از آن، در بخش راهکارهای علمی آموزشی، تألیف منابع علمی روزآمد برای ارتقای دانش حقوق ورزشی، برگزاری کلاس ها و دوره های آموزشی به منظور ارتقای دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش و آموزش کاربردی حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه های ورزشی اولویت بالاتری را به خود اختصاص می دهند. اگرچه تامین نیروی انسانی خبره، آموزش و تربیت نیروی متخصص در زمینه حقوق ورزشی می تواند به عنوان یک راهکار عملی در نظر گرفته شود، ولی این امر نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است و وزارت علوم باید در این زمینه راهکار مناسب را اتخاذ نماید. متأسفانه، باوجود توسعه فراوان گرایش های مربوط به رشته تربیت بدنی و حقوق، هنوز اقدامی برای ایجاد گرایشی با عنوان "حقوق ورزشی" (باوجود مخاطبان بی شماری که دارد) صورت نپذیرفته است. تربیت نیروی انسانی متخصص و مجرب در زمینه حقوق ورزشی، یکی از راهکارهای مهم نهادهای سازی آن در کشور می باشد که با گنجاندن گرایش حقوق ورزشی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تربیت بدنی و حقوق می توان به آن دست یافت.

آخرین مانع در زمینه نهادهای شدن حقوق ورزشی، موانع قانونی و حقوقی بود که شامل عدم انطباق کافی مقررات داخلی ورزش با قوانین و مقررات بین المللی، عدم وجود یا ناکافی بودن آیین نامه های انضباطی مدون در رشته های مختلف و پراکندگی و ابهام در قوانین و عدم وجود قوانین و مقررات جامع و شفاف در زمینه حقوق ورزشی بود. با توجه به نو و جدید بودن حقوق ورزشی در ایران، توجه به این موضوع برای بهبود و توسعه علوم حقوقی ورزش، نیاز به تدوین کتاب ها و مقاله های گوناگون و نیز تحقیقات منسجم و آیین نامه های مدون احساس می شود. پیشنهاد می شود تا رسانه ها بویژه رسانه های ورزشی نیز نسبت به آموزش مفاهیم و مباحث حقوقی به آسان ترین و شیواترین شکل ممکن اقدام نمایند. در این زمینه شایسته است که طیف اصلی مخاطبان شناسایی و تلاش شود به جای مباحث آکادمیک و ثقیل، مفاهیم کاربردی و مفید توسط افرادی که علاوه بر مباحث حقوقی، آشنایی عمیق و کافی با صنعت ورزش دارند ارائه شود.

در پایان، با عنایت به پویایی های عرصه ورزش و حقوق مرتبط با آن، داشتن نگاه بین المللی و به کارگیری تجارب سایر کشورها در این زمینه توصیه می شود. از این رو، انجام مطالعات تطبیقی پیرامون توسعه و نهادهای سازی حقوق ورزشی در کشورهای دیگر به ویژه ممالک توسعه یافته، راهکار مناسبی به نظر می رسد.

منابع

- ادرم، مجتبی. (۱۳۸۹). "بررسی و مقایسه میزان آگاهی مربیان چهار رشته منتخب ورزشی شهر اهواز با جنبه‌های حقوقی و قانونی ورزش". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، ص ۹۵.
- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۶). حقوق ورزشی. چاپ هفتم، تهران: نشر میزان
- بنیان، عباس. کاشف، مجید. (۱۳۹۳). "تفاوت آگاهی‌های حقوقی و مسئولیت مدنی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی". پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. دوره ۲. شماره ۴. صص: ۷۹-۹۰.
- حکمت نیا، محمود. خوشنویس، ام‌الله. (۱۳۸۸). "مصادیق حقوق مالکیت فکری در صنعت ورزش". حقوق اسلامی. سال ششم، شماره ۲۳، ص ۵۵.
- خداداد حسینی، سیدحمید و فرهادی نژاد، محسن. (۱۳۸۰). "بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن". مجله مدرس. دوره ۵. شماره ۱. ص ۳۸-۵۳.
- شعبانی مقدم، کیوان. (۱۳۹۳). مبانی حقوق ورزشی. چاپ اول، انتشارات شهر دانش
- شعبانی مقدم، کیوان؛ طاهری، حمیدرضا و یوسفی، بهرام. (۱۳۹۲). حقوق ورزشی. چاپ چهارم، انتشارات اندیشه‌های حقوقی
- شیخوند، محمدصادق. (۱۳۹۰). "بررسی حقوقی - جرم‌شناختی خشونت در ورزشگاه‌های کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ص ۶.
- صائبی، محمد. (۱۳۸۱). "روندها و چالش‌های مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی". نشریه مدرس. شماره ۳. صص ۶۷-۸۲.
- صوفی املشی، محمد رضا. (۱۳۹۰). "وضعیت حقوق (مسئولیت مدنی) ورزشی در ایران با تاکید بر رشته ورزشی فوتبال". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، ۸.
- فروغی، جواد. (۱۳۸۴). "بررسی میزان آگاهی و آشنایی مربیان ورزش، معلمان تربیت بدنی و مدیران ورزشی شهر تهران با حقوق ورزشی". پژ و هشکده تربیت بدنی، ۳۷.
- قبادی سامانی، عماد. (۱۳۹۲). "مسئولیت مدنی ورزشکاران و مدیران ورزشی در نظام حقوقی ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، ص ۷.
- قدیریان، عباسعلی. (۱۳۸۲). "گره‌های یادگیرنده، محور یادگیری و توسعه منابع انسانی". تازه‌های علوم شناختی. شماره ۲. صص. ۷۰-۷۷.
- کاتوزیان، امیر ناصر. (۱۳۷۸). "خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی". مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۴۳، ص: ۳۷-۵۳.
- والتر، تی. جامپیون جونیز. (۱۳۷۴). مبانی حقوق ورزش ها. حسین آقایی نیا. انتشارات کمیته ملی المپیک ایران، ص ۱۳۰.
- Adler, R. (2011). "Youth Sports and Concussions: Preventing Preventable Brain Injuries. One Client, One Cause, and A New law". Physical Medicine and Rehabilitation Clinics of North America. 22(4): 721-728.
- Barkoukis, V. (2011). "Motivational a sports person ship profiles of elite athletes in relation to doping behavior". Psychology of Sport and Exercise. (12): 205-212.
- Fairley, S., Snyder, K., Kellett, P., Hill, B. (2013). "When professional athletes

change sports: Sport development, sanctity of contract, and restraint of trade in the NRL". Sport Management Review. (16): 111-119.

- Findlay, H., Corbett, R., Lech, David. (2012). **"A Guide to Employment Contracts for Coaches"**. Center for Sport and Law:5.
- Jonson, R., Hoye, R. (2011). **"Sport law and regulation"**. Sport Management Review. (14): 223-225.
- Mason, D., Stibault, B., Misener, L. (2006). **"An agency theory perspective on corruption in sport: The case of the international Olympic Committee"**. Journal of Sport Management. No. 20, PP: 52-73.
- Wicker, P., Breuer, C. (2014). **"Exploring the organizational capacity and organizational problems of disability sport clubs in Germany using matched pairs analysis"**. Sport Management Review. 17(1): 23-34.
- Wong, G. Essentials of Sports Law, fourth edition, published by ABC-CLIO, 2010. www.tas-cas.org

مطالعه تغییرات چوب چوگان با استناد بر نگاره ها و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی

فاطمه غلامی هوجقان^۱

سید سعید سیداحمدی زاویه^۲

آذرتاش آذرنوش^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۷/۲۹

چوگان، یک ورزش و بازی باستانی و منسوب به سرزمین ایران است که علیرغم پیشینه ای دیرین، اطلاعات مکتوب اندکی پیرامون قوانین، ابزار، ادوات و پوشاک آن وجود دارد. این مقاله با طرح این پرسش که سیر تحول و تطور چوب چوگان در نگاره های سلجوقی و صفوی و دلایل آن چه بوده، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی از جمله منابع اینترنتی، پیشینه و سابقه پژوهش های مربوط را گردآوری کرده و در مرحله بعد، با جمع آوری متون کهن و نگاره های چوگانی و سپس پالایش مجموعه به لحاظ اعتبار اسناد و داشتن تاریخ، موارد مورد مطالعه را گزینش کرده است. در نهایت، پس از گردآوری داده های حاصل، موارد مشابه و متفاوت را مورد تحلیل قرار داده است. بر اساس یافته های این پژوهش، در بین آثار شعرای سلجوقی و صفوی مورد پژوهش ۴۵۶ مورد چوگان، ۳۰ مورد صولجان (معرب چوگان) و ۳ مورد طبطاب (چوگان با پای پیاده) یافت شد و در نگاره های مورد پژوهش، چهار شکل چوب چوگان شبیه «ل»، شبیه «L»، «T» منحنی و «V» (با زاویه باز) به دست آمد. در نهایت چنین به نظر می رسد که در دوره صفوی در مقایسه با دوره سلجوقی به جهت ارتباط با دنیای غرب و پیشرفت علوم و فنون، شاهد تغییر و بهبود کیفیت شکل چوب چوگان در طی زمان بوده ایم. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: چوب چوگان، نگاره های چوگانی و نسخ خطی سلجوقی و صفوی

۱. کارشناس ارشد صنایع دستی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: fghol58@gmail.com

۲. دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

۳. استاد تمام، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

چوگان^۱ سنت فرهنگی- ایرانی است که قدمت آن به بیش از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل در ایران می رسد و به عنوان نخستین ورزش تیم به تیم جهان بوده که دارای دروازه و توپ (گوی چوگان) است؛ ورزشی که در آن برعکس ورزش های زمان پیدایش آنها در عهد کهن، نبرد انسان ها علیه یکدیگر نبوده، بلکه نبرد بر سر گوی صورت گرفته است. بر پایه شواهد و مدارک، چوگان کهن ترین بازی ورزشی جهان به شمار می آید. این بازی پر جنب و جوش که سوارکار و اسب در آن نقش برابر دارند، از قدیمی ترین اسناد مکتوب تا ترانه های مردمی و سروده های سخنوران بزرگ ایران زمین، بارها مورد اشاره بوده است. چوگان بازی از چنان جایگاهی در زندگی مردم برخوردار بوده که کمتر هنرمند و سراینده اشعار ایرانی را می توان یافت که در آثارش اشاره ای به گوی و چوگان و اصطلاحات این بازی نکرده باشد. همچنین، برخی کشورها به چوگان ایرانی چشم طمع دارند و طی سال های گذشته بارها کشورهایی از جمله چین، کشور های حاشیه خلیج فارس و قطر مدعی جهانی کردن چوگان به نام خود بوده اند و در اجلاس جهانی یونسکو^۲ که در آذرماه ۱۳۹۲ ه.ش. در باکو برگزار شد، بازی چوگان با نام «چووقان» بازی سنتی با اسب متعلق به منطقه قره باغ^۳ به عنوان میراث ناملموس (معنوی) در معرض خطر، به نام جمهوری آذربایجان ثبت شد. با توجه به موارد یاد شده، اهمیت انجام پژوهش هایی از این دست می تواند در تبیین سابقه طولانی چوگان در ایران مفید واقع شود. بدین منظور، شاخصه چوب چوگان در دو دوره سلجوقی و صفوی مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، مساله این پژوهش کشف چگونگی تحول ابزار چوگان بازان ایرانی در ادوار سلجوقی و صفوی و نیز آشکارسازی دلایل آن از درون هنر، تاریخ و ادبیات غنی ایران و به ویژه شعر است. بدیهی است که از گذر این بررسی، می توان به مجموعه پژوهش های انجام یافته درباره چوگان غنای بیشتری بخشید و زوایای پنهان را گشود و مفاهیم تازه ای را به دانش امروزی افزود. در ادامه همین شیوه ها، مطالعه و بررسی نسخ خطی می تواند معرف اطلاعات مهمی پیرامون شیوه زندگی و معیشت، پوشاک و ابزار و ادوات آن روزگار باشد که در این مورد موضوع مورد مطالعه معطوف به چوب چوگان می گردد. انجام این پژوهش به عنوان نقطه آغاز مطالعه بازی ملی چوگان در حوزه هنر بوده و مفاهیمی که مبنای کار پژوهش حاضر را تشکیل می دهند از این قرار است: واژه شناسی چوگان و نمود آن در کتب ادبی و تاریخی دوران سلجوقی و صفوی؛ نمود چوگان در نگاره های سلجوقی و صفوی؛

اجماع داده های موجود در منابع مکتوب و آثار هنری جهت رسیدن به نتایج متقن و موثق و ارائه آن در مجامع بین المللی.

در یک نگاه کلی می توان پژوهش های انجام شده در مورد چوگان را در سه دسته کلی جای داد:

بررسی چوگان در متون ادبی- تاریخی؛

بررسی چوگان در هنر؛

بررسی چوگان در حوزه علوم ورزشی.

در زمینه چوگان در متون تاریخی و ادبی، پژوهش های متعددی در داخل و خارج کشور انجام شده است: آذرنوش در بازخوانی رساله پهلوی "خسرو و ریدک" اشاره می کند که در این رساله دوبار کلمه "چوپینگان" (چوگان) آمده است (Azarnouche, 2013: 85). شهابی و گوتمن^۴ به خاستگاه و ظهور چوگان

1. Polo = čōwgān

2. UNESCO World Committee

3. Karabakh

4. Guttman Allen

در ایران و نمود آن در ادبیات ایران و اشعار شاعرانی چون فردوسی و نظامی گنجوی و چگونگی انتشار آن در اقصی نقاط دنیا پرداخته اند. (chehabi & guttmann, 2002: 385-390) متنی به بازیابی چوگان در "کوش نامه" اثر ایرانشاه ابن ابی الخیر (قرن ۵ و ۶ ه. ق.) پرداخته و اشعاری را که در آنها از چوگان سخن رفته، معرفی کرده است (متنی، ۱۳۷۷: ۱۹۳ تا ۱۹۰). طبق گفته متحدین که به بازیابی چوگان در «تاریخ ابن بی بی» (قرن ۷ ه. ق.) پرداخته، چوگان پیش از آنکه به صورت وسیله بازی درآید، حربه میدان نبرد بوده است. به این منظور، چوب بلند محکمی را برمی گزیدند تا در برابر ضربه های سخت تاب بیاورد و نشکند. چوگان باز نیز برای به کارگیری، می بایست طریقه استفاده درست از آن را با شگردها و فوت و فن ها به دقت بیاموزد و با مهارت و چابکی بسیار در حمله و گریز، آن را به کار برد (متحدین، ۱۳۷۶: ۱۳۸ تا ۷۳). کرمی چمه با اشاره به پیشینه چوگان در تاریخ ایران و معرفی این رشته و با اشاره به متون تاریخی که در آنها از چوگان سخن رفته، به ۱۶ غزل از حافظ با موضوع چوگان اشاره نموده و معانی استعاری هر بیت را برشمرده است (کرمی چمه، ۱۳۹۱: ۴۶۷ تا ۵۹۴). محمدی و فاضلی به واژه شناسی چوگان، سیر تحول این ورزش، چگونگی بازی و هدف از اجرای آن بر اساس شاهنامه فردوسی و منابع دیگر پرداخته و همچنین با اشاره به کتاب "بهمن نامه" اثر ایرانشاه ابن ابی الخیر، خاطرنشان ساخته اند که طبق بیان صریح بهمین نامه، چوگان بازی و تاخت و تاز تا هفت مرحله (معادل واحد زمانی امروزی "چوک" [۱]) ادامه می یافت و در مرحله آخر، فرد می توانست گوی را از میدان به در کرده و بازی را به نفع خود به پایان رساند. همچنین به چوگان بازی "همای" نیز اشاره شده که نشان از حضور زنان دلاور در بازی چوگان دارد (محمدی و فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲ تا ۲۴۹). آذرنوش نیز به تاریخ چوگان و خاستگاه آن اشاراتی دقیق دارد. او واژه شناسی چوگان در زبان های مختلف دنیا، شرحی بر چوگان در ایران پیش از اسلام، روایت های افسانه ای و نیم تاریخی و تاریخی، چوگان ایران در عصر اسلامی، نخستین فرسنامه ها [۲] به زبان فارسی، چوگان در هنر و ادبیات ایران و جهان عرب را ارائه کرده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۸۲ تا ۴۴). دیم^۱ دیدگاه بسیار دقیق تری نسبت به دیگر پژوهشگران در حوزه چوگان داشته است. او به چوگان ایران از دوره صفویه تا دوره قاجار اشاره کرده و به شکل اجمالی به چوگان در نگاره ها و اشعار ایرانی پرداخته است. در انتها به مقررات بازی در قدیم و معرفی اشکال چوب و گوی چوگان در کشورهای مختلف، مدت زمان مسابقه و انواع موسیقی مورد استفاده در هنگام بازی اشاره دارد (Diem, 1942: 104-238).

گروهی دیگر از پژوهش های صورت گرفته مربوط به چوگان درحوزه هنر می شوند. ابویی به امکان سنجی احیای میدان نقش جهان و مقایسه وضع موجود میدان با گذشته آن و آسیب های وارد شده به میدان و راه های درمان آن پرداخته و همچنین طرح پیشنهادی برای فضای باز میدان و ایجاد یک زمین برای فعالیت چند منظوره از جمله چوگان را ارائه کرده است (ابویی، ۱۳۷۷: ۶۸۲ تا ۳۸۶). فاضلی و ریاضی نیز به بررسی ویژگی های تصویری چهار نگاره مربوط به "گوی و چوگان" سروده عارفی هروی، شاعر دوره تیموری پرداخته اند. گوی و چوگان یکی از نسخه های مصور مثنوی مضمون این منظومه، شرح عشق و دلدادگی درویشی ساده دل به شاهزاده ای می باشد که به هنرهای بسیار از جمله سوارکاری و چوگان بازی علاقه مند است و در آن صحنه های زیبایی از بازی شاهزاده تصویر شده است. در این پژوهش، نگاره های چوگانی از لحاظ ساختار و ترکیب بندی آنالیز شده اند (فاضلی و ریاضی، ۱۳۸۹: ۹۳ تا ۸۳).

دسته دیگری از پژوهش ها شامل بررسی این رشته ورزشی از دیدگاه علوم ورزشی می شود. طبق گفته آموندسن^۲ چوگان در بین گاوچران های آمریکا رواج زیادی داشته و بازی اصلی آنان بوده و با توجه به

1. Diem Carl

2. Amoundson Michael A.

ویژگی های اقلیمی مناسب جنوب آمریکا جهت پرورش اسب و همچنین انتشار گسترده جغرافیایی چوگان در کل ایالات متحده، این بازی از استقبال زیادی برخوردار بوده و با اشاره به نگاره ای از مثنوی "گوی و چوگان" عارفی هروی، به خاستگاه ایرانی چوگان با اندکی تردید نگریسته است (Amundson, 2009: 3-22). محمودی نیز پیشنهاداتی چون: انجام تحقیقات تاریخی مثل سوارکاری و ورزش های پهلوانی، بررسی زمینه های ارتقای سوارکاری و تأثیرات آن بر چوگان، بررسی ایجاد مجدد سواره نظام به شکل نمادین و یگان تشریفات در نیروی نظامی در جهت حفظ هویت تاریخی- فرهنگی سوارکاری و چوگان، بررسی و مطالعه زمینه های ایجاد مدارس چوگان و اهمیت گردشگری چوگان^۱ در توسعه این ورزش را ارائه کرده است (محمودی، ۱۳۹۱: ۱۴۹ تا ۱۱۴). ایزدی و کوزه چیان مواردی چون: تشریح و تحلیل آغاز و توسعه ورزش چوگان در تاریخ ایران، کاوش پیرامون نقش جاری بازی چوگان در جامعه، ریشه های تاریخی چوگان در ایران باستان و دوره اسلامی، چوگان در ادبیات و متون تاریخی مانند شاهنامه فردوسی، قوانین مسابقه و وسایل ضروری چوگان باز، ویژگی های گوی و چوب چوگان مورد استفاده در حال حاضر را برشمرده و نیز مدیریت جدید و بازشناسی دوباره این رشته ورزشی را خواستار شده و در نهایت دلایل انزوای این رشته ورزشی را بیان کرده اند (ایزدی و کوزه چیان، ۱۳۸۶: ۳۳۶ تا ۳۱۷).

مطالعه نگاره های به جای مانده از ادوار مختلف ایران تاکنون موضوع بسیاری از مطالعات و طرح های پژوهشی بوده و بیشتر این مطالعات از منظر تاریخی- ادبی، هنری و ورزشی به موضوع نظر کرده اند. رویکردهای آنها را می توان در دسته بندی هایی همچون: مطالعات ادبی، عرفانی، تاریخی، ساختارگرایی، فرمالیسم^۲، آنالیزهای رنگی، سبک شناسی و تربیت بدنی مورد ملاحظه قرار داد. اما به نظر می رسد در این میان یک مسئله مغفول واقع شده و آن، بررسی ابزار چوگان ایران در آثار هنری و تطبیق آن با متون تاریخی و ادبی هم دوره آن است. از سوی دیگر، در مطالعات صورت گرفته نیز استناد به جنبه های باستان شناسی نگاره ها و متون کهن جهت بررسی ابزار و ادوات چوگان- علیرغم اهمیت بسیار- نادیده انگاشته شده و یا به آن کم توجهی شده است. بی تردید، مطالعات انجام شده مسائل بسیاری را پاسخ گفته و گامی مؤثر در زمینه معرفی چوگان ایرانی به دنیا بوده است. اما، سیر تحول ابزار چوگان و مسائلی از این دست، جای خالی پژوهش هایی از این قبیل را در میان مطالعات ارزنده ذکر شده به وضوح نشان می دهد. از آن جا که نمی توان برای چوگان هویتی مستقل، فارغ از متون تاریخی- ادبی، هنر و ورزش قائل شد و از سوی دیگر، این رشته ورزشی طیف وسیعی از علوم و رشته ها را در بر می گیرد، لذا مطالعات آن، به نوعی میان رشته ای است. بنابراین انجام این پژوهش در مطالعه نگاره های چوگانی و اجماع آن با متون تاریخی- که بخش انکار ناپذیری از تاریخ چوگان ایران اند- از این منظر، الزامی می باشد و تلاش می کند تا در حد توان، دیدگاه متخصصان و مدیران ورزشی و میراث فرهنگی را به عنوان رکنی اصلی در تصمیم گیری های کلان، ارتقا بخشد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه تاریخ نگاری نوین و با اتکا به دیدگاه رابین جورج کالینگوود^۳ در حوزه "تاریخ تحلیلی" و به شیوه کیفی^۴ انجام یافته که در آن منابع تصویری، منابع مکتوب ادبی و تاریخی مورد استفاده قرار گرفته اند؛ به طوری که "به پرسش هایی که بر زمینه هایی چون توسل به مدارک پایه ریزی شده، پاسخ می دهد" (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۲۸). بر این اساس، از بین آثار هنری دارای تاریخ موثق و یا امضای هنرمند، دو

1. Polo Tourism
2. Formalism
3. Collingwood Robin George
4. Qualitative Research

اثر مربوط به دوره سلجوقی و پنج اثر مربوط به دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین از بین آثار مکتوب، ۱۴ شاعر سلجوقی، ۱۴ شاعر صفوی، یک وزیر دربار صفوی^۱ و پنج سفرنامه از جهانگردان و سفرای اروپایی در دوره صفوی مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است. با مقایسه منابع مکتوب [دارای نسخه دیجیتال بوده و یا به صورت دستی جستجو شده] فوق، هر کدام از منابع که به لحاظ کمی، داده های بیشتری ارائه می کرد، به عنوان مرجع برگزیده شد. همچنین جهت سهولت، مراجع بدین شکل کدگذاری شده اند: نرم افزار درج ۳=D، موتور جستجوی گنجور G=، لغت نامه علامه دهخدا L= و جستجوی کتابخانه ای K=.

یافته های پژوهش

چوگان در منابع مکتوب دوره سلجوقی به شرح زیر است:

محمد ابن اسفندیار (مورخ قرن ۶ و ۷ ه.ق.) در بخشی از کتاب "تاریخ طبرستان" با عنوان "پادشاهی حسام الدوله اردشیر ابن الحسن سی و چهار سال و هشت ماه بود" پس از برشمردن ویژگی های ظاهری حسام الدوله شهریار طبرستان [معاصر با سلطان محمد (حک. ۴۹۸ ه.ق. - ۵۱۱ ه.ق.) پسر ملکشاه سلجوقی]، به وصف چوگان بازی او می پردازد. ابن اسفندیار آورده است: "و اگر به نشاط گوی مشغول خواستی بود، ۱۵۰ اسب چوگانی به میدان زین کرده با سرآخوران [رئیس اصطبل] بیاوردندی تا هر که گوی بچوگان گیرد بر اسب او نشیند، و بهر چهار حد میدان شرابدار بر موکب [گروه سواران یا پیادگان] با قدح شراب استاده بوده تا اگر یکی را تشنگی غالب شود آنجا گراید و شربت خورد، و جامه گوی اصفهید بنخلاف دیگر جامه ها بودی، قباي تنگ پوشیدی و کلاه را سربند بستی و کمر مرصع با لوح های یشم «قل هو الله و یس» نبشته بستی و چون فارغ شدی از تماشای میدان، به گرمابه شدی و آن قبا و کلاه ببخشیدی" (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۲۱). در میان جستجوهای صورت گرفته در آثار شعری عهد سلجوقی، از بین چهارده شاعری که در آثارشان به چوگان و کلمات مرتبط با آن اشاره کرده اند، بابا افضل کاشانی، خاقانی شروانی، فلکی شروانی، قوامی رازی، مجیرالدین بیلقانی و نظامی گنجوی به مواردی درباره جنس و شکل چوب چوگان اشاره داشته اند: بنا بر داده های نرم افزار درج^۳ بابا افضل در دیوان اشعار خود در قسمت رباعی ها اشاره ای (نازیبا) به شکل چوب چوگان داشته است که بنا بر جستجوهای صورت گرفته در دواوین مختلف بابا افضل با مصححان و چاپ های متفاوت، رباعی مورد نظر یافت نشد و لذا از ذکر آن در این پژوهش خودداری می گردد.

خاقانی شروانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "جلال الدین ابوالمظفر اخستان شروانشاه" در بیت ۱۸ ام چنین می گوید:

خواهد سپهر کاندم خورشید گوی گردد / چون در کفش هلالی چوگان تازه بینی (خاقانی شروانی، ۱۳۳۸: ۴۳۲).
همچنین خاقانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "شروانشاه جلال الدین ابوالمظفر اخستان ابن منوچهر" در بیت ۱۰۴ ام چنین می گوید:

تا شب است و ماه نو گویی که از گوی زمین / گرد بر گردون ز سیمین صولجان افشاندند اند (همان، ۱۳۳۸: ۱۱۱). ۳.

فلکی شروانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "شروانشاه منوچهر ابن فریدون" در بیت سوم چنین آورده است:

بود به میدان عید پیکر خورشید گوی / ز آن به شب عید ماه چون سر چوگان رسید (فلکی شروانی، ۱۳۴۵: ۳۰). ۴.
قوامی رازی در دیوان اشعار خود در غزلی به مناسبت عید فطر، در بیت دوم چنین آورده است:

ماه شب عید هست چون سر چوگان تو / زن ز طرب همچو گوی خلق بود بی قرار (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۵۰).
مجیرالدین بیلقانی بنا بر داده های نرم افزار دُرَج ۳ در دیوان اشعار خود اشاره ای به شکل چوب چوگان داشته است که بنا بر جستجوهای صورت گرفته در دواوین مختلف مجیر با مصححین و چاپ های متفاوت، بیت مورد نظر یافت نشد و لذا از ذکر آن در این پژوهش خودداری می گردد.

نظامی گنجوی در کلیات خمسه، بخش "خسرو و شیرین" در ذیل عنوان "چوگان باختن خسرو با شیرین" در بیت ۱۸ ام به نکته ای اشاره کرده و چنین می گوید:

ز چوگان گشته بیدستان همه راه / زمین زان «بید صندل سوده» [۳] بر ماه (نظامی گنجوی، ۱۳۴۴: ۲۰۳)
که آذرنوش معتقد است که این بیت اشاره به جنس چوب چوگان دارد که از درخت بید بوده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۵۸).

همچنین نظامی در "خسرو و شیرین" در بخش "دیدن خسرو، شیرین را در چشمه سار" در بیت ۱۱۰ ام چنین می گوید:

خمیده بیدش از سودای خورشید / بلی رسم است چوگان کردن از بید (نظامی گنجوی، ۱۳۴۴: ۱۸۱).
این بیت که به واقعیت نزدیک تر می نماید، نظامی اشاره مستقیم و واقعی تری (نسبت به دیگر شعرا) به جنس چوب چوگان و شکل کلی آن داشته است (نگاه کنید به جداول ۱ و ۳).

چوگان و نمود آن در آثار هنری دوره سلجوقی شامل دو مورد از آثار به جا مانده می شوند که هر دو از جنس سفال بوده و با لعاب های مختلف نقاشی شده اند. اولین اثر بر جای مانده، بشقابی با لعاب «زرین فام» با نقش زن چوگان باز مربوط به سال ۶۰۴ ه.ق. است که در موزه ویکتوریا و آلبرت^۱ انگلستان قرار دارد. دورتا دور کاسه با گل های تکرار شونده آراسته شده و در داخل ظرف و گرداگرد شخصیت مصور شده، متنی فارسی [احتمالاً شعر] مرقوم شده است. تصویر زن چوگان باز، یادآور مشخصه های بارز^۲ نقاشی دوره سلجوقی است و مدل موها و هاله نور دور سر زن، مؤید این مطلب است. زن در میان انبوهی از شاخه ها و گل های اسلیمی و ختایی و پرندگان، محصور شده که می تواند نشان دهنده همگامی چوگان و شکار در دوره سلجوقی باشد. از سویی چوب چوگانی که در دست زن قرار دارد، نازک بوده و بلندی آن تقریباً به اندازه چوب های چوگان امروزی بوده و شکل کلی آن به شکل «ل» است (تصویر ۱).

تصویر ۱: بشقاب زرین فام با نقش زن چوگان باز، کاشان، سال ۶۰۴ ه.ق.، موزه ویکتوریا و آلبرت، (ابراهیم نژاد، ۱۴۰۲: ۱۳۹۲)



1. Victoria and Albert Museum
2. Typical

دومین اثر مربوط به پارچ سفالی لعابدار با نقش چوگان باز است. تکنیک لعاب در این ظرف، احتمالاً زیرلعابی بوده و هنرمند از طیف گسترده‌ای از لعاب‌ها در اثر خود استفاده کرده است. گرداگرد دهانه پارچ در داخل و خارج، با خطوطی (احتمالاً کوفی) آراسته شده و به احتمال زیاد داستان نگاره را شرح می‌دهند. سپس زنجیره‌ای سبزرنگ بشکل دوایر به هم پیوسته، دورتادور گردن ظرف را آراسته‌اند که می‌تواند یادآور گوی چوگان باشد. دو شخصیت مصور شده با چهره و هاله دور سر که مشخصه بارز نقاشی سلجوقی است، ترسیم شده‌اند و در پس زمینه‌ای با لعاب فیروزه‌ای رنگ قرار دارند. از سویی در پس زمینه اثر گل‌های اسلیمی مشاهده می‌شود که در فواصل مختلف دارای اشکال دایره‌شکلی هستند که تداعی‌کننده جنب و جوش بازی چوگان و حرکت گوی چوگان می‌باشند. چوب چوگانی که در دست چوگان باز سمت راست است به شکل «ل» است (تصویر ۲).

تصویر ۲: پارچ سفالی لعابدار با نقش چوگان بازی، ایران، دوره سلجوقی (ابراهیم نژاد، ۱۷، ۱۳۹۲)



نمود چوگان در منابع مکتوب دوره صفوی شامل متون ادبی، نسخ خطی، کتب تاریخی و سفرنامه‌های به جای مانده می‌شوند که به ذکر چند نمونه پرداخته می‌شود. همچنین در جستجوهای صورت گرفته جهت یافتن متونی که به جنس و شکل چوب چوگان اشاره‌ای کرده‌اند، از میان شاعران و نویسندگان دوره صفوی که چوگان و صولجان را در آثار خود به کار برده‌اند، محمد طاهر وحید، محتشم کاشانی، وحشی بافقی و قاسمی گنابادی به فرم، جنس یا تزیین چوب چوگان اشاره کرده‌اند (نگاه کنید به جداول^۲ و ۳).

الف - شاه تهماسب اول

۱. میشل مامبره^۱ بازی تهماسب را دیده است. مامبره در سال ۱۵۴۰ م. به نمایندگی از جانب دولت ایتالیا به پایتخت ایران، تبریز آمد و با شاه صفوی دیدار کرد. وی در "گزارش ایران" خود نقل می‌کند که روزی به تماشای چوگان بازی شاه رفت. در آن روز، شاه با برادر خود بازی می‌کرد. هریک از دو برادر در یک گروه پنج نفری بازی می‌کردند. چوب و گوی شان از جنس چوب و گوی اندکی از تخم مرغ بزرگتر بود. انبوه مردم نیز از پس دیوارهای کوتاهی که پیرامون میدان را گرفته بود، به تماشای بازی آمده بودند (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۷۸).

1. Membre Michele

۲. محتشم کاشانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "والی گیلان جمشید زمان" در بیت ۲۱^۱م چنین می گوید:

آورند از یک گریبان سر برون بدر و هلال / روز میدان چون نهد بر دوش زرین صولجان (محتشم کاشانی، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

وحشی بافقی در دیوان اشعار خود در ستایش شاه تهماسب در بیت ۲۸^۲م چنین آورده: چون غلامان به دوش ترک سپهر / از مه عید صولجان باشد (بافقی، ۱۳۳۹: ۱۸۸). قاسمی گنابادی (جنابادی) در کتابش گوی و چوگان یا "شاه اسماعیل نامه" [این انتساب نادرست است و کتاب در وصف چوگان بازی شاه تهماسب می باشد که شاعر در متن کتاب به نام تهماسب تصریح کرده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۷۸)] که به سال ۹۴۷ ه.ق. سروده، به شیوه ادبی شاه تهماسب و چوگان بازی وی را ستوده است. گنابادی در بیت شانزده چنین سروده است: ز میدان برم بر فضای سپهر / به چوگان قوس قزح گوی مهر (قاسمی گنابادی، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

ب- شاه عباس اول

در زمان شاه عباس اول چوگان به اوج شهرت و اعتبار رسید و یکی از بزرگترین و زیباترین میدان های جهان [میدان نقش جهان] به آن اختصاص یافت.

۱. کهن ترین گزارش مربوط به سفرنامه (برادران شرلی) آنتونی شرلی^۱ (۱۵۶۵م-۱۶۳۵م) و رابرت شرلی^۲ (۱۵۸۱م-۱۶۲۸م) است. رابرت شرلی چنین نقل کرده است: "بعد از این تهیه مهمانی را فراهم آوردند. اول اسباب طرب به میان آمد و دو ساعت وقت خود را به عیش گذراندیم. بعد از ختم مجلس، پادشاه از سر آنتوان خواهش کرد که از پنجره تماشای اسب دوانی کند. در جلو خانه میدان قشنگ وسیعی بود که خوب صاف و مسطح کرده بودند. پادشاه به آنجا رفته و وقتی سوار شد، کرناها و طبل ها را نواختند. جمعاً ۱۲ نفر سوار با پادشاه که در دست خود چوب های درازی داشتند که به قدر یک انگشت قطر داشت و در سر آن چوب ها یک تکه چوب دیگر مانند سر چکش نصب کرده بودند. بعد از این که دو قسمت شده و روبرو آمدند، یک نفر به میان آنها آمده و گویی از چوب به بالا می انداخت ... به کرات پادشاه به سمت سر آنتوان که از پنجره تماشا می کرد، آمده پرسید که آیا خوشتان می آید؟" (شرلی، ۱۳۷۸: ۵۴).

۲. پیتر و دلاواله^۳ (۱۵۸۶م-۱۶۵۲م) هنگامی که در سفر قزوین همراه شاه عباس بود، در بخشی از سفرنامه خود با عنوان "از قزوین" چنین آورده: "وقتی شاه مایل باشد، یعنی تقریباً هر شب، ضمن یک آهنگ خاص نقاره خانه، کسانی که به بازی چوگان آشنایی دارند وارد میدان می شوند. شاه شخصاً عده ای را برای بازی صدا می کند و خود نیز چوگان به دست می گیرد و اسب می تازد و می توان گفت این بازی را خیلی بهتر از دیگران می داند. چوگان تقریباً چیزی شبیه آن بازی است که مردم فلورانس^۴ با پای پیاده انجام می دهند و به آن کالچو^۵] می گویند ... هر سواری می کوشد تا خود را زودتر به گویی که از چوب بسیار سبک ساخته شده است، برساند و آن را با چوگان که چوب بلند سرکچی است از دست حریف خارج کند." (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۹۵).

ج- شاه عباس دوم

۱. تاورنیه^۵ (۱۶۰۵م-۱۶۸۹م) که در اواخر حکومت شاه عباس دوم (حک. ۱۰۵۲ ه.ق- ۱۰۷۷ ه.ق.)

1. Anthony Sherley
2. Robert Sherley
3. Pietro Della Valle
4. Florence
5. Tavernier Jean-Baptiste

وارد ایران شد در فصل پنجم از سفرنامه خود با عنوان "شهر اصفهان پایتخت کل ممالک پادشاه ایران" میدان نقش جهان را چنین توصیف می کند: "میدان بزرگ قریب هفتصد قدم طول و سیصد قدم عرض دارد، طول آن از جنوب به شمال واقع شده و در چهار سمت، عمارت دارد... روبروی درگاه که به سمت بدنه چوبی میدان می رود، دو پایه سنگ به ارتفاع پنج شش پا و به فاصله هفت هشت پا دور از یکدیگر دیده می شود که برای چوگان بازی ساخته شده و باید گوی را در تاخت اسب چنان بزنند که از وسط آن دو بگذرد" (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۹۱).

۲. محمد طاهر وحید (؟ه.ق. - ۱۱۱۰ه.ق.). بازی شاه عباس دوم را در گفتاری آکنده از استعاره ستوده است: "...از هلال نورانی چوگان که با سرپنجه زرافشان آن خورشید درخشان قران داشت. ماه تمام چون گوی غلتان سرگشته وادی حیرت می گردید... و گوی از صدمه چوگان آن ممتاز پادشاهان، همقطار سیارگان و زمین از صدمه سُم آهنین مرکبش، غازه رخسار آسمان بود ...» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۴۰).

د - شاه سلیمان

۱. سفرنامه ژان شاردن^۱ (۱۶۴۳م. - ۱۷۱۳ م.). حاوی اطلاعات ارزشمندی از چوگان در دوران شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی (حک. ۱۰۷۷ه.ق. - ۱۱۰۵ه.ق.) است. شاردن در توصیف میدان نقش جهان چنین آورده است: "...رشته به هم پیوسته بناها توسط عالی قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله و بازار شاهی [قیصریه] از هم جدا شده بود. دوازده ورودی اصلی و تعداد زیادی ورودی فرعی دیگر وجود داشت. در مرکز میدان، ستون بندی قرار داشت که در طرفین آن دو سکوی کوچک عالی ساخته شده بود. در میدان، تیرک های مرمرینی نیز جهت بازی چوگان تعبیه شده بود که مشابه دروازه های دوره پارتیان بود" (فریر، ۱۳۸۴: ۱۰۳). شاردن در فصل دوازدهم سفرنامه خود با عنوان "ورزش ها و بازی های ایرانیان"، سرگرمی ها و ورزش های ایرانیان را به چهار بخش تقسیم کرده و چنین آورده است که جوانان ایرانی تا هجده و بیست سالگی در محضر استادان و خواجگان به آموختن دانش و ادب می پردازند و از آن پس به ورزش رو می آورند. این ورزش ها عبارت اند از: تیراندازی با تیروکمان، شمشیربازی، سوارکاری و چوگان. در ادامه چنین می گوید: "چوگان بازی در میدان بزرگی که در هر یک از انتهای مقابلش دو ستون، مقداری دور و برابر هم تعبیه شده و به جای دروازه است، انجام می گیرد. در وقت شروع بازی، گوی را در وسط میدان می اندازند و بازیکنان در حالی که چوگان به دست دارند برای زدن گوی به هر سو می تازند و چون دسته چوگان کوتاه است باید بدن خود را به طرف زین خم کنند تا بتوانند گوی را به ضرب چوگان به گردش در بیاورند" (شاردن، ۱۳۷۴: ۷۸۳).

چوگان و نمود آن در نگاره های دوره صفوی شامل پنج نگاره از نفیس ترین و ممتازترین نگاره ها می شود که به ترتیب تقدم زمانی از قدیم به جدید، مرتب شده اند. اولین اثر مربوط به شاهنامه تهماسبی با موضوع "هنر نمودن سیاوش نزد افراسیاب"، به سال ۹۲۶ تا ۹۳۶ هجری قمری و اثر "قاسم بن علی" است. "قاسم شیرازی" نگارگر ایرانی فعال در نیمه نخست قرن دهم هجری قمری است. گویا در شیراز آموزش دیده و سپس به تبریز رفته و به جمع هنرمندان دربار شاه تهماسب اول پیوسته و در چند تصویر شاهنامه تهماسبی با میر مصور و محمد قدیمی همکاری داشته است. (پاکباز، ۱۳۹۰: ۳۸۳).

داستان شناسی نگاره: در پیگیری اشعار نوشته شده به خط نستعلیق که در بالا و پایین نگاره نگاشته شده اند، مشخص گردید که اشعار مربوط به شاهنامه فردوسی و بخش هشتم از "داستان سیاوش" می باشند و فردوسی تنها در این بخش از داستان سیاوش هشت بار چوگان به کار برده است. همچنین از بین چهارده داستان از شاهنامه فردوسی که در آنها چوگان به کار رفته، "داستان سیاوش" به لحاظ کمی رتبه اول را داشته

و فردوسی ۱۰ مورد چوگان در تمامی ۲۱ بخش این داستان قید کرده است. داستان مربوط به چوگان بازی سیاوش در حضور افراسیاب و نیرنگ و خدعه سپاهیان افراسیاب نسبت به اوست و فردوسی به تنهایی سیاوش در میدان و نحوه چوگان بازی کردن او پرداخته است (فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۰۷ تا ۱۱۴). در این نگاره جمعا ۲۸ نفر حضور دارند که عبارت اند از: پنج نفر نوازنده دهل و سرنا که که بر گرده شتر و اسب سوارند، چهار نفر تماشاگر که به صورت پیاده در پشت تپه ها حضور دارند، سه نفر تماشاگر که هر سه بر اسب سوارند و یکی از آنها که دارای محاسن است و تزئین کلاه اش متفاوت بوده و در حال نوشیدن پیاله ای است که در دست دارد و از بقیه مسن تر به نظر می رسد - احتمال می رود که افراسیاب باشد، دو نفر خادم که روبه روی افراسیاب در پشت تپه ها ایستاده اند و مشغول پذیرایی از میهمانان با نوشیدنی و خوراکی هستند، پنج نفر چوگان باز در سمت چپ و راست میدان بر روی اسب به حالت آماده هستند و در واقع بازیکن ذخیره اند. در کانون نگاره نه نفر به چوگان بازی در میدان مشغول هستند. شکل سر چوب ها نیز به شکل «L» بوده و رنگ های مختلفی دارد که یا نقاش به جهت پرهیز از یکنواختی کار، آنها را رنگارنگ مصور نموده و یا رنگ های واقعی را که دیده، مصور کرده است (تصویر ۳).

تصویر ۳: هنر نمودن سیاوش نزد افراسیاب، شاهنامه تهماسبی، اثر قاسم بن علی، حدوداً ۹۲۶-۹۳۶ هجری قمری (ferdowsi, ۲۰۰۹, ۵۰)



دومین اثر نگاره "چوگان بازی کردن خسرو و شیرین" از کتاب خمسه نظامی است که مربوط به سال ۹۴۷ هجری قمری است و در دانشگاه کمبریج^۱ نگهداری می شود. داستان شناسی نگاره: با توجه به چوگان بازی زنان و مردان در این نگاره و ذکر این نکته که در میان داستان های کهن ایران تنها در داستان خسرو و شیرین از چوگان بازی میان زنان و مردان سخن رفته، مشخص گردید که داستان مربوط به کتاب خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجوی و مربوط به بخش "اندرز و سوگند دادن مهین بانو شیرین را" می باشد. نظامی تنها در این بخش پنج بار چوگان آورده است. این داستان منظوم با پند و اندرز مهین بانو (مادر شیرین) به شیرین آغاز می شود و مهین بانو چگونگی رفتار با مردان و تقدم ازدواج بر عشق بازی را به شیرین تاکید می کند. در ادامه شیرین و خسرو با هم ملاقات می کنند و برای چوگان بازی آماده می شوند و شیرین و بانوان همراه اش علیرغم تصور خسرو، بسیار متبحر و چالاک ظاهر می شوند و تعجب خسرو را برمی انگیزند و در انتها به شکار می پردازند (نظامی گنجوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱ تا ۲۲۵). دو

1. University of Cambridge

چوگان باز ذخیره زن بر روی اسب، به حالت آماده ایستاده اند. دو چوگان دار مرد که در پشت تپه ایستاده اند و با یکدیگر گفتگو میکنند. در مجموع چهار چوگان باز مرد و سه چوگان باز زن در میدان حضور دارند. سرچوب های چوگان در این نگاره به شکل «T» منحنی است (تصویر ۴).

تصویر ۴: چوگان بازی کردن خسرو و شیرین، خمسه نظامی، حدود ۹۴۷ هجری قمری



سومین نگاره با عنوان "ایاز چوگان بازی می کند در حالی که سلطان محمود او را تماشا می کند"، مربوط به کتاب "مجالس العشاق گازرگاهی" است که در سال ۹۸۸ هجری قمری تصویر شده است. داستان شناسی نگاره: با توجه به اینکه به زعم صاحب نظران ارزش تاریخی داستان های مجالس العشاق نسبت به دیگر آثار تاریخی کمتر است، اصل داستان نگاره را از کتب شعرای دیگر بازگو می کنیم. عطار در منطق الطیر در حکایتی منظوم به توصیف ماجرای ابراز عشق درویشی به "ایاز" غلام سلطان محمود پرداخته و در بیان حالات عاشقانه و عارفانه درویش از کلمات گوی و چوگان در معنای تمثیلی و عرفانی بسیار بهره برده است. داستان از این قرار است که درویش و سلطان محمود با هم گفتگو (مناظره) می کنند و سلطان محمود درویش را بخاطر افلاس و بی مایگی لایق ابراز عشق به ایاز نمی داند و او را محکوم می کند و درویش نیز پس از گفتگو با سلطان و شرح دلدادگی خویش نسبت به ایاز، خاطر نشان می سازد که شرط اصلی در عشقبازی، هجران و جانفشانی است، کاری که از تو (سلطان محمود) ساخته نیست و درویش همان دم جان می سپارد (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۸۳ تا ۲۸۰). متونی که در جداول بالا و پایین نگاره آمده، نثر هستند و به نظر می رسد داستان نگاره را شرح می دهند و در قسمت کتیبه ساختمان که نوازندگان بر روی آن ایستاده اند، مصرعی از حافظ (خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد) تصویر شده است. در این اثر فردی که در سمت چپ در بالای تصویر بر روی تخت نشسته و تاجی بر سر دارد که احتمالاً سلطان محمود است و با توجه به مطالبی که به شکل نثر در بالا و پایین نگاره آمده، چهار نفری که در پشت تپه ها ایستاده اند از امرای دربار غزنوی می باشند. مشخص کردن این نکته که "ایاز" کدامیک از چوگان بازان می باشد، بسیار مشکل است، زیرا تمامی چوگان بازان از نظر نوع و فرم لباس در یک محدوده هستند و نمی توان نظری قطعی ابراز کرد. با این وصف احتمالاً بتوان چوگان باز سمت راست نگاره که با چوب در حال زدن ضربه و به لحاظ قرارگیری در روبروی سلطان قرار دارد را ایاز دانست. چوب های چوگان موجود در تصویر تقریباً به شکل «T» منحنی بوده و تماماً یک رنگ و یک شکل می باشند (تصویر ۵).

تصویر ۵: ایاز چوگان بازی می کند درحالی که سلطان محمود او را تماشا می کند، مجالس العشاق گزُرگاهی، حدود ۹۸۸ هجری قمری، (۲۰۴, ۲۰۶, Uluc)

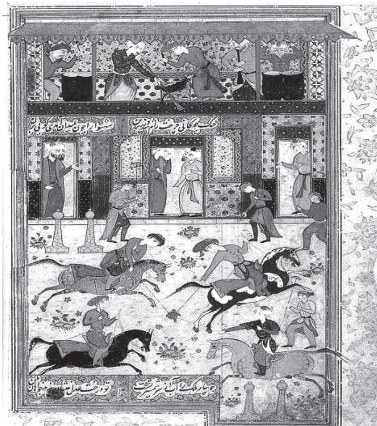


۳۲

چهارمین نگاره، صحنه ای از چوگان بازی مربوط به دیوان حافظ و مکتب شیراز می باشد و در حدود ۹۹۱ هجری قمری تصویر شده است.

داستان شناسی نگاره: در بالا و پایین نگاره ابیاتی از حافظ نوشته شده که مربوط به غزل شماره ۳۹۰ دیوان می باشد (حافظ، ۱۳۹۲: ۳۹۰). این غزل در ظاهر به مناسبت تبریک جلوس اتابک پشنگ ابن سلغرشاه (حک. ۷۵۷.ق. - ۷۹۲.ق.) [از اتابکان فارس] و در واقع به منظور تحریک او سروده شده و حافظ خواسته با سرودن و ارسال این غزل راه ارتباط با اتابک پشنگ را برقرار نماید تا شاید بتواند برای سلطان روزی رقیبی بتراشد (جلالیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷۴). تمامی چوگان بازانی که در این نگاره تصویر شده اند نه تنها چوب چوگانی در دست دارند، بلکه چوب چوگان دیگری را از کمر خود آویزان کرده اند که همراه داشتن چوب چوگان یدکی و آویزان نمودن آن در ناحیه کمر تنها در این نگاره مشاهده می شود. چوب های چوگانی که در این نگاره دیده می شود تماماً یک رنگ بوده که نشان دهنده یکسان بودن جنس آنهاست و به شکل «V» با زاویه باز است (تصویر ۶).

تصویر ۶: صحنه چوگان بازی، دیوان حافظ، مکتب شیراز، حدود ۹۹۱ هجری قمری (ریشار، ۲۰۰، ۱۳۸۳)



پنجمین نگاره "بازی چوگان" از شاهنامه فردوسی معروف به "شاهنامه قوام بن محمد شیرازی" است. این اثر مجلس بیستم بوده و به سال ۱۰۰۸ هجری قمری تصویر شده است و در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می شود. در عنوان تصویر قید نگردیده که این نگاره مربوط به کدام یک از داستان های شاهنامه فردوسی است، ولی با پیگیری اشعار مشخص گردید که نگاره مربوط به چوگان بازی گشتاسب (پسر لهراسب) و چابک سواران دربار قیصر روم می باشد. با پیگیری اشعار موجود در بالا و پایین نگاره مشخص گردید که داستان مربوط به بخش دوازدهم از "پادشاهی لهراسب" شاهنامه است و داستان درباره به میدان رفتن گشتاسب و هنرنمایی او برای چوگان بازی با چابک سواران دربار قیصر روم است و وقتی رومیان هنرنمایی و مهارت گشتاسب را در بازی چوگان می بینند، او را به نبرد نیز دعوت می کنند و گشتاسب نیز از نبرد سرافراز بیرون می آید (فردوسی، ۱۳۹۰: ۲۷۲ تا ۲۷۳). در این نگاره ۴۰ نفر تصویر شده که بسیار شلوغ است و با توجه به اینکه مسابقه چوگان بین ایران و روم بوده و از حساسیت زیادی برخوردار بوده، می توان دلیل شلوغی نگاره را توجیه کرد. دو نفر زن از بالاخانه (بالکن) با حجابی کامل (به احتمال زیاد یکی از آنان "کتایون" دختر قیصر که در عین حال همسر گشتاسب نیز می باشد، است) و پنج نفر چوگاندار که بسیار جوان هستند به همراه یک نفر که به لحاظ سنی از آنها بزرگتر است و محاسن و عمامه دارد و به نظر می رسد رئیس و هدایت کننده چوگانداران است در تصویر مشاهده می شوند. ده نفر چوگان باز هم در میدان حضور دارند. شکل سر چوب های چوگان در این نگاره به شکل «V» با زاویه باز بوده و تمامی سر چوب ها یک رنگ هستند (تصویر ۷).

تصویر ۷: بازی چوگان، شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه قوام بن محمد شیرازی، مجلس بیستم، حدود ۱۰۰۸ هجری قمری، موزه رضا عباسی، (عکس از استاد محمدرضا ریاضی)



تحلیل یافته های پژوهش

در تحلیل شکل و رنگ چوب چوگان در هفت نگاره مورد بررسی، فرض بر این گرفته شده که نگارگران در رسم نگاره نهایت دقت و ظرافت را به خرج داده و هر چیزی را همانطور که دیده اند، ترسیم نموده و تقلیدی از نگاره های متقدم تر نکرده اند. همچنین با بررسی های دقیق نگاره های مورد بررسی در این

پژوهش، اختلاف فرم و رنگ ابزار چوگان جلب نظر می کند که سبب پیگیری دلایل اختلاف در نگاره ها گردید- کنار هم قرار دادن نگاره ها و انطباق آنها با متون تاریخی و ادبی همزمان با آنها، به نتایج موثق و قابل قبولی منتج شد:

نگاره اول و دوم، مصادف با دوره سلجوقی

در این دو نگاره که متعلق به دوره سلجوقی هستند، شکل سرچوب های چوگان به شکل «ل» می باشد که با سروده های خاقانی شروانی و فلکی شروانی و قوامی رازی مبنی بر هلالی بودن و سروده های نظامی گنجوی مبنی بر خمیده بودن چوب چوگان مطابقت می کند. همچنین نظامی به جنس چوب چوگان هم که از جنس بید بوده و خاقانی شروانی هم به سیمین بودن (احتمالاً تزیین) چوب اشاره کرده است.

نگاره سوم، اوایل قرن ۱۰ه.ق.، مصادف با حکومت تهماسب اول

شکل سرچوب ها «L» شکل بوده و نقاش آنها را در رنگ های مختلف ترسیم کرده که یا به دلیل پرهیز از یکنواختی بوده و یا به جهت اختلاف در جنس آنها بوده است. همچنین در بررسی های انجام شده در این مقاله، اثر ادبی ای که مقارن با اوایل قرن ۱۰ه.ق. بوده و در آن کلمه چوگان آمده باشد، یافت نشد.

نگاره چهارم، اواسط قرن ۱۰ه.ق.، اواخر حکومت تهماسب اول

شکل سرچوب ها به «T» منحنی تغییر شکل داده و به نظر می رسد به جهت سهولت استفاده از چوب چوگان در هنگام برخورد سرچوب با زمین، این تغییر ایجاد شده باشد. همچنین وقتی این نگاره را با نوشته های قاسمی گنابادی تطبیق می دهیم، می بینیم که شکل «ن» که از توصیفات اوست با «T» منحنی قرابت دارد. همچنین در بررسی های انجام شده در این مقاله، اثر ادبی ای که مقارن با اواسط قرن ۱۰ه.ق. بوده و در آن کلمه چوگان آمده باشد، یافت نشد.

نگاره پنجم، اواخر قرن ۱۰ه.ق.، حدفاصل پایان حکومت تهماسب اول و آغاز حکومت عباس اول

شکل سرچوب ها کماکان به صورت «T» منحنی بوده و وقتی این نگاره را با نوشته های شرلی که چوب های چوگان را چکشی شکل توصیف کرده، منطبق می کنیم، نشان از هماهنگی نگاره و توصیفات شرلی دارد. همچنین از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف با این نگاره سروده شده اند می توان به دیوان اشعار میرداماد با نه مورد چوگان، دیوان اشعار محتشم کاشانی با ۱۸ مورد چوگان و ۱۱ مورد صولجان، قاسمی گنابادی با ۸ مورد چوگان و محمد فضولی با ۱ مورد چوگان اشاره کرد که جمعاً ۴۷ مورد است و در این بین محتشم کاشانی اشاراتی به زرین بودن چوگان (احتمالاً تزیین) داشته و قاسمی گنابادی چوب چوگان تهماسب اول را به قوس قزح (هلالی شکل) تشبیه کرده و مامبره نیز جنس چوب چوگان را چوبی توصیف کرده است.

نگاره ششم، اواخر قرن ۱۰ه.ق.، حدفاصل پایان حکومت تهماسب اول و آغاز حکومت عباس اول

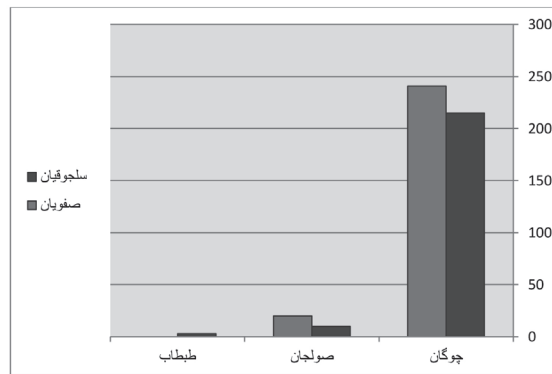
شکل سرچوب ها به صورت «V» با زاویه باز تغییر شکل داده و از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف با این نگاره سروده شده اند می توان به دیوان اشعار نظیری نیشابوری با ۱۳ مورد چوگان و دو مورد صولجان و دیوان اشعار عرفی شیرازی با دو مورد چوگان و آثار خلد برین، فرهاد و شیرین و دیوان اشعار وحشی بافقی با ۱۱ مورد چوگان و هفت مورد صولجان اشاره کرد که جمعاً ۳۵ مورد است و تنها وحشی بافقی شکل چوب چوگان را به هلال ماه تشبیه کرده است.

نگاره هفتم، اوایل قرن ۱۱ه.ق.، اوایل حکومت عباس اول

شکل سرچوب ها کماکان به صورت «V» با زاویه باز بوده و جنس آنها با توجه به رنگ قهوه ای آنها در نگاره، چوب می باشد که با توصیفات دلاواله مبنی بر "اندکی خمیده بودن چوب چوگان" هماهنگ است. همچنین از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف و یا پس از این نگاره سروده شده اند می توان به قصاید رضی الدین آرتیمانی با یک مورد چوگان، دیوان اشعار سیدای نسفی با ده مورد چوگان، دیوان اشعار صائب

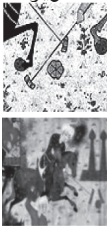
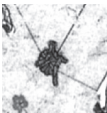
تبریزی با ۱۴۱ مورد چوگان، غزلیات فیض کاشانی با ۱۲ مورد چوگان، دیوان اشعار کلیم کاشانی با یک مورد چوگان، دیوان اشعار واعظ قزوینی با پنج مورد چوگان و غزلیات بیدل دهلوی با نه مورد چوگان اشاره کرد که در این بین تمامی ترکیبات چوگان مورد استفاده، در معنایی غیر از چوگان و به صورت استعاری و عرفانی هستند. همچنین با مقایسه فواصل زمانی پنج نگاره صفوی مورد بررسی در مقاله حاضر، محدوده زمانی اوایل قرن ۱۱ ه.ق. و اوایل حکومت عباس اول به بعد، شاهد شکوفایی روزافزون چوگان هستیم، چراکه به لحاظ کمی سروده های شاعران نیز در باب چوگان، افزایش چشمگیری داشته (جمعا ۱۷۹ مورد) و در این میان ۱۴۱ مورد چوگان در دیوان اشعار صائب تبریزی گواه این مدعاست.

نمودار ۱: کاربرد چوگان، صولجان و طباطب در آثار ادبی و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی



جدول ۴: مقایسه شکل ظاهری سرچوب چوگان در نگاره ها و نسخ خطی دوره صفوی

دوره	الگو	نگاره	فرم (با استناد به نگاره ها)	جنس چوب چوگان (با استناد به کتب ادبی، تاریخی و نسخ خطی)
		تصویر ۱ 	شبه « ل »	*بید صندل سوده (نظامی گنجوی) *تزیین سیمین (خاقانی شروانی)
		تصویر ۲ 		

*چوب (شرلی ، دلاواله، مامبره) *تزئین زرین (محتمس کاشانی)	شبییه «L»	تصویر ۳ 		صفوی
	منحنی «T»	تصویر ۴ 		
	با زاویه باز «V»	تصویر ۵ تصویر ۶ 		
		تصویر ۷ 		

بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی آثار تاریخی و ادبی به عنوان مهمترین اسناد مکتوب و سپس نگاره های این دوره که نمایشی حقیقی از نمای آن عهد هستند و نیز ارجاع به مطالعات مربوط به ورزش چوگان مشخص گردید که میزان فراوانی آثار هنری دوره سلجوقی چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ تنوع آثار، در مقایسه با آثار ادوار متاخرتر نظیر دوره صفوی از تعداد و تنوع کمتری برخوردار بوده است، چرا که به دلایل درگیری های نظامی و کشورگشایی ترکان سلجوقی و عدم ثبات سیاسی کشور در این دوره و نبود آرامش نسبی در ایران به خصوص به لحاظ اجتماعی و سیاسی، فضای مناسبی برای رونق و توسعه چوگان وجود نداشته و مجال پرداختن به چوگان را از حاکمان تا اندازه ای سلب می کرده است. در نتیجه، فرصت لازم برای پرداختن به تفریحات و یا ورزش های جمعی نظیر چوگان در میان درباریان سلجوق- همانند آنچه در دوره صفوی دیده می شود- مهیا نبوده است. دوره سلجوقی در مقایسه با دوره های متقدم تر از خود نظیر سامانی و غزنوی، از نظر تعداد شعرا و نویسندگانی که به چوگان اشاره کرده اند، بیشترین تعداد (۴ نفر) را به خود اختصاص

داده و در این بین، بیشترین فراوانی مربوط به شیخ فریدالدین عطار نیشابوری با ۱۰۸ مورد، مویدی بر مدلول توجه طیف وسیعی از مردم و شعرای آن روزگار به چوگان است. از سوی دیگر، ادیبان و شاعرانی که چوگان را موضوع اصلی اثر خویش قرار می دادند، ناچار باید دغدغه مخاطبان را نیز مدنظر داشتند، چرا که اگر آنها از ظرافت کاری های خود بازی آگاه نبودند، بی تردید، از فهم اثر ادبی عاجز می ماندند. همچنین، نظامی گنجوی تنها شاعری است که به جنس و شکل چوب چوگان به وضوح اشاره کرده است. او اشاره ای واقع گرایانه و به دور از تشبیه و استعاره داشته و در آن به فرم خمیده چوب چوگان اشاره کرده و می افزاید که درست کردن چوگان از درخت بید مرسوم است و در بیتی دیگر نیز آورده که چوب چوگان از جنس "بیدِ صندل سوده" [بیدی که با چوب صندل که بر آن مالیده اند خوشبو شده] است. با توجه به اشعار نظامی در مورد ساخت چوگان از بید و اشاره او به چوگان هایی از جنس "بیدِ صندل سوده" و همچنین ویژگی های سست و قابل انعطاف بودن ساقه های درخت بید و وزن مخصوص پایین آن و خواص دارویی چوب صندل از جمله تسکین کمر درد و سردردهای ناشی از گرما، فرح آوری و تقویت دید چشم- تمامی این موارد با چوگان بازی و سوارکاری رابطه مستقیم دارند و وقتی صندل به چوب چوگان مالیده شود سبب تولید بوی خوش در فضای میدان و بهره مندی چوگان بازان و تماشاگران می گردد- می توان گفت که نظامی گنجوی در قرن ششم ه.ق. به واقع آنچه را که در دست چوگان بازان دیده، بی کم و کاست روایت نموده است. در آثار مورد بررسی در دوره سلجوقی، جمعاً ۲۱۵ مورد چوگان، ۱۰ مورد صولجان و ۳ مورد طبطاب یافت شد. با توجه به تقدم دوره سلجوقی آثار کمتری به یادگار مانده و لذا اظهار نظر قطعی دشوار است و چنین به نظر می رسد که توجه به رسوم و سنت های ایرانی (مثل چوگان) و تبلور آن در هنر و احیای آن- همانند آنچه در دوره صفوی دیده شد- چندان مورد توجه دربار سلجوقی نبوده و آنان بیشتر در تداوم سنت های دولت های پیشین کوشیده اند و با توجه به موارد مورد بررسی، تغییر شکل و یا بهبود فرم چوب چوگان صورت نپذیرفته و تنها یک شکل خمیده به فرم «ل» مشاهده شده و بنا بر گفته نظامی گنجوی، جنس چوب چوگان در دوره سلجوقی از درخت بید بوده و خاقانی شروانی هم به سیمین بودن چوب (احتمالاً تزئین) اشاره کرده است. این در حالی است که حضور پررنگ چوگان در متون دوره سلجوقی نشان دهنده توجه به علوم و فنون و توسعه مدارس در این دوره بوده و تعدد شاعران و فزونی آثار با محوریت چوگان در این دوره گواه این مدعاست و حجم آثار مکتوب چوگانی در دو دوره سلجوقی و صفوی به لحاظ کمی تقریباً در یک سطح است.

بنابر مقایسه های صورت گرفته، در نگاره های صفوی شاهد طیف بیشتری از شکل سرچوب چوگان هستیم. لذا با توجه به تمامی مطالب یاد شده چنین می توان استدلال کرد که با توجه به تعداد نگاره های بر جای مانده و تنوع شکل ابزار و ادوات ترسیم شده در آنها، چوگان در دوره صفوی در مقایسه با دوره سلجوقی از اهمیت بالاتری برخوردار بوده که این می تواند حاکی از استقبال بزرگان و امرا و پادشاهان وقت از این ورزش مفرح باشد، چرا که به دلایل رونق اقتصادی و ثبات سیاسی کشور در دوره صفوی و آرامش نسبی حاکم در ایران به خصوص در این دوره، به لحاظ اجتماعی و سیاسی فضای مناسبی برای رونق و توسعه آن وجود داشته است. در نتیجه، فرصت لازم برای پرداختن به تفریحات و یا ورزش های جمعی نظیر چوگان در طیف وسیعی از درباریان صفوی مهیا بوده است. از سوی دیگر، در نگاره های مورد بررسی دوره صفوی سه نوع سرچوب مشاهده شد که در اوایل دوره صفوی فرم "L" و سپس در دوره شاه عباس اول به دو فرم "T" متحنی و سپس "V" با زاویه باز تغییر شکل داده است. چنین به نظر می رسد که به دلیل سهولت استفاده از چوب چوگان در هنگام برخورد سرچوب با زمین و جلوگیری از فرسودگی و استهلاک آن، این تغییرات ایجاد شده باشند و سازندگان آن فرم های مختلفی را می آزمودند و در اختیار چوگان بازاها قرار می دادند؛ چنان که

در نگاره های صفوی بررسی شده نیز تنوع شکل چوب ها مشهود است و بیشترین تغییرات چوب چوگان در زمان شاه عباس اول اعمال شده که به دلیل استقبال او از چوگان بوده و ساخت میدان نقش جهان بنا به دستور او نیز بر حمایت های او از چوگان صحنه می گذارد. همچنین بنابر گفته های مامبره، شرلی و دلاواله، چوب چوگان در دوره صفوی، چوبی بوده و محتشم کاشانی هم به زرین بودن چوب (احتمالاً تزیین) اشاره کرده است و احتمالاً منظورشاعر بیشتر آن نوع از چوب چوگان که به عنوان دَبُوس^۱ یا گرز کاربرد داشته و مزین به زر و سیم و سنگ های گرانبها بوده و جنبه آیینی پیدا کرده و نماد قدرت بوده است و احتمال دوم اینکه چوب های چوگان مورد استفاده اعیان دارای تزییناتی کوچک از جنس زر و سیم بوده است. در نهایت چنین به نظر می رسد که در دوره صفوی به جهت ارتباط با دنیای غرب و پیشرفت علوم و فنون و استقبال گسترده پادشاهان صفوی از چوگان، انگیزه لازم در جهت بهبود شکل چوب چوگان ایجاد شده و تغییر و بهبود کیفیت شکل چوب چوگان در دوره صفوی مشاهده شده است. بر اساس یافته های این پژوهش چهارده شاعر شهیر صفوی به چوگان اشاره کرده اند که بیشترین فراوانی مربوط به صائب تبریزی با ۱۴۱ مورد است و مؤیدی بر مدلول توجه طیف وسیعی از امرا، شعرا و مردم آن روزگار به چوگان و از همین رو بوجود آمدن تنوع در شکل چوب آن به شمار می آید. به هر حال بررسی ها نشان داد که در دوره صفوی در کنار رونق و توجه به ورزش چوگان، شاهد تنوع شکل ابزار و ادوات چوگان نیز هستیم. در آثار مورد بررسی در دوره صفویه، جمعاً ۲۴۱ مورد چوگان و ۲۰ مورد صولجان یافت شد.

پی نوشت

چوکه: بازی چوگان به ۶ دوره زمانی (چوکه) که هر کدام ۷ دقیقه می باشد، تقسیم می شود. البته این استاندارد مربوط به کشور انگلستان می باشد، ولی در آرژانتین و آمریکا این مدت زمان به هشت قسمت تقسیم شده و بین هر چوکه استراحتی معادل ۳ دقیقه و بین دو نیمه ۵ دقیقه در نظر گرفته می شود.

فرَسَنامه ها: اسب نامه یا کتاب هایی با محوریت اسب که از اسب، اندام و انواع آن بحث کند.

درخت بید دارای قامتی متوسط می باشد که ارتفاع آن به ۲۵ تا ۳۰ متر می رسد. تنه ای نسبتاً قطور که بسته به شرایط محیطی گاهی راست و گاهی خمیده است. شاخه های کم و بیش آویخته ای دارد که باریک، سست و قابل انعطاف می باشند. نام علمی درخت بید سفید، *alba Salix* که به معنای نزدیک به آب اقتباس شده و مرتبط با رویش گونه های مختلف آن در کنار آب های روان می باشد. از چوب این درختان که بسیار سبک هستند و دارای وزن مخصوص پایینی می باشند، در تهیه و تولید سازه های سبک (ساخت سقف خانه ها)، کاغذسازی، کبریت سازی و جعبه سازی استفاده می شود (www.sadva.ir). صندل سفید که با نام انگلیسی *Santalum album* متعلق به کشور هند می باشد، گیاهی است از خانواده *Santalaceae*، درختچه صندل کوچک است. صندل سفید دارای اسانس معطر (ترکیبی از بوهای گل سرخ، لیمو و مشک) و خیلی مطبوع است. از خواص دارویی این گیاه می توان به کاهش درد کمر و سردردهای ناشی از گرما و تقویت دید چشم اشاره کرد. (www.boalii.ir)

کالچو: (calcio) در زبان ایتالیایی به معنای فوتبال است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۲). **تاریخ چوگان در ایران و سرزمین های عربی**. تهران: ماهی
- ابراهیم نژاد، رضا. (۱۳۹۲). **گوی و چوگان در گستره تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران**. تهران: کتابسرا
- ابن اسفندیار، بهالدین محمد بن حسن. (۱۳۶۶). **تاریخ طبرستان**. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: دنیای کتاب
- ابویی، رضا. (۱۳۷۷). **"امکان سنجی احیا میدان نقش جهان با توجه به وضع موجود و گذشته تاریخی و طراحی فضای باز میدان"**. جلد دوم. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرمت و احیا بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.
- ایزدی، بهزاد و کوزه چیان، هاشم. (۱۳۸۶). **"بازشناسی هویت فرهنگی اجتماعی ورزش چوگان"**. مجموعه مقالات تاریخنامه ورزش ایران زمین (۱). تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- بافقی، کمال الدین (وحشی). (۱۳۳۹). **دیوان اشعار**. ویراسته حسین نحعی. تهران: امیرکبیر
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۰). **دایره المعارف هنر**. چاپ یازدهم. تهران: فرهنگ معاصر
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). **سفرنامه تاورنیه**. ابوتراب نوری (نظم الدوله). تجدید نظر حمید شیرانی. چاپ دوم، اصفهان: کتابفروشی تایید
- جلالیان (جلالی)، عبدالحسین. (۱۳۷۹). **شرح جلالی بر حافظ**. جلد چهارم، تهران: یزدان
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۹۲). **دیوان**. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. قم: چاف
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل ابن علی نجار. (۱۳۳۸). **دیوان اشعار**. تصحیح و مقدمه ضیاء الدین سجادی. تهران: کتابفروشی زوار
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). **سفرنامه پیتر ودلاواله قسمت مربوط به ایران**. شجاع الدین شفا. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ریشار، فرانسیس. (۱۳۸۳). **جلوه های هنر پارسی (نسخه های ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ ه.ق. موجود در کتابخانه ملی فرانسه)**. عبدالمحمد روح بخشان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). **متن کامل سفرنامه**. اقبال یغمایی. جلد ۳. تهران: توس
- شرلی، آنتونی. (۱۳۷۸). **سفرنامه برادران شرلی**. آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: به دید
- عطارنیشابوری، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۹۰). **منطق الطیر**. چاپ سوم، قم: مبین اندیشه
- فاضلی، مهتاب و ریاضی، محمدرضا. (۱۳۸۹). **"تبیین ویژگی های مثنوی گوی و چوگان"**. نگره. شماره ۱۵.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). **دیوان کامل شاهنامه**. نسخه مسکو، چاپ اول، تهران: نشر دیوان
- فریر، رانلد دبلیو. (۱۳۸۴). **برگزیده و شرح سفرنامه شاردن**. حسین هژیریان و حسن اسدی. تهران: فرزاد روز
- فلکی شروانی، نجم الدین محمد. (۱۳۴۵). **دیوان اشعار**. تصحیح و تحشیه طاهری. تهران: کتابخانه ابن سینا
- قاسمی گنابادی، محمد قاسم. (۱۳۸۷). **شاه اسماعیل نامه**. مصحح جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- قوامی رازی، بدرالدین. (۱۳۳۴). **دیوان اشعار**. تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث). تهران: چاپخانه سپهر

- کاردگر بالادهی، نرگس. "شناخت علمی گونه درختی بید در روستای بالاده ساری".
- کالینگود، رابین جورج. (۱۳۸۵). **مفهوم کلی تاریخ**. علی اکبر مهدیان. تهران: اختران
- کرمی چمه، یوسف. (۱۳۹۱). "نمود چوگان در غزلیات حافظ". پیام بهارستان. سال ۴. شماره ۱۵.
- متحدین، ژاله. (۱۳۷۶). "چوگان در تاریخ ابن بی بی". نامه فرهنگستان. شماره ۱۲.
- متینی، جلال. (۱۳۷۷). "چوگان در کوش نامه". نامه فرهنگستان. شماره ۱۵.
- محتشم کاشانی، کمال الدین علی. (۱۳۹۱). کلیات. تصحیح مصطفی فیضی کاشانی. جلد یک. چاپ دوم، تهران: سوره مهر
- محمدی، برات و فاضلی، مجید. (۱۳۸۶). "بلند آوازی ایرانیان در چوگان بازی". مجموعه مقالات تاریخنامه ورزش ایران زمین (۱). تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- محمودی شهر بابکی، مرجان. (۱۳۹۱). "ریشه های ظهور و روند تکامل ورزش چوگان در ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). **خسرو و شیرین**. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر
- نظامی گنجوی، الیاس ابن یوسف. (۱۳۴۴). کلیات **خمسه**. تهران: امیرکبیر
- وحید قزوینی، محمد طاهر. (۱۳۲۹). **عباس نامه**. به کوشش ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داودی
- Amundson, Michael. A. (2009). "These men play Real Polo: an elite sport in the cowboy state 1890-1930". Montana the magazine of western history - spring .
- Azarnouche, Samra. (2013). **Husraw ī Kawādān ud Rēdag-ē , Khosrow fils de Kawād et un Page**. Association pour L'Avancement des Études Iraniennes: Paris
- Chehabi, Houchang Esfandiar & Guttman, Allen. (2002). "From Iran to all of Asia: The origin and diffusion of polo". International Journal of the History of Sport. vol, 19. No, 2-3.
- Diem . carl. (1942). **Asiatische Reiterspiele**. Berlin
- Ferdowsi, Abolqasem. (2009). **Fathers and Sons. Stories from the Shahnameh of Ferdowsi**. translated from the Original Persian by Dick Davis. Volume II. Washington D.C: Mage publishers
- Uluc, Lale. (2006). **Turkman governors shiraz artisans and ottoman collectors**. 16 th century shiraz manuscripts. Kültür Yayinlari : Türkiye Bankasi

امکان‌سنجی موفقیت تیم‌های ورزشی استان آذربایجان شرقی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور

محمد رسول خدادادی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۷/۲۵

هدف از این پژوهش، بررسی امکان موفقیت تیم‌های ورزشی استان آذربایجان شرقی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور بود. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - علی مقایسه‌ای بوده و به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل افراد متخصص در رشته‌های مختلف ورزشی در استان آذربایجان شرقی بودند که امتیاز حضور در مسابقات لیگ یا قهرمانی کشور را داشتند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۵ نفر از این جامعه که به روش نمونه‌گیری دردسترس و هدفمند انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته «منابع اثرگذار موفقیت ورزشکاران تیم‌های استانی در رقابت‌های قهرمانی و لیگ کشور» استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از مدل لاوشی (۱۹۷۵) انجام گرفت و روایی محتوای کل پرسشنامه $(CVI=0/89)$ ^۲، به دست آمد. پایایی ابزار در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد نمونه برابر با $(0/81)$ و پایایی درونی^۳ برای کل گویه‌ها $0/84$ تعیین گردید. برای بررسی توزیع طبیعی داده‌ها از آزمون کالموگراف اسمینوف، برای مقایسه متغیرها از آزمون بینومیل و کروسکال-والیس در محیط نرم‌افزار SPSS و برای اولویت‌بندی و تعیین بهترین عوامل برای موفقیت تیم‌های ورزشی از روش TOPSIS استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد وضعیت منابع انسانی، مدیریتی، مالی، فناوری، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی - فرهنگی اثرگذار بر موفقیت تیم‌های استانی در رقابت‌های قهرمانی کشور و لیگ باشگاه‌ها معنادار بوده است. نتایج رتبه‌بندی تاپسیس نشان داد که، منابع اجتماعی - فرهنگی، مدیریتی و مادی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم منابع اثرگذار در موفقیت تیم‌های استانی در رقابت‌های قهرمانی کشور و منابع

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، تبریز، ایران

Email: m.khodadadi@tabriz.ac.ir

2. Content validity item

3. Internal reliability

انسانی، مالی، فن‌آوری و تسهیلاتی در رتبه‌های چهارم تا هفتم قرار داشتند. بنابراین توجه به منابع اثرگذار زمینه موفقیت در تیم‌ها و باشگاه‌ها را فراهم می‌کند و همفکری و همکاری مربیان، مسئولان و ورزشکاران موجب دستیابی به اهداف موفقیت می‌شود.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی، موفقیت، ورزشکاران، تیم‌های ورزشی، رقابت‌های قهرمانی کشور، لیگ باشگاه‌ها و استان آذربایجان شرقی

مقدمه

امروزه، فراگیر شدن ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره مطرح است که تبدیل به جزء جدایی ناپذیری از زندگی بسیاری از افراد و جوامع در سراسر جهان گردیده است. لزوم تبیین عوامل مؤثر در رشد و توسعه ورزش می‌تواند در نیل به اهداف و سیاست‌های استراتژیک مؤثر واقع شود (مرادی، ۱۳۸۷: ۴). با این حال، رقابت در ورزش‌ها در حال افزایش است و بیشتر کشورها در تلاش اند که با در پیش گرفتن یک برنامه استراتژیک، ورزشکارانی در سطح جهانی پرورش دهند تا در رویدادهای بزرگ موفق باشند (سجادی، ۱۳۸۶: ۲۲). از جمله این منابع، می‌توان به منابع مالی، مادی، انسانی، تسهیلاتی، فن آوری و مدیریتی اشاره کرد (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۱).

آنچه که در سیستم ورزش مشخص است، علاقه شدید به موفقیت و تمایل محققان و سیاستگذاران برای بررسی و تشریح این موفقیت‌ها، به خصوص در رویدادهایی مانند بازی‌های المپیک و بازی‌های آسیایی است. با توجه به این نکته، مطالعات فراوانی از پایان قرن بیستم در مورد سیاست‌های کشورهای مختلف در مورد ورزش به انجام رسیده است. با توجه به اینکه تشریح موفقیت ورزشی و یافتن دلایل موفقیت خود پیش نیاز و زمینه ساز موفقیت‌های آتی است، اهمیت نگاه به این مسئله کاملاً ملموس است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵). از طرف دیگر، امکان سنجی یا مطالعات امکان سنجی که ارزیابی و تجزیه و تحلیل پتانسل یک پروژه پیشنهادی است، بر اساس تحقیقات و مطالعاتی پایه‌ریزی شده که روند تصمیم‌گیری را پشتیبانی کند. امکان‌سنجی، درباره شدن بودن موضوع‌ها بحث می‌کند. این مطالعات بنا به نیاز و درخواست کارفرما، در سطوح مختلفی از جزئیات پروژه می‌تواند وارد شود (هادوی، ۱۳۹۲: ۴۱). لذا قرار دادن این امر مهم در برنامه‌ها و سازمان‌های ورزشی به ویژه در موفقیت و مدال آوری تیم‌ها در سطوح مختلف رقابتی حائز اهمیت است.

انتخاب اعضای برتر تیم‌های ورزشی در سطوح ملی و قهرمانی باید با ملاک‌های فنی و آمادگی جسمانی، مهارتی و همچنین آزمون‌های مهارت‌های روانی انجام شود. از طرفی با توجه به اکتساب مهارت‌های روانی در طول دوران بازی از سطوح آموزشی تا باشگاهی، همراه کردن آموزش مهارت‌های روانی در نتیجه‌گیری بهتر عملکرد فردی و تیمی اثرات تأمین‌کننده خواهد داشت. در ورزش‌های گروهی موفقیت زمانی حاصل می‌شود که اعضای تیم به شیوای موثر و هماهنگ باهم کار می‌کنند (سرب و همکاران، ۱۹۹۰: ۷۸). بنابراین موفقیت و شکست در مبادین ورزشی به عوامل بسیاری وابسته است. اهداف ورزشکار در گرایش به یک رشته ورزشی خاص و خصوصیات شخصیتی او، چگونگی روابط ورزشکاران با یکدیگر، شناخت مربی از ورزشکاران و نتایج رقابت‌های ورزشی قبلی، همگی از عواملی‌اند که بر کیفیت ارائه بازی و نتایج مسابقات ورزشی اثر خواهند گذاشت. همچنین از جمله عواملی هستند که فرد را به سمت موفقیت یا شکست در رویارویی با موقعیت‌های رقابتی رهنمون می‌سازند (شیخ و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۰).

عوامل موثر در پیروزی یا شکست، موفقیت یا عدم موفقیت تیم ورزشی در یک دوره از بازی‌ها متفاوت‌اند؛ بعضی از آن‌ها در درون زمین بازی و بسیاری از آن‌ها خارج از زمین نقش ایفا می‌کنند. آنچه در زمین اتفاق می‌افتد و تیمی می‌برد یا می‌بازد، می‌تواند ناشی از تصمیم‌گیری عواملی باشد که در خارج از زمین اتفاق افتاده است. برنامه‌ریزی‌های درازمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت، تدارکات و پشتیبانی مدیران و دست‌اندرکاران، حمایت رسانه‌ها و ... همگی از عواملی هستند که کمتر دیده می‌شوند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۳).

تجربه نشان داده است که یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت در تیم‌های ورزشی عدم بررسی و مطالعه دقیق

ضعف‌ها و قوت‌های تیم‌های ورزشی بعد از موفقیت‌ها بوده است. از طرف دیگر، همیشه در کشور ما تنها شکست‌ها تکان دهنده بوده و مسئولان بعد از شکست‌ها به دنبال علل و مرتفع ساختن آن‌ها می‌باشند، در حالی که موفقیت‌ها با وجود شیرینی بعد از مسابقات وظیفه خطیرتری را در آینده متوجه آنها می‌سازد. داشتن تصویر روشن از منابع موجود اعم از سخت و نرم و میزان تاثیر هر یک در موفقیت ورزشی، برنامه‌ریزی را در این بخش محدودی با مشکل روبرو کرده است. البته، فقدان اطلاعات صحیح و دقیق در مورد منابع اندک نیز بر مشکلات برنامه‌ریزی می‌افزاید. برآورد ناصحیح جامعه مخاطبان نیز در فرایند برنامه‌ریزی مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است. این موضوع عمدتاً از داده‌های عمومی و داده‌های ویژه امور ورزشی ناشی می‌شود و منجر به برآورد نادرست در مورد پیش‌بینی برنامه می‌گردد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). آفایی و توکلی انگوت (۱۳۹۱) در شناسایی عوامل موثر بر موفقیت دوچرخه‌سواران حرفه‌ای آذربایجان شرقی در مسابقات بین‌المللی و جاده‌ای ایران نتیجه گرفتند که عوامل شش‌گانه از قبیل نقش مربیان، نقش حمایتی هیئت، فدراسیون و رسانه‌های گروهی، نقش برگزاری تورها و مسابقات داخلی و خارجی، نقش عوامل زیست محیطی و عوامل جسمانی، نقش مدیریت هیئت، نقش عوامل امکاناتی و اجرایی بر موفقیت دوچرخه‌سواران مؤثر می‌باشد. سجادی و همکاران (۱۳۹۲) در اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت کاروان ورزشی ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانجو نشان دادند که در بین تمام عوامل، منابع مادی با بیشترین اهمیت و پس از آن عوامل فن‌آوری، تسهیلاتی، مالی، انسانی و منابع مدیریتی کمترین اهمیت را در موفقیت کاروان ورزشی دارند. مشتاقیان و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی تجارب مدیران، کارشناسان و ورزشکاران در مورد دلایل ناکامی ایران در مسابقات المپیک ۲۰۰۸ پکن در حیطه منابع انسانی و مالی، نشان دادند که ۳۰/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان عدم بکارگیری مربیان و کادر فنی شایسته را به عنوان اصلی‌ترین دلیل ناکامی در المپیک پکن معرفی کردند. همچنین، ۲۴/۵ درصد مدیریت ناکارآمد، ۱۴ درصد تاثیر ورزشکاران بر ناکامی و غیر ورزشی بودن مدیران، ۸ درصد ناکارآمدی فدراسیون‌ها به خصوص کشتی، ۴ درصد چند شغله بودن بسیاری از مدیران، ۲ درصد غیرورزشی بودن مدیران، و در نهایت ۱ درصد هم عدم تعامل مدیران با متخصصین را به عنوان عوامل مرثر بر ناکامی در المپیک پکن انتخاب کردند. هایدی و همکاران (۲۰۰۹) زمان‌بندی صحیح اردوهای کریکت و برگزاری آن در اقامتگاه‌هایی با آب و هوای مساعد و شرایط مناسب، استفاده از کمیته‌های پژوهشی در این زمینه و تخصیص بودجه بیشتر به این رشته را از مهم‌ترین عوامل موثر بر موفقیت کریکت بیان داشته‌اند. یانگ^۲ (۱۹۹۰) اعتماد به تحقیقات علمی و اطلاعات دقیق و به‌روز، وحدت و همکاری بین ورزشکاران و مسئولان و وجود کارشناسان تغذیه و روانشناس در کنار تیم را از مهم‌ترین عوامل موفقیت تیم ژیمناستیک چین در ۲۵امین دوره این بازی‌ها دانسته است. سوتیردو و شیلبری^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه ۳۵ سازمان ورزشی استرالیا در ارتباط با چگونگی پرورش ورزشکاران نخبه، نتیجه گرفتند که عوامل اقتصادی- فرهنگی در سطح کلان و استفاده از روش‌های علمی در تربیت ورزشکاران نخبه حائز اهمیت است. جودیو و فلیپ^۴ (۲۰۰۳) بیان کردند که ساختار کنونی بیشتر باشگاه‌های حاضر در لیگ حرفه‌ای اسپانیا نامتناسب بوده و همچنین فقدان قوانین و مقررات مرتبط با اقتصاد، مدیریت مالی در لیگ باشگاه‌های اسپانیا یکی از عوامل اصلی عدم کیفیت و ناکارآمد بودن لیگ فوتبال اسپانیا از لحاظ مالی می‌باشد.

1. Hyde et al

2. Yang

3. Sotiriadou & Shilbury

4. Ascari Guidio and Gagenepian Philippe

ماتر و پائولوسکی^۱ (۲۰۱۴) نشان دادند که موفقیت های گذشته در هردو گروه مرد و زن از تیم های ملی فوتبال آلمان، به میزان کمی باعث افزایش تقاضا برای فوتبال آماتور شده است. بهرحال، موفقیت کنونی تیم های ملی به طور قابل ملاحظه ای تقاضا برای فراوانی مشارکت ورزشی بازیکنان کنونی را افزایش می دهد. در دسترس بودن و ارتباط الگوهای نقشی همچنین همانندی به الگوهای نقشی، تعیین کننده اصلی اثر انگیزشی آنها هستند. اوناک و تپچی^۲ (۲۰۱۴) بیان کردند که انسجام تیمی، هنجارهای تیمی و ارتباطات درون تیمی، اثرات قابل توجهی بر روی رضایت اعضا و باقی ماندن آنها در درون تیم دارد. شپی^۳ (۲۰۱۲) به بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی موثر بر موفقیت ورزش قهرمانی در کشورهای کوچک پرداخت و دریافت که سرمایه گذاری اندک برای توسعه زیرساخت های ورزشی، توسعه مربیان، توسعه علمی ورزش و بهبود فرصت های رقابتی از بزرگترین موانع برای توسعه ورزشکاران نخبه در کشورهای کوچک می باشند. دی بوسچر و همکاران^۴ (۲۰۱۰) طی پژوهشی نشان دادند که حمایت مالی، افزایش میزان شرکت ورزشکاران در رقابت های ملی و بین المللی، رشد پژوهش های علمی در رشته های ورزشی و حمایت و تضمین شغلی قهرمانان از مهم ترین عوامل موفقیت ورزش ها هستند.

برای موفقیت در ورزش معیارهای خاصی مورد نیاز است که از آن جمله می توان به سلامت کامل جسمانی، روانی و برخورداری از ویژگی های وراثتی، فیزیولوژیکی و زیستی و حرکتی مناسب اشاره کرد. موفقیت یا شکست در میداين ورزشی بستگی به عوامل دیگری هم دارد و بازیکنان در سطوح مختلف بازی نه تنها در مهارت های ویژه آن ورزش، بلکه در خصوصیات بازی و فاکتورهای روانی از قبیل حس رقابت جویی و میل به پیروزی با هم متفاوت اند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از کلیدی ترین عوامل موفقیت در تحقق چشم اندازها، اهداف و راهبردها، توجه مدیران سازمانی به ارزیابی عملکرد و نیز با مفهوم جامع تر آن یعنی مدیریت عملکرد است (نصیری و همکاران، ۲۰۰۹). تیم های موفق ورزشی معمولاً یک ویژگی برجسته دارند که آن ها را از تیم های ناموفق متمایز می سازد و آن مدیریت و رهبری موثر، فعال و شایسته است (رمضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). هدف مدیران و پژوهشگران ورزش این است که بتوانند با ارزیابی دقیق تر عملکرد سازمان ها و تیم های ورزشی، نه تنها سیاست گذاران و مجریان را با موانع و مشکلات اجرایی، نقاط ضعف و قوت آنها آشنا کنند، بلکه با فراهم آوردن بازخورد، برنامه را در راستای تحقق افراد نگه دارند (مرادی، ۱۳۸۸). کسب نتایج ضعیف تیم ها و باشگاه های استان آذربایجان شرقی و سیر نزولی کسب تعداد سهمیه در رقابت های ملی و بین المللی در چند سال اخیر نسبت به سال های گذشته ذهن هر تحلیل گر و تصمیم گیری را برای مطالعه زمینه های دستیابی به موفقیت ورزشکاران استان فرا می خواند. کم شدن تعداد مدال های کسب شده، مشارکت پایین در رشته های ورزشی و افت نسبی کسب موفقیت در تیم ها و باشگاه های ورزشی تیمی و انفرادی موضوعی است که دلایل آن در سطح ورزش قهرمانی و حرفه ای به عنوان یک مسئله عمومیت یافته و اهمیت بررسی آن ضرورت دارد. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال هاست:

وضعیت منابع اثرگذار بر موفقیت ورزشکاران تیم های شرکت کننده در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور چگونه است؟

اولویت منابع اثرگذار بر موفقیت ورزشکاران تیم های شرکت کننده در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور در استان آذربایجان شرقی کدام اند؟

1. Mutter & Pawlowski
2. Onağ & Tepeci
3. Shippi
4. De Bosscher et al

آیا می‌توان یک الگوی کاربردی برای عوامل اثرگذار بر موفقیت ورزشکاران تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور در استان آذربایجان شرقی ارائه داد؟

روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع و اهداف تحقیق، روش انجام پژوهش حاضر از نوع توصیفی و علی مقایسه‌ای بوده و به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، شامل افراد متخصص در رشته‌های مختلف ورزشی در استان آذربایجان شرقی هستند که امتیاز حضور در مسابقات لیگ یا قهرمانی کشور را دارند. این افراد به طبع اطلاع از فرآیند موفقیت در ورزش چه به لحاظ ماهیتی و چه به لحاظ تجربی در شش گروه متخصص و جداگانه تقسیم‌بندی و مورد پیمایش قرار گرفتند. این شش گروه شامل اعضای هیأت‌های ورزشی استان و شهرستان در رشته‌های مختلف ورزشی، مسئولان انجمن‌های ورزش دانش‌آموزی، مدیران ستادی اداره کل ورزش و جوانان و مدیران ادارات ورزش و جوانان شهرستان‌ها، مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی، مربیان تیم‌های ورزشی رشته‌های مختلف ورزشی در استان که امتیاز حضور در مسابقات لیگ یا قهرمانی کشور را دارند و ورزشکاران نخبه رشته‌های مختلف ورزشی بودند. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۰ نفر از ۶ گروه تفکیک شده در جامعه آماری در مرحله اول بودند و در این مرحله از ۳۰ نفر متخصص، آگاه و فعال در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای مصاحبه ساختارمند انجام گرفت. در مرحله دوم نیز ۱۵۵ نفر از این جامعه به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند برای پاسخ به پرسشنامه تدوین شده انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته که در مجموع شامل ۸۰ گویه بسته پاسخ که بر اساس درجه‌بندی ۹ ارزشی (۱ برای کمترین اهمیت بودن عامل و برای ۹ بیشترین اهمیت بودن عامل) تنظیم شده بود، استفاده شد. برای تدوین پرسشنامه مناسب ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای، ادبیات و مبانی نظری موضوع مورد بررسی قرار گرفت و در خلال این بررسی، پرسشنامه سجادی و همکاران (۱۳۹۲) با ۵۴ گویه به عنوان مبنای اصلی قرار گرفت. ادامه روند بررسی و با توجه به نتایج برگرفته از مصاحبه‌های ساختارمند، تعداد ۲۶ گویه به پرسشنامه مبنای اضافه شد. در این پرسشنامه ۲۰ گویه جهت بررسی اهمیت منابع انسانی، ۱۴ گویه در اهمیت منابع مدیریتی، ۸ گویه در اهمیت منابع مالی، ۷ گویه در اهمیت منابع فناوری، ۸ گویه در اهمیت منابع مادی، ۱۳ گویه در اهمیت منابع تسهیلاتی و در نهایت ۱۰ گویه در اهمیت منابع اجتماعی - فرهنگی در موفقیت ورزشکاران استان آذربایجان شرقی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور استفاده شد. ابتدای پرسشنامه شامل نامه همراه و ۷ گویه در ارتباط با ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان بود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از مدل لاوشی (۱۹۷۵) انجام گرفت و روایی محتوای کل پرسشنامه $(CVI=0/89)$ ^۱، به دست آمد. پایایی ابزار در مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر از افراد نمونه با دو روش پایایی آزمون - بازآزمون با استفاده از آزمون (ICC)^۲ برابر با $(0/81)$ و پایایی درونی^۳ با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ برای کل گویه‌ها $0/84$ به دست آمد. همچنین، روایی صوری پرسشنامه نیز توسط ۷ تن از متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی مورد تأیید قرار گرفت. از آزمون‌های آمار استنباطی با پیش فرض‌های مربوط به توزیع طبیعی با استفاده از آزمون کالموگراف اسمینوف، برای مقایسه متغیرها از آزمون بیونمیل و کروسکال-والیس در محیط نرم‌افزار SPSS، برای اولویت‌بندی و تعیین بهترین امکان برای موفقیت تیم‌های ورزشی استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی

1. Content validity item
2. Intraclass correlation coefficient
3. Internal reliability

کشور از روش TOPSIS استفاده شد. در روش تاپسیس، m گزینه به وسیله n معیار مورد ارزیابی قرار می گیرند و هر مساله را می توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. لذا منابع اثرگذار در موفقیت ورزشکاران استان به عنوان گزینه ها و نتایج به دست آمده از ۶ گروه با امتیاز بندی مورد انتظار تاپسیس (۱ تا ۹ امتیاز) به عنوان معیار مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته های پژوهش

تحلیل توصیفی داده های پژوهش حاکی از آن بود که از میان ۱۵۵ نفر پاسخ دهنده پرسشنامه، مردان با ۶۷/۱۴ نفر بیشترین درصد را به خود اختصاص دادند. در زمینه توزیع سنی، ۵۱ نفر در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، از نظر سطح تحصیلی عمده پاسخ دهندگان با ۴۲/۶ درصد لیسانس و ۶۳/۸۷ درصد افراد متاهل بودند. از لحاظ دارا بودن سابقه قهرمانی ۳۲/۹ در سطح کشوری بودند و ۲۳/۲ درصد افراد بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه فعالیت ورزشی داشتند. همچنین، تقریباً ۳۵ درصد از افراد نمونه بطور مشخص در فرآیند اجرایی یک تیم ورزشی زیر نظر یکی از هیئت های ورزشی استان مشارکت فعال داشتند و ۶۵ درصد از آنان در یک باشگاه ورزشی درگیر در لیگ های باشگاهی فعالیت می نمایند.

با استفاده از اطلاعات ارائه شده در جدول ۱ مشخص می شود که میانگین نظرات پاسخ دهندگان پیرامون وضعیت کل منابع اثرگذار بر موفقیت تیم های استانی در رقابت های قهرمانی کشور و لیگ باشگاه ها کشور با نمره حد وسط ($\mu = 5$) معنی دار بوده ($P \leq 0/05$) و نمره آن ها از حد وسط بالاتر است. این نتیجه نشان می دهد که از دیدگاه پاسخگویان، تمامی منابع انسانی، مدیریتی، مالی، فن آوری، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی - فرهنگی بر موفقیت تیم های استانی در رقابت های لیگ و قهرمانی کشور مؤثر می باشد.

جدول ۱: بررسی وضعیت منابع اثرگذار بر موفقیت تیم های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور

مولفه ها	آماره	میانگین و انحراف استاندارد	دسته ها	تعداد	مبنای مشاهده شده	آزمون مبنا	سطح معنی داری
رتبه اثرگذار بودن	قهرمانی کشور	$6/898 \pm 1/495$	$5 \leq$	۲۱	۰/۱۴	۰/۵۰	۰/۰۰۱
			$5 >$	۱۳۴	۰/۸۶		
				۱۵۵	۱/۰۰		
رتبه اثرگذار بودن	لیگ باشگاه های کشور	$6/67 \pm 1/136$	$5 \leq$	۱۷	۰/۱۱	۰/۵۰	۰/۰۰۱
			$5 >$	۱۳۸	۰/۸۹		
				۱۵۵	۱/۰۰		

* سطح $P \leq 0/05$ داده تفاوت معنی دار است.

برای آزمون تفاوت بین دیدگاه آزمودنی ها از وضعیت منابع اثرگذار بر موفقیت تیم های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور از آزمون کروسکال-والیس استفاده شد. نتایج به دست آمده در قسمت اول جدول ۲ نشان می دهد که از دیدگاه شش گروه از پاسخگویان در اولویت بندی منابع مالی، فن آوری، مادی، تسهیلاتی

و اجتماعی فرهنگی تفاوت معناداری ($P \leq 0/05$) وجود دارد، ولی بین منابع انسانی و مدیریتی این تفاوت معنادار نیست. در نهایت نتایج به دست آمده در بخش دوم جدول ۲ حاکی از آن است که از دیدگاه شش گروه از پاسخ‌گویان در اولویت بندی منابع مالی، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی فرهنگی تفاوت معناداری ($P \leq 0/05$) وجود دارد، ولی بین منابع انسانی، مدیریتی و فن‌آوری این تفاوت معنادار نیست. بنابراین فرض صفر مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین دیدگاه پاسخ‌گویان در منابع انسانی، مدیریتی و فن‌آوری تایید می‌شود.

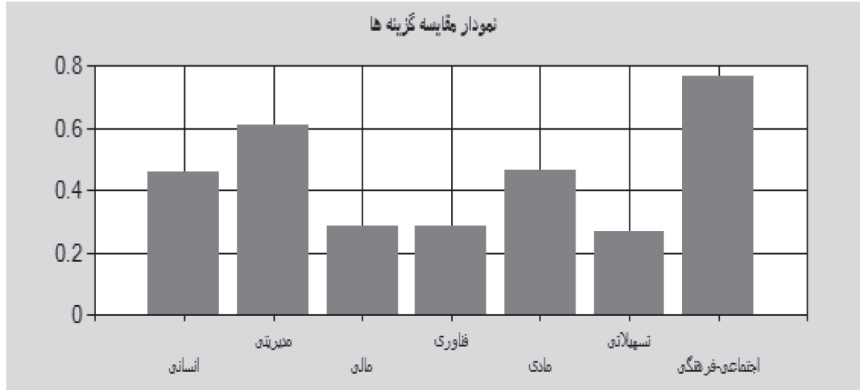
جدول ۲: نتایج آزمون کروسکال والیس تفاوت بین دیدگاه آزمودنی‌ها در وضعیت منابع اثرگذار بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات قهرمانی و لیگ باشگاه‌های کشور

سطح معناداری	df	خی دو	منابع اثر گذار	
۰/۲۳۹	۵	۶/۷۵۵	منابع انسانی	مسابقات تهرمانی کشور
۰/۰۹۲	۵	۹/۴۵۵	منابع مدیریتی	
۰/۰۳۱	۵	۱۲/۲۵۸	منابع منابع مالی	
۰/۰۰۷	۵	۱۶/۰۶۸	منابع فن آوری	
۰/۰۰۲	۵	۱۸/۶۵۷	منابع مادی	
۰/۰۰۵	۵	۱۶/۶۵۳	منابع تسهیلاتی	
۰/۰۱۹	۵	۱۳/۴۵۶	منابع فرهنگی - اجتماعی	
۰/۳۳۴	۵	۵/۷۲۲	منابع انسانی	لیگ باشگاه های کشور
۰/۲۹۷	۵	۶/۰۹۶	منابع مدیریتی	
۰/۰۲۹	۵	۱۲/۲۸۹	منابع منابع مالی	
۰/۰۵۵	۵	۱۰/۸۴۰	منابع فن آوری	
۰/۰۰۵	۵	۱۶/۵۳۰	منابع مادی	
۰/۰۰۱	۵	۲۸/۴۷۷	منابع تسهیلاتی	
۰/۰۰۴	۵	۱۷/۰۶۴	منابع فرهنگی - اجتماعی	

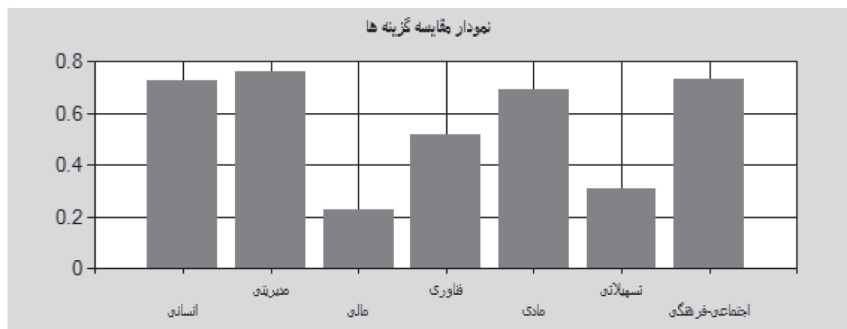
برای رتبه بندی نهایی منابع اثرگذار در موفقیت تیم‌ها و باشگاه‌ها با استفاده از نرم افزار تاپسیس، ابتدا تعداد گزینه های مورد نظر که ۷ نوع از منابع شناسایی شده اثرگذار بر موفقیت و تعداد معیارهای مورد اندازه گیری که شامل ۶ گروه از افراد مطلع و آگاه در زمینه موفقیت ورزشکاران تیم‌ها و باشگاه‌ها می باشند را انتخاب می کنیم. در این روش برای معیارهای تعیین شده، هر یک از منابع شناسایی شده اثرگذار را بین ۱ تا ۹ رتبه بندی می کنیم. مراحل رتبه بندی در نرم افزار تاپسیس در شش گام ۱- ایجاد ماتریس تصمیم گیری ۲- نرمال سازی یا بی مقیاس کردن ماتریس ۳- وزن دهی به ماتریس نرمال شده ۴- تعیین راه حل ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی ۵- تعیین اندازه فاصله از راه حل ایده‌آل مثبت و منفی ۶- محاسبه نزدیکی به راه حل ایده‌آل مثبت و منفی هم‌چنین رتبه بندی گزینه ها انجام می شود. نمودار ۱ و ۲ نتایج رتبه بندی منابع اثرگذار

در موفقیت تیم‌های استان در قهرمانی کشور و لیگ باشگاه‌ها را با استفاده از روش تاپسیس نشان می‌دهد.

نمودار ۱: نتایج رتبه بندی منابع اثرگذار در موفقیت تیم‌های استان در قهرمانی کشور با استفاده از روش تاپسیس



نمودار ۲: نتایج رتبه بندی منابع اثرگذار در موفقیت تیم‌های باشگاهی با استفاده از روش تاپسیس



بحث و نتیجه‌گیری

امکان‌سنجی موفقیت تیم‌های ورزشی در میادین و عرصه‌های بین‌المللی و ملی در رده‌های قهرمانی و ملی و سایر رده‌بندی‌ها، از جمله مباحث مهم و بروزی است که دست‌اندرکاران و مدیران ورزشی پیگیرانه در تلاش برای محقق شدن آن می‌باشند. لذا پژوهش حاضر به این مهم در استان آذربایجان شرقی پرداخته و راهکارهایی برای آن ارائه نموده است. نتایج پژوهش نشان داد که منابع انسانی بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور اثر دارد. نتایج تحقیق با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸) پیرامون ایجاد روحیه سبک‌بالی و همچنین برقراری ارتباط خوب با ورزشکاران و میزان سابقه و تجربیات مربی در میزان موفقیت تیم هم‌سو می‌باشد. یافته‌های تحقیق در مورد برنامه‌ریزی دقیق، تربیت مربیان و نیروی انسانی با تجربه، برگزاری دوره‌های آموزشی، ارتقای علمی مربیان در زمینه توسعه منابع انسانی متخصص در موفقیت تیم‌های ورزشی با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸) و گابریلا (۲۰۰۷) هم‌سو می‌باشد. نتایج تحقیق پیرامون ارتباطات درونی بین اعضای تیم و تعصب و غیرت در بین ورزشکاران با نتایج تحقیق اوناق و تپچی

(۲۰۱۴) هم سو می باشد. در ورزش‌های گروهی، موفقیت زمانی حاصل می‌شود که اعضای تیم به صورت مؤثر و هماهنگ باهم کار می‌کنند (سرپ و همکاران، ۱۹۹۰: ۷۸)، حال آنکه تلاش و انگیزه فردی ورزشکاران تیم‌های استانی برای رسیدن به یک هدف مشترک در بین اعضای تیم می‌تواند اولویت بسیار مهمی برای رسیدن به هماهنگی مؤثر در کار با هم و در نتیجه رسیدن به موفقیت می‌باشد. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) نیز استعدادیابی، آموزش و پرورش ورزشکاران و اجتناب از اشتباهات احتمالی و ممکن در جذب ورزشکاران و مربیان را از مهم‌ترین عوامل در پیشرفت ورزشی دانسته‌اند.

یافته دیگر تحقیق حاکی از اثر منابع مدیریتی بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور می‌باشد. نتایج تحقیق با یافته‌های مشتاقیان و همکاران (۱۳۹۲) پیرامون امکانات و تأسیسات موجود در باشگاه و همچنین مدیریت باشگاه در میزان موفقیت و کسب قهرمانی باشگاه‌های ورزشی هم سو می‌باشد. ماطر و پائولوسکی (۲۰۱۴) نشان دادند که موفقیت کنونی تیم‌های ملی به طور قابل ملاحظه‌ای تقاضا برای فراوانی مشارکت ورزشی بازیکنان کنونی را افزایش می‌دهد که با یافته‌های پژوهش حاضر هم سو می‌باشد. هدف مدیران و پژوهشگران ورزش این است که بتوانند با ارزیابی دقیق‌تر عملکرد سازمان‌ها و تیم‌های ورزشی، نه تنها سیاست‌گذاران و مجریان را با موانع و مشکلات اجرایی، نقاط ضعف و قوت آن‌ها آشنا کنند، بلکه با فراهم آوردن بازخورد، برنامه را در راستای تحقق اهداف نگه دارند (مرادی، ۱۳۸۸). همچنین منابع مالی بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور اثر دارد. نتایج یافته‌های تندنویس و قاسمی (۱۳۸۶)، دی پوسچر و همکاران (۲۰۱۰) و مشتاقیان و همکاران (۱۳۹۲) در این مورد هم سو می‌باشد. با توجه به نظریه توسعه یافته تولسین و شوقات (۱۹۹۳) مشکل موفقیت‌های کشورها در المپیک، اقتصاد خالص است که نیازمند برقراری تعادل خاصی بین سود مورد انتظار (تعداد مدال المپیک) و هزینه (به عنوان مثال تأمین مالی ورزش) است. ورزش در سطوح قهرمانی همیشه هزینه‌زا نبوده، بلکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته خود یک منبع درآمدزایی است. یک برنامه تجاری دقیق و بی‌عیب، منابع بالقوه درآمد باشگاه و نیز درصد درآمد کلی را تعیین می‌کند. در مورد اثرگذاری وضعیت منابع فن‌آوری بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور، نتایج تحقیقات تندنویس و قاسمی (۱۳۸۶)، یانگ (۱۹۹۰) مشتاقیان و همکاران (۱۳۹۲) در ارتباط با حمایت رسانه‌های ورزشی استان از تیم‌ها و باشگاه‌ها، ارتقای دانش فنی مربیان و توسعه علمی و عملی آنان با نرم‌افزارهای به‌روز و دسترسی ورزشکاران به اطلاعات به روز و کامل از رقبای خود با یافته‌های تحقیق حاضر هم سو می‌باشد. همچنین، یافته‌های توکلی انگوت (۱۳۹۱) در مورد نقش حمایتی هیئت، فدراسیون و رسانه‌های گروهی با نتایج تحقیق هم سو می‌باشد. رسانه‌های همگانی به ویژه رادیو و تلویزیون، با ایفای نقش‌های متعدد خبری، آموزشی و تفریحی در فراگرد تغییر اجتماعی، رشد اقتصادی، تحول فرهنگی، سیاسی و ورزشی کشورها مؤثر هستند.

دیگر یافته تحقیق نشان داد که منابع مادی بر موفقیت تیم‌های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور تأثیر دارد. نتایج تحقیق پیرامون وجود مکان مناسب برای اسکان و استراحت ورزشکاران تیم‌ها و باشگاه‌ها، نزدیکی محل تمرین و محل زندگی، تغذیه مناسب و با کیفیت در اردوها، دسترسی به اماکن مجهز و مناسب مربوط به رشته ورزشی، وجود خوابگاه‌های مناسب و راحت در محل تمرینات و مسابقه، دسترسی به باشگاه‌های تخصصی مربوط به رشته ورزشی و تغذیه مناسب در زمان تمرینات با نتایج تحقیقات سجادی و همکاران (۱۳۹۰) و هایدی و همکاران^۱ (۲۰۰۹) هم سو می‌باشند. کشورهای بسیار توسعه یافته که قادر به صرف هزینه بیشتر در ورزش و زیرساخت‌های آن هستند، می‌تواند بر روی یک سیستم آموزشی که به

خوبی فرصت های ورزشی را ارائه می دهد تکیه کنند و به طور سیستماتیک آموزش جوانان و افراد ماهر را ادامه دهند. از طرفی توسعه نهادهای مرتبط با ورزش قهرمانی مانند آکادمی ها از دیگر اقداماتی است که در زمینه موفقیت ورزش قهرمانی و باشگاهی در حیطه منابع مادی انجام می گیرد. منابع تسهیلاتی نیز بر موفقیت تیم های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور اثرگذار بوده است. این یافته با نتایج تحقیقات یانگ (۱۹۹۰)، آقایی و توکلی انگوت (۱۳۹۱)، هایدی و همکاران (۲۰۰۹) و دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۰) پیرامون فضای صمیمی مسئولان هیأت ها و باشگاه ها با ورزشکاران، تعامل و مشارکت بین مسئولان رشته های مختلف ورزشی و مدیران ادارات ورزش و جوانان استان، حضور مداوم مربیان در کنار ورزشکاران و هدایت و کنترل آنان، حمایت مالی، افزایش میزان شرکت ورزشکاران در رقابت های ملی و بین المللی، رشد پژوهش های علمی در رشته های ورزشی و حمایت و تضمین شغلی قهرمانان و آتیه آنان را از مهم ترین عوامل موفقیت ورزش ها دانستند که با نتایج تحقیق حاضر هم سو می باشند. شناخت از وضعیت عملکرد ورزشی کشورها برای سیاست مداران و برنامه ریزان ورزشی هر کشور می تواند مزایایی زیادی داشته باشد (فارست و همکاران، ۲۰۰۵).

منابع اجتماعی- فرهنگی از دیگر منابعی است که بر موفقیت تیم های استانی در مسابقات لیگ و قهرمانی کشور اثر دارد. نتایج تحقیق با یافته های سوتیردو و شیلپوری (۲۰۰۹) و شیبی (۲۰۱۲) در ارتباط با اهمیت عوامل اجتماعی- فرهنگی در تربیت ورزشکاران نخبه هم سو می باشد. همچنین، نتایج تحقیقات آقایی و توکلی انگوت (۱۳۹۱) در مورد نقش مربیان، نقش حمایتی هیئت، فدراسیون و رسانه های گروهی با نتایج تحقیق هم سو می باشد و با یافته های پروورز و همکاران (۲۰۱۴) در مورد سیاست های خاص ورزش و عوامل تأثیرگذار بر موفقیت های بین المللی تنیس که به دنبال راه هایی برای رسیدن به موفقیت و حفظ نخبگان ورزشی بودند، هم سو می باشد. تاکید افراد مطلع و آگاه به اولویت حمایت روحی و روانی خانواده ها از ورزشکاران برای رسیدن به موفقیت رویکرد دیگری را در ورزش قهرمانی مشخص می سازد و آن رویکرد مربوط به وظایف مدیران و مسئولان هیئت های ورزشی در قبال خانواده های ورزشکاران است. نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که بین دیدگاه متخصصان در ارتباط با منابع مالی، فن آوری، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی- فرهنگی امکان سنجی موفقیت در رقابت های قهرمانی کشور تفاوت معناداری وجود داشت، ولی بین منابع انسانی و مدیریتی این تفاوت معنادار نبود. از طرفی بین دیدگاه متخصصان در اثرگذاری منابع مالی، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی- فرهنگی بر امکان سنجی موفقیت تیم ها در رقابت های لیگ باشگاه های کشور تفاوت معناداری وجود داشت، اما بین منابع انسانی، مدیریتی و فن آوری این تفاوت معنادار نبود. وجود تفاوت معنادار در دیدگاه متخصصان در خصوص اثرگذاری منابع مالی، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی- فرهنگی، برگرفته از تفاوت در پیوستار محدوده مالی، مادی، تسهیلاتی و اجتماعی- فرهنگی از دیدگاه افراد جامعه است و ریشه آن به تفاوت های نشأت گرفته از ویژگی های جمعیت شناختی افراد نمونه می باشد. منابع ذکر شده جزو منابع عام بوده و توجیه شناختی آن ها متناسب با سبک زندگی و کیفیت زندگی اجتماعی افراد متفاوت است. منابع انسانی جزو سرمایه اصلی یک سازمان به شمار می رود و مدیریت نیروی انسانی و امکانات و تجهیزات و سرمایه یک سازمان از بدیهیات موجود در اساس و وجود یک سازمان است. لذا منابع انسانی و مدیریتی از جمله منابع زیربنایی، اساسی و تعیین کننده در میزان موفقیت یک سازمان ورزشی و یا تیم یا باشگاه ورزشی محسوب می شود. بنابراین عدم وجود تفاوت معنادار هم در منابع اثرگذار ورزش قهرمانی و هم لیگ باشگاه های کشور بین پاسخ دهندگان این پیمایش حاکی از آن است که همه متخصصان و افراد خبره و آگاه به اهمیت منابع انسانی و مدیریتی در روند موفقیت یک سازمان به خصوص یک سیستم ورزشی اذعان دارند و اختلافی در دیدگاه آنان وجود ندارد. همچنین مرتبط بودن ظرفیت منابع انسانی و مدیریتی

با بکارگیری فناوری به روز و مناسب، قابلیتی انکارناپذیر در فرآیند دستیابی به موفقیت است و تلاش برای سازماندهی مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم لازمه رسیدن به موفقیت قلمداد می‌شود.

برای رسیدن به بهترین تصمیم در وضعیت موجود ورزش قهرمانی و باشگاهی استان باید از یک ابزار و نرم‌افزار مطمئن‌تر که می‌تواند تصمیم مقتضی را برای پیشبرد فرآیند موفقیت تیم‌ها و باشگاه‌ها در پی داشته باشد، استفاده کرد. لذا در ادامه از نرم‌افزار تصمیم‌گیری مدیران (تاپسیس) برای تعیین بالاترین اولویت تصمیم استفاده شد که بالاترین اولویت منابع اثرگذار در موفقیت ورزشکاران در رقابت‌های قهرمانی کشور مربوط به منابع "مدیریتی" و کمترین اولویت مربوط به منابع "تسهیلاتی" بوده است. این اولویت‌بندی در رقابت‌های لیگ باشگاه‌ها کشور بدین صورت بود که بالاترین اولویت مربوط به منابع "مدیریتی" و کمترین اولویت نیز مربوط به منابع "مالی" بوده است. این یافته با تحقیق سجادی و همکاران (۱۳۹۲) در مورد عوامل مؤثر بر موفقیت کاروان ورزشی ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانجو هم سو می‌باشد، اما در مورد اولویت بندی منابع اثرگذار نتایج تحقیق ناهم سو با تحقیق سجادی و همکاران (۱۳۹۲) بود؛ به طوری که منابع مادی با بیشترین بار عاملی، بیشترین اهمیت و پس از آن عوامل فن‌آوری، تسهیلاتی، مالی، انسانی و منابع مدیریتی کمترین اهمیت را نشان داد. برای موفقیت ورزشکاران تیم‌های استانی در مسابقات قهرمانی و لیگ باشگاه‌ها نیاز به منابع مدیریتی در اولویت اول قرار دارد. این نظر و خواسته‌ای است که در نهایت خود افراد درگیر در فرآیند آمادگی و آماده‌سازی تیم‌ها و باشگاه و در نهایت ورزشکاران دارند. تفسیر این موضوع که چرا منابع تسهیلاتی در اولویت‌بندی اثرگذاری در موفقیت ورزش قهرمانی اولویت پایینی کسب نموده، حاکی از انگیزه افراد شرکت‌کننده در ورزش قهرمانی است. منابع تسهیلاتی زمینه‌ای پشتیبان در مسیر تلاش‌های ورزشکاران رشته‌های ورزشی برای رسیدن به موفقیت می‌باشند و در بسیاری از موارد موفقیت محقق شده در اثر پشتیبانی تسهیلاتی به صورت کاملاً شخصی بوده و خانواده ورزشکاران تا مرحله تثبیت جایگاه قهرمانی ورزشکار خود تمامی هزینه‌های تسهیل‌کننده را فراهم می‌نمایند. لذا پایین بودن اولویت منابع تسهیلاتی می‌تواند گواه این مصداق ضمنی باشد. ورزشکاران مطابق با هرم پیشرفت ورزشی باید خود را در ورزش قهرمانی مطرح نمایند و توانایی‌های خود را به اثبات برسانند. حال آنکه ظرفیت جایگاه قهرمانی برای ورزشکاران نسبت به ورزش حرفه‌ای و باشگاهی وسیع‌تر و افراد درگیر در آن بیشتر است.

منابع

- آقایی، نجف و توکلی انگوت، سخاوت. (۱۳۹۱). "شناسایی عوامل موثر بر موفقیت دوچرخه سواران حرفه ای آذربایجان شرقی در مسابقات بین المللی و جاده ای ایران". پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال نهم، شماره ۱۸، صص: ۱۶۸-۱۵۵.
- احمدی، سیروس؛ نمازی زاده، مهدی؛ عبدلی، بهروز و سید عالی نژاد، آزاده. (۱۳۸۸). "مقایسه انگیزش پیشرفت بازیکنان تیم های رده بالا و پایین لیگ برتر فوتبال". نشریه المپیک. دوره ۱۷، شماره ۳، پیاپی ۴۷، صص: ۲۸-۱۹.
- جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۸۳). "مطالعه توسعه ای عملکرد تیم های رقابت کننده و ارائه راهکارهای مطلوب". نشریه علمی- پژوهشی حرکت. شماره ۲۶، دانشگاه تهران.
- سجادی، سید نصر... (۱۳۸۲). "بررسی نحوه اجرای برنامه های تمرینی تیم ملی دو و میدانی و شمشیربازی به منظور شرکت در بازی های آسیایی ۲۰۰۲ پوسان". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- سجادی، سید نصر... (۱۳۸۶). مدیریت سازمان های ورزشی. تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، سید نصر...؛ صفری، حمیدرضا؛ ساعتچیان، وحید و رسولی، سید مهدی. (۱۳۹۲). "اولویت بندی عوامل موثر بر موفقیت کاروان ورزشی ایران در بازی های آسیایی ۲۰۱۰ گوانجو". پژوهش های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. سال سوم، شماره ۵، دانشگاه همدان.
- سجادی، سید نصر...؛ محمودی، احمد؛ ساعتچیان، وحید و حاجی آخوندی زاده، مسعود. (۱۳۹۰). "بررسی اولویت ها و راه کارهای پیشرفت ورزش قهرمانی جودوی کشور از دیدگاه صاحب نظران". دومین همایش ملی مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود.
- مرادی، محمدرضا. (۱۳۸۷). "بررسی عوامل موثر بر موفقیت تیم ملی در مسابقات آسیایی ۲۰۰۷". طرح پژوهشی، آکادمی ملی المپیک.
- مشتاقیان، سهیل؛ اعتباریان، اکبر؛ نمازی زاده، مهدی و افخمی، مهرداد. (۱۳۹۲). "بررسی تجارب مدیران، کارشناسان و ورزشکاران در مورد دلایل ناکامی ایران در مسابقات المپیک ۲۰۰۸ پکن در حیطه منابع انسانی و مالی". نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۳، صص: ۹۷-۷۱.
- Brouwers, J., Sotiriadou, P., & De Bosscher, V. (2014). "Sport-specific policies and factors that influence international success: The case of tennis". Sport Management Review.
- De Bosscher, V., De Knop, P., van Bottenburg, M., Shibli, S., & Bingham, J., (2010). "Developing a Method for Comparing the Elite Sport Systems and Policies of Nations: A Mixed Research Methods Approach". Journal of Sport Management, Vol. 24 P.567-600.
- Forrest, D., Ismael, S., Tena, J.D. (2005). "Forecasting national team medal totals and the Summer Olympic Games". International Journal of Forecasting, 26: 576-588.
- Garcia, G. D. M. (2007). American Football in Mexico: Factors Influencing Success of Teams Within the National College Football Organization. Organizacion Nacional Estudiantil de Futbol Americano (ONEFA)(Doctoral dissertation, Texas A&M University).

- Hyde, K. & Pritchard, A. (2009). **“Twenty cricket: An examination of the critical success factors in the development of the competition”**. International Journal of Sports Marketing & Sponsorship, p. 113–136.
- Masagrandh , Alessandro. (1990). **Planing practicing in cycling**. Translated by G. Serj Zadeh, manuchehr roshanpoor, mohammad shahhoseyni, Publications Office of the Department of Physical Education.
- Mutter, F., & Pawlowski, T. (2014). **“Role models in sports–Can success in professional sports increase the demand for amateur sport participation?”**. Sport Management Review, 17(3), 324-336.
- Onağ, Z., & Tepeci, M. (2014). **“Team Effectiveness in Sport Teams: The Effects of Team Cohesion, Intra Team Communication and Team Norms on Team Member Satisfaction and Intent to Remain”**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 150, 420-428.
- Sotiriadou, K. & Shilbury, D. (2009). **“Australian Elite Athlete Development: An organizational perspective»**. Sport Management Review, 12: 137-148.
- Serp, S., Panko, V., Santos, F. (1990). **“Leadership pattern in handball, international competition”**. International journal of sport psychology, 22: 78 – 89.
- Shippi, P. (2012). **“Social and political factors affecting sporting success in small countries: The case of Cyprus”**. Biomedical Human Kinetics, 4: 38-44.
- Sheikh M., Bagherazade, F., Gholamalizade R., Suri, R. (2007). **“Surviving win and lost effect in iranian primere leuge soccers”**. Journal of motion, Number 30: 59-68.
- Yang, Mingling. (1990). **“Summary of Chinese men Gymnastics team in the 25th Gymnastics championship”**. Chinese Sports Science and Technology, Vol.5. P. 1-6.



ارایه الگوی مدل ارتباطی هوش سازمانی و اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران

عبدالرضا امیر تاش^۱

کتایون کامکاری^۲

محمد جواد افشاریان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۷/۱۱

پژوهش حاضر به بررسی الگوی مدل ارتباطی هوش سازمانی و اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران پرداخته است. این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی، حال نگر و کاربردی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران بود که تعداد ۳۷۵ آزمودنی با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای و تصادفی انتخاب شدند. برای دستیابی به اهداف پژوهش از دو پرسشنامه "هوش سازمانی آلبرخت" (۲۰۰۳) و پرسشنامه "سنجش اثربخشی سازمانی تیسنگ" (۲۰۱۰) استفاده شده است. پرسشنامه "ویژگی های فردی" نیز با توجه به اهداف تحقیق ساخته شد. همچنین، داده های گردآوری شده از طریق آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل ضرایب همبستگی و مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد میانگین هوش سازمانی در افراد مورد بررسی برابر با $SD=۱۳۰/۰$ و $SD=۳۴/۷۰$ و میانگین اثربخشی سازمانی نیز برابر با $۷۳/۸۸$ و $SD=۵۰/۹۳$ بود که با توجه به حداکثر نمره هوش سازمانی (۱۸۰) و حداکثر نمره اثربخشی سازمانی (۱۲۶)، امتیازات کسب شده نشان دهنده هوش سازمانی و بهره وری نسبتاً مطلوب می باشد. بعلاوه، نتایج تحقیق نشان داد بین تمام مؤلفه های هوش سازمانی (چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، روحیه، میل به تغییر، اتحاد و توافق، کاربرد دانش و فشار عملکرد) و اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران ارتباط

۱. استادیار، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: aamirtash@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی سازمان های ورزشی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مثبت معنی داری وجود داشته که بیشترین ارتباط کاربرد دانش ($r=0/73$) و کمترین ارتباط سرنوشت مشترک ($r=0/53$) بوده است. همچنین، مدل معادلات ساختاری از برازش لازم برخوردار بود. نتایج حاکی از این است که همه ابعاد هوش سازمانی (چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، میل به تغییر، روحیه، اتحاد و توافق، کاربرد دانش و فشار عملکرد) چه در رابطه ها و چه در مدل مطلوب و از مقادیر بار عاملی قابل قبولی برخوردار بودند. همچنین، نتایج نشان می دهد که بعد اتحاد و توافق (بار عاملی $0/93$) بیشترین تاثیر را بر هوش سازمانی دارد و بعد میل به تغییر (بار عاملی $0/59$) از این نظر در رتبه آخر قرار گرفت. در پایان، به مدیران و مسئولان پیشنهاد می شود که نتایج عملکرد خود را در معرض بازخورد و ارزیابی همزمان قرار دهند.

واژگان کلیدی: هوش سازمانی، اثربخشی سازمانی و مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران

مقدمه

امروزه سازمان ها به دلیل ماهیت عصری که در آن به سر می برند، تفاوت های بسیار زیادی با سازمان های گذشته دارند (هسلبین، اسمیت، بکهارد و ریچارد^۱، ۲۰۱۱). تغییرات سریع و روزافزون در حوزه های علوم و فناوری موجب شده است که دیگر مدیریت سنتی پاسخگوی نیاز سازمان های پیچیده امروزی نباشد و از این رو، ویژگی برجسته سازمان های قرن بیست و یکم، مسئولیت پذیری، خودگردانی، خطرپذیری و ناپایداری است. شاید محیط آینده، محیط آرامی نباشد، اما محیط بسیار انسانی است (ماتسودا^۲، ۱۹۹۲).

دانشمندان معاصر مدیریت اغلب بر اثربخشی سازمانی تأکید دارند که به وسیله کسب، توسعه و به کارگیری دانش ایجاد می شود و اعتقاد دارند که کسب دانش جدید به چگونگی تحول سازمان ها و فعالیت های رهبری بستگی دارد و موجب سازگاری با تغییر شرایط سازمانی می شود (اولریچ و بروسبکبانک^۳، ۲۰۰۵). در این راستا برای اینکه سازمانی بتواند در مقابل تغییرات و دگرگونی ها واکنش مناسبی از خود نشان دهد و با محیط بیرون هماهنگ شود باید استفاده از هوش سازمانی را در رأس امور قرار دهد و با ایجاد جوی مناسب، افراد را به مشارکت و همکاری در اثربخشی هرچه بیشتر سازمان تشویق نماید. به علاوه، هوش سازمانی یک موضوع با اهمیت در نزد صاحب نظران توسعه و رفتار سازمانی است (اگگین، برنی و کیسکین^۴، ۲۰۰۷) و کلید توانمندسازی نیروهای زیر دست در فعالیت های حیاتی و فرایندهای حاکم بر زندگی سازمانی است (کیستی، سیواجاروی، استنوار و ریویرا^۵، ۲۰۱۱).

هوش سازمانی به عنوان استعداد و ظرفیت یک سازمان در حرکت قدرت ذهنی اش و تمرکز این قدرت ذهنی در تحقق رسالت سازمان تعریف می شود (قره، فردوسی و مرعشلی^۶، ۲۰۱۲) و دارای هفت مولفه می باشد که عبارت اند از:

۱- چشم انداز استراتژیک؛ ۲- سرنوشت مشترک؛ ۳- میل به تغییر؛ ۴- روحیه؛ ۵- اتحاد و توافق؛ ۶- کاربرد دانش؛ ۷- فشار عملکرد. (غلامی و صفایی^۷، ۲۰۱۲)

باید توجه داشت که در طول دو دهه اخیر قرن بیستم، اثربخشی سازمانی به مفهومی اولیه در تئوری سازمانی تبدیل شده، اما در تحقیقات معاصر مدیریتی کمترین توجه به آن مبذول گردیده است (هوی، میسکل و سیسکل^۸، ۲۰۰۸).

صاحب نظران، اثربخشی سازمانی را به درجه و میزان حصول به هدف تعریف کرده اند. پیتز دراکر اثربخشی سازمانی را انجام صحیح کار می داند و آن را کلید موفقیت سازمان محسوب می کند (علاقه بند^۹، ۲۰۱۰ و آلبریچ^{۱۰}، ۲۰۰۹). رابینز در تعریف اثربخشی سازمانی هم به وسایل و امکانات (فرآیند) توجه نموده و هم به نتایج حاصله آن (رابینز^{۱۱}، ۲۰۰۱).

با توجه به این نکته که امروزه سازمان های ورزشی و نتایج عملکرد آنها بر کل جامعه تاثیر گذار است - در

1. Hslbyn, Smith, Bk·hard and Richard
2. Matsuda
3. Ulrich and Brockbank
4. Akgün, Byrne and Keskin
5. Kesti, Syvajarvi, Stenvall and Rivera
6. Qara, Ferdows and Mrshyln
7. Gholami, Safae
8. Hui, Myskl and Cecil
9. Alaqhbnd
10. Albrecht
11. Robbins

ردیف مهمترین سازمان های هر کشوری می باشند- و با توجه به پیچیدگی وظایف این سازمان ها، ضرورت استفاده از افکار و عقاید کارکنان در قالب هوش سازمانی کاملاً احساس می شود، چرا که یک سازمان بدون استفاده از نیروهای متخصص و خلاق به سطح قابل قبولی از اثربخشی نخواهد رسید.

باشگاه های ورزشی را باید یکی از اصلی ترین متولیان ورزش در کشور دانست که عملکرد آن ها در کلیه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی افراد موثر است. عملکرد خوب این باشگاه ها زمینه ساز ایجاد یک جامعه سالم و توسعه یافته است و عملکرد ضعیف و غیر تخصصی آنها بستر ساز بسیاری از ناهنجاری ها و نارسایی های اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. بنابراین با توجه به وظیفه خطیر این مجموعه ها مدیران آنها باید بدانند که چگونه افراد را برانگیزانند، آنها را هماهنگ کنند و اعمال و ارتباطات بین فردی و اثربخشی آنها را بهبود بخشند و این نکته مهم را که کارکنان پایه اساسی موفقیت یا شکست هر مجموعه ای هستند را مد نظر قرار دهند (ملک زاده^۱، ۲۰۱۰)

در این زمینه، تحقیقاتی صورت گرفته است که به مهمترین آنها اشاره خواهیم کرد. درویشی و میرزاخانی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه هوش سازمانی مدیران و اثر بخشی مأموریت های اطلاعاتی پلیس» به بررسی رابطه هوش سازمانی مدیران و اثربخشی مأموریت های اطلاعاتی پلیس پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین ابعاد پنج گانه هوش سازمانی مدیران پلیس با اثربخشی مأموریت های اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که ابعاد هوش سازمانی بر اثربخشی مأموریت های اطلاعاتی پلیس تأثیر مستقیم دارد. صابونچی و رضوی، حتمی و یمنی فیروز^۳ (۲۰۱۴) نقش یادگیری سازمانی و هوش سازمانی را در رفتار شهروندی ضروری دانستند. تحقیق بر روی ۳۷۴ فدراسیون صورت گرفت. در واقع، افزایش یادگیری سازمانی، منجر به بهبود رفتار شهروندی و افزایش عملکرد فدراسیون بوده است. ابراهیمی فرد^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقش هوش سازمانی را منجر به ایجاد خلاقیت دانست. عرفانی خانقاهی و جعفری^۵ (۲۰۱۳) مدل هوش سازمانی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی میان ۳۱۱ نفر از اعضای هیئت علمی بر پایه یادگیری سازمانی برازش نمود که مدل از برازش لازم برخوردار بود. تحقیق غلامی و صفایی^۶ (۲۰۱۲) با عنوان «رابطه بین هوش سازمانی و عملکرد مدیران» که بر روی مدیران دانشگاه گرمسار انجام شد، رابطه معناداری بین هوش سازمانی و عملکرد مدیران نشان نداد، اما نتایج رگرسیون نشان داد که کاربرد دانش (یکی از مؤلفه های هوش سازمانی) عامل پیش بینی کننده عملکرد مدیران در بخش منابع انسانی است.

اردلان و اسکندری و گیلانی^۷ در سال ۲۰۱۲ پژوهشی با عنوان «رهبری دانش، هوش سازمانی و اثربخشی سازمانی» را بر روی کارمندان دانشگاه بوعلی سینا انجام دادند که نتایج آن حاکی از این موضوع بود که بین هوش سازمانی و اثر بخشی سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میرسپاسی وافقهی^۸ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «مقایسه تحلیلی هوش سازمانی در آموزش عالی» (مطالعه ای موردی در دانشگاه شهید بهشتی تهران و فردوسی مشهد) به این نتیجه رسیدند که دانشگاه شهید بهشتی با موفقیت در شاخص های تعلق سازمانی و ایجاد توافق و اعتماد در بین کارکنان و استادان خود، در هوش سازمانی وضعیت مناسب تری دارد، اما در ابعاد کاربرد دانش و میل به تغییر، دانشگاه فردوسی مشهد وضعیت به مراتب بهتری را دارا بود.

1. Malekzade
2. Dervish, Mirzakhani
3. Sabounchi, Razavi, Hatami, Yaminifirouz
4. Ebrahimi Fard
5. Khanghahil, Jafari
6. Ardalan, askndry, Gilani
7. Mirsepasi, afqhahy

مرجانی و سهیل پور^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین هوش سازمانی و عملکرد اعضا بر اساس مدل کارل آلبرخت^۲» که شعبات ایرانی شرکت نفت ملی چین را مورد بررسی قرار دادند نشان دادند که بین کلیه شاخص های هوش سازمانی و عملکرد اعضا در شعبات ایرانی شرکت نفت ملی چین رابطه وجود دارد. این تحقیق در پی آن است که ارایه الگوی مدل ارتباطی هوش سازمانی و اثربخشی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

به منظور بررسی مدل ارتباطی هوش سازمانی و اثر بخشی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران، با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری به تحقیق پرداخته شد و روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی، حال نگر و کاربردی بوده است و اطلاعات به روش میدانی گردآوری گردید. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران باشگاه های بدنسازی شهر بودند که فهرست دقیقی از تعداد مدیران وجود نداشت و جزو جوامع نامحدود محسوب شد. در نتیجه با کمک فرمول کوکران، نیازمند ۳۷۵ آزمودنی بودیم که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای، ابتدا شهر تهران به چهار منطقه جغرافیایی تقسیم گردید (شمال، جنوب، شرق و غرب). سپس به صورت تصادفی ۹۴ باشگاه از هر یک از مناطق چهار گانه انتخاب شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه های "هوش سازمانی آلبرخت" (۲۰۰۳) با هفت مؤلفه ۴۹ گویه ای و پرسشنامه ۲۰ گویه ای "سنجش اثر بخشی سازمانی تیسنگ" (۲۰۱۰) بوده است. پرسشنامه ویژگی های فردی نیز با توجه به اهداف تحقیق ساخته شد.

یافته های پژوهش

در این بخش، پیش از انجام آزمون های آماری و به دلیل پیش فرضی جهت استفاده یا عدم استفاده از آزمون های پارامتریک از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده گردید. بر این اساس، ابزار مورد استفاده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن بیانگر وضعیت نرمال بودن متغیرهاست. نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین هوش سازمانی در افراد مورد بررسی برابر ۱۳۰/۰ با $SD=۳۴/۷۰$ و میانگین بهره وری نیز برابر ۷۳/۸۸ با $SD=۵۰/۹۳$ بوده است که با توجه به حداکثر نمره هوش سازمانی (۱۸۰) و حداکثر نمره اثربخشی (۱۲۶)، امتیازات کسب شده نشان دهنده هوش سازمانی و اثربخشی نسبتاً مطلوب بوده است. نتایج آمار استنباطی نشان داد که بین چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک و بهره وری، میل به تغییر و بهره وری و روحیه و بهره وری، اتحاد و توافق و بهره وری کاربرد دانش و بهره وری، فشار عملکرد و بهره وری در مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران رابطه معنی دار وجود داشت. جهت پاسخگویی به این فرضیه ها از آزمون پیرسون استفاده گردید. نتایج این آزمون ها نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنادار بین مؤلفه ها و بهره وری در مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران در سطح معناداری بوده است که در جدول ۱ مشاهده می نمایید.

1. Marjani, Sohailpour

2. Carl Albrecht

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین چشم انداز استراتژیک و اثربخشی سازمانی در مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران

شاخص های آماری متغیرها	R	تعداد	سطح معناداری
چشم انداز استراتژیک و اثربخشی	۰/۶۰۱**	۳۷۵	۰/۰۰۱
سرنوشت مشترک و اثربخشی	۰/۵۳۰**	۳۷۵	۰/۰۰۱
میل به تغییر و اثربخشی	۰/۶۳۷**	۳۷۵	۰/۰۰۱
روحیه و اثربخشی	۰/۶۴۲**	۳۷۵	۰/۰۰۱
اتحاد و توافق و اثربخشی	۰/۶۵۱**	۳۷۵	۰/۰۰۱
کاربرد دانش و اثربخشی	۰/۷۳۸**	۳۷۵	۰/۰۰۱
فشار عملکرد و اثربخشی	۰/۶۸۲**	۳۷۵	۰/۰۰۱

* $p < 0/05$ ** $p < 0/01$

در نهایت، مدل ارتباطی پژوهش مبنی بر ارتباط ساختاری بین هوش سازمانی و اثربخشی از برآزش لازم برخوردار بوده است. در راستای پاسخگویی به برآزش محقق در این پژوهش، ابتدا باید هر کدام از متغیرها بر اساس رویکردهای تحلیل عاملی تاییدی بررسی و سپس به آزمون مدل مبادرت می شد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی هوش سازمانی نشان داد (جدول ۲) که کلیه مقادیر تی و بار عاملی شاخص های (سئوالات) مربوط به هوش سازمانی معنادار بوده و هیچ از این شاخص ها از مدل نهایی تحقیق حذف نشدند. پس از بررسی نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به سئوالات پرسشنامه مرتبط با متغیرهای پژوهش به بررسی و تحلیل عاملی تاییدی ابعاد متغیرهای پژوهش (هوش سازمانی) پرداخته شد. نتایج حاصل از بررسی ابعاد هوش سازمانی در جدول ۳ و شکل ۱ نشان داده شده است.

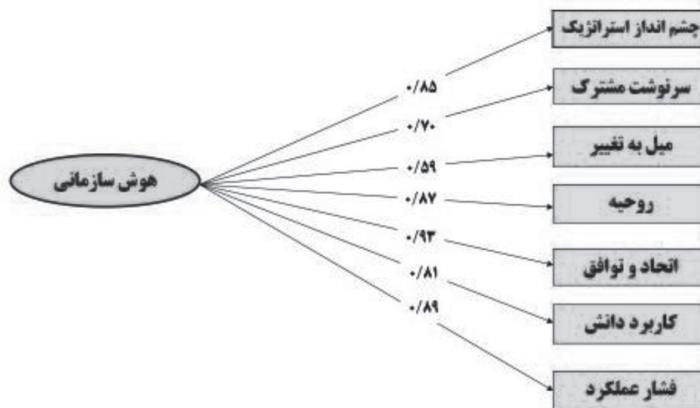
جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی تاییدی شاخص های مربوط به هوش سازمانی در حالت استاندارد

ردیف	مولفه های هوش سازمانی	بار عاملی
۱	چشم انداز استراتژیک	۰/۸۵
۲	سرنوشت مشترک	۰/۷۰
۳	میل به تغییر	۰/۵۹
۴	روحیه	۰/۸۷

۵	اتحاد و توافق	۰/۹۳
۶	کاربرد دانش	۰/۸۱
۷	فشار عملکرد	۰/۸۹

همان گونه که جدول نشان داد، نتایج حاکی از این است که همه ابعاد هوش سازمانی (چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، میل به تغییر، روحیه، اتحاد و توافق، کاربرد دانش و فشار عملکرد) از مقادیر بار عاملی قابل قبولی برخوردار بودند. همچنین، بعد اتحاد و توافق (بارعاملی ۰/۹۳) بیشترین تاثیر را بر هوش سازمانی دارد و بعد میل به تغییر (بارعاملی ۰/۵۹) از این نظر در رتبه آخر قرار گرفت.

شکل ۱: نتیجه تحلیل عاملی تاییدی ابعاد هوش سازمانی



در ادامه در راستای تحلیل تاییدی مدل تحقیق جدول ۳ نشان داد که بین متغیر هوش سازمانی به عنوان متغیر مستقل و اثربخشی متغیر وابسته رابطه معناداری وجود داشت.

جدول ۳: نتیجه آزمون فرضیه پژوهش براساس مدل معادلات ساختاری

ضریب مسیر	فرضیه
۰/۲۶	تاثیر هوش سازمانی بر اثربخشی

جدول ۴: ارزیابی برازش کل مدل

مقادیر شاخص ها	شاخص های برازندگی مدل مفهومی
۲۸/۷۵	خی دو
۱۹	(df) درجه آزادی
۰/۰۷۵	(RMSEA) ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
۰/۹۲	(NFI) شاخص برازش هنجار شده
۰/۹۳	(GFI) نیکویی برازش
۰/۰۰۷	p-value

همانطور که در جدول ۴ مشاهده گردید، مقادیر تمامی شاخص ها نشان دهنده برازش مناسب و قابل قبول مدل مفهومی تحقیق بوده است. بنابراین و براساس برازش مناسب الگوی مفهومی پژوهش، همخوانی الگوی مفهومی با داده های گردآوری شده مورد تایید واقع شده است. از این رو، در انتها مدل ساختاری پژوهش بر مبنای ارتباط ساختاری بین هوش سازمانی و اثربخشی در شکل ۲ قابل ملاحظه می باشد.

شکل ۲: نتایج آزمون مدل مفهومی تحقیق مبنی بر پیش بینی اثربخشی توسط هوش سازمان



بحث و نتیجه گیری

یکی از مهمترین عوامل موثر در اثربخشی سازمانی، هوش سازمانی است. از این رو، این پژوهش با هدف بررسی ارتباط هوش سازمانی و ابعاد آن با اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی شهر تهران انجام گرفت و نتایج نشان داد که بین چشم انداز استراتژیک و سرنوشت مشترک، میل به تغییر، روحیه و اثربخشی، اتحاد، کاربرد دانش، فشار عملکرد و اثربخشی سازمانی مدیران باشگاه های بدنسازی ارتباط مستقیم و معنی داری وجود داشته است. به علاوه، مقادیر تمامی شاخص ها نشان دهنده برازش مناسب و قابل قبول مدل مفهومی تحقیق بوده است که بر اساس مدل ساختاری، ارتباط بین هوش سازمانی و اثربخشی سازمانی تایید گردید.

در میان مولفه ها می توان گفت بین چشم انداز استراتژیک و اثربخشی سازمانی رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت؛ به طوری که هر چه میزان چشم انداز استراتژیک افزایش یا کاهش یابد، به همان میزان اثربخشی سازمانی نیز افزایش یا کاهش خواهد یافت. در واقع، چنین استنباط می شود که هر چه سازمان دارای اهداف مشخص و بلند مدت تری باشد، اثربخشی سازمان بالاتر بوده است. پس لازم است که نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت کاملاً شناسایی گردند و با تشکیل تیم های ارتقایی سازمان و برگزاری کلاس های رشد مدیران در این حیطه گام برداشت.

بعلاوه، توسعه اثربخشی سازمانی، موجب ایجاد احساس سرنوشت مشترک در مدیران و کارکنان در راستای رسالت و مأموریت سازمانی و حس همدلی و مسئولیت پذیری منجر به افزایش خودکارمندی تیمی و اثربخشی می شود.

میل به تغییر که نشان دهنده چالش، کسب تجارب جدید و مهیج، شانسی برای شروع کار و فعالیتی جدید است، در جامعه مورد بررسی وجود دارد. همچنین، انسان تنوع پذیر است و با ایجاد تغییرات منطقی در سازمان، جو سازمان و همچنین عملکرد کارکنان از حالت یکنواختی بیرون می آید که ایجاد انگیزه در کارکنان و به دنبال آن اثربخشی را در پی دارد. در جامعه مورد مطالعه به مسائل روحی و انگیزشی کارکنان که از دلایل مهم افزایش اثربخشی سازمانی در سازمان است توجه می شود، چرا که در یک سازمان با روحیه پایین، کارکنان به میزان اصولی و منطقی به شغل و وظیفه شان عمل نمی کنند و زمانی که یک کارمند با روحیه در سازمان حضور داشته باشد، نشان دهنده رضایت شغلی او است - که رضایت شغلی خود نیز بر اثربخشی اثر می گذارد.

این پژوهش نشان داد که بین اتحاد و توافق با اثربخشی سازمانی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ چنان که افراد و گروه ها در جامعه مورد بررسی، خود را برای تحقیق اهداف و رسالت سازمان، سازماندهی کرده اند. پس افراد باید تشویق شوند به روشی که مناسب شرایط و برای آنها ارجح است، به فعالیت و یادگیری بپردازند و استعداد های خود را نمایان سازند. مخلوقات اجتماعی بر مبنای اعتماد و اطمینان و تعامل و وابستگی متقابل است که شکوفا شده و رشد می کنند. هم عقیدگی و دست بدست هم دادن افراد سازمان، اهداف سازمان را بهتر و در زمان کمتری تحقق می بخشد.

همچنین می توان گفت بین کاربرد دانش و اثربخشی سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. امروزه اطلاعات کاربردی، دانش به روز است که در هر دقیقه قابل تغییر است و منجر به موفقیت و بهروری می شود. فناوری دانش منجر به افزایش علم و صلاحیت افراد خواهد شد و در نهایت، روحیه و رضایت شغلی کارکنان در تمامی واحدهای کوچک و بزرگ سازمان باید مورد توجه قرار گیرد تا تعهد آنان نسبت به کل سازمان افزایش یابد. رضایتمندی منجر به سیر سریع ارتقای شغلی و بهره وری سازمانی است.

همچنین، بین فشار عملکرد و اثر بخشی سازمانی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد و این در حالی است که در یک سازمان هوشمند هر کس باید خودش دارای گزاره ای برای عملکرد باشد؛ یعنی بداند که به چه باید برسد و به ماندگاری و روایی هدف های خود آگاه باشد.

نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات درویشی و میرزاخانی (۲۰۱۴)، صابونچی و همکارانش (۲۰۱۴)، ابراهیمی فرد (۲۰۱۴)، عرفانی خانقاهی و جعفری (۲۰۱۳)، غلامی و صفایی (۲۰۱۲)، اردلان و اسکندری و گیلانی (۲۰۱۲)، میرسپاسی و افقهی (۲۰۱۲)، مرجانی و سهیل پور (۲۰۱۲) همسوست. در آخر با توجه بر اهمیت موضوع اثر بخشی سازمانی و رابطه مثبت و معنی دار آن با هوش سازمانی و مولفه هایش، به مدیران و مسئولان باشگاه های بدنسازی شهر تهران پیشنهاد می شود نسبت به بررسی عملکرد خود و تطبیق تصمیمات و فعالیت های خود با مولفه های هوش سازمانی در جهت بهره برداری از فواید اثر بخشی سازمانی گام بردارند.

قبل از شروع تحقیق حاضر موضوعی که برای تیم پژوهشی ملموس بود، اهمیت موضوع هوش سازمانی بر اثربخشی سازمان ها بود که در تحقیقات پیشین اثرات هوش سازمانی بر افزایش سطح اثر بخشی سازمانی مشهود بود. از این جهت شناخت زوایای هوش سازمانی و اثر بخشی سازمانی در سازمان بسیار مهم تلقی می شد که با نگاهی دقیق بر پیشینه پژوهش های مرتبط اثر متغیر هوش سازمانی بر اثر بخشی سازمانی بر عملکرد سازمان مثبت گزارش شده بود.

با بررسی پیرامون جوامع مورد پژوهش این متغیر ها و انتخاب مدیران باشگاه های بدنسازی به عنوان جامعه مورد پژوهش که خود در جایگاه ترویج و توسعه ورزش در جامعه هستند، به این مهم دست یافتیم که هوش سازمانی بر اثر بخشی سازمانی مدیران باشگاه های شهر تهران نیز اثر گذار است.

منابع

- Akgün, A. E., Byrne, J., Keskin, H. (2007). **“Organizational intelligence: a structural view”**. Journal of Organizational Change Management. 20(3), 272-289.
- Alaqhbnd, A. (2009). **General Manager**. Tehran ravvan Publishing (Persian)
- Albrecht, K. (2009). **Organizational Intelligence & Knowledge Management: Thinking outside the Silos**.
- Alvani, Syed Mahdy.,mohammady, Somaia., Mirzaee, Mahdy. (2012). **“Impact of organizational culture on manpower productivity”**. Journal of Management. 5. 38-25.(Persian)
- Ardalan, Mohammad Rza., askndry, Asghar., Gilani, Maryam. (2012). **“Student leadership, organizational intelligence and organizational effectiveness”**. Strategic Management Studies. 12 , 71-100.(Persian)
- Dervish, Sayyad., Mirzakhani, Abdul Rahman .(2014). **“The relationship between management business intelligence and the effectiveness of information police missions”**. Journal of intelligence and criminal investigations. in the ninth, 35. 98-77. (Persian)
- Gholami, Shahram ., Safaee, Sepideh. (2012). **“The relationship between the organization intelligence and the performance of managers”**. Journal of educational and instructional studies in the world. 2 , 30-38
- Hslbyn, Francis., Smith, Marshall Gold ., Bkhard, Richard .(2001). **Of farad**. Volume I, translated Fazlolah Amini, Tehran published farda. .(Persian)
- Hu, i., K. v Myskl., Vienna, Cecil, J .(2008). **Educational Management, theory, research and practice**. Translation Mirmohamad Seyed'abbas Zadeh. Urmia University Press. .(Persian)
- Kesti, M., Syvajarvi. A., Stenvall. J., Rivera, M. (2011). **“Human capital scenario analysis as an organizational intelligence tool for performance management”**. Problems and Perspectives in Management. 9(1), 46-58.
- Kesti, M., Syvajarvi. A., Stenvall. J., Rivera, M. (2011). **“Human capital scenario analysis as an organizational intelligence tool for performance management”**. Problems and Perspectives in Management. 9(1), 46-58.
- Lakshman, C., Parente, R. (2008). **“Supplier-focused knowledge management in the automobile industry and its implications for product performance”**. Journal of Management Studies, 45 , 31-42.
- Malekzade, Gh. (2010). **“Organizational intelligence, a powerful tool in the management of knowledge-based companies»**. Journal of technology development. 1(22), 31-37 .
- Marjani ,Amir Babak., S. ohelpour, mojdeh. (2012). **“The relation betweenorganizatopnal intelligence and staff performance based on the Model of Karol Alberekht”**. International Journal of Business and Social Science, 3, 21-34.
- Masoumeh. Erfani Khanghahi., Parivash. Jafari. (2013). **“Model for Organizational**

Intelligence in Islamic Azad University". Mathematics Education Trends and Research. Available online at www.ispacs.com/metr Volume 2013, 10-28

- Matsuda, T. (1992). **"Organizational intelligence: its significance as a process and as a product"**. Proceedings of the international conference on Economics/ Management and information technology. Tokyo. Japan, 5 , 45-59
- Mirsepasi, Naser., afqhahy, Babak. (2012). **"Comparative analysis of organizational intelligence in higher education: Study"**. Journal of Research and Planning in Higher Education. 65, 86-67.(Persian)
- Mokaya, Samuel. (2012). **"Corporate Entrepreneurship and Organizational Performance Theoretical Perspectives, Approaches and Outcomes"**. International Journal of Arts and Commerce , 4 ,14-29
- Qara, Mohammad Ali., Ferdowsi, MH., Mrshyln, Fatemeh Sadat. (2012). **"The relationship between business intelligence and its components with the job performance of managers and staff of Physical Education and Sports Science in Sports City Ahvaz"**. pzhvhsh Hay Application Management ,Vrzsh. 2. 80-73. (Persian)
- Reza .Sabounchi., Seyed Mohammad Hossein. Razavi., Saeed. Hatami., Masoud .Yaminifirouz., Iraj. Eyvazi. (2014). **"Structural Equation Modeling of the Role of organizational learning and intelligence in organizational Citizenship behavior among Iran Sports Federations Employees"**. International Journal of Sport Studies. 4, 991-998.
- Robbins, Stephen P .(2001). **"Organization theory"**. Translated by Mehdi Alvani , Hassan danaey far. Tehran Cultural Research Bureau. (Persian)
- Shabani bahar, Ghlamrza.nsralh, Earfani. Azizi Ahmad Reza. (2013). **"Forecasts organizational effectiveness based on emotional intelligence sport Lorestan province"**. Journal of Applied Sport Management. 4, 93- 98 .(Persian)
- Shahrbano. Ebrahimi Fard. (2014). **"The relationship between organizational intelligence and employees' creativity"**. International Journal of Management and Humanity Sciences. 3, 2540-2545.
- Simic, I. (2005). **"Organizational Learning as A Component of Organizational Intelligence, Information and Marketing Aspect of the Economically Development of the Balkan"**. The Balkan Countries Journal. 6 , 47-59.
- Ulrich. D., Brockbank, W. (2005). **The HR Value Proposition**. Boston, MA: Harvard Business School Press.



ارتباط علی بین حس بینایی با رضایتمندی و وفاداری مصرف کنندگان ورزشی

محمد صیادفر^۱

فرشاد تجاری^۲

علی زارعی^۳

محمد رضا اسمعیلی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

هدف از پژوهش حاضر، تعیین ارتباط علی میان حس بینایی با رضایتمندی و وفاداری مصرف کنندگان استخرهای شهر تهران بود. روش تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر جمع آوری داده ها از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی به شمار می آید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه آقایان و بانوانی بود که در سال ۱۳۹۳ از استخرهای شهر تهران استفاده می کردند که در این تحقیق ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته «حس بینایی»، پرسشنامه «رضایتمندی اینترنت و هابرت» (۱۹۹۴) و از پرسشنامه «وفاداری پیچینلیو» (۲۰۰۸) استفاده شد. برای تحلیل داده ها در سطح آمار استنباطی از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده گردید. یافته های تحقیق نشان داد که حس بینایی با رضایتمندی ($p \geq 0.05; t = 8.80$)؛ حس بینایی با وفاداری ($p \geq 0.05; t = 5.83$) و در نهایت، رضایتمندی با وفاداری مصرف کنندگان ورزشی ($p \leq 0.05; t = 12.8$)؛ ارتباط علی معنی داری دارند. بنابراین با توجه به نتایج پیشنهاد می شود استخرها علاوه بر ایجاد پیوندهای عقلانی، پیوندهای عاطفی و احساسی نیز با مشتری برقرار کنند و از طریق تجارب حسی، حواس انسان را جذب کنند. این تجربه اغلب شامل محیط فیزیکی با نشانه هایی از نور، رنگ و دکوراسیون می باشد که نشان داده شده همگی تأثیر زیادی بر مصرف کنندگان و پاسخ های عاطفی آنان بر جای می گذارند.

واژگان کلیدی: حس بینایی، رضایتمندی، تجربه حسی و وفاداری

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: m_sayyadfar@yahoo.com

۲. استاد تمام، دانشکده تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار، دانشکده تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. دانشیار، دانشکده تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

علی رغم آگاهی مان از اهمیت بالای حواس انسان^۱، این موضوع مدت های زیادی نادیده گرفته شده است. از طریق این حواس است که فرد از شرکت ها، محصولات و برندها آگاهی پیدا می نماید و آن ها را درک می کند (اسمیت^۲، ۱۹۹۹). حواس با هدف ایجاد تجربیات حسی از طریق دیدن، شنیدن، چشیدن، بوییدن و لمس کردن سر و کار دارد. حواس انسان اهمیتی حیاتی در تجربه زیستی اش دارد و بدون حواس هیچگونه اثر پذیری و ادراکی نمی تواند شکل بگیرد و فهمیدن، احساس کردن، یاد گرفتن و فکر کردن امکانپذیر نخواهد بود. حواس پنجگانه انسان، اطلاعات ارزشمندی درباره چیزهای مختلف ارائه می کنند (هولتن^۳، ۲۰۰۸) که تأثیر قوی ای بر رفتار ما دارند (الکساندیو^۴، ۲۰۱۳). محرک ها یا نشانه های حسی موجود در محیط از طریق حواس پنجگانه انسان منتقل می شوند و می توانند روی فرد تأثیر بگذارند، تجربه خرید را بهبود بخشند و ماهیت رفتار را تغییر بدهند، درحالی که که هوشیاری و آگاهی کافی را داریم. افراد، دنیای خود را از طریق حواسشان درک می کنند که باعث ایجاد تجربه حسی می شود که می تواند به خوبی فرد را مجذوب کند (براندفورودسروچر^۵، ۲۰۰۹). چشم انداز خدمات در حال تبدیل شدن به محیطی است که از تمرکز صرف بر فروش کالا و ارائه خدمات پا را فراتر نهاده و فروشگاه ها، هتل ها، رستوران ها، بازارچه ها، اماکن گردشگری و مراکز خرید تلاش می کنند تا علاوه بر پیوند های عقلانی، پیوندهای عاطفی و احساسی نیز با مشتری برقرار کنند و از طریق تجارب حسی، حواس انسان را جذب کنند (هولتن^۶، ۲۰۰۸). از میان حواس پنجگانه، بینایی حسی است که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد و به عنوان منبع حسی است که در محیط تحریک کننده تر است (نارات^۷، ۲۰۱۱). به علاوه، ۷۰ تا ۸۰ درصد تصمیم های ما در زندگی روزمره مبتنی بر برداشت های بصری هستند (هولتن^۶، ۲۰۰۸). نشانه های بینایی در محیط شامل نور، رنگ و دکوراسیون می باشد که نشان داده شده است همه تأثیر زیادی بر پاسخ های عاطفی مصرف کننده می گذارند (هافمن^۸، ۲۰۰۲ و گرونوس^۹، ۲۰۰۷). اولین نشانه حسی بصری^۹، رنگ است. رنگ ها اولین راه شناسایی و تمایز هستند. بسیاری از برندها با یک رنگ خاص همراه هستند که به راحتی در ذهن و خاطرات مصرف کنندگان به صورت ناخودآگاه می ماند. در صنایع خدماتی، از رنگ ها بسیار استفاده می شود، به این دلیل که رنگ می تواند خلق و خو و احساسات و عواطف مشتریان را تحت تأثیر قرار دهد. انتخاب رنگ ها در محصول، دکوراسیون مکان فروش و تبلیغات، از عوامل کلیدی موفقیت یا شکست هستند (نارات^۷، ۲۰۱۱). هاسانویک (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه رسید که نشانه های بصری عمدتاً تأثیر مثبتی بر تجربه افراد دارند. همچنین نشان داد که احساسات افراد در باشگاه ها ارتباط نزدیکی با رنگ ها و نورهای محیط دارد. نور^{۱۰} نیز یکی از اجزای مهم حس بینایی در محیط است. ریونیر (۲۰۰۲)، اعتقاد دارد که نور طبیعی و یا یک نور مصنوعی باعث افزایش احساس خوب و صرف زمان در

1. Human Senses
2. Schmitt, B.H
3. Alexadou
4. Bradford& Desrochers
5. Narat Amorntatkul
6. Hulten
7. Hoffman
8. Grönroos
9. Visual
10. Light

یک نقطه از فروش خواهد شد. از سوی دیگر، چراغ های مصنوعی قدرت تحرک و پویایی مشتریان را افزایش خواهد داد. از آنجایی که ویژگی های خدمات قابل لمس نیستند، بنابراین مصرف کنندگان خدمات قادر به ارزیابی خدمات، قبل از مصرف آن نیستند. به همین دلیل مصرف کنندگان تمایل دارند که به وسیله نگاه کردن به شواهد قابل لمس ارزیابی خود را از خدمات انجام دهند (نارات، ۲۰۱۱). گلدکول و استیون^۱ (۲۰۰۷) اذعان داشتند که حواس، نقش مهمی در قابل لمس کردن خدمات ایفا می کنند. علاوه بر این، هولتن^۲ و همکاران (۲۰۰۸) به این شناخت رسیده اند که امروزه مشتریان می خواهند با عناصر احساسی جلب بشوند که بدین وسیله روابط می تواند ایجاد شود. بنابراین حیاتی است که اجزا و ویژگی های احساس را بشناسیم، زیرا روی ادراک و رفتار مصرف کننده تأثیر گذار هستند. اسکندرانی (۲۰۱۱) اذعان داشت که تأثیر استفاده از محرک های حسی می تواند بر دو گونه باشد؛ هم می تواند باعث ایجاد تشویق و هم باعث ایجاد استرس در فرد شود. براندفور و دسروچر (۲۰۰۹) معتقدند که اگر ابزارهای حسی به درستی استفاده شوند می توانند بر تصمیم گیری مصرف کننده تأثیر بگذارند و همچنین باعث نگرش مثبت در مصرف کننده شوند. سوارز^۳ (۲۰۰۹) نیز به همین نکته اشاره کرده است که اگرچه استفاده از محیط های حسی به وضوح فواید زیادی دارد، اما در صورت استفاده نادرست از نشانه های حسی امکان به جود آمدن مشکل هم وجود دارد. به طور مثال، بعضی از مواقع که از فعالیت های حسی زیادی (بیش از یک منبع حسی) استفاده می کنیم ممکن است باعث گیجی مشتری بشود و به صورت اتفاقی باعث عدم انتخاب یا نادیده گرفتن محصول توسط مشتری شود. در واقع، استفاده از بعضی نورها و رنگ ها ممکن است باعث سردرگمی مشتری شود. بنابراین، اگر ابزارهای حسی به درستی استفاده شوند می توانند باعث نگرش مثبت در مصرف کننده گردند، اما در صورتی که ابزارهای حسی به درستی به کار نروند می توانند باعث نارضایتی مصرف کننده شوند (نارات، ۲۰۱۱). به دلیل تأثیر رضایتمندی بر تمایلات رفتاری مصرف کنندگان و حفظ مشتری، رضایتمندی مصرف کنندگان در زمینه ورزش مورد توجه زیادی قرار گرفته است (گرونین^۴، ۲۰۰۰). مصرف کنندگان راضی تمایل به خرید مجدد دارند و احتمال بیشتری دارد که محصولات و یا خدمات خریداری شده را به دیگران توصیه کنند (زیتمال^۵، ۱۹۹۶). در زمینه مکان های ورزشی، واکفیلد و بلاجت نشان دادند که رضایت مصرف کننده از محیط حسی اثر مثبت بر تکرار حمایت (وفاداری) مصرف کننده دارد (سانگ وان لی^۶، ۲۰۱۲).

تحقیقات مختلفی به وجود ارتباط مثبت بین حس بینایی و رفتار مصرف کننده اشاره کرده اند. گرنیول، فینک^۷ و پسچر (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی نحوه تأثیر ادراک مشتری از یک مجموعه ورزشی بر رضایتمندی مشتری پرداختند. یافته ها نشان داد که ادراکات مشتری از امکانات فیزیکی با رضایتمندی مشتری ارتباط دارد. براندفور^۸ و دسروچر (۲۰۰۹) نیز معتقد بودند که محرک های حسی می توانند محیط را تحت تأثیر قرار دهند و باعث بهبود تجربه خریدار شوند که در نهایت، به شیوه های ناخودآگاه تغییر در رفتار مشتری را در پی خواهد داشت. نارات (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان داد که استفاده از رنگ سفید در هتل

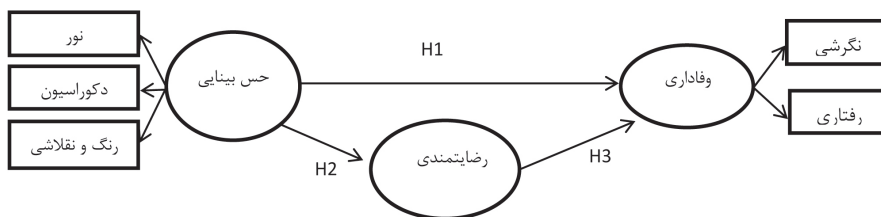
1. Goldkuhl& Styven
2. Hultén
3. Suarez
4. Cronin
5. Zeithaml
6. Seunghwan Lee
7. Fink
8. Brandfor

و رستوران آرامش درونی مشتریان را در پی دارد و در نتیجه باعث رضایتمندی و بازگشت مجدد مشتری می شود. طبق تحقیقات بلیز و هایت (۱۹۹۲) یک رنگ سرد (مانند رنگ آبی) تأثیر زیادی بر روی احساس لذت و انگیزندگی مشتری دارد و باعث می شود مشتری، پول و زمان بیشتری را صرف کند. در پژوهشی که توسط باکرو همکاران (۲۰۰۲) انجام شد، نشان داده شد که رنگ، دکوراسیون و طراحی روی رفتار و احساس مصرف کننده تأثیر می گذارند. بنکی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه تصویر ذهنی، اعتماد، رضایتمندی و وفاداری در خریداران جوان از سوپرمارکت ها» به این نتیجه رسیدند که رضایتمندی می تواند باعث ایجاد وفاداری بشود و در واقع برای ایجاد وفاداری، رضایتمندی مشتری ضروری می باشد. سونال بانرجی^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان داد که محرک های موجود باعث تشویق آنها به خرید و استفاده از محصول می شوند که حس بینایی مهمترین عامل تأثیرگذار در تصمیم گیری مصرف کنندگان و رفتار خرید آنها بوده است. هانوریو^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان داد که دکوراسیون به طور مستقیم افزایش سطح رضایت مشتری و به طور غیرمستقیم وفاداری مشتری را تحت تأثیر قرار می دهد. به خوبی مشخص شده است که تجربیات حسی مصرف کنندگان^۴ نقش مهمی را در درک آنان از ارزش ایجاد شده توسط شرکت ها بازی می کند. با توسعه عناصر حسی بر ای برآورد کردن انتظارات مصرف کنندگان، شرکت ها می توانند تجربه مثبتی برای مصرف کنندها ایجاد کنند که می تواند مصرف کنندگان گاهگاهی^۵ را به مصرف کنندگان وفادار^۶ تبدیل کند (گوبی^۷، ۲۰۰۱ و لیندستروم^۸، ۲۰۰۵). بنابراین، با توجه به کمبود تحقیقات انجام شده در زمینه حس بینایی و وجود تفاوت ها و تضادهایی که در ارتباط منابع حسی پنجگانه و رفتار مصرف کنندگان در صنایع مختلف وجود دارد، برای روشن شدن این تفاوت ها و مشخص شدن اهمیت منبع حسی بینایی در استخرها، نیاز به تحقیقات بیشتری می باشد. لذا محقق در این پژوهش سعی بر آن دارد به این سؤالات پاسخ دهد:

آیا «بین حس بینایی و رضایتمندی» و «بین حس بینایی و وفاداری مصرف کنندگان ورزشی» ارتباطی وجود دارد؟

آیا رضایتمندی از تجربه حسی در نهایت منجر به وفاداری مصرف کننده می شود؟

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



1. Beneke&et al
2. Sonall Banerjee, Sunetra Saha
3. Han & Ryu
4. Consumers' sensory experiences
5. Loyal consumers
6. Casual consumers
7. Gobé
8. Lindstrom

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر روش جمع آوری داده ها، از نوع توصیفی-همبستگی (معادلات ساختاری) به شمار می آید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه مردان و زنانی (۱۸ تا ۶۵ سال) است که در سال ۱۳۹۳ از استخرهای شهر تهران استفاده می کردند. با توجه به اینکه تحقیق حاضر از نوع تحقیقات معادلات ساختاری است، لذا در روش شناسی مدل یابی معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه می تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه گیری شده تعیین شود:

$$15q - n = 5q$$

بنابراین، q تعداد متغیرهای مشاهده شده یا تعداد گویه های (سؤالات) پرسشنامه و n حجم نمونه است (هومن، ۱۳۸۴). با توجه به اینکه مقیاس های تحقیق دارای ۲۰ گویه بود، حجم نمونه این تحقیق از حداقل ۱۰۰ تا حداکثر ۳۰۰ مورد می توانست باشد که در این تحقیق تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته و به روش نمونه گیری خوشه ای از ۸ استخر شهر تهران انتخاب شدند.

در این تحقیق از چهار پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده ها استفاده شد:

۱. پرسشنامه محقق ساخته برای جمع آوری داده های جمعیت شناختی؛

۲. پرسشنامه حس بینایی که بر اساس مقیاس سانگ وان لی^۱ (۲۰۱۲) تهیه شد؛

۳. پرسشنامه رضایتمندی بینر و هابرت^۲ (۱۹۹۴)؛

۴. پرسشنامه وفاداری یچینلیو (۲۰۰۸).

برای تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آمار توصیفی برای خلاصه کردن و طبقه بندی داده های خام و محاسبه میانگین، فراوانی، انحراف معیار و رسم نمودارها و جداول استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، از مدل یابی معادلات ساختاری^۳ به روش حداقل مربعات جزئی^۴ جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده گردید. در این تحقیق، به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار اسمارت پی ال اس Smart PLS استفاده شد.

یافته های پژوهش

نتایج حاصل از بررسی وضعیت جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی (۶۱۵ نفر) نشان می دهد ۳۲۳ نفر (۵۳ درصد از نمونه مورد بررسی) را آقایان و ۲۹۲ نفر (۴۷ درصد) را خانم ها تشکیل می دهند، این در حالی است که ۲۸ درصد افراد نمونه دارای مدرک کارشناسی، ۵۰ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۱۵ درصد در سطح کارشناسی ارشد و دکتری و ۷ درصد افراد در سطح زیردیپلم بودند. جدول ۱، رنگ مورد علاقه مصرف کنندگان استخرها را نشان می دهد.

1. Seunghwan Lee
2. Bitner and Hubbert
3. Structural Equation Model (SEM)
4. Partial Least Squares (PLS) path modeling

جدول ۱: رنگ مورد علاقه مصرف کنندگان استخرها

رنگ	آبی	سبز	زرد	قرمز	مجموع
فراوانی	۳۵۸	۸۸	۶۶	۸۷	۶۱۵
درصد	۵۸/۲	۱۴/۳	۱۰/۷	۱۴/۱	۱۰۰

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، به منظور سنجش روایی پرسشنامه، روایی همگرا اندازه گیری شد. روایی همگرا به این اصل برمی گردد که شاخص های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه ای داشته باشند. پس باید میانگین واریانس های خروجی (AVE) از ۰/۵ بیشتر باشد. ضرایب AVE نشان می دهند که چه درصدی از واریانس متغیر مدل، به وسیله یک مؤلفه مجزا تشریح شده است. نتایج خروجی از پی ال اس نشان می دهد که تمامی متغیرها دارای AVE بالاتر از ۰/۵ هستند. در این صورت نتیجه گرفته می شود که مؤلفه ها می توانند به اندازه کافی واریانس متغیرهای مدل پژوهش را تشریح نمایند. بنابراین ابزار اندازه گیری تحقیق حاضر از روایی مناسبی برخوردار است. جهت محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه و اطمینان از هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ متغیرهای پرسشنامه نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه پژوهش حاضر می باشد. همچنین، پایایی مرکب بالاتر از ۰/۸ در بازه مورد قبول قرار داشتند که اعتبار همگرایی بالایی را نشان می دهند.

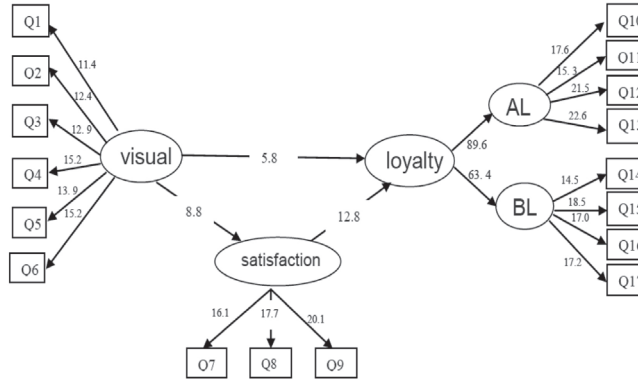
جدول ۲: نتایج روایی و پایایی پرسشنامه

متغیرها	AVE	Composite Reliability	Cronbachs Alpha
حس بینایی	۰/۵۳۳	۰/۸۱۹	۰/۸۰۶
رضایتمندی	۰/۶۸۹	۰/۸۶۹	۰/۷۴۸
وفاداری	۰/۵۱۲	۰/۸۹۲	۰/۸۸۴
نگرشی	۰/۶۳۵	۰/۸۷۴	۰/۸۴۵
رفتاری	۰/۶۲۲	۰/۸۶۸	۰/۸۵۳

ارزیابی مدل ساختاری پژوهش

در این مرحله برای بررسی برازش مدل ساختاری، سه معیار مقادیر آماره t ، ضریب تعیین (R^2) و نیکویی برازش مدل (GOF) استفاده شد.

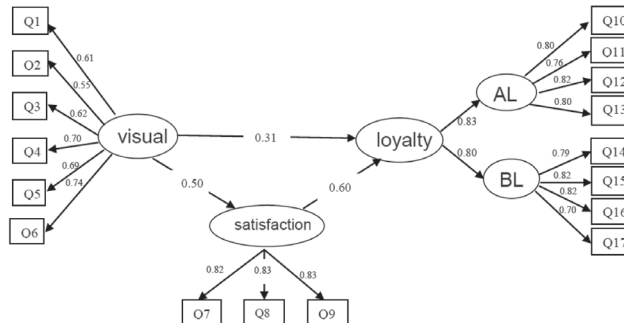
ابتدایی ترین معیار برای ارزیابی رابطه بین سازه ها در مدل ساختاری، مقادیر آماره t است. اگر مقدار آماره t از ۱/۹۶ بیشتر باشد، مسیر و ضریب مسیر مورد نظر معنی دار است و فرضیه مورد نظر تأیید می گردد، در غیر این صورت ضریب مسیر معنی دار نیست و فرضیه مربوطه نیز رد می شود. با توجه به نتایج مقادیر آماره t محاسبه شده در مورد فرضیه ها از مقدار بحرانی آن (۱/۹۶) بیشتر است، بنابراین ضرایب مسیر معنی دار می باشند.

شکل ۲: مقادیر آماره t در مدل پژوهش

AL: Attitudinal Loyalty

BL: Behavioral Loyalty

شکل ۳: ضرایب مسیر و بارهای عاملی در مدل پژوهش



جدول ۳: ضرایب مسیر و معنی‌داری آنها و بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	رابطه مورد بررسی	R^2	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه
فرضیه ۱	حس بینایی $\rightarrow$ رضایتمندی	۰/۲۴	۰/۵۰	۸/۸۰	تایید
فرضیه ۲	حس بینایی $\rightarrow$ وفاداری	۰/۶۴	۰/۳۱	۵/۸۳	تایید
فرضیه ۳	رضایتمندی $\rightarrow$ وفاداری	۰/۶۴	۰/۶۰	۱۲/۸	تایید

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد در فرضیه اول (ارتباط حس بینایی با رضایتمندی از تجربه حسی) ضریب مسیر ۰/۵۰ است و با توجه به اینکه سطح خطای استاندارد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان اعلام نمود

که با احتمال ۹۵ درصد حس بینایی با رضایتمندی از تجربه حسی مصرف کننده ارتباط علی دارد و فرضیه اول مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین، در فرضیه دوم، مسیر مستقیم ارتباط علی حس بینایی با وفاداری و فرضیه سوم، رضایتمندی از تجربه حسی با وفاداری به ترتیب با ضریب مسیرهای ۰/۳۱ و ۰/۶۰ در سطح خطای استاندارد معنادار بوده و به احتمال ۹۵ درصد می توان بیان نمود که حس بینایی و رضایتمندی از تجربه حسی بر وفاداری مصرف کنندگان ورزشی مؤثر است. همچنین، معیار اساسی برای ارزیابی سازه های پنهان درون‌زا، ضریب تعیین (R^2) است. مقادیر R^2 به ترتیب برای فرضیه های اول، دوم و سوم برابر با ۰/۲۴، ۰/۶۴ و ۰/۶۴ می باشد. با توجه به نتایج مقادیر R^2 برای سازه های تحقیق، سازه های پنهان درون‌زا، برازش مناسبی دارند.

ارزیابی مدل کلی

معیار نیکویی برازش (GOF) برای ارزیابی مدل کلی به کار می رود که توسط تننهاوس و همکاران پیشنهاد شده است. این معیار به صورت زیر محاسبه می شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities}R^2}$$

مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای نیکویی برازش مدل کلی پیشنهاد شده است. مقدار GOF برای مدل برابر با ۰/۷۹ به دست آمد که حاکی از برازش کلی قوی مدل است.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، تعیین ارتباط علی میان حس بینایی (رنگ، نقاشی، نور و دکوراسیون) با رضایتمندی از تجربه حسی و وفاداری مصرف کنندگان استخرهای شهر تهران بود. نتایج آزمون معادلات ساختاری و تحلیل مسیر نشان داد که مدل طراحی شده از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین، مشخص شد تمامی فرضیات مورد بررسی مورد تأیید قرار گرفتند. در حالی که فرضیه دوم (حس بینایی با وفاداری) از ضریب تأثیر کمتری برخوردار بود.

در فرضیه اول که به تعیین ارتباط حس بینایی و رضایتمندی از تجربه حسی پرداخت، نتایج نشان داد بین حس بینایی و رضایتمندی مصرف کنندگان استخرها ارتباط معنی داری وجود دارد که این نتیجه با نتایج تحقیقات براندفور و دسروچر (۲۰۰۹)، سونالبانرجی (۲۰۱۲)، هاسانویک (۲۰۱۳)، نارات (۲۰۱۱)، مارتین (۲۰۰۸)، زیتمال (۲۰۰۹)، هافمن (۲۰۰۲)، گرنیول، فینکوپسچر (۲۰۰۲) و گرونروس (۲۰۰۷) همخوانی دارد. گلدکول و استیون (۲۰۰۷) اذعان داشتند که حواس نقش مهمی در قابل لمس کردن خدمات ایفا می کنند. در واقع، از آنجایی که ویژگی های خدمات قابل لمس نیستند، بنابراین مصرف کنندگان خدمات قادر به ارزیابی خدمات، قبل از مصرف آن نیستند. به همین دلیل مصرف کنندگان تمایل دارند که به وسیله نگاه کردن به شواهد قابل لمس، ارزیابی خود را از خدمات انجام دهند. لذا این تجربه حسی رضایت بخش در محیط استخرها در نتیجه قرار گرفتن در معرض محیط فیزیکی با نشانه هایی از نور، رنگ و دکوراسیون بوده است که نشان داده شده است همگی تأثیر زیادی بر مصرف کنندگان و پاسخ های عاطفی آنان بر جای می گذارند. علاوه بر این، استفاده از جو حاکم در ارتباط با حواس، بوسیله فروشگاه ها از نظر روشنائی، رنگ، علائم،

بافت، کیفیت مواد، سبک مبلمان، طرح، دکوراسیون و درجه حرارت می تواند روی نگرش و تصمیم گیری مشتری اثرگذار باشد. در پژوهشی هاسانویک (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که نشانه های بصری عمدتاً تأثیر مثبتی بر تجربه افراد دارند. همچنین، نشان داد که احساسات افراد در کلپ های شبانه ارتباط نزدیکی با رنگ نورهای محیط دارد. علاوه بر این، هولتن و همکاران (۲۰۰۸) به این شناخت رسیده اند که امروزه مشتریان می خواهند با عناصر احساسی جلب بشوند. بنابراین، حیاتی است که اجزا و ویژگی های احساس را بشناسیم، زیرا روی ادراک و رفتار مصرف کننده تأثیرگذار هستند. هان و ریو (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که دکوراسیون، طرح فضایی و شرایط محیطی، به طور مستقیم افزایش سطح رضایت مشتری را تحت تأثیر قرار می دهد. به خوبی مشخص شده است که تجربیات حسی مصرف کنندگان نقش مهمی را در درک آنان از ارزش ایجاد شده توسط شرکت ها بازی می کند. بنابراین برای جلب رضایت مشتری و اینکه مشتری تجربه حسی رضایت بخشی از محیط استخر داشته باشد، باید به محرک های حسی بصری در استخر بیشتر توجه کرد تا از این طریق بتوان تجربه لذت بخشی برای مصرف کنندگان فراهم کرد.

در فرضیه دوم که به تعیین ارتباط حس بینایی و وفاداری پرداختیم، ارتباط حس بینایی با وفاداری نشان می دهد که با ضریب مسیر ۰/۳۱ معنی دار می باشد. این نتیجه با نتایج تحقیقات مینگلین (۲۰۰۶) و وانگچیانگ (۲۰۱۰) همسو می باشد. در واقع، با توسعه عناصر حسی برای برآورد کردن انتظارات مصرف کنندگان، می توان تجربه مثبتی برای مصرف کننده ایجاد کرد تا مصرف کنندگان گاهی به مصرف کنندگان وفادار تبدیل شوند؛ اما با نتیجه تحقیق هانوریو (۲۰۰۹) ناهمسو می باشد. دلیل ناهمسوئی می تواند این باشد که حس بینایی در ابتدا باید یک تجربه حسی رضایت بخشی ایجاد کند تا در نهایت منجر به وفاداری شود. در واقع، حس بینایی معمولاً به صورت غیر مستقیم منجر به وفاداری مصرف کننده می شود و وفاداری اغلب پس از رضایتمندی به وجود می آید.

در فرضیه سوم ارتباط علی بین رضایتمندی و وفاداری بررسی شد که با ضریب مسیر ۰/۶۰ نشان از ارتباط قوی بین این دو متغیر بود. پس ابتدا باید حس بینایی باعث ایجاد تجربه حسی رضایت بخش شود تا در ادامه شاهد وفاداری مصرف کننده باشیم. این نتیجه با نتایج تحقیقات اندرسون و سالیوان (۱۹۹۳)، اولیور (۱۹۸۰)، کرونین، بردی، وهالت (۲۰۰۰) و یوشیدا و جیمز (۲۰۱۰) همسو می باشد. مصرف کنندگان راضی تمایل به خرید مجدد دارند و احتمال بیشتری دارد که محصولات و یا خدمات خریداری شده را به دیگران توصیه کنند (زیتمال، بری و پاراسورامان، ۱۹۹۶). در زمینه مکان های ورزشی، واکفیلد و بلاجت (۱۹۹۶، ۱۹۹۴) نشان دادند که رضایت مصرف کننده از محیط حسی اثر مثبت بر وفاداری مصرف کننده دارد (سانگوانلی، ۲۰۱۲). بنکی و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که رضایتمندی می تواند باعث ایجاد وفاداری بشود و در واقع، برای ایجاد وفاداری، رضایتمندی مشتری ضروری می باشد.

بنابراین با توجه به یافته های پژوهش، پیشنهاد می شود استخرها علاوه بر ایجاد پیوندهای عقلانی، پیوندهای عاطفی و احساسی نیز با مشتری برقرار کنند و از طریق ایجاد محیط بصری جذاب، تجربه حسی رضایت بخشی را برای مصرف کنندگان ایجاد نمایند. این تجربه اغلب شامل محیط فیزیکی با نشانه هایی از نور، رنگ و دکوراسیون استخرها می باشد که نشان داده شده است همگی تأثیر زیادی بر مصرف کنندگان و پاسخ های عاطفی آنان می گذارد. از آنجا که ویژگی های خدمات قابل لمس نیستند، بنابراین با ویژگی های بصری برای مصرف کنندگان می توان تجربه حسی لذت بخشی را ایجاد کرد که این امر رضایتمندی مصرف کننده را در پی خواهد داشت و در نهایت به وفاداری مصرف کنندگان خواهد انجامید.

منابع

- هومن. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت
- Anderson ,E.W & ,Sullivan ,M.W. (1993). «**The antecedents and consequences of customer satisfaction for firms**». Marketing Science .12 ,125–143 .doi:10.1287/mksc.12.2.125.
- Alexadou ,chrysi. (2013). «**Sensory marketing and branding: exploring the power of the senses**». Master thesis in business administration.thessaloniki ,February 2013.
- Baker ,J ,Parasurman ,A ,Grewal ,D & ,Voss, G. B. (2002). «**The influence of multiple store environment cues on perceived merchandise value and patronage intentions**». Journal of Marketing. 66(2), 120-141
- Bellizi ,J .A & ,Hite, R. E. (1992). «**Environmental color, consumer feelings, and purchase likelihood**». Psychology& Marketing, 9(5), 347-363.
- Beneke ,J .E .Adams ,O .Demetriou & R .Solomons. (2011). «**An exploratory study of the relationship between store image, trust, satisfaction and loyalty in a franchise setting**». Southern African Business Review Volume 15.
- Bitner ,M.J & ,Hubbert, A.R. (1994). «**Encounter satisfaction versus overall satisfaction versus quality**». In R.T .Rust & R.L .Oliver) Eds ,(Service quality :New directions in theory and practice (pp. 72–94). Thousand Oaks ,CA :Sage Publications.
- Bradford ,K .D & ,Desrochers, D. M. (2009). «**The Use of Scents to influence Consumers: The Sense of Using**». Journal of Business Ethics .90 ,141 – 153.
- Gobé ,M). 2001 .(Emotional branding :The new paradigm for connecting brands to people .New York :Allworth Press.
- Goldkuhl ,L .and Styfvén ,M. (2007). «**Scenting the Scent of Service Success**». European Journal of Marketing ,Vol .41 ,1297-1305.
- Grönroos ,C. (2007). Service Management and Marketing :Customer Management in Service Competition .Chichester :John Wiley & Sons Ltd ,Publication.
- Han ,H., & Ryu, K. (2009). «**The roles of the physical environment, price perception, and customer satisfaction in determining customer loyalty in the restaurant industry**». Journal of Hospitality & Tourism Research. 33(4), 487-510.
- Hoffman ,K .D & .Turley ,L. W. (2002). «**Atmospherics, service encounters and consumer decision making: An integrative perspective**». Journal of Marketing Theory and Practice. 10(3), 33-47.
- Hasanovic ,Miralem. (2013). «**How do sensory cues and trust affect the customer experience?**». Marketing Master Programme ,Advanced ,Spring 2013 ,Master thesis. linneuse university.
- Hulten ,Den professionella kedjan och den kundstyrda marknadsforingen :om tillganglighet och vardeskapande I det binara samhället ,forskningsrapport(stockhom: handelens utredningsinstitute,july 2007).
- Lindstrom, M. (2005). **Brand sense: How to build powerful brands through touch, taste, smell, sight and sound**. New York :The Free Press.

- Liu ,Yi-Chin. (2008). «**An Analysis Service Quality, Customer Satisfaction and Customer Loyalty of Commercial Swim Clubs in Taiwan**». A Dissertation Project Submitted to the Faculty of the United States Sports Academy in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of Doctor of Sports Management.
- Narat Amorntatkul. (2011). “**How sensory marketing applies to the hotel and restaurant industry in order to influence customer’s behaviour in Thailand**”. Master Thesis.
- Schmitt ,B.H. (1999). **Experiential marketing: How to get customers to sense, feel, think, act, relate to your company and brands**. New York :The Free Press.
- Seunghwan ,Lee ,Hyun Jae Lee ,Won Jae Seo ,and Chris Green New. (2012) “**Approach to Stadium Experience: The Dynamics of the Sensoryscape, Social Interaction, and Sense of Home**”. Journal of Sport Management .2012 ,26 ,490-505.
- Skandrani ,H ,Mouelhi ,N.B.D & ,Malek ,F. (2011). “**Effect of store atmospherics on employees’ reactions** .“International Journal of Retail & Distribution Management. 51-67 ,(1)39.
- Sonall Banerjee ,Sunetra Saha. (2012). “**IMPULSE BUYING BEHAVIOUR IN RETAIL STORES TRIGGERING THE SENSES**”. Asia Pacific Journal of Marketing & Management Review .Vol.1 No .2 ,October 2012 ,ISSN 2319-2836.
- Yoshida ,M & ,James ,J.D. (2010). “**Customer satisfaction with game and service experiences: Antecedents and consequences**”. Journal of Sport Management .24, 338-361.
- Zeithaml ,V.A.,Berry ,L.L& ,Parasuraman,A.(1996).“**The behavioral consequences of service quality**”. Journal of Marketing 46-31 ,(2)60 .. doi:10.2307/1251929.



نشانگان تمرین زدگی، خستگی و عملکرد ورزشی

محمدرضا فضلی^۱

رضا قره خاللو^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

نشانگان تمرین زدگی، یکی از علل رایج افت عملکرد در ورزشکاران است. علائمی چون: خستگی مزمن، درد عضلانی، کاهش هماهنگی، کاهش وزن، تغییرات خلقی و ابتلای مکرر به ناخوشی ها ممکن است توام با افت عملکرد بروز کند، گرچه ممکن است این علائم دال بر سایر علل نیز باشد. تاکنون روش های آزمایشگاهی مطمئن و عملی برای تشخیص تمرین زدگی بیان نشده است. متخصصان بالینی می توانند استراحت نسبی یا مطلق را برای فرد مبتلا تجویز کنند و سعی در تشخیص و اصلاح تمرینات و عوامل تغذیه ای و روانشناختی سهمیم در تمرین زدگی نمایند.

نشانگان تمرین زدگی می تواند حالتی مخرب برای هر ورزشکاری باشد، چراکه درمان آن نیازمند مدت زمانی به نسبت طولانی از استراحت و دوری از تمرینات و جبران خستگی است. ارزیابی و درمان یک ورزشکار مبتلا به خستگی مزمن و افت عملکرد ناشی از سندرم تمرین زدگی می تواند چالش برانگیز باشد. نشانگان تمرین زدگی اغلب تا ماه ها پس از ظهور خستگی و افت عملکرد تشخیص داده نمی شود. تشخیص این نشانگان مشکل است، چون شمار زیادی از حالات و بیماری های طبی و روانی دارای علائم مشابه هستند. نشانگان تمرین زدگی را تنها می توان پس از رد سایر علل تشخیص داد.

وجود این حالت در تحقیقات و نوشته های علمی و برخی از بازنگری های علمی به شکلی کاملاً مستند اثبات شده است. با این همه، آزمون های عملی بالینی و مطمئن برای تشخیص آن ارائه نشده و سازوکار پشت پرده ظهور افت عملکرد مشخص نگردیده است. تحقیقات بیشتری لازم است تا رویکردهای تشخیصی، درمانی و بازتوانی مبتنی بر شواهد در اختیار متخصصان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نشانگان تمرین زدگی، خستگی و عملکرد ورزشی

۱ رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: M.fazli@msy.gov.ir

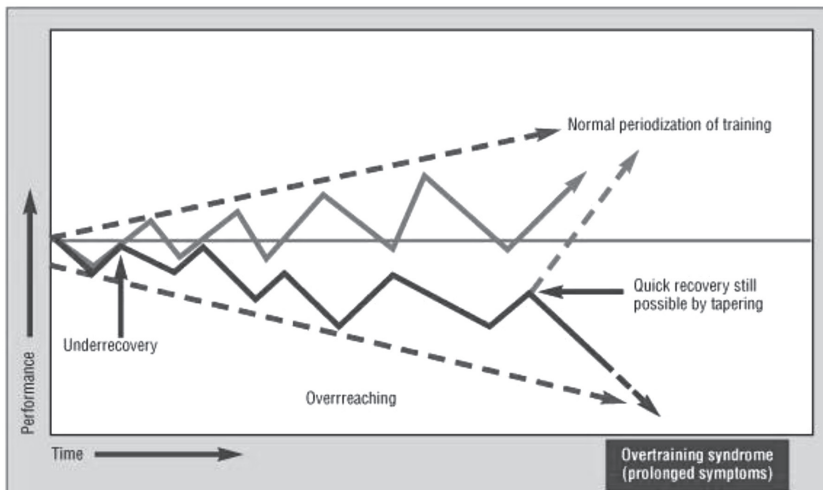
۲ رئیس پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، استاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تعاریف

تمرینات شدید و بازیابی بعد از آن، اساس بهبود عملکرد ورزشی را تشکیل می دهند. کمی خستگی، افسردگی خفیف، کم توانی، اضطراب، تحریک پذیری و اشکال در تمرکز حواس یا خواب برای ورزشکارانی که در تمرینات یا مسابقات شدید شرکت می کنند امری طبیعی به شمار می آید. ورزشکاران ممکن است درد عضلانی مداوم، کاهش هماهنگی، افت میل جنسی و عفونتهای مکرر دستگاه تنفسی فوقانی را تجربه کنند. به این حالت، در اصطلاح "بیش تمرینی" گفته می شود و تجربه آن جزئی از تمرینات شدید به حساب می آید. این علائم و افت ظرفیت عملکرد در یک ورزشکار بیش تمرین، در صورتی که از یک دوره تمرینات سبک سود جسته شود (تمرینکاهی)، به سرعت برطرف می شود. در فرآیند تعدیل تمرینات یا تمرینکاهی، ظرفیت عملکرد ورزشی ورزشکار به بیش از میزان پایه می رسد که به این پدیده "فراجبران" گفته می شود. چنانچه بیش تمرینی خیلی طولانی شود، سندرم تمرین زدگی روی می دهد و علائم مزبور و افت ظرفیت ورزشی می تواند چندین هفته تا چند ماه به طول انجامد (شکل ۱).

۸۰

شکل ۱: توصیف نموداری دوره بندی تمرینات



خط سبز، نماینده دوره های مکرر تمرین و بازیابی است. خط قرمز، نشان دهنده تمرینات سنگین بدون بازیابی کافی است (بیش تمرینی). در بیش تمرینی مزمن، بازیابی سریع رخ نمی دهد و نشانگان تمرین زدگی به وجود می آید.

سندرم تمرین زدگی به افت مداوم عملکرد، با یا بدون علائم روانشناختی و جسمانی علیرغم توسل به دو هفته تمرینات ملایم یا استراحت کامل اطلاق می شود. سندرم تمرین زدگی وقتی شکل می گیرد که فشار شدید جسمانی یا روانی با استراحت ناکافی همراه شود. مهار دستگاه ایمنی، عدم تعادل عصبی-هورمونی و التهابات مزمن ممکن است در علائم سندرم مزبور سهیم باشند، اما سازوکار آن هنوز ناشناخته است.

خستگی

در مطالعات مربوط به تمرین و علوم ورزشی هم تعریف واحدی از خستگی ارائه نشده است. بنابراین متر و معیار واحدی برای مطالعه خستگی در دست نیست، اما در مجموع شدت تمرین/ ورزش، حجم/ میزان عضلات درگیر در فعالیت و نوع و مدت زمان تمرین می‌توانند در فرآیند خستگی موثر باشند. عامل دیگر سر درگمی مطالعات مربوط به خستگی، به کارگیری واژه "خستگی" و "واماندگی" به یک معنی است. یک داوطلب که در آزمون واماندگی شرکت داده می‌شود، در طول آزمون تمام توان خود را به کار می‌برد و در نقطه‌ای از ادامه فعالیت باز می‌ماند که سطح واماندگی او تعیین و برآورد می‌گردد. اما در عین حال او ممکن است بتواند فعالیتی را با شدت پایین‌تر ادامه دهد. در تعریف واماندگی آمده است: "از دست دادن کل قدرت، رسیدن به یک حالت واماندگی برای ادامه و تکمیل عملکرد، عدم توانایی در ادامه میزان کار ارائه شده اولیه". بنابراین مفاهیم خستگی و واماندگی سازوکارهای متفاوتی هستند که نباید با هم اشتباه گرفته شوند. این مشکل زمانی حادث می‌شود که در ادبیات و پیشینه پژوهشگران، معیارها و مفاهیم متفاوت و مختلفی به کار می‌رود.

سایت‌های احتمالی درگیر در توسعه خستگی محیطی و مرکزی ناشی از ورزش عبارت اند از:

خستگی محیطی

الف- تغییرات مرتبط با تمرین در محیط داخلی

انباشت لاکتات H^+ تا حدودی بافری است، افزایش دی‌اکسیدکربن تولید شده از بی‌کربنات؛ تغییرات دمایی منجر به افزایش تعریق؛ از دست دادن آب می‌تواند منجر به دهیدراتیشن (Dehydration) (کم آبی بودن) شود.

ب- تغییرات مرتبط با ورزش در درون سلول‌های عضلانی

افزایش P_i (فسفات غیرآلی) در سارکوپلاسم؛ کاهش نیروی انقباضی به علت مهار پل‌های عرضی؛ تجمع H^+ در سارکوپلاسم و کاهش نیروی انقباضی به علت مهار پل‌های عرضی؛ تجمع H^+ می‌تواند موجب کاهش باز جذب Ca^{2+} از سارکوپلاسمیک رتیکولوم می‌شود؛ تجمع سارکوپلاسمی منگیزوم Mg^{2+} ؛ Mg^{2+} مقابل و منجر به انتشار Ca^{2+} از سارکوپلاسمیک رتیکولوم می‌شود.

مهار Ca^{2+} آزاد شده از سارکوپلاسمیک رتیکولوم بر اثر تجمع P_i (مراجعه به ۱)؛ Ca^{2+} آزاد شده به وسیله تسریع کلسیم فسفات در سارکوپلاسمیک رتیکولوم و فسفوریلاسیون Ca^{2+} آزاد شده کانال‌ها مهار می‌شود. کاهش ذخایر گلیکوژن و کاهش سطح گلوکز خون (در موارد شدید).

کاهش سرعت انقباض و پتانسیل عمل در سارکولما، حاصل یک تغییر بیوشیمیایی در داخل و اطراف سلول‌های عضلانی است؛ این موضوع اثر فوری شناخته شده‌ای بر تولید نیروی عضله ندارد.

افزایش جریان K^+ (یون پتاسیم) از عضله؛ افزایش K^+ در لومن توبول‌های t ممکن است پتانسیل عمل در توبول‌ها وابسته و کاهش نیرو را از کاهش جفت تحریک انقباضی منجر گردد. (مسمومیت پتاسمی)

خستگی مرکزی

ارتباط پتانسیل عمل آکسونی: در سایت‌های انشعابی آکسونی ممکن است بسته شده و منجر به از دست دادن فعالیت سلول عضلانی شود.

اعصاب حرکتی آوران ممکن است تحت تاثیر رفلکس عضله قرار گیرد (عدم انتقال پیام از عصب به عضله و توقف انقباض).
تحریک نرون‌های نوع III و IV منجر به کاهش میزان آتش (تحریک‌پذیری) نرون و مهار شدن برون ده کورتکس حرکتی (مغز) شود.
تحریک‌پذیری سلول‌های درون قشر حرکتی مغز ممکن است در طول تغییر بر انجام وظایف حرکتی، (القای کمتر) با اندازه‌گیری‌های به کار رفته تحریک مغناطیسی را القا کنند.
اثر سیناپسی سروتونینی اعصاب (Serotonergic) ممکن است باعث افزایش احساس خستگی شود. این حالت ممکن است از افزایش هجوم تریپتوفان پیش ماده سروتونین به مغز به علت کاهش غلظت آمینواسیدهای زنجیره باز (BCAAs) در خون به وجود آید.
انتشار ساتیوکاین‌های ناشی از ورزش IL-5 موجب احساس خستگی و IL-1 باعث رفتار بیمارگونه شود.

میزان شیوع

شواهد فراوانی از بروز این سندرم در ورزشکاران استقامتی و قدرتی در دست است. کرهر و همکاران (۲۰۱۲) گزارش کرده اند که سندرم تمرین زدگی در بیش از ۶۰ درصد دوندگان نخبه استقامتی حداقل یکبار در طول عمر ورزشی بروز می کند. سایر مطالعات همه گیری شناسی نشان می دهد که سندرم تمرین زدگی در ۲۱ درصد شناگران تیم استرالیا پس از ۶ ماه تمرین برای مسابقات ملی، در ۳۳ درصد اعضای یک تیم بسکتبال هندی طی ۶ هفته تمرین و بیش از ۵۰ درصد بازیکنان یک تیم فوتبال در اواخر فصل مسابقات بروز می کند. همچنین کاردوس (۲۰۱۵) میزان شیوع این عارضه را در ورزشکاران غیرنخبه حدود ۳۰ درصد طول دوره ورزشی گزارش کرده است.

شرح حال مفصل

ارزیابی یک ورزشکار خسته و تشخیص افتراقی آن، نیازمند گرفتن یک شرح حال مفصل و معاینه جسمانی است. در شرح حال باید هر یک از دستگاه های بدن را مورد توجه قرار داد تا هر گونه علائم بیماری های مهلک قلبی، تنفسی یا عفونی رد شود. نشانه های بد شامل درد قفسه سینه، سنکوپ، تپش قلب، تب، تنگی نفس، یا سابقه خانوادگی مرگ ناگهانی قلبی است. در مواردی که به وجود نشانگان تمرین زدگی مظنون هستید، باید شرح حال دقیقی مشتمل بر الگوهای تمرین و بازیابی از وی اخذ نمایید، یکی از پرسشنامه های مربوط به عوامل استرس زای روانی- اجتماعی را تکمیل کنید و وضعیت تغذیه ای وی را نیز ارزیابی نمایید.

تمرین و بازیابی

در صورت امکان، مربی ورزشکار باید در فرآیند گرفتن شرح حال، ارزیابی و برنامه درمانی دخیل شود. آشنایی با برنامه های تمرینی ویژه یک رشته ورزشی و نیازهای جسمانی ورزشکار، ظرفیت روانی و میزان مهارت های وی در تشخیص ابتلای ورزشکار به تمرین زدگی اهمیت به سزایی دارد. مشورت با سایر پزشکان، مربیان و فیزیولوژیست های ورزشی برای پزشکانی که با الگوهای تمرینی آشنایی ندارند، مفید خواهد بود.

مستندسازی حجم و شدت تمرینات روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه برای ارزیابی عوامل خطرزای نشانگان تمرین زدگی و خستگی از اهمیت زیادی برخوردار است. فقدان دوره بازیابی در برنامه تمرینی، مهم ترین عامل خطرزا می باشد. ثبت دقیق شاخص های عینی عملکرد ورزشی نیز به تشخیص زودتر افت عملکرد

کمک می کند.

یادداشت برداری دقیق از برنامه تمرینی روزانه برای ردیابی علائم یاد شده از سوی ورزشکار، روشی دقیق و حساس برای پیشگویی ابتلای یک ورزشکار به تمرین زدگی می باشد. از کیفیت خواب، میزان استرس ها، خستگی و درد عضلانی به عنوان شاخص هایی برای پایش پاسخ ورزشکار به تمرینات استفاده می شود. در یک مطالعه، این شاخص ها بر اساس مقیاس ۱ تا ۷ در شناگران نخبه درجه بندی شده است. در هر یک از این موارد، کسب ارقام بالاتر نشان دهنده پاسخ ضعیف تر به تمرینات می باشد. افزایش این ارقام و پیش بینی ظهور علائم تمرین زدگی ۱ تا ۲ هفته قبل از افت عملکرد گزارش شده است.

عوامل روانی

از آن جا که هر دو دسته عوامل تنش زای روانی ورزشی و غیر ورزشی در ایجاد نشانگان تمرین زدگی سهیم هستند، اخذ شرح حال مفصل روانشناختی از ورزشکار ضرورت دارد. عوامل مرتبط با ورزش می تواند شامل مشکلات موجود با هم تیمی ها، مربیان و یا پرسنل و ترس از مسابقه یا عملکرد ضعیف باشد. عوامل غیر ورزشی شامل مشکلات شغلی، تحصیلات و روابط خانوادگی و اجتماعی است. میزان خواب و سایر مسائلی که نیاز به اختصاص زمان کافی دارند نیز باید مد نظر قرار گیرند.

علائم بیان شده از سوی بیمار به عنوان حساس ترین شاخص های نشانگان تمرین زدگی مطرح می باشند. انواع مختلفی از ابزارهای ارزیابی روانی در نشانگان تمرین زدگی مطرح وجود دارند. نیمرخ وضعیت روانی (POMS) بیش از سایر آزمون ها مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون ۶۵ پرسشی، یک نیمرخ خلقی از فرد به دست می دهد که در هفت زمینه مختلف امتیاز بندی شده است: تنش - اضطراب، افسردگی، خشم، توان، خستگی، پریشانی و وضعیت کلی خلق. ورزشکاران مبتلا به نشانگان تمرین زدگی در زمینه اختلال عمومی خلق، افسردگی، تنش و کاهش انرژی و توان دارای نمرات بالاتری می باشند. با آزمون POMS نمی توان نشانگان تمرین زدگی را تشخیص داد، اما می توان از آن به عنوان یک روش معتبر برای مستندسازی تغییرات خلقی در این حالت سود جست.

در صورتی که در طول یک فصل، یادداشت های مربوط به تمرینات و POMS به طور مستمر مستند گردد، مربیان و ورزشکاران می توانند از آنها سود جویند. تغییرات چشمگیر در نمرات POMS و عملکرد می تواند دلالت بر تمرین زدگی داشته باشد، اما سایر عوامل همچون: بیماری، آسیب، تغییرات تکنیکی یا تجهیزات، رژیم غذایی، مسافرت و مسائل روانی را هم باید در نظر داشت. پاسخ ورزشکار به چند روز استراحت یا تمرینات ملایم بازیابی اغلب به تشخیص اینکه علائم مزبور ناشی از بیش تمرینی کوتاه مدت، نشانگان تمرین زدگی یا سایر علل تغییرات خلقی و عملکردی می باشد کمک به سزایی می کند.

رژیم غذایی

عوامل تغذیه ای سهیم در ایجاد خستگی شامل دریافت ناکافی کربوهیدرات های پیچیده، پروتئین ها، ویتامین ها و مواد معدنی می باشد. شرح حال باید دربردارنده مصرف داروها، مکمل ها، مواد نیروزا و جوانب مربوط به اختلالات تغذیه ای نیز باشد. عادات تغذیه ای - رژیم های کم کربوهیدرات، گیاهخواری یا رژیم های پرپروتئین - را باید مورد بررسی قرار داد. می توان از ورزشکار خواست تا مواد و غذاهای مصرفی خود را یادداشت نماید و مدارک خود را جهت تجزیه و تحلیل به متخصص تغذیه ارائه نماید یا اینکه از نرم افزارهای مربوطه استفاده کرد.

مسائل محیطی

در میان علل رایج خستگی می توان عوامل غیر از بیماری را هم در نظر داشت. مسافرت اخیر، افزایش فشار کار شغلی یا تحصیلی، خواب ناکافی، تغییرات تجهیزات ورزشی یا تغییر در محیط تمرینی - به عنوان مثال، سرما یا گرمای شدید یا ارتفاع زیاد محل تمرین - را هم می توان در نظر داشت.

جدول ۱: علل خستگی مزمن و افت عملکرد در ورزش

علل رایج	علل نه چندان رایج	علل به نسبت نادر اما مهم
قطع مصرف کافئین	کم آبی بدنی	نارسایی یا پرکاری بخش قشری غدد فوق کلیوی
حساسیت های ناشی از عوامل محیطی آسم ناشی از ورزش	دیابت	بیماری آدیسون
مونونوکلئوز عفونی	اختلالات تغذیه ای	بیماری کوشینگ
خواب ناکافی	A, B, C، هپاتیت	تومورها یا هیپرپلازی
فقر آهن توام با بدون کم خونی	کم کاری تیروئید	بیماری های مادرزادی یا اکتسابی قلب
نشانگان تمرین زدگی	عدم دریافت کربوهیدرات یا پروتئین کافی	بی نظمی ها (آریتمی ها)
اضطراب ورزشی	عفونت دستگاه تنفس تحتانی	اندوکاردیت عفونی
اختلالات اولیه خلقی: اضطراب، افسردگی، واکنش تطبیقی	عوارض جانبی داروها یا مکمل ها: داروهای ضد افسردگی، آنتی هیستامین ها، ضد اضطراب ها، بتابلوکرها	نارسایی احتقانی قلب
فشار روانی	نشانگان پس از ضربه مغزی	بیماری عروق تاجی
عفونت دستگاه تنفسی فوقانی	سوء مصرف مواد	کاردیومیوپاتی هیپرتروفیک
		میوکاردیت یا پریکاردیت
		ویروس نقص ایمنی انسان
		سوء جذب در روده ها
		بیماری های ریوی
		بیماری انسدادی مزمن ریه
		بیماری های تحدیدی ریه
		بیماری لایم ^۱
		مالاریا
		بدخیمی ها
		اختلالات عصبی - عضلانی
		بیماری کلیوی
		سیفلیس

عوامل خطرزا

بعضی از اشتباهات رایج در تمرینات شامل عدم برنامه ریزی، دوره بندی و استراحت نکردن ورزشکار در مقاطع لازم، مسابقه دادن در سراسر سال و یکنواختی برنامه تمرینات می باشند. ورزشکارانی که بر اساس برنامه های چاپ شده یا اینترنتی یک ورزشکار بزرگ تمرین می کنند، ورزشکارانی که بدون نظارت یک مربی یا ناظر تمرین می کنند، یا آن دسته از ورزشکارانی که با ورزشکاران بسیار ورزیده تر از خود ورزش می کنند ممکن است دچار این مشکل شوند. شکست ممکن است ورزشکار را وسوسه کند تا در پاسخ به عدم پیشرفت در اهداف تمرینی و عملکرد ورزشی خود شدیدتر از قبل به تمرین بپردازند یا در حالی که فشارهای روانی زیادی را تجربه می کنند، همچنان تمرین را ادامه دهند. یک شرح حال دقیق به پیدا کردن چنین عواملی کمک به سزایی می کند.

معاینه جسمانی کامل

یک معاینه کامل جسمانی باید دربردارنده هرگونه علل پشت پرده خستگی که به نشانگان تمرین زدگی مرتبط نیستند نیز باشد. یافته های مهم معاینه جسمانی در نشانگان تمرین زدگی مشخص می باشد؛ با این همه، یافته های رایج شامل تغییرات ضربان قلب استراحت، کاهش چربی بدن، بزرگی غدد لنفاوی گردن و افزایش فشار خون و ضربان قلب نسبت به تغییرات وضعی بدن^۱ می باشد. البته این علائم تنها در ورزشکار مبتلا به تمرین زدگی بروز نمی کند و در برخی از سایر بیماری ها نیز مشاهده می شود.

آزمون های آزمایشگاهی

متأسفانه، تاکنون هیچ نوع آزمون تشخیصی حساس و ویژه ای در زمینه نشانگان تمرین زدگی ارائه نشده است. بسیاری از شاخص های زیستی نشانگان تمرین زدگی به اندازه گیری های مکرر و مقایسه نتایج آنها با مقادیر پایه دارد. جمع آوری داده ها باید به خوبی کنترل شده باشد، کیفیتی که اغلب در تحقیقات علمی مشابه آن دیده می شود. تغییرات متغیرهای آزمایشگاهی کمکی به تمایز بین تمرین زدگی و بیش تمرینی نمی کند. با این همه، انجام آزمایش های اولیه به یافتن سایر علل خستگی کمک می کند. مجموعه آزمایش ها باید شامل شمارش کامل خون، سطح هورمون محرک تیروئید، بررسی آهن خون، الکترولیت ها، BUN و کراتینین باشد. آزمایش حاملگی، آزمون های عملکرد کبد، آزمایش کامل ادرار، کورتیزول سرم - پس از آزمون تحریکی - و آزمایش های سرولوژی اِشْتِین بار، هپاتیت یا ویروس نقص ایمنی انسان اغلب ضرورت دارد. انجام سایر آزمایش ها ممکن است بر اساس وضعیت بالینی بیمار ضرورت پیدا کند.

چنانچه نتایج اندازه گیری های پایه - مثل مصرف اکسیژن پایه، ضربان قلب و فشارکاری - در دست باشد، آزمون ورزش ممکن است نشان دهنده افت ظرفیت عملکرد جسمانی باشد. این تغییرات همیشه در نشانگان تمرین زدگی دیده نمی شود و قطعاً نشان دهنده تشخیص تمرین زدگی نمی باشند. با این همه، مستند کردن افت ظرفیت عملکرد می تواند مفید باشد، به ویژه اگر سایر شاخص های عینی افت عملکرد در سابقه ورزشکار ذکر نشده باشد. انجام مکرر الکتروکاردیوگرافی و اسپیرومتری پیش و پس از آزمون نیز می تواند در ارزیابی برونکواسپاسم ورزشی و سایر بیماری های ریوی، کم خونی بافت قلب و بی نظمی های قلبی کمک کننده باشد.

از دیگر علائم آزمایشگاهی و بالینی که در درازمدت بروز می کند، علائم نارسایی غدد فوق کلیوی و تغییرات سطح ترشح کورتیزول و ACTH است (بروکس و کارت، ۲۰۱۳).

تمرین زدگی یا خستگی؟

هنگام ارزیابی یک ورزشکار خسته در حین یک برنامه تمرینی یا مسابقاتی سخت، مرز بین بیش تمرینی و نشانگان تمرین زدگی اغلب به سختی تشخیص داده می شود. نوع پاسخ ورزشکار به دو هفته تمرینات سبک آزمایشی می تواند تمیز بین این دو حالت را آسان کند. علائم ورزشکار مبتلا به تمرین زدگی با یک دوره استراحت فعال دو هفته ای برطرف نمی شود، در حالی که در اکثر موارد خستگی با چنین تعدیلی در برنامه تمرینات رفع می شوند.

هنگامی که خستگی بیش از چند هفته به طول انجامد، تشخیص نشانگان تمرین زدگی بیش از پیش مسجل می شود. علامت اولیه معمولاً افزایش سطح خستگی در جریان تمرینات معمول ورزشکار است. با پیشرفت این نشانگان، خستگی مزمن در حال استراحت هم وجود دارد و سایر علائم نیز روز می کند (جدول ۱ را ببینید).

تشخیص

در حال حاضر، برای تشخیص قطعی نشانگان تمرین زدگی به صورت یک تشخیص بالینی هیچ معیار آزمایشگاهی، ورزشی یا روانی وجود ندارد. آزمایش ها معمولاً مفید هستند، اما نمی توانند برای رسیدن به تشخیص به آنها کاملاً تکیه کرد. اغلب مجموعه ای از علائم روانی و جسمانی که توسط بیمار بیان می شود وجود دارد، اما این مجموعه به عنوان بخشی از معیارهای تشخیص اطلاق نمی شود. تشخیص این نشانگان نیازمند رد کردن احتمال سایر علل افت عملکرد ورزشکار پس از یک استراحت نسبی یا کامل دو هفته ای است.

درمان

به لحاظ اینکه داده های اندکی برای راهنمایی متخصصان بالینی و ورزشی در زمینه درمان نشانگان تمرین زدگی وجود دارد، ما درباره رویکردهای عملی آن دسته از برنامه های درمانی که بنابر تجربه موفق تر بوده اند و با سایر روش های منتشر شده همخوانی بیشتری دارند بحث خواهیم کرد. همچنین باید توجه داشت که بعضی از مطالعات جدید بر روی موش ها نشان می دهد تمرین زدگی می تواند در درازمدت بر روی ساختار DNA تاثیر مخرب داشته و در نهایت فرآیند درمان را در آینده دچار تغییرات دیگری نماید (پیرا و همکاران، ۲۰۱۳).

استراحت

استراحت، اساس برنامه درمان نشانگان تمرین زدگی را تشکیل می دهد، چراکه این نشانگان نتیجه عدم توازن بین فشارهای وارد شده بر ورزشکار و بازیابی او می باشد. کوتدakis^۱ و همکاران وی دریافتند که ورزشکاران المپیک که دچار افت عملکرد می شوند، پس از ۳ تا ۵ روز استراحت از نظر حداکثر اکسیژن مصرفی، وزن بدن، آستانه لاکتات و عوامل روانی بهبود قابل ملاحظه ای پیدا می کنند. گروه شاهد مطالعه آنها که از ورزشکاران خوبی هم تشکیل شده بود، در همان مدت تغییری در متغیرهای مزبور نشان ندادند. تجویز استراحت طولانی مدت برای ورزشکاران نخبه که یک نشانگان بالینی را تجربه می کنند- در مقایسه با آسیب های جسمانی خاص- می تواند یکی از موقعیت های چالش برانگیز متخصصان باشد. مقاومت در برابر چنین توصیه ای می تواند از سوی ورزشکاران، مربیان و مدیران ورزشی صورت بگیرد، چرا که این افراد اغلب با علل بروز این حالت آشنایی کافی ندارند و درباره علل خستگی و افت عملکرد ورزشکار عقاید متفاوتی دارند. برقراری رابطه خوب با این افراد و گفتگوی سازنده با ایشان و تلاش مجدانه در جهت ایجاد

اعتماد در ورزشکار موجب بیشتر شدن احتمال دستیابی به نتایج مفید می شود.

ورزش درمانی

هیچ مطالعه تصادفی و دارای گروه شاهدهی برای مقایسه الگوهای بازیابی در دو حالت کاهش شدت فشار تمرینات و استراحت کامل انجام نشده است. ورزشکاران نخبه معمولاً ترجیح می دهند تا به جای استراحت کامل از "ورزش درمانی" استفاده کنند. توصیه نهایی باید بر اساس میزان خستگی، مدت زمان شروع علائم و علائق بیمار تنظیم شود.

استراحت نسبی شامل تمرینات هوازی ملایم با استفاده از روشی به غیر رشته ورزشی ورزشکار می باشد - به عنوان مثال، یک شناگر ممکن است دوچرخه سواری کند و یک دوندۀ نیز می تواند از روش های دیگر مثل شنا سود بجوید. این باعث همکاری بیشتر ورزشکار با برنامه درمانی می شود، چرا که ورزشکار می تواند حجم و شدت فعالیت قبلی خود را در حد قابل قبولی حفظ کند. همچنین، تمرینات هم ارز^۱ امکان بهره مندی ورزشکار از اثرات درمانی را بیشتر فراهم می کند.

در چنین برنامه ای می توان کار را از تمرینات هوازی به مدت ۵ تا ۲۰ دقیقه با ضربان قلب کمتر از ۱۴۰ ضربه در دقیقه آغاز کرد. گفتگوی مکرر با ورزشکار و ثبت دقیق برنامه تمرینی به پایش دوره بازیابی کمک می کند. در یادداشت برداری ساده به ثبت کمیت در مورد حجم و شدت فعالیت و نیز نمره دهی ورزشکار در زمینه های میزان خستگی، کیفیت خواب، میزان استرس، وضعیت خلقی و درد عضلانی پرداخته می شود.

پایش وضعیت خلقی

پرسشنامه POMS گزینه دیگری برای پایش بازیابی ورزشکار است. همچون سایر سیستم های مبتنی بر اعلام فرد بیمار، باید آگاه بود که بعضی از ورزشکاران ممکن است تمام حقیقت را بیان نکنند. چنانچه نمرات یا علائم ورزشکار همچنان رو به بهبودی است، حجم فعالیت ورزشی را می توان هر هفته افزایش داد. این کار باید به طور تدریجی صورت پذیرد (۵ تا ۱۰ دقیقه در هفته) تا زمانی که ورزشکار بتواند یک ساعت فعالیت را به خوبی تحمل کند. معمولاً ۶ تا ۱۲ هفته وقت لازم است تا علائم به طور کامل برطرف شود و ورزشکار بتواند یک ساعت فعالیت را به خوبی انجام دهد. تعداد کمی از بیماران نیاز به ماه ها یا حتی سال ها وقت برای بازیابی خود دارند.

عوامل تنش زای روانشناختی مرتبط و غیرمرتبط با ورزش را بایستی به خوبی بررسی کرد. در این زمینه می توان از خدمات یک روانشناس ورزشی که با چالش های ویژه روانی در ورزشکاران نخبه آشنایی دارد سود جست.

ورزشکاران باید پس از تجویز تغییرات تمرینی، از نظر میزان پذیرش برنامه استراحت و پایش عوامل روانی دوباره ارزیابی شوند. ممکن است تغییرات روانی پشت پرده تمرین زدگی در اوایل برنامه استراحت وخیم تر شوند. هیچ اطلاعاتی در زمینه نحوه تصمیم گیری درست در زمینه دارودرمانی اضطراب و افسردگی وجود ندارد. ما پیشنهاد می کنیم که درمان دارویی حتی المقدور به تاخیر بیفتد، مگر اینکه به یک اختلال اولیه خلقی ظنین باشیم. سطح عوامل خلقی باید با بازیابی جسمانی به تدریج بهبود یابد.

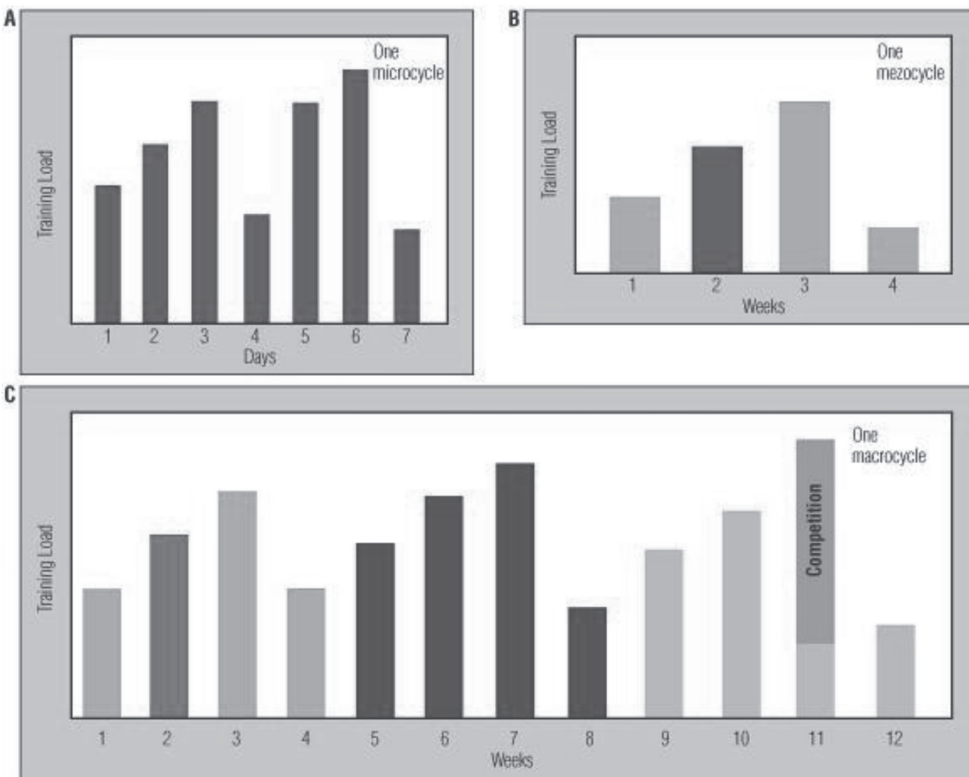
سایر مودالیتها

گزارش های ثابت نشده ای هم به نفع فوائد ماساژ و آب درمانی در موارد دردهای عضلانی مزمن و کاهش استرس ها وجود دارد. تغییرات تغذیه ای با هدف دستیابی به یک رژیم غذایی متعادل و دریافت مایعات کافی صورت می پذیرد. ارجاع ورزشکار به یک کارشناس یا متخصص تغذیه ورزشی می تواند مفید باشد.

بازگشت به فعالیت

قبل از آنکه به ورزشکار توصیه کنیم به تمرینات یا مسابقات بازگردد، لازم است که وضعیت خلقی، خستگی، کیفیت خواب و درد عضلانی به وضعیت طبیعی خود رسیده باشد. در ضمن باید بازنگری دقیقی هم در مورد آن دسته از عوامل مرتبط با تمرینات که منجر به بروز این نشانگان شده است صورت پذیرد. تمرینات باید بر اساس اصول دوره بندی (شکل ۲) صورت پذیرد تا خطر عود نشانگان تمرین زدگی به حداقل برسد. باید در هر هفته تمرین حداقل ۱ روز استراحت برای بازیابی کامل در نظر گرفته شود. همچنین باید در هر ماه تمرین، یک هفته را با فشار کمتر به تمرین پرداخت.

شکل ۲: اصول دوره بندی تمرینات نیازمند تغییر حجم و شدت تمرین در طول زمان است. برای پیشگیری از تمرین زدگی، پس از روزهای انجام تمرینات سنگین تر از تمرینات سبک تر یا استراحت سود جسته می شود. دوره های کوچک هفته ای (A) با هم ترکیب می شوند تا دوره های متوسط ماهانه (B) و دوره های بزرگ (C) تشکیل شود.



در طول یک فصل ورزشی هم باید طوری برنامه ریزی کرد که قبل از مسابقات تعدیل لازم در فشار تمرینات صورت پذیرد. ورزشکارانی که در سطح مسابقات المپیک هستند لازم است تا از یک برنامه ۴ ساله پیروی کنند. منابع و مراجع بسیار خوبی در زمینه شیوه دوره بندی تمرینات در دسترس قرار دارد. دوره های تمرینی بر اساس نوع ورزش و اهداف ورزشکار تفاوت هایی با هم دارد.

در ورزش های گروهی یا شرایط تمرینات گروهی، باید ورزشکار انعطاف لازم را در زمینه تعیین فشار تمرینات داشته باشد، چراکه پاسخ ورزشکاران مختلف به یک فشار کاری مشخص متفاوت است. متخصصان بالینی ممکن است در زمینه تجزیه و تحلیل اصول دوره بندی تمرینات از کارشناسان ورزش یا فیزیولوژیست های ورزشی مشورت بگیرند.

پایش

با افزایش سطح تمرینات، ورزشکار باید از نظر علائم سازگاری های نابجا با تمرینات مورد پایش قرار گیرد. یادداشت برداری دقیق از تمرینات و انجام دوره ای آزمون POMS، راه های به نسبت ساده ای برای ارزیابی اثرات تمرینی هستند. چنانچه امتیازات به دست آمده در این آزمون، روند نزولی مستمری داشته باشد بهتر است به سرعت در میزان استراحت و استرس ورزشکار توازن برقرار نمود. استفاده از شاخص های عینی عملکرد ورزشی و آزمون های ورزشی ممکن است در کشف سریعتر موارد استراحت و بازیابی ناقص یا شدت بیش از حد تمرینات کمک کننده باشد.

متخصصان، مربیان و ورزشکاران لازم است درباره نقش خود در زمینه پایش تمرینات به تفاهم برسند. در حالی که به کارگیری یک برنامه رسمی پایش تمرینات ممکن است اطلاعات به نسبت بیشتری را نیز برای ما فراهم نماید، هیچ سیستمی در این زمینه ارائه نشده که عاری از خطا باشد و پیشگیری از تمرین زدگی را تضمین نماید. برنامه های رسمی پایش نمی تواند جایگزین ارتباط مناسب ورزشکار و کادر مربیگری شود.

فواید پیشگیری

از آن چه که بروز نشانگان تمرین زدگی می تواند به شکلی زودرس دوره قهرمانی یک ورزشکار را کوتاه کند یا به آن خاتمه دهد، بنابر این پیشگیری از آن یک هدف بسیار مطلوب است. تشخیص این نشانگان بر مبنای ارزیابی های بالینی صورت می پذیرد، چراکه آزمون های حساس و ویژه ای برای تشخیص آن ابداع نشده است. اساس پیشگیری و درمان، استراحت، به حداقل رساندن فشارهای روانی و بهبود تغذیه است. در ضمن تشخیص به موقع موارد اضافه بار نابجای تمرینات می تواند از عود علائم جلوگیری کند.

منابع

- Armstrong, L.E., VanHeest, J.L. (2002). **"The unknown mechanism of the overtraining syndrome: clues from depression and psycho neuro immunology"**. Br J Sports Med, 32(3):185-209.
- Budgett, R. (1998). **"Fatigue and underperformance in athletes: the overtraining syndrome"**. Br J Sports Med, 32(2):107-110.
- Cardoos, N. (2015) **Current Sports Medicine Reports**. 1403:157-158
- Fry, R.W., Morton, A.R., Keast, D. (1991). **"Overtraining in athletes: an update"**. Br J Sports Med, 12(1):32-65.
- Fry, R.W., Morton, A.R., Keast, D. (1992). **"Periodization and the prevention of overtraining"**. Can J Sport Sci, 17(3):241-248.
- Hooper, S.L., Mackinnon, L.T., Howard, A., et al. (1995). **"Markers for monitoring overtraining and recovery"**. Med Sci Sports Exercise, 27(1):106-112.
- Koutedakis, Y. Budgett, R. Faulmann, L. (1990). **"Rest in underperforming elite competitors"**. Br J Sports Med, 24(4):248-252.
- Kreher, J.B., Schwartz, J.B. (2012). **"Overtraining syndrome: a practical guide"**. Sports Health. 4:128Y38.
- Kreider, R.B., Fry, A.C. (1998). **Overtraining in Sport**. Champaign. O'Toole ML (eds): IL, Human Kinetics.
- Kreider, R.B, Fry, A.C., O'Toole, M.L. (1998). **"Overtraining and overreaching in sport: terms, definitions, and prevalence"**. In Kreider RB, Fry AC, O'Toole ML (eds). Overtraining in Sport. Champaign, IL, Human Kinetics, pp vii-ix.
- Lehmann, M., Foster, C., Netzer, N., et al. (1998). **"Physiological responses to short and long-term overtraining in endurance athletes"**. In Kreider RB, Fry AC, O'Toole ML (eds): Overtraining in Sport. Champaign, IL, Human Kinetics, 1998, pp 19-47.
- Mackinnon, L.T., Hooper, S.L. (2000). **"Overtraining and overreaching: causes, effects, and prevention"**. In Garrett WE, Kirkendall DT (eds): Exercise and Sport Science. Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins. pp 487-498.
- McNair, D.M., Lorr, M., Droppleman, L.F. (1992). **"POMS Manual: Profile of Mood States"**. San Diego, Educational and Industrial Testing Service.
- Meeusen, R., Duclos, M., Foster, C., et al. (2013). **"Prevention, diagnosis, and treatment of the overtraining syndrome: joint consensus statement of the European College of Sport Science and the American College of Sports Medicine"**. Med. Sci. Sports Exercise. 45:186Y205.
- Morgan, W.P., Brown, D.R., Raglin, J.S. et al. (1987). **"Psychological monitoring of overtraining and staleness"**. Br J Sports Med, 1987;21(3):107-114.
- Pereira, B. C. et al. (2013). **"Overtraining is associated with DNA damage in blood and skeletal muscle cells of Swiss mice"**. BMC physiology, 13(11).
- Rowbottom, D.G. (2000). **"Periodization of training"**. In Garrett WE, Kirkendall DT (eds): Exercise and Sport Science. Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins,

pp 499-512.

- Urhausen, A., Kindermann, W. (2002). **“Diagnosis of overtraining: what tools do we have?”**. Br J Sports Med, 32(2):95-102.
- Uusitalo, A.L. (2001). **“Overtraining: making a difficult diagnosis and implementing targeted treatment”**. Phys Sports med, 29(5):35-50



نقش دیپلماسی جوانان در روابط خارجی دولت ها با استفاده از ظرفیت YNGOs (تشکل های غیر دولتی جوانان)

روح اله مدبر^۱
حسن کلاشلو^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

در دنیای معاصر و با توجه به تحولات هر روزه که در حوزه ارتباطات انسانی رخ داده، بویژه به واسطه توسعه ارتباطات از طرق فناوری های نوین و عملی شدن نظریه دهکده جهانی مک لوهان، روند فهم نوین از مسائل بین المللی موجب گردیده تا نقش دولت ها کم رنگ تر گردد. این وضعیت جدید موجب تغییر پارادایم از دیپلماسی سنتی معمول در قرون گذشته به شکل جدیدی از دیپلماسی شده است. بدیهی است که به موازات تحول جوامع، سناریوهای جدیدی در عرصه دیپلماسی و روابط بین الملل محقق می شود که تغییر اولویت های نوین، همراه با اتخاذ شیوه ها و ابزارهای نوین همانند استفاده از ظرفیت بازیگران غیردولتی به ویژه NGOs ها را در پی داشته است. در این میان، با توجه به نقش آفرینی کلیدی و حساس جوانان در کشورهای مختلف دنیا به خصوص جوامع توسعه یافته به عنوان "نیروی فکر، کار، ارائه ایده و موتور محرک جوامع در نهادها و مراکز علمی و اداری" و روند توسعه YNGOs در نظام جهانی با برنامه های مختلف مورد نیاز عموم جوامع به دور از ایدئولوژی های رایج در دهه های گذشته، بویژه اقدامات عام المنفعه و بشردوستانه فراتر از مرزهای کشورها و ایجاد شبکه جهانی جوانان فعال و گسترش این شبکه در اغلب جوامع جوان همراه با برنامه های بشردوستانه و جهان شمول در صحنه بین الملل - که موجب تاثیر بر افکار توده های مختلف مردم و حتی دولت ها و سازمان های بین المللی می شود - گفتمان جدیدی با عنوان دیپلماسی جوانان به عنوان دیپلماسی نوین پدید آورده است.

در این پژوهش با روش اسنادی کتابخانه ای به بررسی این سؤال پرداخته ایم که دیپلماسی جوانان با

۱. دکتری تخصصی روابط بین الملل، پژوهشگر دیپلماسی جوانان (نویسنده مسئول) E-mail: modaber22@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، مدرس دانشگاه، تهران، ایران

استفاده از ابزار NGOs چه نقشی در توسعه گفت‌وگو میان جوانان سایر کشورهای جهان که انگیزه و دغدغه بین الملل ایفا می نماید.

به نظر می رسد حرکت در مسیر توسعه فهم متقابل میان جوانان سایر کشورهای جهان که انگیزه و دغدغه مقابله با تروریسم، گسترش جنگ، منازعات قومی، مهاجرت، گسترش ایدز، تخریب محیط زیست و سایر موارد مشابه به ویژه آرمان های سند توسعه هزاره و برنامه عمل جوانان مصوب سازمان ملل متحد را دارند موجب ایجاد شبکه جهانی جوانان موثر در کشورها در کنار دولت ها و با ابزار غیر رسمی با رویکرد دستیابی به آینده ای بهتر با هدف دستیابی به صلح و فشار بر دولت های حامی تروریسم که در ترویج خشونت و افراطی گرایی دارند می گردد. به عبارت دیگر، هدف نهایی این پژوهش، معرفی این ظرفیت و امکان استفاده از آن در جمهوری اسلامی ایران برای کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم با محوریت جوانان در برابر تبلیغات و اقدامات سوء مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران که در عرصه بین الملل صورت می دهند، می باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی نوین، دیپلماسی جوانان، تشکل های غیر دولتی جوانان و اعتماد جهانی

مقدمه

به نظر می رسد پس از پایان جنگ سرد اگر چه هنوز دهکده جهانی مارشال مک لوهان کاملاً جایگزین دولت- ملت نشده است، اما فضای ارتباطی امروزی میان جوامع چنان مردم را به یکدیگر متصل و مرتبط نموده است که برای رهبران دولت ها قابل پیش بینی نبود. این امر در کنار کندی روابط سنتی دیپلماتیک رسمی موجب ورود به عرصه دیپلماسی نوین و تحلیل روابط فراملی در مقابل مفاهیم قدیمی روابط بین الملل شد. به عبارت دیگر، رویدادها و کنش های حاصل از ارتباطات ملت ها با یکدیگر را نمی توان از منظر پارادایم مسلط روابط بین المللی که بعد از تعریف نظام جهانی طبق عهدنامه وستفالی برای دولت- ملت ها پدید آمد، گنجاند.

بدیهی است که به موازات تحولات ایجاد شده در عصر ارتباطات، سناریوی جدیدی در روابط بین الملل محقق می شود که اولویت های نوین همراه با اتخاذ شیوه های نوین را می طلبد. پیروی صرف از اصول، اهداف و طراحی های کلاسیک دیپلماسی دیگر پاسخگوی نیازهای دیپلماتیک نوین نیست. موازنه جدید محصول فضایی مملو از پیشامدها و موقعیت های نوین حاصل از رشد و بهره گیری از فناوری های نوین ارتباطات و اطلاعات، پیچیدگی حاصل از رشد و گسترش بهره گیری از فناوری های نوین ارتباطات و اطلاعات، پیچیدگی حاصل از وابستگی متقابل، جهانی شدن فرهنگ، امپراطوری افکار عمومی، رشد فضای مجازی و فناوری اینترنت، جریان حرکت فرهنگی در نظام بین الملل، عقاید و اطلاعات و ارتباط این پازل به جوانان به عنوان اصلی ترین کاربران فناوری است. فضای مجازی به عنوان عامل نوین بر دولت های ملی فشار می آورد و آنها را وادار می سازد تا به سرعت به تجدید نظر در ساختارهای مدل سیاست خارجی و روند دیپلماسی سنتی خود و ایجاد تحول در آن بپردازند.

تحولات مذکور به خصوص به واسطه پاسخگو نبودن دیپلماسی سنتی به ارتباط و یارگیری در میان ملت ها به علت پر رنگ بودن نقش رسمی و مجاری دولتی منجر به حرکت در این مسیر شده است. فضای دیپلماسی نوین، ارتقای ابزارهای دیپلماسی عمومی با هدف تاثیرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان دیگر ملت ها جهت کسب امتیاز و حرکت در مسیر منافع ملی را ضروری نموده است. یکی از بازوهای دولت ها در عرصه سیاست داخلی و خارجی، جوانان می باشند؛ کسانی که بیشترین کاربران فضاها، مجازی، محصولات فرهنگی، ابزارهای تفریحی و گذران فراغت، شرکت کنندگان در مراسم ها و برنامه های ملی و موتور محرکه کار جامعه در تمام حوزه ها به ویژه حوزه های فرهنگی هستند. جوانان فعال و علاقه مند به کشورها، پس از آموزش در حوزه های فرهنگی، علمی، رسانه ای و سینمایی و سازماندهی در تشکل های غیر دولتی جوانان YNGOs می توانند با هدف کمک به منافع ملی و با برنامه تاثیر گذاری بر افکار عمومی سایر ملت ها، ایجاد عمق نفوذ در مخاطبان خارجی، اعزام به سایر کشورها و تبلیغ برنامه ها و نقاط قوت کشور و ارج گذاری بر گزارش ها و تصویرهای انعکاس یافته از سوی رسانه های داخلی، مبادله افکار بشردوستانه و تشکیل شبکه ای از نخبگان جوان علاقه مند به خیر عمومی و به عنوان مهمترین عوامل افزایش قدرت نرم کشورها عمل نمایند. باتوجه به افزایش ارتباطات نوین جهانی و نزدیکی روزافزون ملت ها، انتقال ارزش ها و تأثیرات متقابل کشورها با گستردگی و شتابی باور نکردنی در حال شکل گیری است.

در این میان، دیپلماسی جوانان از طریق بازیگران دیپلماتیک غیردولتی بر برنامه های سیاست بین الملل تأثیرگذار هستند. آنان در عرصه های گوناگونی وارد شده اند تا بتوانند اهداف خود را محقق کنند. شایسته است اشاره کنیم که موفقیت سازمان های غیردولتی در زمینه تحقق اهدافشان مبتنی بر استفاده مناسب و کارآمد از فناوری های جدید اطلاعاتی و ورود به این شبکه جهانی است.

پیشینه پژوهش

آنچه امروز در نظام بین‌الملل به عنوان یک امر پذیرفته نزد نخبگان مطرح شده آن است که برداشت از واقعیت حداقل به اندازه خود واقعیت دارای اهمیت است. به عبارت دیگر، تصویری که سایرین از یک کشور دارند، حداقل به اندازه واقعیت دارای اهمیت است. در این راستا همانگونه که سازه‌انگاران می‌گویند کشورها بر اساس برداشتی که از هم دارند، همدیگر را درک می‌کنند و بر اساس همین برداشت به اتخاذ سیاست می‌پردازند. بنابراین ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسئول و تابع قواعد و رژیم‌های بین‌المللی، می‌تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به عنوان کشوری مسئول در عرصه بین‌المللی و در نتیجه ورود گسترده فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی گردد. در این راستا، ارائه تصویری مثبت از کشور موجب می‌شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. (Fritz, 2006: 15) لذا نگاه مثبت به توسعه سازمان‌های غیردولتی در مسیر اعتمادسازی به نسل جوان و استفاده از ظرفیت آنان موجب مشارکتی برد-برد، برای تسهیل در روند تغییر چهره کشورها در نظام بین‌الملل می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نقشی که YNGOs های جوانان می‌توانند در ارائه تصویر صلح‌طلبانه کشورها در نظام بین‌الملل ایفا نمایند و یا در محکومیت اقدامات نقض حقوق بشری متعدد از جمله: کشتار مردم کشورها در منازعات قومی و افراطی‌گری یا سایر موارد جنایات علیه بشریت و یا توسعه بیماری‌های همه‌گیر به خصوص ایدز و یا بلایای طبیعی انجام دهند، دولت‌ها و دستگاه‌های دیپلماسی سنتی با اتلاف هزینه‌های هنگفت به آن خواهند رسید. اغلب کشورهای توسعه‌یافته به ویژه فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه با استفاده از YNGOs برنامه‌های متعدد دو و چند جانبه بین‌المللی با محوریت و مدیریت جوانان و در مسیر اقدامات عام‌المنفعه و بشر دوستانه در زمینه‌های متعدد همچون کمک به حفظ محیط زیست و اجرایی کردن بندهای مرتبط با این امور در سند توسعه هزاره مصوب سازمان ملل متحد در سایر کشورهای جهان به انجام رسانده‌اند.

قطعه‌نامه ۲۲۵۰ (۲۰۱۵) با عنوان "جوانان، صلح و امنیت" - که به پیشنهاد اردن و تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسیده و از آن به عنوان "قطعه‌نامه‌ای تاریخی" یاد می‌شود - برای نخستین بار در تاریخ شورای امنیت کاملاً بر نقش زنان و مردان جوان در نهادهای سازی صلح و مقابله با افراطی‌گری خشونت‌آمیز متمرکز است. قطعه‌نامه ۲۲۵۰، نمایانگر تصدیق بی‌سابقه نیاز مبرم به مشارکت نهادهای سازان جوان صلح در ترویج صلح و مقابله با افراطی‌گری است. این قطعه‌نامه همچنین جایگاه جوانان و YNGOs را به عنوان شرکای مهمی در تلاش‌های جهانی برای مقابله با افراطی‌گری خشونت‌آمیز و ترویج صلح بادوام تعیین می‌کند. (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد ۱۳۹۴، ۶۶)

اقدامات بشردوستانه و ترویج دهنده صلح تشکل‌های غیردولتی جوانان کشورهای توسعه‌یافته به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته، نیازمند و درگیر خشونت و تروریسم به صورت مستقیم در یارگیری و تغییر وجهه چهره کشورهای فعال در این زمینه اثر گذار است. به عنوان مثال، تشکل‌های غیردولتی جوانان فرانسه با برگزاری تورهای متعدد با رویکرد کمک به بیماران مبتلا به ایدز در آفریقا و همچنین آموزش آنان و یا اقدامات عام‌المنفعه تشکل‌های غیردولتی جوانان روسیه به ویژه تشکل غیردولتی جوانان گورچاکوف پس از وقایع کریمه در مناطق درگیر و برنامه‌های متعدد حمایتی آنان در گرجستان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، ارمنستان و منطقه کریمه (fadm.gov.ru.3214) نمونه بارز این اقدامات است که در مسیر کسب منافع ملی برای کشورهای مذکور حرکت می‌کند.

لذا ما در این پژوهش به این فرضیه می‌پردازیم که این اقدامات عام‌المنفعه و بشر دوستانه تشکل‌های غیر

دولتی جوانان به واسطه تغییر نگاه و ایجاد وجهه مثبت برای کشور موجب شکل گیری کنش گر جدیدی در عرصه دیپلماسی به عنوان دیپلماسی جوانان می شود.

گفتنی است بنا به نظر برخی از اندیشمندان، از آنجا که تشکل های غیر دولتی به مثابه حاملان اصلی سرمایه اجتماعی می باشند به صورت بالقوه می توانند ظرفیت چشمگیری برای ارتقای سطح توسعه اجتماعی و حرکت در مسیر کسب منافع ملی به شمار آیند (جاجرمی، ۴۸: ۱۳۸۸) و به دیپلماسی عمومی کشورهای خود نیز یاری رسانند.

با وجود این، دولت ها در جوامع توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته اصل "مشارکت" را ذاتی و اختیاری نمی دانند و معتقدند مسئولیت و اختیار به صورت تام از آن دولت (حاکمیت) است و به تبع آن، نهادها انحصاری و بسته عمل می کنند و مشارکت با نگاهی حساس، امنیتی و حتی به "دخالت" تعبیر و مانع افزایش حضور مردم به خصوص نسل جوان که نیروهای بالقوه توسعه آینده کشور هستند، در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های مدنی می شود.

اگر درک درست و شناختی روشن از ادبیات، مبانی و فعالیت سازمان های غیردولتی داشته باشیم، مفاهیم جامعه مدنی، نوسازی اجتماعی و فرهنگی، ظرفیت ها و روابط اجتماعی در حوزه بین الملل، جهانی شدن و ضرورت توسعه روابط بین الملل به خصوص حضور، نفوذ و تأثیر گذاری در مجامع و سازمان های رسمی و تخصصی بین المللی را به صورت واقع گرایانه بنگریم و فعالان اجتماعی را با انگ ها و برچسب های ناروا و با تیغ قهر و انزوا از صحنه اجتماعی و مهمتر از همه، از نهادهای حاکمیتی که برگرفته از مردم هستند، نرانیم موجب بروز لطمه به روابط مدنی "جوانان - دولت" و استفاده از توان آنان در کسب منافع ملی با توجه به موارد کاربردی توسعه تشکل های غیر دولتی که به آنها اشاره کردیم، نخواهیم شد.

البته پروسه استاندارد و ایده آل برای روابط اجتماعی، به تحلیلی درست از شرایط موجود و خاستگاه مطلوب بستگی دارد. جوانان با بهره گیری از رسالت اجتماعی "نظارت و پی گیری" به وسیله NGOs می توانند در صورتی که به معنای واقعی به صورت مستقل و غیر دولتی عمل کنند، انحصار گری، قدرت طلبی و زیاده خواهی دولت ها را کنترل نمایند.

اسناد بین المللی در حوزه جوانان

در حال حاضر، چند سند عمده تعهد آور بین المللی وجود دارد که مختص حقوق جوانان و ضرورت ورود و فعالیت های مشارکت جویانه آنان می باشد:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
- کنوانسیون حقوق کودک ملل متحد؛
- برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن؛
- اعلامیه لیسبون در خصوص سیاست ها و برنامه های جوانان؛
- منشور بین المللی حقوق جوانان (قطعه نامه شماره XXV ۲۶۳۳).

همچنین توسعه جوانان، اصطلاحی است که امروزه از سوی برخی برنامه ریزان توسعه به ویژه برنامه ریزان توسعه اجتماعی و توسعه منابع انسانی بسیار مطرح می شود. (سید امامی، ۱۳۸۸، ۱۹) مشابه چنین اصطلاحی ابتدا در مورد زنان مطرح گردید و هدف از کاربرد این اصطلاح، رساندن مفهومی جامع بود که بتواند در برگیرنده مفاهیمی دیگر چون: رشد، پیشرفت، بهبود وضعیت و بالندگی باشد که این امر نیز با مشارکت جوانان در امور خود قابل پیشبرد است.

مجمع عمومی ملل متحد از آنجا که بیشتر از دو منظر حقوق بشری و توسعه اجتماعی به مسئله جوانان و زنان نگاه می کند (قطعه نامه ۱۳/۱۹۸۵)، موضوعات مرتبط با جوانان را در قالب کمیته سوم خود (کمیته

اجتماعی، بشردوستانه و امور فرهنگی) بررسی می کند و این بررسی شامل تهیه و یا همکاری در تهیه پیشنهادی طرح ها و برنامه های عمل جهانی، قطعنامه ها، بیانیه ها، توصیه ها و اعلامیه های مرتبط با حوزه جوانان است.

شورای اقتصادی و اجتماعی نیز مانند مجمع عمومی از طریق تصویب قطعنامه های مرتبط به حل مسئله جوانان و رسیدگی به مشکلات اجتماعی و اقتصادی پیش روی نسل جوان اقدام می نماید. مکانیزم دیگری که شورای اقتصادی و اجتماعی از طریق آن به توسعه جوانان می پردازد، ترویج مشارکت های NGOs، در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی است. در حال حاضر، تعداد قابل توجهی سازمان غیردولتی وجود دارند که در زمینه های اقتصادی و اجتماعی فعالیت دارند و از طریق کسب مقام مشورتی، همکاری نزدیکی با شورا دارند. در ماده ۷۱ منشور ملل متحد تسریع شده است:

"... شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند ترتیبات مناسب جهت مشاوره با NGOs را که با موضوعات تحت صلاحیت آن شورا سروکار دارند، فراهم آورد". چنین ترتیباتی در قطعنامه ۱۲۶ (XLIV) مورخ ۲۳ می ۱۹۶۸ شورا مقرر گردیده است؛ بدین گونه که شرایط را برای سازمان های غیردولتی به گونه ای فراهم می سازد تا در مقام مشورتی با شورای اقتصادی و اجتماعی قرار گیرند و مشاوره هایی را نیز با دبیرخانه آن شورا داشته باشند.

بر اساس این گزارش، دارندگان مقام مشورتی طبق قطعنامه شماره ۱۹۹۶/۳۱ موظف اند هر ۴ سال یک بار گزارشی از فعالیت های سازمانی در حمایت از شورای اقتصادی و اجتماعی و سازمان ملل متحد تنظیم و ارائه دهند و در صورت کوتاهی، با تعلیق جایگاه مشورتی به مدت یک سال مواجه خواهند شد که در این مدت باید گزارش جبرانی مورد قبول ارائه کنند و در غیر اینصورت مقام مشورتی پس گرفته خواهد شد. از آنجا که سازمان های مردم نهاد دارنده مقام ویژه مشورتی بخشی از سازمان ملل متحد محسوب نمی شوند، استفاده از لوگو، سربرگ، کارت ویزیت و بنر آن سازمان ممنوع است و سازمان های دارنده مقام مشورتی تنها اجازه دارند زیر نام سازمان متبوع خود از عبارت "جایگاه مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد" با ذکر تاریخ دریافت عنوان استفاده کنند.

شایان ذکر است دارندگان مقام مشورتی می توانند از دبیرکل سازمان ملل متحد برای در دستور کار قرار دادن موضوعات مرتبط و مورد علاقه سازمان های غیر دولتی برای جلسات شورا درخواست کنند. همچنین بیانیه کتبی یا شفاهی خود را در شورای اقتصادی و اجتماعی مطرح نمایند.

موارد مذکور حاکی از اهمیت و جایگاه NGOs در نظام بین الملل و گویای آینده ای روشن برای کشورهای است که امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود را با مشارکت این سازمان های غیردولتی پیش می برند. اکنون NGOs در نظام بین الملل همانند دستگاه دیپلماسی عمومی عمل می کنند، با این تفاوت که بدون دخالت دولت ها می توانند نمایی از واقعیت جامعه را به نظام بین الملل انعکاس دهند؛ به عبارت دیگر، در جوامع توسعه یافته با محول کردن برخی امور اساسی جامعه به این سازمان ها علاوه بر افزایش مشارکت عمومی مردم در امور ذاتی خود، از ظرفیت های پنهان کشور در توسعه و آبادانی و ارتقای فرهنگی و در نهایت امنیت ملی کشور استفاده می شود.

اما در مورد پژوهش های مرتبط با فعالیت تشکل های غیر دولتی می توان به موارد زیر اشاره نمود: در پژوهشی که با عنوان "Analysing the results of NGO peace practices" توسط دوما در سال ۲۰۱۰ صورت پذیرفته، به بررسی شیوه های استفاده از ظرفیت NGOs با رویکرد بشر دوستانه به صورت موردی در جنایات و نقض حقوق بشردوستانه صورت گرفته در کنگو پرداخته شده است.

جو اندرسون در پژوهشی با عنوان "Nationalism, Ethnicity and Non-Western Societies On" که

در سال ۲۰۱۰ صورت پذیرفته، به بررسی تفوت قوم گرایی و ملیت گرایی در جوامع غیر غربی و توسعه نیافته پرداخته است. او معتقد است سازمان های مردم نهاد در منطقه آسیا و اقیانوسیه نقش های مهمی در مشاوره های سیاستی بازی کرده اند و همیشه دانش و تجرب آنها بر اولویت های دولت و برنامه های توسعه در سطح ملی و پایین تر از آن نفوذ داشته است. این سازمان ها، جایگاه مهمی در فرآوری اطلاعات و داده ها و جلب توجه تصمیم گیران به واقعیت های موجود داشته اند. در زمینه برنامه های تنظیم خانواده، سازمان های مردم نهاد رویکردهای ارتباطی، اطلاعاتی، آموزشی و مشاوره ای را به منظور ترویج مفاهیم این حوزه بین افکار عمومی به کار می برند.

در سری لانکا مؤسسه تنظیم خانواده به عنوان یک NGOs در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد- پیش از اینکه دولت برنامه های تنظیم خانواده را در سال ۱۹۶۵ به رسمیت بشناسد. در طول این ۱۰ سال، این مؤسسه توانست مشاوره های اثربخشی به منظور مشروعیت بخشیدن به برنامه تنظیم خانواده و ابزارهایی برای تغییرات اجتماعی داشته باشد.

پژوهش دیگری با عنوان "The foundations of practical training for young leaders" توسط ادوارد سیمپسون در سال ۲۰۱۲ صورت پذیرفته که در آن به برنامه های توانمند سازی جوانان تاثیر گذار بر امور داخلی کشورها توسط NGOs اشاره شده است. در این پژوهش آمده است که تشکیل زیر بنای مشخص آموزشی برای جوانان کشورها توسط شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به واسطه تشکل های غیر دولتی می تواند در شبکه سازی آنان نقش داشته باشند.

آنچه مشخص است تا کنون پژوهش ویژه ای پیرامون نقش تشکل های غیر دولتی جوانان و نقش آنان در روابط خارجی دولت ها به صورت خاص صورت نگرفته و در این پژوهش در پی ورود و اشاره به این مسئله هستیم.

مبانی نظری

با توجه به جایگاه سازمان های بین المللی و تشکل های غیر دولتی NGOs نزد اندیشمندان نئولیبرالیسم به عنوان "طرفیت های ترویج صلح و اقدامات بشر دوستانه"، در این پژوهش از این نظریه در رویکرد جهان شمول به ترویج تشکل های غیر دولتی با اندیشه لیبرالی استفاده شد. گفتنی است مهمترین عامل توسعه سازمان های مردم نهاد در جهان نیز به عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی، فراهم شدن شرایط رشد و یارگیری و ایجاد این تشکل ها در جامعه مدنی است. سرمایه اجتماعی به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است که افزایش آن موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه های اداره جامعه و هزینه های عملیاتی سازمان ها می شود و رابطه مستقیمی با منافع و امنیت ملی دارد و این امر در جامعه ای مدنی دست یافتنی است.

گفتمان نئولیبرالیستی نیز محصول سال های پس از جنگ جهانی دوم و احساس نیاز صاحب نظران در تجدید نظر در این پارادایم و در پی شکست جامعه ملل در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم بود. نئولیبرالیسم کوششی برای توضیح پیشرفت های صورت گرفته در اقتصاد سیاسی جهانی پس از جنگ دوم جهانی، با تاکید و تمرکز بر نقش مرکزی نهادها و سازمان ها در سیاست بین الملل بود.

اثرگذار ترین اثر در این سنت، کارهای رابرت کیوهان (۱۹۸۲) و استفن کراسنر (۱۹۸۳) بود. ایده اصلی این دو متفکر، بر اساس مشاهده مدل های همکاری و ثبات نسبی این الگوها در اقتصاد سیاسی بین الملل بود. آنها معتقد بودند که علیرغم ناهمگونی قدرت اقتصادی در سطح بین الملل، ما شاهد ثبات بیشتری در سطح

جامعه جهانی، در راستای همکاری های اقتصادی ملل هستیم. وقایع اقتصادی و سیاسی دهه ۱۹۷۰ در سطح جامعه جهانی، کمک زیادی به توسعه این گفتمان نمود.

توسعه جدی گفتمان لیبرالیسم کلاسیک توسط این دو متفکر و ارتقای این گفتمان به یک گفتمان جدید، محصول افزودن مفاهیمی جدید به این عرصه بود که مهمترین این مفاهیم، اصطلاح "رژیم های بین المللی" بود. ایده نگرستن به رژیم های بین المللی، مستلزم این پیش فرض بود که مفهوم همکاری، جایگزین سایر مفاهیم در نهادهای بین المللی، همچون اتحادیه اروپا شده است. این نهادها، در واقع سازمان های بین المللی با قوانین صوری و پروسه های جاری حاکم بر آنان نبودند، اما در عین حال توافق های بین المللی اقتصادی در آنها در جریان بود که به شکل دهی و تنظیم سازی رفتار دولت ها کمک می کرد.

گرچه رویای تشکیل سازمان های بین المللی و NGOs به گونه ای که صلح جهانی را تامین نماید، قرن ها فکر افراد بشر را به خود مشغول کرده بود، با وجود این، نظریه هایی که در این زمینه ابراز می شد از واقعیت به دور بود. در قرون هفدهم و هجدهم، آثاری انتشار یافت که در تمام آنها آشکارا به ایجاد سازمان های بین المللی اشاره شده بود. جرمی بنتام، ژان ژاک روسو، ابه دوسن پیر و کانت فیلسوف پروسی همگی از پیشروان نهضت طرفدار سازمان بین المللی بودند که بینش هایشان فقط در مباحث تاریخ عقاید سیاسی مطرح گشت و در طرح سازمان های بین المللی که بعدا بنیاد گرفت، چندان موثر واقع نشد- هر چند سهم بنتام و کانت را نباید در این زمینه نادیده گرفت، چون نمایندگان بریتانیا در کنفرانس دوم لاهه (۱۹۰۷) از اندیشه های بنتام الهام گرفتند. نظر وی همچنین موجب شد تا مصوبات جامعه ملل رسماً انتشار یابد؛ کنوانسیون ۲۱ مه ۱۹۳۰ در مورد آزادی ارتباطات جامعه ملل در دوران بحران نیز ثمره اندیشه های بنتام بود.

دیپلماسی جوانان به عنوان کنش گر جدید در عرصه دیپلماسی های نوین

در گذشته دیپلماسی بین کشورها بیشتر به موضوعاتی همچون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور با یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مربوط می شد، اما در شرایط کنونی جهان علاوه بر آنها موضوعاتی همچون روابط تجاری، مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آنها با سازمان های بین المللی قرار گرفته است. (مدبر، ۶۵: ۱۳۹۴)

دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چارچوب دکتترین سیاست خارجی هر کشور است. دکتترین سیاست خارجی یک کشور که معمولاً یک بیان کلی از سیاست خارجی آن محسوب می شود، توسط رئیس حکومت یا وزیر امور خارجه اعلام می شود.

اهداف دکتترین سیاست خارجی هر کشور ارائه اصول کلی برای هدایت سیاست خارجی و انجام دیپلماسی است. این اصول به رهبری سیاسی یک کشور اجازه می دهد تا با وضعیت های مختلف پیش آمده به طور مناسب برخورد نماید و رفتار کشور در برابر سایر کشورها را توضیح دهد.

اجرای دیپلماسی بر عهده گروهی که "هیأت دیپلماتیک" نامیده می شود، قرار دارد. این گروه، نماینده رسمی کشور فرستنده آنها نزد کشور پذیرنده و میزبان تلقی می شوند. وظیفه هیأت دیپلماتیک، حفظ منافع دولت و شهروندان کشور فرستنده نزد دولت پذیرنده است. البته این امر در چارچوب مرزهای مجاز توسط حقوق بین الملل، انجام مذاکره با مقامات دولت طبق اصول مشخص شده توسط دولت فرستنده و از طریق سایر شیوه های قانونی که دولت پذیرنده آنها را به رسمیت شناخته صورت می گیرد.

اما با گسترش فناوری و فناوری های ارتباطی فضا از دیپلماسی رسمی به دیپلماسی عمومی توسعه یافت. فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، دیپلماسی عمومی را این

گونه تعریف می کند:

"برنامه های تحت حمایت دولت که با هدف اطلاع رسانی و اعمال نفوذ بر افکار عمومی دیگر کشورها به اجرا در می آید."

"دیپلماسی عمومی آن چیزی است که ما از طریق همکاری با توده های مردم در خارج از کشور برای دستیابی به اولویت های بین المللی راهبردی خویش از آن بهره می جویم. (Leonard, 2002, p.8)

از آنجا که دیپلماسی عمومی یک فعالیت تصویر محور به شمار می آید که بر مدل ارتباط نامتقارن یک سویه مبتنی بود و دولت ها می کوشیدند تا تصویری مثبت از کشور خود در خارج از قلمروشان ایجاد نمایند، با رشد فناوری و گسترش فضاهای ارتباطی مدل ارتباط به دوسویه تبدیل و تبلیغات به جای تمرکز بر مدیریت تصویر به گفتگو و تعامل متقابل توجه پیدا کرده است.

در این مدل، بازخوردهای مخاطبان از پیام های دریافتی نیز مورد تحلیل قرار می گیرد. اقناع از طریق گفتگو برنامه جدی دیپلماسی نوین است.

جا افتادن و به رسمیت شناخته شدن تکرر فرهنگ ها موجب شده نگاه به فرهنگ جهانی با رویکرد تنوع باشد، نه همگونی فرهنگی؛ به عبارت دیگر، هر جامعه ای فرهنگ خودش را دارد و باید مطابق با معیارهای خودش درک شود. با گسترش نقش شکل های غیر دولتی کشورهای توسعه یافته با توجه به نقش و روحیه اصلاح گری و پر انرژی جوانان از ظرفیت آنان در کمک به دیپلماسی عمومی کشور خود استفاده نمودند و واژه دیپلماسی جوانان نیز در بین نخبگان گسترش یافت.

دیپلماسی جوانان عبارت است از: گام هایی که جوانان علاقه مند به منافع ملی کشور با همکاری سایر جوانان خارج از مرزها جهت دستیابی به راهبرد بلند بین المللی بر می دارند. (مدبر، ۸۳: ۱۳۹۴)

دیپلماسی جوانان با استفاده از نیروی پر شور و خلاق جوانان در پی ارتقای منافع ملی بوسیله درک توده های جوانان جهان، شناخت، اطلاع رسانی، اعمال نفوذ بر مخاطبان خارجی، دادن پیام به مخاطبان غیر، توسعه گفتگو میان جوانان، برگزاری مدل های بین المللی و تمرین مدیریت جهانی، دوستی نخبگان جهان با یکدیگر و باور راهبردهای بشردوستانه ملی است. (Wolf and Rosen, 2004, p5)

همانطور که در بحث های پیشین اشاره شد، امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع به خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می شود.

بنا به گزارش دبیرکل سازمان ملل، برنامه های بین المللی دیپلماسی جوانان در زمینه بعضی از حساس ترین موضوعات مانند پیشگیری از مواد مخدر، ترویج و ارتقای حقوق بشر و حمایت از مبتلایان به ایدز پیشگام بوده است. همچنین، سازمان های غیردولتی جوانان در ایجاد الگوهای مناسب برای حمایت ها و مراقبت های اجتماعی مساعدت های چشم گیری کرده اند. (مرکز اطلاعات سازمان ملل، ۱۶: ۲۰۱۳)

از آنجا که این سازمان ها از متن جامعه برخاسته و روند طبیعی خود را در تشکیل طی کرده و علاقمندان به موضوع خاصی گرد هم آمده اند و همچنین به دلیل سازماندهی قوی آنها، وجود این سازمان ها باعث می گردد که فرایندهای جمعی و ساز و کارهای توسعه پایدار همچون: فرهنگ، هنر، سیاست، زنان، محیط زیست و ... در کانال خاص خود با شفافیت کامل جریان یابد.

امروزه توجه به ارتقای حقوق بشر منحصر به سازمان های غیردولتی فعال در حوزه بشردوستانه نیست. این عرصه آن چنان گسترده شده که حتی اتحادیه های تجاری، سازمان های بازرگانی، جوامع حرفه ای، گروه های طالب اصلاحات سیاسی، دستجات قومی، محلی، زبانی و مذهبی و سایر اقشار جوامع نیز هر یک به نوبه

خود حقوق بشر و ارتقای آن را از دیدگاه های خاص خویش و بر اساس منافع گروه مورد نظر خود مورد توجه قرار داده اند.

سازمان های غیردولتی (NGOs) با حمایت از گروه های مختلف آن ها را برای ورود به عرصه فعالیت های اجتماعی آماده می کنند و زمینه پذیرش اجتماعی آنان را فراهم می آورند. به عنوان مثال، سازمان هایی که از زنان بی سرپرست و یا کودکان یتیم و یا خیابانی حمایت می کنند. این سازمان ها از طرق مختلف و با ارائه کمک های مادی و معنوی گروه های مزبور را مهیا می کنند تا در جامعه نقشی مفید و سازنده را برعهده گیرند. مثال روشن دیگر در این زمینه، سازمان هایی هستند که از کارگران مهاجر و پناهندگان حمایت می کنند.

سازمان های غیردولتی در جهت ایجاد سمت "کمیسر عالی حقوق بشر"، قبولاندن اصل جهانی بودن حقوق بشر در سطح جهان و ایجاد محاکم بین المللی در یوگسلاوی و رواندا تلاش های زیادی را به عمل آوردند.

جدول ۱: تفکیک کارکرد دیپلماسی با رویکرد قدرت نرم و سخت (مدیر، ۱۰۲: ۱۳۹۴)

سیاست های دولت	منابع	رفتار	
دیپلماسی اجبار	تهدید زور	اجبار	قدرت نظامی
جنگ		بازدارندگی	
اتحاد		فرماندهی	
کمک	پاداش	ترغیب	قدرت اقتصادی
رشوه	تحریم	اجبار	
تحریم	ارزش ها	جذب برنامه ریزی	قدرت نرم
دیپلماسی نوین، دیپلماسی جوانان	فرهنگ		
دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه	سیاست ها		
	نهادهای		

در این میان، دیپلماسی جوانان از طریق بازیگران دیپلماتیک غیردولتی بر برنامه های سیاست بین الملل تأثیرگذار هستند. آنان در عرصه های گوناگونی وارد شده اند تا بتوانند اهداف خود را محقق کنند. شایسته است اشاره کنیم که موفقیت سازمان های غیردولتی در زمینه تحقق اهدافشان مبتنی بر استفاده مناسب و کارآمد از فناوری های جدید اطلاعاتی است.

کاربرد قدرت نرم با استفاده از ظرفیت سازمان های غیردولتی جوانان (YNGOs) در روابط خارجی دولت ها

مولفه قدرت نرم اخیراً در ادبیات سیاسی جهان و رهیافت های قدرت جایگاه مناسبی پیدا کرده و هر روز زوایای جدیدی از آن نمایان می شود. قدرت یکی از عناصر پایه و بنیادین در سیاست بین الملل است. از این رو، عرصه تحلیل قدرت یکی از مهم ترین حیطه های پژوهشی مطالعات روابط بین الملل می باشد که بر اساس اتکا به روش شناسی های گوناگون به بحث در جهت تبیین رفتارهای خارجی دولت ها می پردازد. بر این

اساس، بررسی تحول در ساختار سیاسی و الگوهای رفتاری کشورها نشان می دهد که هرگونه تغییر و جابه جایی، ناشی از دگرگونی در رهیافت های مبتنی بر قدرت است. تحول در مفهوم قدرت که از آن به عنوان "قدرت نرم" یاد می شود، به عنوان یک روش بحث در حیطه سیاست بین الملل و ابزاری جهت بهینه کردن سیاست خارجی کشورها، الگویی به نسبت جوان محسوب می شود که به نوعی بر مفاهیم مترادف آن چون نفوذ، اقتدار و حتی مشروعیت مبتنی دارد. این قدرت، قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق بودن است. نظر به همین اهمیت نیز ارتباط تنگاتنگی با قدرت های بی شکل نظیر فرهنگ و فن آوری می یابد. بر این اساس، کشورهای توسعه یافته و دارای ابزار عملیاتی کردن این ظرفیت درصدد هستند با گسترش و اشاعه فرهنگ و دانش خود به عنوان مؤلفه هایی از قدرت نرم، به سه هدف ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در عرصه بین الملل، حفظ پرستیژ بین المللی و در نهایت مدیریت و جهت دهی به افکار عمومی در راستای تثبیت ساختار هژمونیک خود نائل آیند. استفاده از ظرفیت های خصوصی به ویژه شکل های غیر دولتی برای تبیین و گسترش این امر به منظور کمک به دیپلماسی عمومی منجر می شود افکار عمومی دنیا راحت تر تحت تاثیر برنامه های تبلیغاتی کشورها قرار گیرند. (مدبر، ۱۳۹۴: ۴۸)

یکی از وجوه تفاوت جهان امروز از دنیای پیشین، جایگاه قدرت نرم کشورها و توانایی آنان در ایجاد تغییرات تدریجی و نامحسوس و البته ژرف در نظام باورها، سبک زندگی و مواضع سیاسی و نگرش ها و ترجیحات اجتماعی مخاطبان، با اعمال این قدرت نرم است.

این تمایز به گونه ای است که این گونه می توان پنداشت، اغوا، جذب و کشش همواره بیشتر از زور و قوه قهریه به کار می آید و کسب وجهه و اعتبار بین المللی و نفوذ در افکار عمومی جهانیان دستیابی به قدرت نرم به موازات و حتی فراتر از کسب همین نتیجه در سطح ملی از جمله اهداف مهم کشورهاست و این مهم به تناسب موقعیت و جایگاه و امکانات و فرصت های هر کشور در عرصه بین المللی به شیوه های مختلف و از مجاری و کانال های متعدد تعقیب می شود.

انعکاس تصویر مثبت از یک کشور، امری جدید نیست، اما شرایط برای قدرت نرم در سال های اخیر به طرز چشمگیری متحول شده است. در واقع، اطلاعات به نوعی قدرت است و چگونگی استفاده یک کشور از آن، میزان کارایی آن کشور را در تاثیر بر سیاست های جهانی تعیین می کند و بی تردید، توانایی توزیع اطلاعات و قابل باور بودن منابع مهمی از جذابیت به شمار می رود.

جدول ۲ (مدبر، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

قدرت سخت	قدرت نرم	
فرماندهی اجبار پاداش	برنامه ریزی جذب اقتناع سازی	طیف رفتارها
اجبار تحریم ها	پاداش رشوه	محتمل ترین منابع نهادهای ارزش ها فرهنگ سیاست ها

قدرت نرم در هر کشور از سه منبع نشأت می گیرد: فرهنگ (بخش هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج مطابق انتظار آنها باشد) و سیاست های خارجی آن کشور (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی می شود). به منظور روشن شدن موضوع، منظور نای از این منابع سه گانه مورد بررسی قرار می گیرد.

کشورهایی که احتمالاً موفق می شوند در عصر اطلاعات قدرت نرم کسب کنند، عبارت اند از: کشورهایی که فرهنگ و ایده های اصلی آنها به هنجارهای حاکم جهانی (لیبرالیسم، پلورالیسم و خودمختاری) نزدیک تر است.

کشورهایی که بیشترین دسترسی را به کانال های چند جانبه ارتباطات چه فضای مجازی و چه NGO دارند و از این رو، از نفوذ بیشتری در شکل دهی موضوعات و به کارگیری از این ظرفیت ها برای معرفی اهداف خود به جوامع هدف برخوردارند.

کشورهایی که اعتبارشان تحت تأثیر عملکرد و کارایی داخلی و بین المللی آنها افزایش می یابد. تا اندازه ای که سیاست های رسمی در داخل و خارج هماهنگ و سازگار با دموکراسی، حقوق بشر، آزاداندیشی و احترام به افکار دیگران باشد، آمریکا از روندهای جهانی عصر اطلاعات بهره خواهد برد، گرچه توده های بنیادگرا در برخی از کشورها مقاومت می کنند.

نمونه های استفاده برخی از کشورها از ظرفیت YNGOs

از آنجا که ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهایی است که از ظرفیت قدرت نرم به منظور کمک به دیپلماسی عمومی خود بیشترین بهره را می برد، در ابتدا به کاربردهای آن در این کشور می پردازیم. طی دهه های گذشته، تعاریف قدرت به شدت متحول و اطلاع رسانی به عنوان ابعاد نرم افزاری از جایگاه خاصی برخوردار شده است. از این رو، بسیاری از متفکران مفهوم قدرت نرم و قدرت اطلاعاتی را جزء مهم مؤلفه های قدرت آمریکا تلقی کرده اند. قدرت اطلاعاتی و پیام رسانی را می توان به عنوان یکی از وجوه تفوق خاص آمریکا در زمینه قدرت نرم و کسب منافع ملی عنوان کرد.

اندیشمندان حوزه قدرت نرم نقش دیپلماسی عمومی را در پیشبرد اهداف دولت ها از طریق تبلیغ و ارائه تصاویر مثبت از یک کشور بررسی می کنند. دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می دهد و از لحاظ پیامدها و نتایج از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها برخوردار است. (Diamond, 1998: 62) اطلاعات، نقش مهمی در این مورد ایفا می کند و می توان گفت اطلاعات، قدرت است. اگر قدرت نرم شامل شکل دادن به تصورات دیگر کشورها نیز شود، در این صورت اطلاعات یک منبع مهم قدرت نرم محسوب می شود. به رغم اینکه انتقال اطلاعات و ارائه تصویر مثبت بخشی از دیپلماسی عمومی است، دیپلماسی عمومی در بر گیرنده روابطی پایدار است که موجب ایجاد محیطی توانمندکننده برای سیاست های دولت می شود. (ایکبری، ۱۳۸۴، ۶۰) علاوه بر رسانه، NGOs نیز نقش مهمی در انتقال اطلاعات و ارائه تصویر مثبت دارا هستند که در زمره برنامه های دیپلماسی نوین قرار می گیرند. دیپلماسی جوانان به عنوان بخشی از دیپلماسی نوین در برنامه های آمریکا قرار گرفته و در این راستا حوزه تخصصی جوانان در دفتر بین المللی جوانان وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا پیگیری و عملیاتی می شود.

دیپلماسی عمومی دارای سه بعد مختلف است. بعد اول عبارت است از ارتباطات روزانه که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می کند. دولت های دموکراتیک معمولاً پس از تصمیم گیری متوجه طرح مطالب در مطبوعات داخلی هستند، در حالی که مطبوعات خارجی باید مهمترین هدف

بعد نخست دیپلماسی عمومی به شمار آید.

به عبارت دیگر، آنها باید بر درک تأثیر اقدامات خویش و تبیین آثار این اقدامات در تصویر بین المللی کشور خود تأکید کنند. دومین بعد دیپلماسی عمومی، ارتباطات استراتژیک است که در آن مجموعه ای از موضوعات معمولی بسط می یابد که به مبارزات سیاسی یا تبلیغاتی شباهت بسیاری دارد. در این مبارزات، رویدادها و ارتباطات نمادین به منظور مشخص کردن موضوعات اساسی یا پیشبرد سیاست دولت برنامه ریزی می شوند.

سومین بعد دیپلماسی عمومی، گسترش روابط پایدار با افراد کلیدی طی سالیان طولانی از طریق اعطای بورسیه، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، آموزش، برگزاری سمینارها و کنفرانس ها، برنامه های شاد و شوهای متعدد با مشارکت جوانان در ایالات متحده آمریکا یا سایر کشورهای هم پیمان، دوره های کارآموزی و فعالیت توریسم جوانی و ایجاد شبکه دسترسی به کانال های ارتباطی میان جوانان است. بخشی از این مهم با استفاده از ظرفیت تشکل های غیر دولتی جوانان صورت می پذیرد تا نقش اصلی دولت ها مشخص نگردد و همچنین این تشکل ها در مسیر توانمند سازی خود و کمک به منافع ملی حرکت نمایند. (مدبر، ۱۳۹۴: ۷۷) اهمیت مبادلات فرهنگی و آکادمیک آمریکا به این دلیل است که به تعلیم و آموزش بسیاری از رهبران مهم جهان منجر می شود و از بعد دیپلماسی عمومی نقش مهمی در ایجاد تصویری جذاب از یک کشور ایفا می کند. به عبارت دیگر، یکی از مهمترین دستاورد این برنامه ها ایجاد تصویر مثبت از کشور در اذهان عمومی جهانیان به منظور کسب منافع ملی است. همین امر می تواند چشم اندازهای نویدبخشی در زمینه کسب نتایج مطلوب ترسیم کند. موفقیت در این زمینه به سیاست های اتخاذ شده بستگی دارد. سیاست و دیپلماسی باید با یکدیگر تطابق و سازگاری داشته باشند، در غیر این صورت بازاریابی برای پیام های دیپلماسی عمومی به رگباری از پیام های درهم و نامنظم تبدیل خواهد شد. ضمن اینکه باید توجه کرد دیپلماسی عمومی باید یک خیابان دو طرفه باشد که متضمن گوش فرا دادن و در عین حال سخن گفتن شود. قدرت نرم بر مبنای برخی ارزش های مشترک استوار است و به همین دلیل گفته می شود مبادلات اغلب مؤثرتر از سخن پراکنی یکطرفه است. بنابراین کارایی قدرت نرم مستلزم درک این نکته است که دیگران چگونه پیام های ما را می شنوند و بر همین اساس پیام ها را دقیق تنظیم کنیم. موضوع اساسی در این زمینه شناخت مخاطبین مورد نظر است، چون همه اطلاعات از فیلترهای فرهنگی عبور می کنند و از این رو مخاطبان به ندرت به سخنان پر طمطراق آنگونه که مد نظر است، گوش فرا می دهند. گفته ها بسیار کمتر از اقدامات و نمادها اثرگذار هستند. لذا می توان سه نوع قدرت در عصر جهانی اطلاعات طبق جدول زیر شناسایی کرد.

در این میان، شورای ملی اقدام جوانان، در ایالات متحده آمریکا که مقر اصلی آن در نیویورک می باشد با اهداف شناسایی و حمایت از اقدامات مثبت جوانان، تضمین انتقال پیام جوانان به بالاترین مقامات کشور، ارتقای درک متقابل، نمایندگی منافع جوانان، اهتمام به برابری حقوق زن و مرد، توسعه روابط بین الملل جوانان، تلاش برای توسعه جوانان، گسترش فعالیت های YNGOs و ارتباط و نزدیکی با رهبران جوان و با برنامه هایی همچون برگزاری اجلاس ها و همایش های سالیانه تاسیس شد.

این شورا با همکاری سازمان های غیر دولتی جوانان و دانشگاه های آمریکا و حمایت مالی خیریه ها با برگزاری دوره های سالیانه رهبران جوان اقدام به شناسایی جوانان مؤثر و فعال در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی و گفتگو در مورد ادبیات مشترک به ویژه در زمینه بشر دوستی می نماید. اقدامات این مجموعه و برگزاری همایش های مذکور موجب گردیده جوانان شرکت کننده در این همایش ها اقدام به شناسایی و جذب سایر جوانان مستعد و فعال از سایر کشور های جهان و ترویج مبانی بشردوستی با رویکرد آمریکایی نمایند. (www.youth.nsu.ru/432/jhk) به عبارت دیگر، ایالات متحده آمریکا از این ظرفیت بیشترین استفاده

را برای کسب منافع ملی و تغییر اذهان جهانی به اندیشه های خود و حتی یارگیری در سایر جوامع می پردازد و حتی برخی اقدامات مغایر با حقوق بشر و مصداق بارز جنایات جنگی همچون حمله پهبادهای ارتش آن کشور طی راهبرد قدرت هوشمند اوباما به مناطق مسکونی و کشتار غیر نظامیان در پس پرده این اقدامات و ابزار قدرت نرم در ذهن افکار عمومی جهان مخفی می شود و جوانان آموزش دیده در این دوره ها خود توجیه گر اقدامات غیر انسانی و مصداق تروریسم دولتی ارتش ایالات متحده آمریکا می گردند!

کمیته روابط بین المللی جوانان ایتالیا

اهداف کمیته روابط بین المللی جوانان ایتالیا عبارت اند از:

ارتقای همکاری بین سازمان های ملی جوانان؛
ارتقای مساعدت سازمان های غیر دولتی جوانان به جوامع ملی، محلی و بین المللی مبتنی بر صلح، همکاری، یکپارچگی و استقلال اقوام ملت ها؛
تلاش در جهت تحقق اهداف و اصول منشور ملل متحد، اهداف و اصول سازمان همکاری و امنیت اروپا و شورای اروپا.

فعالیت ها و برنامه ها

اهم فعالیت های کمیته روابط بین المللی جوانان اروپا شامل موارد زیر می شود:
جمع آوری و توزیع اطلاعات در زمینه مسائل و مشکلات جوانان ایتالیا؛
انجام اقدامات و هماهنگی های لازم جهت تسهیل و تقویت ارتباط بین سطوح ملی و بین المللی؛
برگزاری سمینارها، کنفرانس ها و همایش هایی درباره مسائل سیاسی و بین المللی؛
انجام اقداماتی برای نزدیک ساختن سازمان های عضو و ارتباط با YNGOs در سایر کشورهای جهان.
سازمان غیر دولتی محفل فدرال جوانان آلمان

اهداف

ایجاد درک متقابل به منظور ترویج و تشویق تبادل تجربیات و تسهیل زمینه های همکاری؛
مشارکت در حل مسئله اشتغال جوانان؛
ارتقای شخصیت جوانان از طریق ترویج رفتار های دموکراتیک و اجتماعی، آموزش سیاسی، آموزش کامل و بهبود علایق فرهنگی جوانان آلمان با سایر کشورها؛
تلاش و مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان و همچنین مبارزه علیه سوء استفاده جنسی از جوانان؛
تلاش و همکاری در تدوین سیاست های جوانان؛
تشویق و اجرای اقدامات و جلسات مشترک و در صورت ضرورت ایجاد مکانیزم های مشترک؛
همکاری با نهادها و سازمان ها در زمینه آموزش؛
مبارزه علیه تبعیض نژادی و جهت گیری های تمامیت خواهانه.

سازمان غیر دولتی جوانان جهانی کانادا

اهداف جهانی جوانان عبارت اند از:

افزایش توانایی افراد به خصوص جوانان برای مشارکت فعالانه در توسعه عادلانه و ایجاد جوامع باثبات و دموکراتیک؛
ایجاد زمینه های مناسب برای فراگیری دانش، مهارت ها و ارزش های ضروری برای دخالت فعالانه جوانان در جامعه؛
فراهم آوردن زمینه های لازم برای مشارکت و همکاری با جوانان سایر کشورها، سازمان ها، جوامع، افراد

و گروه ها برای اقدام موثر در رفع مسائل و مشکلات جوانان؛ بسط و گسترش نقش جوانان در توسعه و پیشرفت جوامع خود و تبلیغ و ترویج صلح جهانی؛ ایجاد شبکه ای از افراد با پیش زمینه های فرهنگی مختلف و متحد ساختن آنها از طریق احترام و تفاهم متقابل، به گونه ای که این اختلافات نتواند مانع آنها برای دستیابی به صلح و آرامش شود؛ برگزاری همایش جوانان شمال - جنوب؛ ارائه خدمات اضطراری به شکل کمک های مالی و برنامه ریزی مستقیم برای بی خانمان های زلزله زده کلمبیا در سال ۱۹۸۵؛ اجرای برنامه کار مشارکتی که فرصتی برای جوانان برای کار در سایر نقاط جهان در پروژه های تدوین شده توسط گروه های محلی فراهم می آورد (۱۹۸۸)؛ برگزاری دوره های آموزشی در سریلانکا و موسسه کودی (koady) که در آن مشارکت کنندگان در مورد چگونگی ایجاد شرکت های بازرگانی و تعاونی کوچک آموزش می دیدند (۱۹۸۹)؛ اجرای پروژه ی چرخ های تغییر که در آن ۱۲ جوان برای مشارکت در کارگاه توسعه بین المللی، حفظ محیط زیست و عدالت با دو چرخه به اونتاریو و بریتیش کلمبیا سفر کردند (۱۹۹۳)؛ اجرای برنامه در اروپای شرقی و مرکزی؛ اجرای پروژه فهم جوانان کانادا و جهان که در این برنامه جوانان اطلاعات بیشتری درباره جهان اطراف خود و کانادا می آموزند و مهارت های رهبری را به دست می آورند و در فعالیت های داوطلبانه در کشور های میزبان شرکت می کنند؛ همکاری با نمایندگان دبیرستان ها، کالج ها و دانشگاه ها برای سازماندهی برنامه های آنان در کشور های در حال توسعه.

دستاوردهای استفاده از ظرفیت YNGOs

۱- کارکردهای سازمان های مردم نهاد جوانان در دیپلماسی جوانان

الف) شبکه ارتباطی

یکی از کاربردهای دیپلماسی جوانان و YNGOs برقراری ارتباط بلند مدت با سایر جوانان موثر و فعال جهان و یا NGOs های جوانان جهت ایجاد فهم مشترک از برنامه های عام المنفعه و بشردوستانه کشور خود برای دیگران است.

به عبارت دیگر، با رابطه سازی به معنای فهم نیازهای سایر کشورها، فرهنگ ها و انتقال نقطه نظرات خود به تصحیح سوء برداشت ها و جستجوی عرصه هایی که می توان به دغدغه مشترک رسید می پردازد.

رابطه سازی، نیازمند برقراری تعاملات بلند مدت با جوانان فعال و تأثیرگذار سایر ملل است. برگزاری کنفرانس، سمینار، ایجاد شبکه های حقیقی و مجازی و در حد بالا ارتباط چهره به چهره از طریق روابط غیر دولتی و دوستانه جوانان کشورهای مختلف صورت می پذیرد.

با سازمان های مردم نهاد جوانان به دنبال برقراری رابطه صرف با سایر جوانان جهان نیستیم، بلکه در پی رابطه سازی هدفمند و اعمال نفوذ هستیم.

آشنایی با فهم، فرهنگ و ارزش های کشورهای دیگر، کنش های عامیانه آنها، باورها و اعتقاداتشان، می تواند در یارگیری از طرف مقابل و کسب منافع ملی بسیار حائز اهمیت باشد.

ب) مدیریت وجهه کشور

(۱) آشنایی با چهره و وجهه کشور در بین اذهان دیگر مردم جهان؛
(۲) استفاده از ظرفیت NGOs ها و سایر نهادهای مدنی برای بهبود چهره کشور در بین اذهان عمومی با انجام اقدامات عام المنفعه و بشردوستانه.
امروزه با انجام یک کنش هوشمندانه می توان در دنیا وجهه بین المللی یک کشور را ارتقا بخشید. در مقابل، هر عمل نسنجیده ای هم عواقب خسارت بار خود را در پی خواهد داشت.
بازنمایی و ترویج تصویر مثبت با راهبرد "بسیار به بسیار" در ارتقای خوشنامی کشور در جامعه جهانی و کمک به منافع ملی بسیار دارای اهمیت می باشد. جذب قلوب و اذهان سایر جوانان کشورهای مختلف دنیا در مدیریت چهره کشور بسیار دارای اهمیت می باشد. (Kelley, ۲۰۰۹: ۷۹)
طبق نظر ژان بودریا، اندیشمند پسا تجدد گرا مدیریت تصویر از طریق مدیریت درک مخاطبان هدف با القای پیام هایی که در ذهن مخاطبان با ابزارهای مختلف از جمله: شعر، موسیقی، فیلم، سمینار، مسابقه، تفریح و... صورت می گیرد. اما از آنجا که رویه جوانی با اصلاح گری، شور، نشاط، کنجکاوی و تغییر همراه است، با استفاده از نیروی جوان آموزش دیده و وفادار به منافع ملی کشور می توان دقیق تر به هدف مدیریت درک مخاطبان هدف دست یافت.

ج) اعتبار بخشی
از آنجا که سازمان های مردم نهاد جوانان رویکردی مخاطب محور دارند و بر روی درک مخاطب اقدام می نمایند، موجب اعتبار بخشی می شود. ژلاتینی بودن یا به عبارتی انعطاف پذیری، در افزایش اعتبار نقش موثری دارد.

د) روز آمد کردن تصویر مخاطبان جهانی
سازمان های مردم نهاد جوانان با اقداماتی که مورد توجه عموم مردم در جهان و دغدغه آنان است به نمایندگی از کشور هدف تصویر ذهنی مخاطبان را دچار تغییر می کنند و عقاید نامطلوبشان را به سمت برداشت مثبت و تحسین کشور هدف قرار می دهند.

ه) اعمال نفوذ
یارگیری و تغییر نگاه مخاطبان به کشور هدف موجب می شود مخاطبان به حمایت از برنامه های کشور هدف بپردازند و ضمن حمایت از برنامه ها و تبلیغات مختلف حتی اقدام به فشار به سیاستون خود نمایند.
و) ایجاد شیوه جدید ارتباطی

در دیپلماسی عمومی، ارتباطات به مانند یک فرایند خطی انتقال اطلاعات با هدف اقناع یا کنترل افکار عمومی بود. دغدغه اصلی این بود که پیام ما چیست و آن را از طریق رسانه به سایرین منتقل کنیم، اما با سازمان های مردم نهاد جوانانی که در عرصه بشر دوستی در نظام بین الملل فعالیت می کنند به دنبال شناسایی اشتراکات یا منافع متقابل عامه پسند هستیم و از تک گویی (مونولوگ) به گفتگو (دیالوگ) یا به عبارتی اقناع از طریق گفتگو و دریافت همزمان بازخورد و رسیدن به نقطه مشترک می رسم.

تقویت مهارت با مخاطبان هدف؛
سعه صدر در گوش دادن نظر افراد (خوب گوش دادن) و توانایی گوش دادن به حرف های بیهوده و تکراری؛

قدرت شناسایی نقاط مشترک گفتگمانی و مانور بر روی آن؛
آشنایی با شرایط سیاسی و فرهنگی طرف مقابل؛
توانایی دوست یابی و نزدیکی به طرف مقابل؛
آشنایی با ساختار و کارگزار در نظام بین الملل؛

تسلط در هماهنگ کردن NGOs؛

آشنایی با شبکه های به روز اجتماعی و عضویت در آن و توانایی راه اندازی کانال مخصوص؛ تسلط بر الگوی اطلاعاتی "بسیار به بسیار"؛ به رسمیت شناختن الگوی تکرر فرهنگی.

همانطور که اشاره شد کارکردهای متعدد عام المنفعه و بشر دوستانه سازمان های غیر دولتی جوانان در نظام بین الملل با توجه به یارگیری و حتی شبکه سازی میان NGOs ها و ارسال پیام واقعی نوع دوستی به جوامعی که دچار آسیب و آلام بشری شده اند به صورت طبیعی در مسیر برنامه های دیپلماسی عمومی کشورها و کسب منافع ملی و کمک به بهبود مثبت وجه کشور در نظام بین الملل کمک خواهد کرد.

آنچه مسلم است ایجاد یک جامعه مردم سالار، ارتباط نزدیکی با ظهور و توسعه بخش سومی دارد که بین اقتصاد دولتی و بازار آزاد قرار می گیرد و همچنین ارتباط نزدیکی با عملکرد نوع خاصی از سازمان ها یعنی سازمان های داوطلبانه یا غیردولتی دارد. تشکل های غیردولتی نقش مهمی را در فرایند مردم سالاری که در مواد ۱۹ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر با عنوان "حق آزادی اجتماعات، آزادی بیان و آزادی تشکیل انجمن" بر آن تصریح شده است ایفا می نمایند.

برنامه ها و قطعنامه های سازمان ملل متحد در مورد زنان و جوانان طی دو دهه پیرامون مسئله صلح، کمک به حفظ محیط زیست پایدار، حفاظت در برابر اقدامات استثمارگرانه، آموزش و موارد این چنینی بوده؛ اما پس از سال ۱۹۸۰ مسئله توسعه با محوریت مشارکت اجتماعی و توانمند سازی منابع انسانی جوان جامعه به صورت جدی در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

منابع

- ابراهامیان، پرواند. (۱۳۹۰). مردم در سیاست ایران: پنج پژوهش موردی. تهران: نشر چشمه
- آشوری، محمد. (۱۳۸۲). جایگزین های مجازات زندان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- آمارتیا سن، آمارکو. (۱۳۹۱). توسعه به مثابه آزادی. احمد موثقی. تهران: نشر نی
- احمدی، حمید. (۱۳۷۷). مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز. تهران: انتشارات نقش و نگار
- احمدی، حمید. (۱۳۷۶). مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- اشرف، احمد. (۱۳۷۷). "نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران". فصلنامه گفتگو. شماره ۲۴، صص ۵۴-۶۲.
- افروغ، عماد. (۱۳۸۱). "تشکل های غیر دولتی و قوانین حقوقی". فصلنامه فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی. شماره ۱۸۹، صص ۶۶-۵۰.
- افضل، رسول. (۱۳۸۹). چشم انداز جامعه مدنی در خاورمیانه. با مقدمه محمود سریع القلم. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب.
- انوری، ابراهیم. (۱۳۸۷). "سازمان های غیردولتی و حقوق بشر در ایران". فصلنامه انجمن علوم سیاسی. سال پنجم، شماره ۳۱، صص ۳۶-۱۸
- امین، فرهاد. (۱۳۷۳). "بررسی نقش سازمان های غیردولتی در جلب مشارکت مردم به منظور حفظ زیست". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۶). سازگاری ایرانی. تهران: بی تا
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۶). "جامعه مدنی، قدرت ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران". از کتاب تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات گام نو
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاست. تهران: نگاه معاصر
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۲). بررسی مقدماتی نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تامین اجتماعی در ایران. مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). "دولت و تشکل های غیر دولتی". ویژه نامه سال ۱۳۸۹ روزنامه شرق. ص ۵۱.
- جباری، حبیب. (۱۳۹۲). "توسعه اجتماعی و اقتصادی". مجله رفاه اجتماعی. شماره ۱۰.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۹۰). "استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی". فصلنامه مطالعات راهبردی. صص ۷۰-۷۹
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۲). "رسانه ها و تفسیر ارزش های اجتماعی". مجله فرهنگ عمومی پیشین. شماره ۸۰، صص ۷۱-۶۰
- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۱). حقوق بشر در هزاره جدید. تهران: برنامه عمل ملل متحد
- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۲). حقوق بشر و خاورمیانه. تهران: مرکز پژوهش های علمی و استراتژیک خاورمیانه

- رضوی، محمدرضا. (۱۳۷۸). "توان رقابتی و روابط پیمانکاری". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹، صص ۸-۱۸
- رمضان زاده، عبدالم... (۱۳۹۱). "جزوه درسی حقوق اقلیت ها". دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۵۵، صص ۹-۱۶
- رمضان، جواد (۱۳۸۳). "گزارش بر جامعه مدنی". دو هفته نامه طلوع قاینات. شماره ۵، دی ۱۳۸۳.
- زکایی، محمد سعید. (۱۳۸۰). "وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران". مجله داوطلب. شماره ۸، صص ۸۱-۹۰
- سبزواری، نصرا... (۱۳۸۰). "سازمان های محلی یا زیربنای دموکراسی". پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران .
- سلیمانی، مرتضی. (۱۳۸۱). "بررسی نقش تشکلهای غیردولتی در پیگیری مطالبات اجتماعی". روزنامه همشهری ۱۴ اسفند ۱۳۸۱، ص ۹
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۹). "تعامل جهانی شدن و شهروندی و دین". فصلنامه علوم اجتماعی. دانشگاه تهران. شماره ۱۸، صص ۲۰-۳۳.
- عظیمی، حسین. (۱۳۹۱). "مجموعه ایران، دین - ایدئولوژی - دموکراسی و موانع آن". ماهنامه ایران فردا. شماره ۴۰، ۴۹-۳۰.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۷). مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز. تهران. نقش و نگار
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها. تهران: سمت
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۲). مفاهیم کلیدی شهروند و فرهنگ شهری. تهران: نشر نی
- کوشا، محمدمهدی. (۱۳۸۶). دانستنی های سیاست شهروندی. تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- کولایی، الهه. (۱۳۸۳). "چشم اندازهای دموکراسی در ایران". خبرنامه انجمن مطالعات زنان. شماره ۱۰، صص ۱۹-۲۹.
- لمتون، آن کی اس. (۱۳۷۹). نظریه دولت در ایران . چنگیز پهلوان. تهران: نشر گویو
- لیپست، سیورمارتین. (۱۳۸۱). دایره المعارف دموکراسی. گروه مترجمان. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- مدبر، روح اله. (۱۳۹۴). "نقش سازمان های مردم نهاد جوانان در کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری.
- مرکز اطلاعات سازمان ملل. (۱۳۸۰). گزارش دبیرکل به اجلاس ویژه مجمع عمومی در باره ایدز. تهران: انتشارات دفتر سازمان ملل متحد
- موسی زاده، رضا. (۱۳۸۷). سازمان های بین المللی. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). "نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی". تهران: مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۳.
- نمازی، محمداقرا. (۱۳۷۹). بررسی وضع موجود تشکلهای غیردولتی ایران. تهران: نشر دفتر تحقیقات و مطالعات سیاسی دفتر مشارکت و بسیج مردمی وزارت کشور
- نمازی، محمداقرا. (۱۳۷۹). بررسی اجمالی سازمان های غیردولتی. تهران: جهاد سازندگی. تهران: نشر جامعه

- Barston ,R.P. (1988) *Modern Diplomacy*. London Longman

- Berridge ,C.R. (2002). **Diplomacy Theory and Practice**. UK Palgrave
- Breitmeier ,Helmut and Volker ,Rittberger. (2000). **Environmental NGOs in an Emerging Global Civil Society**. Boston ,Ma :Institute for Development Research.
- Charnovitz ,Steve. (1996). **“Participation of Non– Governmental Organization”**. University of pennsylvania Journal of International Economic Law.
- Djerejian ,Edvard (2007) **War and Peace : The problems and Prospectes of American Diplomacy in the eEast**. Los Angeles word Affairs council.
- Keddie ,Nikki. (2003) **Modern Iran Roots and Results of Revo Lution**. New Haven: Yale University Press.
- Keohane, Robert. (2005). **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy**. New Jersey.Princeton : Prinction University Press.
- Margaret, P. Karns & Karen A. Mingst. . (2011) **International Organizations: The Politics and Processes of Global Governance**. London :Lynne Rienner Publishers
- Thomas ,G .Weiss & Sam ,Daws. .(2009) **The Oxford Handbook on the United Nations**. Oxford :Oxford University Press
- United Nations Conference on Sustainable Development) UNCSD ,(so called Rio Bob Reinalda. .(2009) **“Routledge History of International Organizations: From 1815 to the Present Day “**.London :Routledge.
- United Nations Development Program website :<http://www.undp.org>
- United Nations High Commissioner for Refugees website :<http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/home>;
- Volker ,Rittberger & Bernhard ,Zangl. .(2010) **International Organizations: Polity, Politics and Policies** .Palgrave Macmillan in the UK/St .Martin’s Press LLC in the US
- Waltz ,K .N. (2011). **Theory of International Politics**. Addison-Wesley ,Reading, MA ,and Gilpin



بررسی عوامل موثر بر مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در

دوره ۹۰-۱۳۸۵

نصیبه اسمعیلی^۱

حسین محمودیان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۳

جنسیت، یکی از مهمترین بسترهای اجتماعی مهاجرت محسوب می شود. تا چند دهه اخیر مهاجرت بیشتر پدیده‌ای مردانه قلمداد می شد، حال آنکه امروزه زنان نیز به مهاجرت می پردازند و نزدیک به نیمی از حرکات مهاجرتی را شکل می دهند. تغییرات ساختاری و نگرشی در مورد موقعیت زنان و مشارکت های اجتماعی آنها، باعث افزایش توقعات، آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی زنان شده است و آنان برای دسترسی به فرصت ها و موقعیت های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، دست به مهاجرت می زنند. با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین وجود خلاهای تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵ می پردازد. روش مورد استفاده، تحلیل ثانویه داده های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ است. در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ حدود ۵/۵ میلیون نفر در کشور مهاجرت داشته اند که ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد زن بوده اند. نتایج بررسی نشان داد که حدود یک پنجم زنان جوان به دلایل شغلی و تحصیلی مهاجرت و جا به جایی داشته اند. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که وضعیت تاهل (مجرد بودن زنان)، سرپرست خانوار بودن زنان، ضریب نفوذ اینترنت، تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی آنان از مهمترین عوامل اثر گذار بر مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان در سال های اخیر می باشد. از این رو، افزایش سطح تحصیلات زنان در ایران و به تبع آن تحرک اجتماعی و ورود به بازار کار زنان منجر به حرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر در ایران خواهد شد.

واژگان کلیدی: مهاجرت شغلی، مهاجرت تحصیلی، تحلیل ثانویه، جنسیت و جوانان

۱. کارشناس ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: n.esmaeli@gmail.com

۲. دانشیار، گروه جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

جنسیت^۱، عامل تعیین کننده اساسی در مهاجرت و سایر رفتارهای جمعیتی محسوب می شود. مطالعات مختلف نشان داده اند که جنسیت و نظام های قشر بندی جنسیتی در تمام ابعاد و جنبه های فرایند مهاجرت، مانند روابط بین جوامع مبدأ و مقصد (کرنی^۲، ۱۹۸۶) و (فرناندز-کلی^۳، ۱۹۹۳) راهبردها و تأثیرات استخدامی مهاجران (راونشتاین^۴، ۱۸۸۵) و شیوه هایی که افراد در فرایند تصمیم گیری درباره مهاجرت مشارکت می کنند، حضور دارد و نقش مهمی ایفا می کند (ریلی و گاردنر^۵، ۱۹۹۳). تا میانه دهه ۱۹۷۰، مهاجرت به عنوان پدیده ای مردانه تلقی می شد، حال آنکه امروزه نزدیک به نیمی از جمعیت مهاجران را زنان تشکیل می دهند. امروزه، زنان نه فقط به عنوان مهاجران تبعی^۶ و بخشی از فرایند ملحق شدن به خانواده، بلکه به عنوان عوامل و کارگزاران مستقل، حامیان و برنامه ریزان خانواده دست به مهاجرت می زنند (آیوم^۷، ۸:۲۰۰۳).

اغلب تصور بر این است که مهاجرت یک پدیده خنثی به لحاظ جنسیتی است، حال آنکه مهاجرت در حقیقت پدیده ای جنسیت محور است. زنان و مردان به دلایل مختلفی مهاجرت می کنند، از کانال های متفاوتی برای مهاجرت استفاده می کنند، نقش های متفاوتی را نیز در فرایند مهاجرت ایفا می کنند و از تجربه های متفاوتی نیز برخوردارند، زیرا نقش ها، روابط و نابرابری های جنسیتی، فرایند مهاجرت را تحت تأثیر قرار می دهد و آنها تعیین می کنند چه کسانی مهاجرت کنند و چرا و چگونه تصمیم به مهاجرت بگیرند (اسمعیلی، ۱۳۸۸: ۱۲). با این حال، علیرغم اهمیت ابعاد جنسیتی مهاجرت و نقش زنان در فرایند مهاجرتی، عدم توجه کلی به جنسیت در بیشتر مطالعات مهاجرتی هنوز وجود دارد و حتی پس از یک دهه از پیشنهاد و دعوت مطالعات و تحقیقات برای اصلاح و کاهش چنین عدم توجه و نادیده گرفتن جنسیت، هنوز بررسی تأثیر این عامل تعیین کننده مهاجرتی نادیده گرفته شده است. علت این نادیده گرفتن نیز این بوده است که در بیشتر مطالعات یک فرض ضمنی وجود دارد و آن این است که زنان همانند مردان در فرایند مهاجرت فعال نیستند و بیشتر نقش منفعل و پیرو دارند (ریلی و گاردنر، ۱۹۹۳: ۱۰).

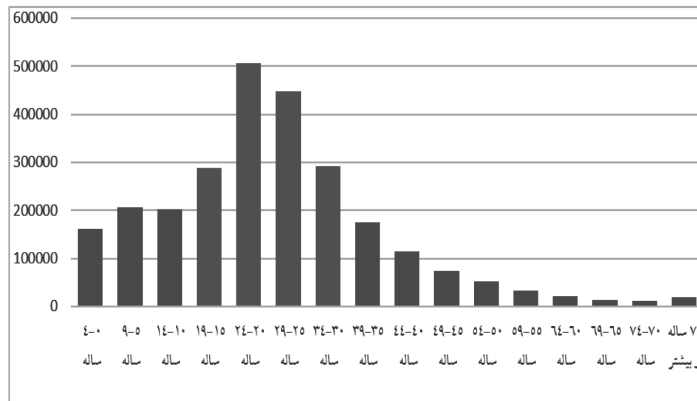
بررسی تاریخی مهاجرت در کشور ما ایران نشان می دهد در گذشته به دلیل ساختار مرد سالارانه و انزوای زنان و غیبت آنها در تصمیم گیری های مهم خانواده، امر مهاجرت با میل و نیاز مردان صورت می گرفت، اما امروزه با بالا رفتن سطح تحصیلات و به تبع آن تغییرات اساسی در عقاید و نگرش زنان، میل به تحرک اجتماعی و تحرک اقتصادی در آنان افزایش یافته است. امروزه زنان فرزند آوری را به تأخیر می اندازند، تعداد فرزندان کمتری به دنیا می آورند و به دنبال فرصت های شغلی هستند. از این رو، آن ها به عنوان نیروی کار جدید در بازارهای اشتغال، دیگر تنها افراد منفعل و تابع همسران خود در فرایندهای مهاجرتی نیستند، بلکه به طور فعال در تصمیم گیری های مهاجرتی نقش دارند و برای نیل به هدف خود که همان تحرک اجتماعی است، دست به مهاجرت می زنند. در ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ حدود ۵/۵ میلیون نفر در کشور مهاجرت کرده اند که ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد زن بوده اند.

در نمودار ۱ ساختار سنی زنان مهاجر در دوره ۹۰-۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص گردد زنان مهاجر

1. Gender
2. Kearney
3. Fernandez-kelly
4. Ravenstein
5. Riley and Gardner
6. Dependents
7. Iom

بیشتر در چه گروه سنی بوده اند. همان طور که نمودار ۱ نشان می دهد، بیشتر زنان مهاجر در گروه های سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله بوده اند و سپس بیشترین زنان مهاجر در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار گرفته اند و در نهایت در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله بوده اند. به طور کلی بیشتر زنانی که مهاجرت کرده اند، در دامنه ی سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله بوده اند. از این رو، برای تحلیل های بیشتر بر این محدوده سنی متمرکز و از داده های خرد سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شده است.

نمودار ۱: ساختار سنی زنان مهاجر داخلی در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵



همان طور که بررسی علل مهاجرت کلیه زنان مهاجر طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ در جدول ۱ نشان می دهد، در حدود ۶۸/۵ درصد از زنان به دلایل تبعی مهاجرت کرده اند، ۱۴ درصد به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند و در مجموع حدود ۲۴ درصد به دلایل تحصیلی و اقتصادی مهاجرت کرده اند.

جدول ۱: علل مهاجرت های داخلی زنان ایرانی در دوره ۹۰-۱۳۸۵

علل مهاجرت	تعداد	درصد
جستجوی کار	۳۸۵۱۲	۱/۴
جستجوی کار بهتر	۲۲۲۱۷	۰/۸۴
انتقال شغلی	۳۱۶۴۵	۱/۲
تحصیل	۳۵۱۳۰۸	۱۳/۳۷
پایان تحصیل	۲۰۷۷۶	۰/۷۹
دستیابی به مسکن مناسب تر	۱۴۲۲۹۳	۵/۴
پیروی از خانوار	۱۸۰۱۱۷۵	۶۸/۵
سایر	۱۵۶۰۲۵	۵/۹۴
اظهار نشده	۶۲۱۵۵	۲/۳۶
جمع	۲۶۲۶۱۰۶	۱۰۰

ماخذ: نتایج کلی سرشماری ۱۳۹۰

بدین ترتیب، با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین با توجه به اینکه مهاجرت های صورت گرفته بیشتر در دامنه سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله رخ می دهد، این مقاله به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان می پردازد. همچنین، برآنیم تا دریابیم که مهم ترین عوامل موثر در مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان جوان در دوره ۹۰-۱۳۸۵ چه عواملی هستند.

پیشینه پژوهش

اگرچه حرکات و جابه جایی های افراد در طول مرزها، جوامع و ایالت ها سابقه طولانی دارد، اما زنان در ادبیات اولیه مهاجرتی، غایب بوده اند. بیشتر مطالعات درباره مهاجرت از نمونه های مردان استفاده کرده اند. مشخصه دیگر ادبیات اولیه مهاجرتی درباره زنان این است که وقتی هم که زنان نادیده گرفته نشده اند، آنها را در فرایند مهاجرت در چارچوب خانواده و در رابطه با فرزندان دیده اند (چارالامپولو، ۲۰۰۴). لازاردیز^۱ (۲۰۰۰) بیان می کند که ادبیات مهاجرتی مبتنی بر تصورات قالبی از زنان مهاجر به عنوان همسران یا مادرانی است که منزوی، بی سواد و کنار گذاشته شده از جهان بیرونی هستند. از این رو، بخش اعظمی از ادبیات مهاجرت، زنان را نادیده گرفته است. با این حال در دهه گذشته، مطالعات در حال افزایشی به بررسی جنسیت و مهاجرت پرداخته اند. به عنوان مثال، هیلر و مک کیگ^۲ (۲۰۰۷) به بررسی نقش زنان به صورت فعال و منفعل در مهاجرت و رضایت مندی آنان پس از مهاجرت پرداختند. به علاوه، پارادو و دلپین^۳ (۲۰۰۵) استقلال زنان پس از مهاجرات و دلایل موثر بر آن را مورد بررسی قرار دادند. همچنین، هیرینگ و همکاران^۴ (۲۰۰۴) جنبه جنسیتی نقش شبکه های خانوادگی در تداوم مهاجرت در مراکش را بررسی نمودند.

مطالعات صورت گرفته در ایران در زمینه نقش زنان در فرایند مهاجرت محدود و اندک بوده است. عصار^۵ (۱۹۹۳) نقش زنان و شبکه خویشاوندی در مهاجرت خانوادگی را مورد بررسی قرار داد و ولایتی (۲۰۰۳) تاثیر مهاجرت روستایی- شهری را بر شرایط اقتصادی زنان مهاجر بررسی نمود. با توجه به اهمیت موضوع، بررسی عوامل اقتصادی و تحصیلی زنان در فرایند مهاجرت، می تواند شناخت بیشتری درباره فرایندهای مهاجرتی و مکانیزم های آن فراهم کند. اسماعیلی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش زنان در جریان تصمیم گیری مهاجرت های خانوادگی به شهر همدان" به این نتیجه رسید که با افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آن ها در ساختار قدرت خانواده و اخیر تر بودن سال مهاجرت، نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت افزایش می یابد و در نتیجه، به طور فعال تری در تصمیم گیری های مهاجرتی مشارکت داشته اند. حسن پور (۱۳۸۹) در تحقیقی با موضوع "گرایش به مهاجرت و جنسیت" نشان داد که برای مردان، عوامل اقتصادی و برای زنان، عوامل فرهنگی و اجتماعی تاثیر پر رنگ تری در گرایش آنان به مهاجرت دارند. جعفری (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان "نگاهی به تحولات مهاجرت زنان در نقاط شهری شهرستان مشهد" به این نتیجه دست یافت که علاوه بر سن و جنس، عوامل متفاوتی از قبیل تحصیلات، اشتغال، مسافت و مهم تر از همه، پیروی از خانوار نقش مهمی را در مهاجرت زنان ایفا می کند. مشفق و خزایی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان "تحلیلی بر ویژگی ها و تعیین کننده های مهاجرت مستقل زنان در

1. Charalampopoulou
2. Lazardis
3. Hiller and McCaig
4. Parrado and Dippen
5. Hilling
6. Assar

ایران" به دو نوع الگوی مهاجرتی برای زنان دست یافتند: یکی استراژی توسعه حرفه ای و فردی که مختص زنان تحصیل کرده و متخصص است و دیگری، الگوی زنان مهاجری است که از مهاجرت به عنوان ابزاری برای بقا خود استفاده می کنند. صادقی و ولدوند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تحلیل جنسیتی رفتارهای مهاجرتی زنان و مردان ایرانی" نشان دادند که حدود یک چهارم زنان در مقایسه با سه چهارم مردان مهاجر، نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که حدود ۷۰ درصد تفاوت های جنسیتی در ایفای نقش فعال در فرایند مهاجرت، ناشی از نابرابری های اقتصادی و اجتماعی بین دو جنس می باشد. از این رو، ساختارهای اقتصادی مردانه و هنجارهای جنسیتی، نقش مهمی در تبیین تفاوت های جنسیتی مهاجرت در ایران دارند.

در هیچ کدام از مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته به صورت مشخص به بررسی مهاجرت های تحصیلی شغلی زنان جوان پرداخته نشده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط صادقی و ولدوند (۱۳۹۳) صورت گرفته، به مقایسه رفتار مهاجرتی زنان و مردان پرداخته شده و نتیجه گرفته شده که تفاوت در رفتار مهاجرتی بین زنان و مردان به دلیل ساختار و هنجارهای موافق با مرد سالاری است.

همچنین، در مطالعه ای که توسط مشفق و خزایی (۱۳۹۴) صورت گرفته به مهاجرت های مستقل زنان و عوامل و تعیین کننده های آن پرداخته شده و به دو نوع الگوی مهاجرت های مستقل زنان اشاره شده است. از این رو، مطالعه ای که به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان و دختران جوان پردازد، انجام نشده است و مطالعه حاضر می تواند به این خلا تحقیقاتی پردازد.

چار چوب نظری پژوهش

تئوری های مهاجرت به طور سنتی بر علل مهاجرت بر اساس پرسش هایی از افراد مهاجر تاکید داشته اند و به طور کافی به بررسی و تحلیل تجربه مهاجرتی به تفکیک جنسیت نپرداخته اند (بویاد و گریکو، ۲۰۰۳: ۲۵). در واقع، امروزه زنان بیشتر از گذشته مهاجرت می کنند. از این رو، تبیین های سنتی برای مهاجرت مردان را نمی توان در مورد مهاجرت زنان به کار برد. تصمیم گیری ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده ها و نهادها اتخاذ می شود (دوناتو و همکاران^۱، ۲۰۰۶: ۱۲).

در این بخش تئوری های مورد بحث را به سه دسته تقسیم کرده ایم: اولین دسته مربوط به رویکردهایی است که چانت و رادیکلف مطرح کرده اند. دسته دوم، رویکردهای نظری مورد بحث در ادبیات جامعه شناسی است که بر تفاوت های جنسیتی در مهاجرت های خانوادگی اشاره کرده اند که خود به دو بخش تقسیم می شود: تئوری منابع خانواده و تئوری نقش های جنسیتی. در دسته سوم به نظریات بویاد و گرایکو پرداختیم. چانت و رادیکلف^۲ چهار رویکرد تئوریک را معرفی کرده اند که می تواند برای تبیین مهاجرت زنان مورد استفاده قرار گیرد. این رویکردها شامل رویکرد تعادل/نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی های خانوار می باشند. رویکرد تعادل/نئوکلاسیک به تبیین حرکات مهاجرتی زنان روستایی با فرصت های شغلی اندک و بازارهای کار شهری می پردازد. در این رویکرد فرض می شود که انگیزه های مهاجرت برای مردان و زنان یکسان می باشد. رویکرد ساختاری، بر تغییرات ساختاری اقتصادی- اجتماعی و سیاسی به عنوان تعیین کننده های مهاجرت زنان تاکید می کند. رویکرد رفتاری، فرض می کند که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی ها و هنجارهای فرهنگی تعیین کننده نقش های جنسیتی به رفتار مهاجرتی می پردازند. در نهایت، رویکرد استراتژی های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم گیری

1. Donato

2. Chant and Radcliffe

در خانواده، بر مهاجرت زنان تاثیرگذار می باشد. بر اساس این رویکرد معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار، مهاجرت می کند (چانت و رادیکلف، ۱۹۹۲: ۲۵) و در این زمینه اغلب زنان باتوجه به سلسله مراتب های اجتماعی- فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده از مهاجرت منع می شوند.

یکی از نکات مورد توجه در رویکرد استراتژی های خانوار، موضوع تقسیم کار و قدرت در درون خانوار می باشد و اینکه اینها چگونه گرایش و آزادی افراد مختلف را مطابق با جنسیت، سن و روابطشان با سایر اعضای خانوار تحت تاثیر قرار می دهند و همچنین اینکه این ها چگونه مهاجرت به سمت شهرها را تحت تاثیر قرار می دهند. این رویکرد سه نکته و محور را مورد بحث قرار می دهد: اول، دسترسی نابرابر دو جنس به منابع بر ساخته اجتماعی است. دوم، شرایط خانوار یک نقش کلیدی در فرایند مذاکرات درباره منابع و تصمیمات مهاجرتی ایفا می کند و سوم، در درون هر خانوار، جنسیت با سایر محورها مانند سن و وضعیت تأهل، شرایطی را ایجاد می کند که به طور مستقیم و غیرمستقیم حرکات مهاجرتی را تحت تاثیر قرار می دهد. علاوه بر این سه رویکرد، در ادبیات جامعه شناسی دو چارچوب تئوریک برای بررسی تفاوت های جنسیتی در مهاجرت خانوادگی ارائه شده است: یکی تئوری منابع خانواده و دیگری تئوری نقش های جنسیتی. تئوری منابع خانواده بیان می کند که قدرت فرد در تصمیم گیری ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. تئوری نقش های جنسیتی بیان می کند که زنان، صرف نظر از سطح منابع فردی شان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم گیری های مهاجرت خانوادگی دارند. به طور سنتی، نقش های زنان کمتر از نقش های مردان در جهت فعالیت های بازار بوده است، از این رو، زنان به احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی هستند (چاتوپایا^۱: ۲۰۰۰، ۳۱).

به طور جزئی تر، بویاد و گرایکو (۲۰۰۳) در تلاش برای ارائه تئوری جنسیتی مهاجرت معتقدند که می توان سه مرحله که در آن روابط، نقش ها و سلسله مراتب جنسیتی بر فرایند مهاجرت تاثیر می گذارد را از همدیگر متمایز نمود و در آن نتایج متفاوتی را برای زنان متصور شد: مرحله قبل از مهاجرت، مرحله انتقالی و عبوری در طول مرزها و تجربه مهاجران در منطقه مقصد. در مرحله قبل از مهاجرت، عوامل متعددی موجب شکل گیری تصمیمات مهاجرتی می شوند. این عوامل هم شامل عوامل کلان و سیستمی مانند اقتصاد ملی و هم عوامل فردی و خرد مانند مراحل جنسیتی در چرخه زندگی می باشند. این عوامل به سه حوزه تقسیم می شوند: ۱) روابط و سلسله مراتب جنسیتی، ۲) موقعیت و نقش ها، ۳) مشخصه های ساختاری مبدأ که روابط و سلسله مراتب جنسیتی در درون بستر خانواده، مهاجرت زنان را تحت تاثیر قرار می دهد.

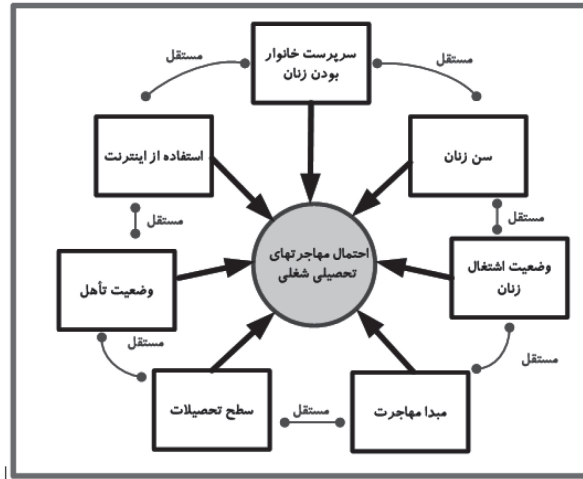
خانواده به تعریف و واگذاری نقش ها به زنان می پردازد و این وضعیت خود انگیزه نسبی آنها را برای مهاجرت، کنترل توزیع منابع و اطلاعات که می تواند حمایت کند یا عدم تشویق و جلوگیری از مهاجرت را تعیین می کند. تعامل نقش ها، موقعیت و سن زنان در درون یک بستر اجتماعی- فرهنگی خاص منجر به احتمال مهاجرتی می شود که خود می تواند توانایی زنان را برای مهاجرت تحت تاثیر قرار دهد.

در نهایت، عوامل سطح کلان مبدأ هستند که می توانند در مرحله انتقالی و عبور از مرزها، سیاست های مهاجرتی و گزینش های مهاجرتی بر مهاجرت جنسیتی شده تاثیرگذار باشند. معمولاً در این سیاست ها، زنان به عنوان تابع و مردان به عنوان افراد مستقل در نظر گرفته می شوند. در مرحله بعد از مهاجرت نیز زنان و مردان به طور متفاوتی در مقصد اسکان یافته و انطباق پیدا می کنند. در اینجا معمولاً نتایج و پیامدهای انطباق تحت تاثیر سه عامل می باشد: ۱) تاثیر وضعیت ورود بر توانایی اسکان و انطباق، ۲) الگوهای ادغام در بازار کار ۳) تاثیر مهاجرت بر وضعیت و موقعیت زنان و مردان (بویاد و گریکو، ۲۰۰۳: ۲۷). بدین ترتیب، زنان در فرایند مهاجرت می توانند نقش های متفاوتی (مستقل/ تبعی) داشته باشند که داشتن هر کدام از این نقش ها

بستگی به عوامل و تعیین کننده‌ها در بستر اجتماعی - فرهنگی جامعه مورد مطالعه دارد.

مدل نظری پژوهش

شکل ۱: مدل نظری رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته



با توجه به مدل نظری تحقیق، متغیرهای مستقل مورد نظر (افزایش سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال زنان، وضعیت تأهل، سرپرست خانوار بودن زنان، سن زنان، مبدأ مهاجرت و استفاده از اینترنت) احتمال مهاجرت‌های تحصیلی شغلی زنان را افزایش می‌دهند.

فرضیه های پژوهش

- احتمال مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل می‌باشد.
- با افزایش سطح تحصیلات، احتمال مهاجرت تحصیلی و شغلی افزایش می‌یابد.
- وضعیت فعالیت زنان رابطه معناداری با مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی دارد؛ به طوری که با افزایش مشارکت اقتصادی زنان، احتمال مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی افزایش می‌یابد.
- مهاجرت‌های شغلی و تحصیلی در مهاجران با مبدأ شهری بیشتر از مهاجران با مبدأ روستایی است.
- استفاده از اینترنت، احتمال مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی را افزایش می‌دهد.

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل ثانویه داده‌های دو درصدی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده، استفاده گردیده است. جامعه آماری شامل همه زنان و دختران جوان ۱۵-۳۴ ساله در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ است. تعداد نمونه زنان مهاجر ۱۵-۳۴ ساله از فایل داده‌های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰، برابر با ۲۲۷۷۲ نفر بوده است. جهت رسیدن به اهداف تحقیق که بررسی

عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر مهاجرت شغلی و تحصیلی زنان بوده، افراد نمونه به سه دسته تقسیم شدند: کسانی که به پیروی از خانوار مهاجرت کرده اند؛ کسانی که به دلایل تحصیلی مهاجرت کرده اند و کسانی که به دلایل شغلی مهاجرت کرده اند. تعداد نمونه در دسته اول ۱۹۹۳۵ نفر، در دسته دوم ۱۷۲۹ نفر و در دسته سوم ۱۱۰۸ نفر بوده است. از دسته اول برای گروه مرجع در تحلیل های آماری استفاده شده است. در این مقاله، انواع مهاجرت در سه مقوله مهاجرت های تحصیلی، شغلی و تبعی به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است. سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت فعالیت، رابطه با سرپرست خانوار، مبدأ شهری و روستایی و استفاده از اینترنت به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیتی افراد مورد بررسی در جدول ۲ آمده است.

۱۲۰

جدول ۲: ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نمونه مورد بررسی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله مهاجر (۱۳۹۰)

درصد	تعداد	ویژگی های جمعیتی	
۱۵/۲	۳۴۶۸	۱۵-۱۹	گروه های سنی
۳۰/۶	۶۹۶۴	۲۰-۲۴	
۳۳/۱	۷۵۲۸	۲۵-۲۹	
۲۱/۱	۴۸۱۲	۳۰-۳۴	
۱۸/۷	۴۲۵۵	تحصیل می کند	وضعیت اشتغال به تحصیل
۸۱/۳	۱۸۵۱۷	تحصیل نمی کند	
۱۳/۷	۳۱۱۳	بی سواد	سطح تحصیلات
۲۰/۸	۴۷۴۲	ابتدایی - راهنمایی	
۳۷/۹	۸۶۳۴	متوسطه و دیپلم	
۲۷/۶	۶۲۸۳	دانشگاهی	
۹۱	۲۰۷۳۲	غیر شاغل	وضعیت شغلی
۹	۲۰۴۰	شاغل	
۲۱/۲	۴۸۲۲	مجرد	وضعیت تاهل
۷۸	۱۷۷۵۸	دارای همسر	
۰/۲	۴۲۰	بیوه	
۷	۱۵۰	مطلقه	

۱/۹	۴۲۷	سرپرست خانوار	رابطه با سرپرست خانوار
۷۲/۴	۱۶۴۹۸	همسر	
۱۹/۴	۴۴۱۵	فرزند	
۶/۳	۱۴۳۲	سایر	
۱۰۰	۲۲۷۷۲	جمع کل	

همان طور که مشخص است از مجموع ۲۲۷۷۲ زن مورد بررسی، بیشترین گروه سنی که مهاجرت کرده اند زنان گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله بوده اند. در مورد سایر ویژگی های جمعیتی یعنی وضعیت در حال تحصیل، بیشتر پاسخگویان (حدود ۸۱ درصد) تحصیل نمی کرده اند و ۱۹ درصد در حال تحصیل بوده اند. در مورد سطح تحصیلات بیشتر پاسخگویان (حدود ۳۸ درصد) دارای سطح تحصیلات متوسطه و دیپلم بوده اند و حدود ۲۸ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته اند. در مورد وضعیت شغلی، ۹۱ درصد غیر شاغل و تنها ۹ درصد از زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله دارای شغل بوده اند. وضعیت تاهل نشان می دهد که بیشتر پاسخگویان (حدود ۷۸ درصد) دارای همسر بوده، ۲۱ درصد مجرد و حدود ۱ درصد بیوه و مطلقه بوده اند. در مورد رابطه با سرپرست خانوار، بیشتر پاسخگویان (حدود ۷۲ درصد) همسر سرپرست خانوار بوده، ۱۹ درصد به عنوان فرزند خانوار و تنها ۲ درصد از زنان سرپرست خانوار بوده اند.

نتایج تحلیل دو متغیره

جدول ۳ به بررسی و آزمون دومتغیری عوامل اثر گذار بر الگوهای مهاجرتی زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله می پردازد. متغیرهای مستقل مورد بررسی شامل سن، وضعیت تاهل، رابطه با سرپرست خانوار، وضعیت تحصیلی، سطح تحصیلات زنان، استفاده از اینترنت، وضعیت شغلی و محل سکونت (شهری یا روستایی) بوده است و متغیر وابسته نوع الگوهای مهاجرتی بوده است که در سه مقوله مهاجرت های تحصیلی، مهاجرت های شغلی و مهاجرت های تبعی مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به جدول ۳، رابطه سن با الگوی مهاجرت های تحصیلی نشان می دهد که بیشترین گروه سنی که به دلایل تحصیلی مهاجرت کرده اند، در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله قرار گرفته اند که حدود ۱۲ درصد است. گروه سنی که بیشتر مهاجرت های تبعی داشته اند گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله بوده است که حدود ۹۰ درصد بوده است. برای سنجش رابطه دو متغیره سن و نوع الگوهای مهاجرتی، به دلیل مقوله ای بودن متغیر وابسته از آزمون کای اسکور استفاده شده است. همان طور که نتایج این آزمون نشان می دهد رابطه معناداری بین سن و نوع الگوهای مهاجرتی وجود دارد.

جدول ۳: آزمون رابطه دو متغیره عوامل مرتبط با انواع مهاجرت زنان جوان در دوره ۹۰-۱۳۸۵

عوامل موثر	مهاجرت های تحصیلی (%)	مهاجرت های شغلی (%)	مهاجرت های تبعی (%)	تعداد نمونه	آزمون کای اسکوتر
سن	۱۵-۱۹	۸/۵	۲/۵	۸۹/۰	$X^2=581/156$ $Sig=0/000$
	۲۰-۲۴	۱۲/۶	۳/۴	۸۴	
	۲۵-۲۹	۶/۱	۵/۸	۸۸/۱	
	۳۰-۳۴	۲/۳	۷/۱	۹۰/۵	
وضعیت تاهل	مجرد	۲۸/۲	۵/۴	۶۶/۴	$X^2=3986/63$ $Sig=0/000$
	بیوه	۷/۱	۲۳/۸	۶۹/۱	
	دارای همسر	۲	۴/۵	۹۳/۵	
	مطلقه	۸/۷	۲۸/۷	۶۲/۷	
رابطه با سرپرست خانوار	سرپرست خانوار	۳۵/۴	۴۱	۲۳/۷	$X^2=5825/19$ $Sig=0/000$
	همسر	۱/۳	۴/۳	۹۴/۴	
	فرزند	۱۷	۳/۲	۷۹/۸	
	سایر	۴۲/۶	۶	۵۱/۴	
وضعیت در حال تحصیل	تحصیل می کند	۲۸/۳	۳/۱	۶۸/۵	$X^2=3208/50$ $Sig=0/000$
	تحصیل نمی کند	۲/۸	۵/۳	۹۱/۹	
سطح تحصیلات	بی سواد	۰/۹	۴/۱	۹۴/۹	$X^2=3388/97$ $Sig=0/000$
	ابتدایی و راهنمایی	۰/۴	۴	۹۵/۶	
	متوسطه و دیپلم	۲/۲	۷/۱	۶۹/۲	
	دانشگاهی	۲۳/۷	۳/۹	۹۳/۹	
استفاده از اینترنت	بلی	۲۳/۶	۶/۷	۶۹/۶	$X^2=2831/57$ $Sig=0/000$
	خیر	۲/۴	۴/۳	۹۳/۴	
وضعیت شغلی	غیر شاغل	۷/۲	۳/۳	۸۹/۵	$X^2=1286/44$ $Sig=0/000$
	شاغل	۱۲/۱	۲۰/۵	۶۷/۵	
منشا شهری و روستایی	روستایی	۴/۳	۳/۸	۹۱/۹	$X^2=123/30$ $Sig=0/000$
	شهری	۸/۵	۵/۲	۸۶/۳	

در مورد وضعیت تاهل نتایج نشان داد ۲۸ درصد از زنانی که مجرد بوده اند، الگوی مهاجرت های تحصیلی و ۵ درصد مهاجرت های شغلی داشته اند و در حدود ۶۶ درصد از این زنان به دلایل تبعی مهاجرت کرده اند. بیشترین گروهی که مهاجرت های تبعی داشته اند، گروه زنان دارای همسر بوده اند. در واقع، ۹۴ درصد از این زنان الگوی مهاجرت های تبعی داشته اند. کسانی که مجرد بوده اند بیشتر به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند. زنان مطلقه به نسبت سایر زنان متاهل، بیوه و مطلقه، در حدود ۲۹ درصد و سپس زنان بیوه در حدود ۲۴ درصد به دلایل شغلی مهاجرت داشته اند. در مورد رابطه سرپرست خانوار نتایج نشان داد که بیشترین کسانی که مهاجرت های تبعی داشته اند، زنان دارای همسر بوده اند (حدود ۹۵ درصد) و کمترین زنانی که مهاجرت های تبعی داشته اند زنان سرپرست خانوار بوده اند (حدود ۲۳ درصد). زنان سرپرست خانوار بیشترین نوع الگوهای مهاجرتی شان، شغلی بوده (حدود ۴۱ درصد) و ۳۵ درصد از این زنان سرپرست خانوار به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند. به طور کلی ۷۶ درصد از زنانی که خود سرپرست خانوار بوده اند، به دلایل شغلی و تحصیلی مهاجرت کرده اند.

۱۳۳

متغیر مورد بررسی دیگر، وضعیت در حال تحصیل زنان بوده است. بر اساس نتایج جدول ۳، حدود ۹۲ درصد از زنانی که تحصیل نمی کردند مهاجرت های تبعی داشته اند و در مقابل، زنانی که تحصیل می کرده اند، ۶۸ درصد مهاجرت های تبعی داشته اند. در حال تحصیل بودن زنان باعث شده است که کمتر مهاجرت های تبعی داشته باشند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت داشته باشند. به علاوه، سطح تحصیلات نیز یکی از مهم ترین عوامل تحرک مکانی و مهاجرت زنان است. بر اساس نتایج، دو گروه تحصیلی (بی سواد و ابتدایی) بیشترین مهاجرت های تبعی را داشته اند و در مقابل، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی کمترین میزان مهاجرت های تبعی را داشته اند. بنابراین با بالاتر رفتن سطح تحصیلات زنان، نقش آنها در قدرت تصمیم گیری خانواده افزایش داشته و باعث شده که کمتر مهاجرت های تبعی داشته باشند و بیشتر مهاجرت های تحصیلی و شغلی داشته باشند. از طرف دیگر، چون زنان دارای سطح تحصیلات دانشگاهی اغلب مجرد هستند، بنابراین مهاجرت تبعی کمتری داشته اند و بر اساس میل و نیاز خود اقدام به مهاجرت کرده اند. اضافه بر این، وضعیت شغلی زنان و رابطه اش با الگوهای مهاجرتی نشان داد زنانی که دارای شغل و منبع درآمد هستند و نوعی استقلال مالی دارند، قدرت بیشتری در خانواده، برای اعمال نظر خود دارند. بنابراین کمتر از زنان غیر شاغل مهاجرت های تبعی داشته اند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت داشته اند. بررسی رابطه استفاده از اینترنت و نوع الگوهای مهاجرتی نشان داد که حدود ۹۳ درصد از کسانی که از اینترنت استفاده نمی کنند، مهاجرت های تبعی داشته اند. در مقابل، ۶۹ درصد از کسانی که از اینترنت استفاده می کنند، مهاجرت های تبعی داشته اند. البته، استفاده از اینترنت، تابعی از تحصیلات زنان بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که زنان با سواد بیشتر از اینترنت استفاده کرده اند و این به نوبه خود در افزایش آگاهی زنان برای ارتقای موقعیت اجتماعی شان موثر بوده است و در نتیجه این زنان کمتر مهاجرت های تبعی داشته اند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت کرده اند. علاوه بر این ها، منشا شهری و روستایی داشتن زنان نیز بر الگوهای مهاجرتی اثرگذار است؛ به طوری که ۹۲ درصد از زنانی که از روستا مهاجرت کرده اند، مهاجرت های تبعی داشته اند و ۸۶ درصد زنانی که از شهر مهاجرت داشته اند، مهاجرت های تبعی کرده اند. در روستاها به دلیل ساختار سنتی و پایین بودن نقش زنان در تصمیم گیری های خانواده، زنان بیشتر به دلیل پیروی از خانواده مهاجرت می کنند. در مقایسه زنان شهری به نسبت بیشتر، درگیر مهاجرت های تحصیلی و شغلی بوده اند.

نتایج تحلیل چندمتغیره

با توجه به اینکه مهاجرت های تحصیلی و شغلی به نوعی بیانگر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت است، این دو مقوله را باهم ترکیب و آن را در مقایسه با مهاجرت های تبعی مورد بررسی قرار دادیم. برای برآورد احتمال مهاجرت های شغلی و تحصیلی براساس عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی از رگرسیون لجستیک استفاده کردیم. متغیر وابسته تحقیق ما دو شقی است. برای احتمال مهاجرت های تحصیلی شغلی زنان کد (۱) و مهاجرت های تبعی زنان کد (۰) استفاده شده است. جدول ۴ نتایج رگرسیون لجستیک را نشان می دهد که از بین ۸ متغیر مستقل وارد شده در مدل (سن، وضعیت تاهل، وضعیت در حال تحصیل، سطح تحصیلات، استفاده از اینترنت، وضعیت شغلی، منشأ شهری و روستایی و رابطه با سرپرست خانوار) تمام متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیونی به جز متغیر منشأ شهری و روستایی، قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته (احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی) هستند. در میان مجموعه متغیرهای معنی دار باقی مانده در معادله، متغیر رابطه با سرپرست خانوار مقوله (سرپرست خانوار)، وضعیت تاهل مقوله (بدون همسر) و سطح تحصیلات دانشگاهی بیشترین توانایی را در پیش بینی وضعیت مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله دارند.

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی تاثیر عوامل مختلف بر احتمال مهاجرت های شغلی تحصیلی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله در دوره ۹۰-۱۳۸۵

Sig.	(EXP(B	B	عوامل موثر	
	۱/۰۰		۱۵-۱۹ (R)	سن
۰/۰۰۰	۱/۱۷۴	۰/۵۵۵	۲۰-۲۴	
۰/۰۰۰	۱/۷۶	۰/۵۶۵	۲۵-۲۹	
۰/۰۰۰	۱/۵۸	۰/۴۶۰	۳۰-۳۴	
	۱/۰۰		دارای همسر (R)	وضعیت تاهل
۰/۰۰۰	۵/۲۱	۱/۶۵	بدون همسر	
	۱/۰۰		همسر (R)	رابطه با سرپرست خانوار
۰/۰۰۰	۱۵/۰۷	۲/۷۱۳	سرپرست خانوار	
۰/۰۰۲	۰/۶۹۸	۰/۳۶۴	فرزند	
۰/۰۰۰	۴/۹۴۰	۰/۵۹۷	سایر	
	۱/۰۰		تحصیل نمی کند (R)	وضعیت در حال تحصیل
۰/۰۰۰	۱/۴۸	۰/۳۹۴	تحصیل می کند	
	۱/۰۰		بی سواد (R)	سطح تحصیلات
۰/۸۵۹	۱/۰۲۵	۰/۰۱۸	ابتدایی و راهنمایی	
۰/۸۵۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	متوسطه و دیپلم	
۰/۰۰۰۰	۳/۰۹	۱/۰۹۹	دانشگاهی	

استفاده از اینترنت	خیر (R)		
	بلی	۰/۵۱۷	۱/۰۰
وضعیت شغلی	غیر شاغل (R)		۱/۰۰
	شاغل	۰/۸۹۸	۲/۴۵
منشا شهری و روستایی	روستایی (R)		۱/۰۰
	شهری	۰/۰۹۵	۱/۱۱
ضریب ثابت Constant		-۰/۴۳۲	۰/۰۰۰
میزان ضریب تعیین		$R^2 = 39\%$	

به طور خلاصه احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان زمانی بیش تر است که:

- ۱) زنان خود سرپرست خانوار باشند.
- ۲) زنان بدون همسر باشند.
- ۳) زنان دارای سطح تحصیلات دانشگاهی باشند.
- ۴) زنان شاغل باشند.

همچنین، با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که نقش متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته در حدود ۴۰ درصد است؛ یعنی ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این ۷ متغیر مستقل باقی مانده در مدل تبیین می شود و حدود ۶۰ درصد باقی مانده توسط متغیرهای خارج از مدل تبیین می شود که به آن واریانس تبیین نشده می گویند. در واقع، این ۷ متغیر مستقل توانسته اند در حدود ۴۰ درصد از مهاجرت های تحصیلی و شغلی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه گیری

امروزه زنان به مهاجرت می پردازند و نزدیک به نیمی از حرکات مهاجرتی را شکل می دهند. تغییرات ساختاری و نگرشی پیرامون موقعیت زنان و مشارکت های اجتماعی آنها، باعث افزایش توقعات، آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی زنان شده است و آنان برای دسترسی به فرصت ها و موقعیت های اجتماعی و اقتصادی بالاتر دست به مهاجرت می زنند. با توجه به افزایش نقش زنان در فرایندهای مهاجرتی در ایران و همچنین وجود خلاءهای تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵ پرداخته است.

نتایج بررسی نشان داد که حدود یک پنجم زنان جوان به دلایل شغلی و تحصیلی دست به مهاجرت و جا به جایی زده اند و وضعیت تاهل (دارای همسر بودن) اثری منفی بر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت داشته است. اشتغال به تحصیل، افزایش سطح تحصیلات و استفاده از اینترنت، اثرات مثبتی بر نقش فعال زنان در فرایندهای مهاجرتی دارد. وضعیت اخیر خود می تواند گویای پیامدهای تغییرات اجتماعی و توسعه بر مهاجرت های زنان باشد. یکی از مهم ترین علل مهاجرت دختران و زنان، کسب علم و تحصیل است؛ زیرا بسیاری از دختران پس از اتمام دوره متوسطه و قبولی در کنکور آن هم در شهرهایی خارج از محل سکونت خود، به مهاجرت به شهر محل تحصیل می پردازند که همین چند سال تجربه اقامتی و وجود فرصت های

شغلی منجر به انگیزه انتخاب شهر محل تحصیل برای ادامه زندگی می شود. بر این اساس، جنسیت عامل کلیدی در درک علل و پیامدهای مهاجرت است (صادقی و ولدوند، ۱۳۹۴: ۷۵). امروزه زنان نه فقط به عنوان تبعیت کنندگان، بلکه به عنوان عوامل و کارگزاران مستقل و حامیان و برنا مه ریزان خانواده مهاجرت می کنند. این تغییر با دگرگونی جایگاه و موقعیت زنان در خانواده و اجتماع در پی فرایند توسعه و جهانی شدن، افزایش میزان آگاهی، مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان قابل تبیین است. بر این اساس، همان طور که نتایج بررسی نشان داد نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت به طور مثبت و به شدت با تحصیلات و مشارکت اقتصادی مرتبط است. تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که وضعیت تاهل (مجرد بودن زنان)، سرپرست خانوار بودن زنان، ضریب نفوذ اینترنت، تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی آنان از مهمترین عوامل اثر گذار بر مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان در سال های اخیر می باشد. این متغیرها حدود ۴۰ درصد واریانس متغیر وابسته یعنی احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی را تبیین می کنند. بر این اساس، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی در دهه ۲۰ سالگی زنان افزایش می یابد. احتمال مهاجرت های اقتصادی برای زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل، برای زنان سرپرست خانوار بیشتر از زنان تبعی، برای زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل و برای زنانی که تحصیل می کنند بیشتر از زنانی است که تحصیل نمی کنند. به علاوه، با افزایش سطح تحصیلات زنان و همچنین نفوذ اینترنت، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی افزایش می یابد. بدین ترتیب، نتایج این بررسی در تبیین نقش های متفاوت زنان در فرایند مهاجرت بر حسب عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی از پیش فرض های تئوریک منابع خانواده، نقش های جنسیتی و استراتژی های خانوار حمایت می کند. در حقیقت، طبق تئوری منابع خانواده، قدرت فرد در تصمیم گیری ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. بر اساس این تئوری، تصمیمات مهاجرت خانوادگی و نقش زنان در این فرایندها بستگی به سطح منابع انسانی نظیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سطح تحصیلات دارد. تئوری نقش های جنسیتی بیان می کند که زنان، صرف نظر از سطح منابع فردی شان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم گیری های مهاجرت خانوادگی دارند. به طور سنتی، نقش های زنان کمتر از نقش های مردان در فرایند مهاجرت می باشد. از این رو، زنان به احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهران شان در حرکات مهاجرتی هستند. بر این اساس، زنان تحت نفوذ ایدئولوژی ها و هنجارهای فرهنگی تعیین کننده نقش های جنسیتی نظیر تصورات قالبی جنسیتی، الگوهای تربیتی و خاستگاه قومی- فرهنگی در رفتار مهاجرتی نقش پیدا می کنند. همچنین، بر اساس رویکرد استراتژی خانوار و مدل پدرسالاری روابط جنسیتی/خانواده می توان گفت که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تاثیرگذار می باشد. به طور خلاصه در تبیین نقش زنان در فرایند مهاجرت می توان گفت که تصمیم گیری ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده ها و نهادها اتخاذ می شود.

پیشنهادها

باتوجه به وضعیت جدید زنان، راهکار های سیاستی در جهت ادغام مناسب آن ها در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور ضروری به نظر می رسد. یک راهکار برای مدیریت این موضوع و جلوگیری از تبدیل شدن آن به معضل جدید، فرهنگ سازی مناسب برای اشتغال سالم بانوان در مناطق کوچک و کمتر توسعه یافته است. بر خلاف باور رایج، زنان همیشه در دوره های مختلف حضور سازنده ای در تامین اقتصاد خانواده داشته اند. نقطه تمایز فعلی، یکی گسترده شدن حجم کمی مهاجرت زنان مجرد به شهرهای بزرگ و دارای جذابیت اشتغال و دیگری تنوع مشاغل متقاضی اشتغال است. موارد یاد شده در کنار اصلاح باورهای فرهنگی،

اولاً از مهاجرت های گسترده زنان و تبعات بعدی آن جلوگیری می کند؛ ثانياً، زمینه توسعه و پیشرفت اقتصادی در مناطق ضعیف و محروم را فراهم می نماید.

به طور کلی، یافته های پژوهش نشان داد که افزایش منزلت و اعتبار اجتماعی زنان، به تاثیرگذاری آنها در تصمیم گیری های مهم خانواده کمک نموده و آنان امروزه جایگاه ویژه ای در فرایند مهاجرت پیدا کرده اند. زنان دیگر فقط به دلیل پیروی از خانواده مهاجرت نمی کنند. از این رو، نمی توان آنان را بنا بر این تصور قالبی که زنان تنها وابستگان و تابعان فرایند مهاجرت هستند، در مطالعات و بررسی های مهاجرتی کنار گذاشت و نادیده گرفت.

منابع

- اسمعیلی، نصیبه. (۱۳۸۸). "بررسی نقش زنان در جریان تصمیم گیری مهاجرت های خانوادگی به شهر همدان". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- جعفری، نرگس. (۱۳۸۸). "بررسی روند تحولات مهاجرت زنان و شناخت عوامل موثر بر آن". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسن پور فرد، علی. (۱۳۸۹). "گرایش به مهاجرت و جنسیت". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صادقی، رسول و ولدوند، لیلا. (۱۳۹۴). "جنسیت و مهاجرت تحلیل تفاوت های جنسیتی در مهاجرت های داخلی در ایران". دوفصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر. دوره ۴، شماره ۷ (پاییز و زمستان).
- مشفق، محمود و خزایی، معصومه. (۱۳۹۴). "تحلیلی بر ویژگی و تعیین کننده های مهاجرت مستقل زنان در ایران". فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۷، شماره ۶۷ (بهار).
- Assar, H. (1993). **"(Family migration in Iran: The role of women and kinship ties 1976-1986)"**. PhD Thesis in Southern Illinois University at Carbondale.
- Boyd, M. and E. Grieco. (2003). **«Women and Migration: Incorporating Gender into International Migration Theory»**. Migration Information Source.
- Chant, S. (1998). **“Households, gender and rural-urban migration: reflections on linkages and considerations for policy”**. Environment and Urbanization. Vol. 10, No. 1, April 1998.
- Chant, S. and S. A. Radcliffe. (1992). **“Migration and Development: the Importance of Gender”**. In S. Chant (Eds. Gender and Migration in Developing Countries. London: Belhaven Press.
- Charalampopoulou, D. (2004). **“Gender and migration in Greece: the position and status of Albanian women migrants in Patras»**. Finisterra”, 39(77): 77-104.
- Donato, K. M., D. Gabaccia, J. Holdaway, M. Manalansan, and P. R. Pessar. (2006). **“A Glass Half Full Gender in Migration Studies”**. International Migration Review. Vol. 40(1): 3-26.
- Eisikovits, R. A. and H. Schechter. (2007). **“Social and Academic Adaptation Styles of Female Students who imigrated a lone from the Former Soviet Union to Israel .”** International Migration Vol. 45 (2): 97-118.
- IOM. (2003). **“(Gender and Migration in Asia: Overview and Annotated Bibliography)”**. Brighton: Institute of Development Studies.
- Parrado, E. A. and C. A. Flippen. (2005). **“Migration and Gender among Mexican Women”**. AMERICAN SOCIOLOGICAL REVIEW. VOL. 70 (August: 606-632)
- Riley, N. E and R. W. Gardner. (1993). **“Migration Decisions: The Role of Gender”**. In Internal Migration of Women in Developing Countries. Pp 195-206, United Nations.
- Riley, N. E. (1999). **“Challenging Demography: Contributions from Feminist Theory”**. Sociological Forum. 14(3): 369-397.
- Velayati, M. (2003). **“Female rural-urban migration of Azari women in Iran: The case study of Tabriz “**. PhD Thesis in University of York.

رابطه استفاده از فیس بوک و پابندی به ارزش های خانوادگی و دینی با کجروی فرهنگی (مورد مطالعه: جوانان شهر تبریز)

صمد عدلی پور^۱

حامد اکبر پور^۲

محمد محکی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه حضور در شبکه اجتماعی فیس بوک به عنوان یکی از ابزارهای جهانی شدن و پابندی به ارزش های خانوادگی و دینی با کجروی فرهنگی در بین جوانان است. این پژوهش به صورت پیمایشی و با استفاده از روش نمونه گیری داوطلبانه و در دسترس و بهره گیری از پرسش نامه اینترنتی با تکیه بر نظریه های کاشت، امپریالیسم فرهنگی و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کاربران جوان فیس بوک شهر تبریز در سال ۱۳۹۴ تشکیل می دهند. حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که میزان کجروی فرهنگی در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین، بین متغیرهای زمینه ای (جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و کجروی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، بین میزان استفاده از فیس بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در آن با کجروی فرهنگی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد، اما بین پابندی به ارزش های دینی و خانوادگی و کجروی فرهنگی رابطه معنادار معکوسی مشاهده می گردد. در مجموع، متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی پژوهش توانسته اند ۳۰ درصد از تغییرات کجروی فرهنگی جوانان را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی فیس بوک، کجروی فرهنگی، ارزش های خانوادگی و ارزش های دینی

۱. مدرس، گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Samadadlipour@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

مقدمه

در طول تاریخ، هر جامعه‌ای برای قاعده‌مندی رفتار اعضای خود، هنجارهایی را تعریف و نهادینه کرده و آنها را به رعایت آن قواعد و هنجارها ملزم ساخته و در برابر تخلف و سرپیچی از آنها نیز واکنش نشان داده و مجازات‌هایی را تعیین کرده است. متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان نیز به منظور کاهش هنجارشکنی افراد جامعه، به بررسی علل و عوامل مؤثر در انحرافات و بروز کجروی‌ها پرداخته‌اند. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان کجروی را به چهار دسته اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود (رسول‌زاده اقدم و عدلی‌پور، ۱۳۹۵: ۹). منظور از کجروی‌های فرهنگی، رفتارهایی هستند که با هنجارهای فرهنگی سنتی و رسمی غالب در کشور ما مغایر هستند، در حالی که ممکن است همین رفتارها طبق قواعد و هنجارهای سایر کشورها، جوامع و حتی در مواردی هنجارها و ارزش‌های خرده‌فرهنگ‌های داخلی همچون خرده‌فرهنگ‌های قومی نیز کج‌رفتاری به حساب نیایند (سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۹: ۴۶).

یکی از عوامل مؤثر بر تخطی افراد از هنجارها و ارزش‌های سنتی و کجروی فرهنگی در جامعه ایران رشد و توسعه رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد (دعاگویان و حبیب‌زاده ملکی، ۱۳۹۲؛ سپهری، ۱۳۹۳ و رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۴). بی‌تردید امروزه رسانه‌های نوین نقش بی‌بدیلی در اثرگذاری بر افکار، ادراکات، نگرش‌ها و نیز رفتارهای افراد جوامع دارند. رسانه‌های همگانی به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم اجتماعی کردن مطرح هستند. در این میان، قشر نوجوان و جوان بیشتر تحت تأثیر رسانه‌ها می‌باشند و پیام‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای می‌توانند در شکل‌دهی الگوهای رفتاری مطلوب و یا نامطلوب در نزد این دسته از جمعیت جوان کشور نقش به‌سزایی داشته باشند. از قرائن و شواهد چنین برمی‌آید که بر اثر نفوذ و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین افزایش ضریب نفوذ اینترنت در جامعه، بخش قابل توجهی از قشر نوجوان و جوان جامعه تحت تأثیر هجمه‌های تبلیغاتی و برنامه‌های این رسانه‌ها قرار گرفته‌اند. این هجمه‌ها بر حاکمیت فرهنگ دینی و مذهبی در میان خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، نسل‌های جدید به سنت‌های گذشته وفادار نمی‌مانند و نسبت به باورها و رسوم که مقدس و سنتی شمرده می‌شوند، بی‌توجه می‌گردند. بنابراین، تغییرات هنجارها و ایدئولوژی‌ها به آسانی انجام می‌پذیرد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). از دیگر عوامل مؤثر بر کجروی‌های فرهنگی در سنین نوجوانی و جوانی می‌توان بر پایبندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی اشاره نمود. پایبندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی، رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی است و بهره‌مندی از آن می‌تواند نقش مهمی در بازدارندگی رفتارهای پرخطر و کجروی‌های فرهنگی در بین جوانان داشته باشد، زیرا دوره جوانی، یک دوره گذار همراه با بحران‌های مختلف است (رسول‌زاده اقدم و عدلی‌پور، ۱۳۹۵).

در مجموع، افزایش کجروی‌های فرهنگی^۱ در میان جوانان، دال بر گسترش و شکل‌گیری رفتارهای غیرمقبول، ناهمخوانی با هنجارهای رسمی و مورد پذیرش عموم و در پی آن، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی است (شمس و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳) که ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به کجروی فرهنگی جوانان را در جامعه می‌طلبد. پژوهش حاضر که در شهر تبریز اجرا می‌گردد، کجروی فرهنگی را در بین جوانان مورد بررسی قرار می‌دهد و درصدد است تا تأثیر حضور در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و پایبندی بر ارزش‌های خانوادگی و دینی بر آن را بررسی نماید. بنابراین، پرسش اصلی مورد مطالعه نوشتار حاضر این است که چه رابطه‌ای بین حضور جوانان در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به عنوان یکی از ابزارهای جهانی شدن و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی با کجروی فرهنگی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

سراج‌زاده و بابایی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان "جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی"، با بررسی نمونه ۳۷۶ نفری از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی تهران نشان دادند که بین پذیرش فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی، رابطه‌ای به نسبت قوی وجود دارد، اما بین قرار گرفتن در معرض فرایند جهانی‌شدن با پذیرش فرهنگ جهانی رابطه‌ای به نسبت ضعیف و بین قرار گرفتن در معرض فرایند جهانی‌شدن و کجروی فرهنگی رابطه‌ای متوسط وجود دارد.

رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره" نشان دادند که مهم‌ترین سبک کنش اجتماعی موثر در رعایت حجاب، کنش ارزش دینی و سبک موثر در رد آن، کنش ارزشی سکولار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مصرف ماهواره و اینترنت در سبک کنش ارزشی (دینی و سکولار) موثرند؛ به طوری که با افزایش ساعات مصرف با هدف تفریح و سرگرمی، کنش دینی نسبت به حجاب، کاهش و کنش ارزشی سکولار نسبت به آن افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن است که استفاده از ماهواره و اینترنت با کجروی فرهنگی رابطه مثبت و معناداری دارد، این در حالی است که رابطه متغیرهای پیوند با خانواده و مذهب با کجروی فرهنگی منفی و معنادار می‌باشد. نتایج ضرایب استاندارد در معادلات ساختاری نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای استفاده از ماهواره ۰/۴۳، استفاده از اینترنت ۰/۲۶، پیوند با خانواده ۰/۲۶- و پیوند با مذهب ۰/۲۳- بیشترین تاثیر را بر متغیر کجروی فرهنگی دارند.

شمس و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر" انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیر جنس با گرایش به کجروی فرهنگی رابطه‌ای وجود ندارد، اما بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان دینداری، میزان کجرو بودن دوستان، واکنش والدین و متغیر دلالت‌های مقاومتی با گرایش به کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد.

یافته‌های پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن است که بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی با گرایش به حجاب رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی گرایش به حجاب در بین دختران و زنان افزایش پیدا می‌کند، اما بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی با گرایش به حجاب همبستگی معکوسی وجود دارد.

کنعانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف" نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت در نگرش مثبت به دوستی اینترنتی با جنس مخالف تأثیرگذار است و مطابق با دیدگاه گیدنز می‌توان گفت که افزایش کنش متقابل الکترونیکی، ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی در مورد رابطه بین دو جنس را تغییر داده است.

نایی و لطفی‌خاچکی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور" نشان دادند که در اغلب استان‌ها هر اندازه میزان تعلق و وابستگی افراد به خانواده و بستگان‌شان بیشتر و گسستگی و بی‌ثباتی خانواده کمتر باشد، میزان آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در آن استان‌ها کمتر خواهد بود.

یافته‌های پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان "سنجش جامعه‌شناختی نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهر شیراز)" حاکی از آن است که با افزایش پابندی‌های مذهبی و ارتباط صمیمی با اعضای خانواده، از میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان کاسته می‌شود.

پیلکینگتون^۱ و همکاران (۲۰۰۲) تحقیقی را برای بررسی گرایش جوانان به رسانه در روسیه و تاثیر فرهنگ غرب بر آن انجام دادند. نمونه‌ای ۲۷۰ نفره از جوانان شهری روسیه به روش کیفی و با مصاحبه قوم‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفتند و ۹۸۲ جوان نیز با یک بررسی کمی درباره باورهای عمومی روسیه و غرب، اوقات فراغت و مدت زمان استفاده از رسانه‌ها بررسی شدند. نتیجه‌گیری نهایی این بود که جوانان روسیه به لحاظ هویتی دچار سردرگمی و بحران هستند. آنان تحت تاثیر فرهنگ غرب و رسانه‌ها خصوصیات جوانان سایر فرهنگ‌ها را مورد پذیرش قرار داده‌اند. آنان طوری وانمود می‌کنند که در حال آمریکایی شدن هستند، در عین حال به فرهنگ باستانی و گذشته خود نیز متکی‌اند.

مهتا^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تاثیر شگرف رسانه‌های نوین بر روی زنان مسلمان دهلی را در طول سه دهه موثر دانسته است. هر چند مصرف رسانه‌های تصویری اوایل به صورت تابو و ممنوع بوده است، اما امروزه مصرف‌کنندگان محصولات رسانه‌ای به نظر می‌رسد که به صورت چشمگیری تحت تاثیر کالایی شدن فرهنگ رسانه‌ای قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش نیز حاکی از این امر است که زنان مسلمان مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده و سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش تیلر^۳ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی در ترکیب با نفوذ قدرت‌های غربی، حرکتی را به سوی همگن‌سازی جهان آغاز کرده‌اند که این حرکت سبب ایجاد تضاد و ستیز در جهان و حرکت برخی ملت‌ها به سوی شکست و تضعیف هویت ملی و سنت‌هایشان شده است. همچنین وی معتقد است که به واسطه این شبکه‌های اجتماعی مجازی افراد قابل توجهی در سراسر دنیا در تعامل با یکدیگر قرار گرفته‌اند و با فرهنگ و عقاید بیگانه رو به رو شده‌اند و در خصوص از دست دادن هویت‌های ملی و دینی‌شان احساس خطر کرده‌اند.

یافته‌های چوی و چان^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش‌شان با عنوان "مجرم نوجوان"، حاکی از آن است که پیوندهای ضعیف با والدین و نگرش منفی به نظام حقوقی می‌تواند تمایل به ارتکاب سرقت و بزهکاری را افزایش دهد. بنابراین، پیوندهای مناسب والدین با فرزندان و برخورداری از درکی روشن نسبت به نظام حقوقی می‌تواند به عنوان عوامل پیشگیری‌کننده از جرم و بزهکاری عمل کنند.

در یک جمع‌بندی کلی از تحقیقات صورت گرفته می‌توان گفت که با توجه به افزایش کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران، در هیچ پژوهشی به مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی در کجروی‌های فرهنگی پرداخته نشده است، این در حالی است که طبق یافته‌های این پژوهش‌ها، رسانه‌های خارجی از مهمترین عوامل موثر در کجروی‌های فرهنگی هستند. لذا، در پژوهش حاضر به مطالعه این امر پرداخته می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

در بین جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، کجروی‌های اجتماعی مباحث نظری گسترده و مفصلی درباره بزهکاری و کجروی جوانان وجود دارد. با توجه به این که تأکید این مقاله بر کجروی‌های فرهنگی است، نظریه‌های یادگیری یا تفاوت ارتباطات ساترلند، تضاد فرهنگی و واکنش اجتماعی یا برچسب زدن که مناسب و دلالت‌های بیشتری برای کجروی‌های فرهنگی دارند مورد بحث قرار می‌گیرند.

نظریه یادگیری

بر اساس این نظریه، جرم و کجروی رفتاری است که افراد آن را می‌آموزند. ساترلند که مهمترین فرد شاخص

1. Pilkington
2. Mehta
3. Tyler
4. Chui & Chan

در بین صاحب نظران نظریه یادگیری است، بر این باور است که کجروان، کجروی را بیشتر از دیگران و در درون گروه‌های اولیه فرا می‌گیرند. افراد، بر اساس تفاوت ارتباط خود با مجرمان یا کجروان و یا غیرمجرمان یا همنوایان الگوهای رفتار کجروانه را یاد می‌گیرند. بنابراین، اگر کسی بیشتر در معرض تعاریف اجتماعی و پیام‌های مثبت درباره کجروی قرار گیرد، کجرو می‌شود. ساترلند ادامه می‌دهد که تفاوت ارتباطات ممکن است ناشی از فراوانی، دوام، تقدم و شدت باشد. فراوانی و دوام به میزان ارتباط با رفتار کجرو مربوط می‌شوند. منظور از تقدم، سن برقراری ارتباط با کجروی است؛ یعنی احتمال کجرو شدن افرادی که از سنین پایین در معرض الگوهای رفتار کجرو قرار می‌گیرند بیشتر از دیگران است و سرانجام، منظور از شدت، اعتبار منبع (افراد) صادرکننده الگوی کجرو یا همنو از نظر فرد و میزان پیوند عاطفی او با آنها می‌باشد. اگر میزان و نوع ارتباط فردی با الگوهای کجرو از نظر فراوانی، دوام، تقدم و شدت بیش از الگوهای رفتار عادی باشد، وی به احتمال زیاد کجرو خواهد شد و برعکس (شمس و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۸). انتظار می‌رود که افرادی که دوستان کجروتری دارند، گرایش به کجروی بیشتری از خود نشان دهند.

تضاد فرهنگی

این نظریه بر تفاوت نظام هنجاری گروه‌های مهاجر، اقلیت‌های قومی، و طبقات فرودست با نظام هنجاری مسلط تأکید دارد. بر اساس این نظریه وقتی که تعدادی پاره فرهنگ (نژادی، مذهبی، ملی، منطقه‌ای و طبقاتی) در یک جامعه وجود دارد، توافق ارزشی^۱ در آن جامعه ضعیف می‌شود. وجود هنجارهای متعارض که به پاره فرهنگ‌های مختلف تعلق دارند باعث می‌شود نوعی بی‌هنجاری نابسامان^۲ به وجود آید. گروه‌های مسلط قوانین و مقررات را بر اساس نظام هنجاری خود تدوین می‌کنند و انتظار دارند تا افراد متعلق به سایر پاره فرهنگ‌ها آنها را رعایت نمایند. کسانی که بر اساس یک پاره فرهنگ متفاوت رفتار خود را تنظیم می‌کنند از نظر گروه‌های مسلط مجرم و کجرو معرفی می‌شوند، در حالی که آنها فقط به دلیل این که بر اساس هنجارهای فرهنگی خود زندگی می‌کنند، در موضع معارضه با فرهنگ و نظام اخلاقی غالب قرار می‌گیرند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۶).

نظریه کنترل اجتماعی

فرضیه اصلی نظریه‌های کنترل اجتماعی، ارضا نشدن بودن ماهیت انسان است و این که افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می‌کنند (رکلس، ۱۹۷۳: ۵۶). موضوع اصلی این نظریه این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می‌شود؟ به عبارت دیگر، به جای این که بپرسیم چرا کج رفتاری واقع شده، باید سوال کنیم چرا همه مردم هنجارشکنی نمی‌کنند؟ پاسخ هیرشی^۳ (۱۹۶۹) این است که همه افراد، کج رفتاری نمی‌کنند، چون جرات آن را ندارند. هیرشی بر این باور است که کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد. وی معتقد است که چهار عنصر اصلی موجب تحکیم پیوند فرد و جامعه می‌شوند: پیوستگی، تعهد، مشغولیت و اعتقاد (رسول‌زاده اقدم و عدلی‌پور، ۱۳۹۵: ۴۷).

پیوستگی به صورت پیوند احساسی افراد با دیگران مهم مثل خانواده، دوستان و بستگان نزدیک تعریف می‌شود. نبود پیوستگی با خانواده، همالان و غیره با کجروی افراد و خطر ابتلا به بیماری‌های روانی در درازمدت رابطه معنی‌دار دارد (ریندور و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰۳۷). تعهد، به آرزوها و افراد و انجام رفتارهایی برای رسیدن به دانشگاه و تحصیلات بالا، شغل با اعتبار و دارای درآمد بالا و داشتن احترام در جامعه اشاره

1. Value consensus

2. Anomic normlessness

3. Hirschi

دارد (ینسن، ۲۰۰۳: ۲۰). مشغولیت، به درجه‌ای از به‌کارگیری افراد در فعالیت‌های مرسوم جامعه برمی‌گردد (چو و چن، ۲۰۱۰: ۲۳۳). باور یا اعتقاد، به قبول هنجارهای جامعه توسط فرد برمی‌گردد. هر چه باور قوی‌تر باشد و پذیرش و اجرای هنجارها و ارزش‌ها بیشتر صورت گیرد، کجروی کمتر می‌شود (بوث و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۲۶).

نظریه‌های ناظر بر تأثیر رسانه‌ها روی مخاطبان نظریه کاشت

نظریه کاشت بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. در واقع، این نظریه با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورد استفاده از رسانه‌ها، میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (عباسی‌قادی و خلیلی‌کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۱). در مجموع، داعیه نظریه کاشت این است که استفاده از رسانه با متغیرهای دیگر در تعامل قرار می‌گیرد؛ به شیوه‌ای که مواجهه با رسانه‌ای خاص بر برخی از افراد و گروه‌ها اثر قوی خواهد داشت و بر برخی از گروه‌ها تأثیری نخواهد گذاشت. گرنبر معتقد است زمانی که شخص متغیرهای دیگر (میزان، نوع، مدت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی) را همزمان کنترل کند، اثر باقی‌مانده که قابل انتساب به رسانه‌ای خاص باشد، به نسبت کم است (عدلی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

نظریه استفاده و رضایت‌مندی

پرسش اساسی نظریه استفاده و رضایت‌مندی این است که چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای چه منظوری به کار می‌گیرند؟ پاسخی که به اجمال داده می‌شود این است که مردم برای کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و شکل‌گیری هویت شخصی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند (مک‌کوایل، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در واقع، این نظریه علت اصلی استفاده مردم از رسانه‌ای خاص را با دلایل کارکردی توضیح می‌دهد و برای مخاطبان نیازهایی را متصور می‌شود که افراد برای رفع آن به سمت رسانه‌ها روی می‌آورند. حال چنانچه رسانه مورد نظر بتواند نیاز فرد را به خوبی رفع کند و بین محتوای رسانه و نیاز فرد همخوانی وجود داشته باشد، فرد ارضا و خشنود می‌شود و در غیر این صورت نیاز وی ارضا نشده باقی می‌ماند و وی از رسانه‌های مورد نظر رویگردان می‌شود (هرمز، ۱۳۸۰: ۱۴۸). فرض اصلی این نظریه این است که افراد مخاطب، کم و بیش به صورت فعال، به دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را برای آنان فراهم سازد. میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد (ویندال و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

نظریه امپریالیسم فرهنگی^۱

این نظریه، واکنشی به نظریاتی بود که در دهه‌های پنجاه و شصت توسط افرادی چون لرنر^۲ و شرآم^۳ و دیگران در زمینه نقش رسانه‌ها در توسعه ملی ارائه شده بود. ایده امپریالیسم فرهنگی را می‌توان در نوشته متفکرینی چون شیلر^۴، ولز^۵ و دیگران جستجو کرد. نظریه‌پردازان توسعه در جهان سوم پس از جنگ جهانی

1. Cultural imperialism theory

2. Lerner

3. Sheram

4. Schiller

5. Wells

دوم استدلال می‌کردند که رسانه‌های همگانی قادرند با ارائه ارزش‌های غربی، ارزش‌های سنتی و فرهنگ‌های بومی را تضعیف کنند و بدین وسیله به برنامه‌نوسازی در این کشورها کمک نمایند، در حالی که شیلر و همفکران او معتقد بودند که ارزش‌های ارائه شده در نظریات توسعه همان ارزش‌های جوامع سرمایه‌داری و محافل امپریالیستی است که براساس برنامه و به طور آگاهانه و سیستماتیک در این نظریات گنجانده شده و هدف نهایی آنها وابسته کردن کشورهای جهان سوم به منافع قدرت‌های مسلط سرمایه‌داری و در نهایت، دنباله‌رو کردن کشورهای جهان سوم است.

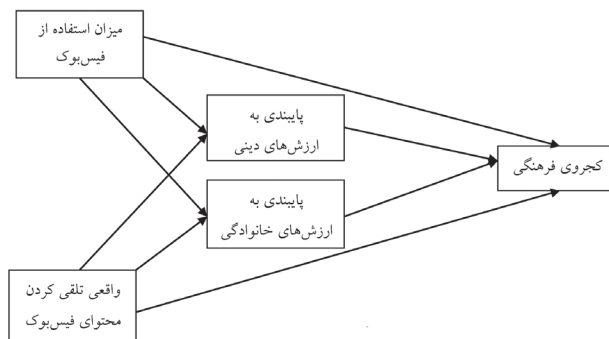
در واقع، نظریه امپریالیسم فرهنگی بیان می‌کند که کشورهای پیشرفته باورها، ارزش‌ها، دانش، هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی مخصوص خود را به سایر کشورها تحمیل می‌کنند. امپریالیسم فرهنگی به صورت تحمیل فرهنگی کشورهای قدرتمند بر کشورهای ضعیف هم تعریف می‌گردد. این تحمیل به صورت هدفمند و عمدی انجام می‌شود، به این دلیل که این تحمیل فرهنگی با علائق و منافع سیاسی ایالات متحده و سایر کشورهای سرمایه‌دار قدرتمند در ارتباط می‌باشد (سالون، ۱۹۹۱: ۱۰). بنابراین امپریالیسم فرهنگی را می‌توان به عنوان جزئی جدانشدنی از روندهای شناخته‌شده در راستای جهانی‌شدن در نظر گرفت. به واسطه امپریالیسم فرهنگی ارزش‌های فرهنگ‌های محلی از سوی ارزش‌های فرهنگی مسلط غربی (که با ارزش‌های بنگاه‌های چندملیتی پیوند دارند) تهدید می‌شوند و در نهایت جایگزین می‌گردند (وایت، ۱۹۸۳: ۲۰).

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر به مطالعه رابطه حضور در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی با کجروی فرهنگی کاربران می‌پردازد و به دلیل اعتقاد به وجود روابط پیچیده میان پدیده‌های اجتماعی و انسانی، رویکرد نظری واحدی انتخاب نخواهد شد، بلکه از نظریه‌های نظریه کاشت، امپریالیسم فرهنگی و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی استفاده می‌شود.

بر اساس نظریه کاشت می‌توان استنباط کرد که میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه‌شده از سوی کاربران در این شبکه اجتماعی بر کجروی فرهنگی کاربران موثر است. می‌توان گفت هر چه میزان استفاده از فیس‌بوک افزایش یابد و کاربر محتوای مطالب ارائه شده در آن را واقعی تلقی کند، احتمال تأثیرپذیری کاربر بیشتر است. بر عکس، هر چه میزان استفاده از فیس‌بوک کمتر شود و کاربر محتوای مطالب ارائه شده در آن را کمتر واقعی تلقی کند، احتمال تأثیرپذیری کاربر کمتر است. همچنین، با توجه به نظریه امپریالیسم فرهنگی، کشورهای غربی به علت تسلط بر فناوری ارتباطی و اطلاعاتی مثل شبکه اجتماعی فیس‌بوک، ارزش‌ها و هنجارهای غربی را بر کشورهای دیگر تحمیل می‌کنند و باعث تضعیف ارزش‌های سنتی و بومی آنها می‌شوند. پس می‌توان از این نظریه استنباط کرد که استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک باعث کاهش ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی و دینی در کشور ایران گردد. علاوه بر این، با استفاده از نظریه هیرشی می‌توان گفت که هر چه پیوند افراد با خانواده و نهادهای اجتماعی مثل دین بالا باشد فرد دچار کجروی کمتری می‌شود و از هنجارها و ارزش‌های جامعه تخطی نمی‌کند. می‌توان از این نظریه استنباط کرد که هر چه پیوند با خانواده و دین در افراد بالا باشد، افراد کمتر دچار کجروی فرهنگی می‌شوند.

شکل ۱: مدل نظری تحقیق



فرضیه‌های پژوهش فرضیه‌های اصلی

- بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد.
- بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد.
- بین پایبندی به ارزش‌های خانوادگی و کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد.
- بین پایبندی به ارزش‌های دینی و کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) و میزان کجروی فرهنگی تفاوت وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه وجود دارد.
- بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.
- بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

از آنجایی که فضای مجازی دارای مکان خاصی در دنیای واقعی نیست- فضایی است بین رایانه ای و مجازی- و با لحاظ کردن این نکته که دسترسی به کاربران متنوع و متفاوت شبکه اجتماعی فیس‌بوک عملاً در دنیای واقعی به علت پراکندگی جغرافیایی آنان امکان پذیر نمی باشد، و اصولاً مطالعه یک کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک در فضای کاربری و در محیط مورد مطالعه، مناسب تر و پربازده تر است، در این پیمایش از تکنیک پرسشنامه اینترنتی استفاده شده است. جمعیت آماری این پیمایش نیز شامل جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک شهر تبریز در سال ۱۳۹۴ است. در پیمایش فوق به علت موجود و در دسترس نبودن هیچ گونه چارچوب نمونه گیری مشخص و پراکندگی جمعیت آماری مورد نظر، از نمونه گیری غیراحتمالی با استفاده از نمونه‌های در دسترس و داوطلبانه استفاده شده است. در واقع، پرسشنامه این پژوهش در ابتدا برای نزدیک به دوهزار نفر از جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک شهر تبریز فرستاده شد و در مرحله

بعد، از پرسشنامه های بازگشته و تکمیل شده توسط کاربران، با توجه به تعریف جمعیت آماری پژوهش و پس از حذف پرسشنامه های ناقص، در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه مورد ارزیابی و بهره‌برداری نهایی قرار گرفت. لازم به توضیح است که این حجم نمونه با توجه به عدم اطلاع درست از تعداد واقعی جمعیت آماری مورد مطالعه و متعاقب آن عدم امکان استفاده از فرمول های رایج تعیین حجم نمونه، به‌طور تجربی و با عنایت به حجم نمونه در پژوهش های مشابه انتخاب شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم

متغیرهای مستقل

شبکه‌های اجتماعی مجازی

خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص شده و معین، پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعات‌شان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباط‌شان با دیگران را حفظ کنند و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (بوید و الیسون، ۲۰۰۷: ۲۱۲). در پژوهش حاضر، شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق، با چهار بعد زیر سنجیده شده است:

میزان استفاده از فیس‌بوک

عبارت است از: مدت زمانی از شبانه روز که فرد از فیس‌بوک استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر، میزان دسترسی کاربران به فیس‌بوک در شش طبقه دسته‌بندی شده است: (۱) کمتر از پانزده دقیقه؛ (۲) بین پانزده دقیقه تا نیم ساعت؛ (۳) بیشتر از نیم ساعت تا کمتر از یک ساعت؛ (۴) از یک ساعت تا کمتر از دو ساعت؛ (۵) از دو ساعت تا کمتر از سه ساعت؛ (۶) از سه ساعت تا بیشتر.

واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از دید کاربران

به میزان شناخت و اعتقاد کاربران نسبت به صحت محتوای مطالب مورد استفاده در شبکه اجتماعی فیس‌بوک اطلاع می‌شود. در پژوهش حاضر، برای سنجش واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک از معرف‌های زیر استفاده می‌شود:

اعتقاد کاربران نسبت به صحت و درستی اخبار و اطلاعات فیس‌بوک؛

میزان اعتماد و خوش‌بینی کاربران نسبت به محتوای مطالب فیس‌بوک در مقایسه با رسانه‌های داخلی؛

اعتبار و مقبولیت پیام‌رسانان فیس‌بوک از دید کاربران.

پیوستگی یا پابندی به ارزش‌ها

یکی از عناصر چهارگانه نظریه پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشد و به صورت وابستگی و پیوند احساسی فرد با ارزش‌های جمعی تعریف می‌شود. هر چه پیوستگی فرد بیشتر باشد، احتمال ارتکاب اعمال منحرفانه او نیز کمتر می‌شود (ینسن، ۲۰۰۳: ۶). این متغیر با استفاده از گویه‌هایی در دو بعد پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. گویه‌های این متغیر در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: ابعاد و گویه‌های متغیر پابندی به ارزش‌ها

متغیر	بعد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
پابندی به ارزش‌ها	پابندی به ارزش‌های خانوادگی	تفريح دسته جمعی با اعضای خانواده را دوست دارم. افکار و عقاید پدر و مادر را قبول دارم. اطاعت از حرف پدر و مادر برایم مهم است. با اعضای خانواده در بیشتر موارد مشورت می‌کنم. از گفتگو با اعضای خانواده لذت می‌برم. جلب رضایت پدر و مادر در مورد ازدواج برایم مهم است.	۰/۸۷
	پابندی به ارزش‌های دینی	دینداری دست و پای انسان را می‌بندد و مانع پیشرفت انسان می‌شود. آدم‌های دیندار کمتر دچار مفاسد و انحراف‌های اخلاقی می‌شوند. عقاید مذهبی افراد امری شخصی و مربوط به خودشان است. دینداری به قلب پاک است و لو این‌که آدم اعمال مذهبی (روزه و نماز) را انجام ندهد. دست دادن دختر و پسر نامحرم هنگام سلام و خداحافظی اشکالی ندارد. دوستی نزدیک و رفت و آمد دخترها و پسرها با هم اشکالی ندارد. داشتن روابط عاشقانه با جنس مخالف در صورتی که قصد ازدواج در بین نباشد، شرعاً حرام است.	۰/۷۳

متغیرهای زمینه‌ای

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

جایگاه سلسله مراتبی افراد با توجه به قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی آنهاست که از طریق معرف‌های میزان درآمد ماهیانه، منزل مسکونی، اتومبیل، منزلت شغلی و سطح تحصیلی به متغیری سه طبقه تبدیل شده است که عبارت اند از: بالا، متوسط و پایین.

تحصیلات

به تعداد سال‌های تحصیلی که فرد گذرانده است، اطلاق می‌شود و در پژوهش حاضر به پنج طبقه زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و بالاتر تقسیم شده است.

متغیر وابسته

کجروی فرهنگی

منظور از کجروی‌های فرهنگی، رفتارهایی است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی اسلامی و هنجارهای رسمی غالب ناپسند و گاه جرم به حساب می‌آیند. این متغیر داری دو بعد ذهنی و عینی می‌باشد؛ به این معنی که افراد دارای نگرش مثبت به این نوع رفتارها کجرو ذهنی و افرادی که عملاً مرتکب چنین رفتاری شده‌اند، کجرو عینی به حساب می‌آیند (سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۹: ۵۲). مقدار آلفای کرونباخ بعد ذهنی برابر با ۰/۸۲ و بعد عینی برابر با ۰/۹۵ محاسبه شده است. ابعاد و گویه‌های این متغیر در جدول ۲ آورده شده است.

همچنین، پیش از پرداختن به یافته‌های پژوهش لازم است تا عوامل درونی طیف کجروی فرهنگی مطالعه شوند. به این جهت از تکنیک آماری تحلیل عامل استفاده شده است. بر اساس تحلیل عاملی که پیرامون مؤلفه‌های تشکیل دهنده کجروی فرهنگی انجام گرفته (جدول ۲)، دو عامل اساسی وجود دارد و هر عامل متشکل از گویه‌هایی است که معنای مشترکی دارند. بعد اول که متشکل از هشت گویه است، نشان‌دهنده بعد ذهنی کجروی فرهنگی است. ضریب عاملی که در مقابل هر یک از گویه‌ها نوشته شده نشان‌دهنده اهمیت

هر یک از گویه‌ها است. بر این اساس، گویه "به‌نظرم اشکالی ندارد که افراد در پارتی‌های مختلط شرکت کنند"، با بالاترین بار عاملی بیشترین سهم را در تشکیل بعد ذهنی کجروی فرهنگی داشته است. دومین عامل تشکیل‌دهنده کجروی فرهنگی، بعد عینی است. این بعد نیز از هشت گویه تشکیل شده است. ضریب عاملی گویه "در پارتی‌های مختلط غیرخانوادگی شرکت می‌کنم" برابر با ۰/۷۶ است که نشان‌دهنده اهمیت بالای آن در این بعد است.

به طور کلی می‌توان گفت که با توجه به آماره KMO در تمام ابعاد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است. نتیجه آزمون بارلت نیز برای عوامل به کار رفته برای سنجش متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنادار است. در واقع، با در نظر گرفتن میزان خطای قابل قبول در سطح یک درصد، معناداری محاسبه شده برای این ضریب، معادل ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد تمامی گویه‌های به کار رفته برای سنجش ابعاد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را داشته‌اند.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی متغیر کجروی فرهنگی

گویه‌های کجروی فرهنگی	بار عاملی	واریانس تبیین شده	ابعاد کجروی فرهنگی	KMO
ایراد نداشتن دادن هدیه به دوست پسر یا دختر در روز ولنتاین	۰/۶۱	۳۵/۵۹ ۰/۷۵ ۰/۶۲ ۰/۶۳ ۰/۶۴ ۰/۶۰ ۰/۶۵ ۰/۶۷	ذهنی	K.M.O=۰/۸۳ Sig= ۰/۰۰۰
اشکال نداشتن شرکت فرد در پارتی‌های مختلط				
مهم نبودن پوشاندن موی سر در مهمانی‌ها و جشن‌های دوستانه و خانوادگی				
خلاف موازین اسلامی بودن نگهداری از حیوانات (گربه، سگ و...) در منزل				
خلاف موازین اسلامی بودن رابطه دختر و پسر و عدم رواج آن در جامعه ما				
عدم برخورد با آرایش و حجاب نامناسب زنان در اماکن عمومی به عنوان جرم				
خلاف موازین شرعی بودن استفاده از مصرف مشروبات الکلی				
عدم استفاده از مدل‌های غربی لباس و طراحی مدل‌های مناسب ایرانی				

K.M.O = ۰/۸۳ Sig= ۰/۰۰۰	عینی	۲۹/۰۱ ۰/۶۵ ۰/۶۱ ۰/۶۸ ۰/۶۰ ۰/۷۶ ۰/۶۲ ۰/۶۳	سر زدن به سایت‌های غیراخلاقی در اینترنت	۰/۷۰
			گوش دادن به موسیقی‌های غیرمجاز	
			کمک گرفتن از رسانه‌های خارجی در انتخاب مدل لباس	
			داشتن دوستی و رابطه نزدیک با جنس مخالف	
			پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان	
			شرکت در پارتی‌های مختلط غیرخانوادگی	
			استفاده از سایت‌های غیرمجاز که خلاف قوانین کشور هستند	
			گرفتن تذکر یا اخطار از ماموران انتظامی یا مسئولین دانشگاه بخاطر پوشش	

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش قابل ارائه است. بخش توصیفی که به معرفی سیمای پاسخ‌گویان می‌پردازد و بخش استنباطی که به آزمون فرضیه‌های تحقیق اختصاص دارد. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که ۶۷/۵ درصد پاسخگویان، مرد و ۳۲/۵ درصد نیز زن می‌باشند. همچنین، ۷۲/۵ درصد از افراد حاضر در پژوهش، مجرد و ۲۷/۵ درصد آنها متاهل هستند. میزان تحصیلات پاسخ‌گویان با ۴۲/۵ درصد، در سطح کارشناسی‌ارشد و ۴۰ درصد در سطح کارشناسی، نشانگر برخوردار بودن از تحصیلات دانشگاهی پاسخ‌گویان تحقیق حاضر دارد. ۱۷/۵ درصد نیز از تحصیلات در سطح کاردانی برخوردار هستند. علاوه بر این، پاسخ‌گویان در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند و میانگین سنی این افراد حدود ۲۶/۵ می‌باشد. از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی هم ۲۵ درصد افراد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، ۳۵ درصد متوسط و ۴۰ درصد نیز از پایگاه پایینی برخوردار هستند. همچنین، ۳۰ درصد پاسخگویان شاغل و ۷۰ درصد نیز بیکار هستند.

سایر یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از نظر میزان استفاده از فیس‌بوک، ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان کمتر از نیم‌ساعت در روز، ۱۷/۵ درصد از آنها بین نیم‌ساعت تا کمتر از یک ساعت در روز، ۲۵ درصد بین یک ساعت تا کمتر از دو ساعت در روز، ۲۵ درصد بین دو ساعت تا کمتر از سه ساعت در روز، ۱۰ درصد بین سه ساعت تا کمتر از چهار ساعت در روز و ۲/۵ درصد از پاسخگویان نیز بین چهار ساعت تا بیشتر از چهار ساعت در طول روز از فیس‌بوک استفاده می‌کنند.

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک با ۲/۸۰ در سطح متوسطی مقرر دارد. میانگین پایبندی به ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان با ۴/۱۲ کمی بیشتر از میانگین پایبندی به ارزش‌های دینی با ۳/۹۸ می‌باشد.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای مستقل پژوهش

		واقعی تلقی کردن محتوا	پایبندی به ارزش های خانوادگی	پایبندی به ارزش های دینی
پایین	فراوانی	۱۸۰	۹۰	۷۰
	درصد	۴۵	۲۲/۵	۱۷/۵
متوسط	فراوانی	۱۰۰	۱۸۰	۱۴۰
	درصد	۲۵	۴۵	۳۵
بالا	فراوانی	۱۲۰	۱۳۰	۱۹۰
	درصد	۳۰	۳۲/۵	۴۷/۵
کل	فراوانی	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین		۲/۸۰	۴/۱۲	۳/۹۸
انحراف معیار		۰/۷۹	۰/۷۶	۰/۵۵

در جدول ۴ میزان کجروی فرهنگی و ابعاد آن، قابل مشاهده است. بر اساس اطلاعات این جدول مشاهده می شود که میزان کجروی فرهنگی پاسخ گویان با میانگین ۳، در حد متوسط قرار دارد؛ به طوری که حدود ۴۰ درصد از افراد در سطح متوسط و ۲۷/۵ درصد آنها در سطح بالایی دارای کجروی فرهنگی هستند. این در حالی است که تنها ۳۲/۵ درصد از پاسخگویان حاضر در تحقیق از نظر برخورداری از کجروی فرهنگی در سطح پایین قرار دارند.

جدول ۴: میزان کجروی فرهنگی افراد و ابعاد آن بر حسب فراوانی و درصد

		بعد عینی	بعد ذهنی	کجروی فرهنگی
پایین	فراوانی	۱۴۰	۱۲۰	۱۳۰
	درصد	۳۵	۳۰	۳۲/۵
متوسط	فراوانی	۲۰۰	۱۴۰	۱۶۰
	درصد	۵۰	۳۵	۴۰
بالا	فراوانی	۶۰	۱۴۰	۱۱۰
	درصد	۱۵	۳۵	۲۷/۵
کل	فراوانی	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین		۲/۷۱	۳/۳	۳
انحراف معیار		۰/۳۳	۰/۷۹	۰/۴۳

همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، پژوهش حاضر دارای چهار فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی است که به منظور بررسی صحت و سقم این فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شده است که در این قسمت، به آن‌ها پرداخته می‌شود.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از آزمون پیرسون استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک، میزان کجروی فرهنگی کاربران افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در فرضیه دوم پژوهش حاضر، مطرح می‌شود که بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک، کجروی فرهنگی کاربران تقویت می‌شود. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین پابندی به ارزش‌های خانوادگی و کجروی فرهنگی رابطه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین پابندی به ارزش‌های خانوادگی و کجروی فرهنگی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش پابندی به ارزش‌های خانوادگی، کجروی فرهنگی افراد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش هم تأیید می‌شود. همچنین، اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که بین پابندی به ارزش‌های دینی و کجروی فرهنگی افراد رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش پابندی به ارزش‌های دینی، از کجروی فرهنگی افراد کاسته می‌شود. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

جدول ۵: آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

متغیرها	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری	نتیجه آزمون
میزان استفاده از فیس‌بوک و کجروی فرهنگی	پیرسون	۰/۱۲	۰/۰۵۵	تأیید
واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و کجروی فرهنگی	پیرسون	۰/۲۱	۰/۰۰۰	تأیید
پابندی به ارزش‌های خانوادگی و کجروی فرهنگی	پیرسون	-۰/۵۱	۰/۰۰۰	تأیید
پابندی به ارزش‌های دینی و کجروی فرهنگی	پیرسون	-۰/۶۲	۰/۰۰۰	تأیید

اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد که بین جنس، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال با میانگین کجروی فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که میانگین کجروی فرهنگی در بین مردان، افراد مجرد و بیکار بیشتر از زنان، افراد متأهل و شاغل است.

جدول ۶: آزمون T برای مقایسه میانگین کجروی فرهنگی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
جنس	مرد	۴۹/۹۶	۸/۳۴	۳/۲۳	۰/۰۰۱
	زن	۴۶/۹۱	۹/۲۶		

وضعیت تأهل	مجرد	۴۸/۳۷	۱۱/۴۰	۴/۱۲	۰/۰۰۰
	متأهل	۴۴/۳۰	۱۵/۶۹		
وضعیت اشتغال	بیکار	۴۲/۲۵	۱۲/۲۱	۳/۰۴	۰/۰۰۵
	شاغل	۳۵/۶۲	۱۳/۰۱		

نتایج جدول ۷، حاکی از آن است که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با کجروی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد و میانگین کجروی فرهنگی پاسخگویانی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط برخوردارند از بقیه گروه‌ها بیشتر است. همچنین، میانگین کجروی فرهنگی پاسخگویانی که در مقطع کاردانی هستند، بیشتر از افرادی است که در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

جدول ۷: آزمون F برای مقایسه میانگین رفتارهای پرخطر بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
پایگاه اقتصادی اجتماعی	بالا	۴۵/۷۶	۱۰/۱۱	۵/۴۱	۰/۰۰۵
	متوسط	۴۹/۶۲	۷/۸۱		
	پایین	۴۶/۹۰	۸/۸۰		
تحصیلات	کاردانی	۴۲/۹۳	۲۰/۹۲	۴/۴۶	۰/۰۰۴
	کارشناسی	۳۷/۹۶	۱۱/۳۸		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۰/۵۰	۱۱/۰۵		

اطلاعات جدول ۸ نیز حاکی از آن است که بین میزان استفاده از فیس بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. همچنین، بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی نیز رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌های ششم تا نهم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جدول ۸: بررسی رابطه متغیرهای مستقل و کجروی فرهنگی

متغیر	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری	نتیجه آزمون
میزان استفاده از فیس بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی	پیرسون	-۰/۲۶	۰/۰۰۸	تأیید
میزان استفاده از فیس بوک و پابندی به ارزش‌های دینی	پیرسون	-۰/۳۱	۰/۰۰۲	تأیید
واقعی تلقی کردن محتوای فیس بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی	پیرسون	-۰/۲۲	۰/۰۰۵	تأیید
واقعی تلقی کردن محتوای فیس بوک و پابندی به ارزش‌های دینی	پیرسون	-۰/۲۸	۰/۰۰۱	تأیید

در ادامه به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی

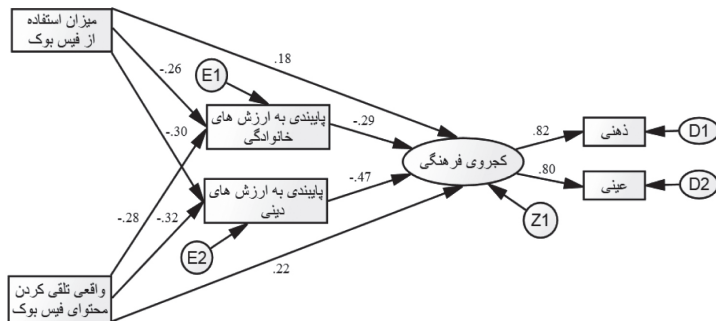
پرداخته می‌شود. جدول ۹ مدل رگرسیونی چند متغیره کجروی فرهنگی پاسخگویان را نشان می‌دهد. اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۵ درصد است که گویای این مطلب است که متغیرهای مدت میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک به همراه پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی به طور همزمان ۵۵ صدم با کجروی فرهنگی ارتباط دارند. ضریب تبیین نیز ۳۰ صدم محاسبه شده است؛ به این معنی که ۳۰ درصد از تغییرات کجروی فرهنگی توسط چهار متغیر میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی توضیح داده می‌شود. ضرایب تأثیر استاندارد نیز نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر کجروی فرهنگی به ترتیب متغیرهای، پابندی به ارزش‌های دینی ($-۰/۴۲$)، پابندی به ارزش‌های خانوادگی ($-۰/۲۰$)، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در فیس‌بوک ($۰/۱۶$) و میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک ($۰/۱۳$) می‌باشند.

جدول ۹: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین کجروی فرهنگی

متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک	۰/۱۷	۰/۱۳	۲/۷۰	۰/۰۰۵
واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک	۰/۱۳	۰/۱۶	۳/۶۷	۰/۰۰۱
پابندی به ارزش‌های خانوادگی	-۰/۲۲	-۰/۲۰	-۴/۰۷	۰/۰۰۰
پابندی به ارزش‌های دینی	-۰/۳۱	-۰/۴۲	-۸/۵۳	۰/۰۰۰
خلاصه مدل $Sig=۰/۰۰۰$ $F=۵۱/۱۳$ $R^2=۰/۳۰$ $R=۰/۵۵$				

در ادامه، مدل معادله ساختاری پژوهش حاضر ترسیم شده است. مدل با استفاده از نرم‌افزار Amos رسم گردیده و ملاحظه می‌شود که متغیر پنهان وابسته، یعنی کجروی فرهنگی، از دو بعد کجروی فرهنگی ذهنی و عینی تشکیل شده است. ضریب استاندارد شده چهار بعد از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (کجروی فرهنگی) در شکل ۲ نشان داده شده است. متغیرهای میزان استفاده از فیس‌بوک $۰/۱۸$ ، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک $۰/۲۲$ ، پابندی به ارزش‌های خانوادگی $-۰/۲۹$ و پابندی به ارزش‌های دینی $-۰/۴۷$ بر متغیر کجروی فرهنگی تأثیر مستقیم و معناداری دارند. همچنین، متغیر میزان استفاده از فیس‌بوک بر پابندی به ارزش‌های خانوادگی ($-۰/۲۶$) و پابندی به ارزش‌های دینی ($-۰/۳۰$) تأثیر دارند. متغیر واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک بر پابندی به ارزش‌های خانوادگی ($-۰/۲۸$) و پابندی به ارزش‌های دینی ($-۰/۳۲$) تأثیر دارند.

شکل ۲: مدل معادله ساختاری



در جدول ۱۰، تعدادی از مهم‌ترین معیارهای برازش مدل آمده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که تمامی شاخص‌های برازش مدل قابل قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌تواند تا حدودی با نظریه‌ها پوشش داده شوند.

جدول ۱۰: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد			
GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI	PCFI	PNFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۰۴	۳/۸۲

بحث و نتیجه‌گیری

در جوامعی مثل ایران که جامعه‌هایی در حال گذار هستند، با فروپاشی نظام‌ها و ساختارهای سنتی، گسترش شهرنشینی، افزایش استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها، اغلب مردم به‌ویژه جوانان، در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارضی قرار گرفته‌اند. بسیاری از جوانان با کنده‌شدن از بنیادهای سنتی و در ضعف نبود ساختارهای نوین مدنی یا تشخیص ندادن الگوهای مناسب، به تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی دچار می‌شوند و در چنین وضعیتی زمینه نابسامانی اجتماعی و پیدایش کجروی‌ها پدید می‌آید (جوادی‌یگانه و عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). همچنین، امروزه صاحب‌نظران علوم ارتباطات با اذعان به توانایی شگرف فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در شکل‌دهی افکار، نگرش‌ها و رفتار افراد، مطالعات مختلفی را در مورد سنجش میزان و نوع تأثیرات این رسانه‌های نوین انجام می‌دهند. آنان بیان می‌دارند که فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه‌ای، سلامت فکری، اخلاقی و فرهنگی آحاد جامعه را تهدید کنند و الگوهای ناهنجار رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند (ضمیری، ۱۳۸۱: ۱۰۱). همچنین این رسانه‌های نوین از آنجایی که قادرند کاربران و مخاطبان خود را با آداب و رسوم و سبک‌های زندگی غربی آشنا سازند، این امر می‌تواند هنجارها و ارزش‌های سنتی، فرهنگی و خانوادگی را دچار تغییر و تحولات چشمگیری کند. به موازات این امر، نتایج پژوهش‌های صورت گرفته - که در پیشینه پژوهش بدان آنها پرداخته شد - نیز حاکی از نقش چشمگیر رسانه‌های خارجی (شبکه‌های

ماهواره‌ای، اینترنت و...) در افزایش کجروی فرهنگی در جامعه ایران دارند. به همین دلیل در پژوهش حاضر به مطالعه رابطه حضور در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به عنوان یکی از رسانه‌های نوین و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی با مجروی فرهنگی پرداخته شد.

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است که میانگین کجروی فرهنگی و ابعاد آن (کجروی فرهنگی ذهنی و عینی) در حد متوسطی قرار دارد؛ به طوری که حدود ۴۰ درصد از افراد در سطح متوسط و ۲۷/۵ درصد آنها در سطح بالایی دارای کجروی فرهنگی هستند، این در حالی است که تنها ۳۲/۵ درصد از پاسخگویان حاضر در تحقیق از نظر برخورداری از کجروی فرهنگی در سطح پایین قرار دارند.

یافته‌های استنباطی پژوهش نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میانگین کجروی فرهنگی و جنس وجود دارد؛ به طوری که میزان کجروی فرهنگی مردان بیشتر از زنان است. همچنین، بین وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال با میانگین کجروی فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که میانگین کجروی فرهنگی در بین افراد مجرد و بیکار بیشتر از افراد متأهل و شاغل است. علاوه بر این، تفاوت معناداری بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با کجروی فرهنگی وجود دارد و میانگین کجروی فرهنگی پاسخگویانی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط برخوردارند از بقیه گروه‌ها بیشتر است. از نظر تحصیلات نیز میانگین کجروی فرهنگی پاسخگویانی که در مقطع کاردانی هستند بیشتر از افرادی است که در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و بالاتر می‌باشند.

دیگر یافته‌های استنباطی پژوهش حاکی از آن است که بین میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و کجروی فرهنگی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هر چه افراد محتوای مطالب فیس‌بوک را واقعی‌تر تلقی کنند و میزان ساعات استفاده‌شان از فیس‌بوک افزایش یابد، میزان کجروی فرهنگی‌شان نیز افزایش پیدا می‌کند. همان‌طور که در چارچوب نظری پژوهش طبق نظریه کاشت گفته شد هر چه کاربران یا مخاطبان رسانه‌ای میزان استفاده‌شان از رسانه‌ای افزایش یابد و محتوای مطالب آن را نسبت به سایر رسانه‌ها واقعی‌تر تلقی کنند، میزان تأثیرپذیری‌شان افزایش می‌یابد. همچنین، این یافته در راستای یافته‌های پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۲)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳) و کنعانی و همکاران (۱۳۹۳) است.

سایر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که رابطه معنادار معکوسی بین پابندی به ارزش‌های دینی و خانوادگی و کجروی فرهنگی وجود دارد. طبق نظریه کنترل اجتماعی، پیوستگی اولین عنصر از عناصر پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشد و به صورت پیوند احساسی افراد با دیگران تعریف می‌شود. همان‌گونه که هیرشی بیان می‌دارد توسعه پیوند اجتماعی قوی با جامعه این امر را می‌رساند که افراد هنجارها و ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را درونی کرده‌اند. آنهایی که پیوندهای قوی‌ای با جامعه دارند کم‌تر متمایل به انحراف از هنجارها و ارزش‌های خانواده و جامعه هستند، زیرا آن‌ها هنجارهای جامعه را درونی کرده و مورد قبول قرار داده‌اند. دیگرانی که دارای پیوندهای ضعیف با خانواده و جامعه هستند بیشتر متمایل به انحراف از هنجارها و ارزش‌های خانواده و جامعه هستند، زیرا آن‌ها این هنجارها و ارزش‌ها را درونی نکرده‌اند. این یافته در راستای یافته‌های تحقیقات پیشین مثل شمس و همکاران (۱۳۹۲)، سراج‌زاده و بابایی (۱۳۸۸) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد.

همچنین، سایر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان ساعات استفاده از فیس‌بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در فیس‌بوک و پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش‌های متغیرهای مستقل یاد شده، پابندی به ارزش‌های خانوادگی و دینی کاربران تضعیف می‌شود. این یافته در راستای نظریه امپریالیسم فرهنگی است که در چارچوب نظری پژوهش

بدان اشاره شد. به واسطه امپریالیسم فرهنگی، ارزش‌های فرهنگ‌های محلی از سوی ارزش‌های فرهنگی مسلط غربی - که با ارزش‌های بنگاه‌های چند ملیتی پیوند دارند - تهدید و در نهایت جایگزین می‌شوند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) است.

پیشنهاد‌های پژوهش

- افزایش سواد رسانه‌ای کاربران در برخورد با محتوا و مطالب فضای مجازی؛
به جای اقدامات قهری باید برنامه‌ای برای ارتقای فرهنگی داشت، چرا که آموزش کاربران فضای مجازی از طریق رسانه‌ها، خانواده و نهادهای آموزشی، نقش سازنده‌ای در افزایش مهارت کاربران و کاهش آسیب‌های ناشی از این فضای اینترنتی را در برخواهد داشت. برای مثال، در خانواده‌ها، والدین می‌توانند با فراهم آوردن فضایی آرام و صمیمانه - نه برخوردی اقتدارانه - برای ابراز عقیده فرزندان‌شان با آنها به تعامل و گفتگو بشینند تا از این طریق، آسیب‌ها و پیامدهای منفی فضای مجازی را به آنها انتقال دهند. در واقع، خانواده‌ها به منظور کاهش آسیب‌های فضای مجازی، باید خود را بیش از پیش در جریان ارتباطات فرزندان خود در فضای مجازی قرار دهند. همچنین، می‌توان با گنجاندن درس‌ها یا واحدهایی در زمینه آشنایی و نحوه استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های نوین در محتوای نظام آموزشی کشور، آسیب‌ها و پیامدهای منفی فضای مجازی را تقلیل داد.

- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها پیرامون فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی؛
از این طریق می‌توان آگاهی و هوشیاری نوجوانان و جوانان را در زمینه آسیب‌های فضای مجازی افزایش داد.

- آموزش و آگاه‌سازی زوجین جوان در مورد فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی همگام با آموزش‌های بهداشتی و جنسی زوجین قبل از ثبت عقد.
این مهم نیز می‌تواند نقش موثری در کاهش آسیب‌های فضای مجازی و آگاه‌سازی زوج‌های جوان داشته باشد.

منابع

- ایمان، محمدتقی، بهمنی، لیلا و سادات دل‌آور، مریم (۱۳۹۵). "سنجش جامعه‌شناختی نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهر شیراز)". توسعه اجتماعی. سال دهم، شماره ۳، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- جواد یگانه، محمدرضا و عزیزی، جلیل. (۱۳۸۷). "هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه". تحقیقات فرهنگی. سال اول، شماره ۳، صص ۲۱۳-۱۸۳.
- دعاگویان، داود و حبیب‌زاده ملکی، اصحاب. (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی عوامل موثر بر ارتکاب اعمال منفی عفت جوانان (مطالعه دو گروه جوانان و مجرمین شهرستان تبریز ۱۳۹۱)". دانش انتظامی آذربایجان شرقی. سال سوم، شماره ۴، صص ۵۲-۲۷.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و تقی‌پور ایوکی، سحر. (۱۳۹۱). "کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره". مطالعات راهبردی زنان. سال چهاردهم، شماره ۵۶: صص ۸۲-۷.
- رسول‌زاده اقدم، صمد و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی نهاد خانواده. تبریز: طنین دانش.
- رسول‌زاده اقدم، صمد؛ میرمحمدتبار، سیداحمد؛ افشار، سیمین و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۴). "تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای رسانه‌های اجتماعی بر ارزش‌های جوانان ایرانی". راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۹۴-۶۵.
- سیهری، آسیه. (۱۳۹۳). "تحلیل سبک زندگی جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک". مطالعات جوان و رسانه. شماره ۱۳، صص ۴۰-۱۳.
- سراج‌زاده، سیدحسین و بابایی، مینا. (۱۳۸۹). "جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی". فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۴۸، صص ۴۳-۷۱.
- سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳). "نیمه پنهان: گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی". پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۴۲-۴۱، صص ۸۴-۵۳.
- سورین، ورنر جی و جیمز دبلیو تاناکارد. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- شمس، سیمین؛ عموزاده، معصومه؛ زینی‌وند مقدم، حجت و غلامی، بهمن. (۱۳۹۲). "بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر". فصلنامه زن و جامعه. سال چهارم، شماره ۱۰۱-۱۲۳، صص ۱۲۳-۱۰۱.
- ضمیری، رضا. (۱۳۸۱). "رسانه‌ها و انحرافات اجتماعی". مطالعات راهبردی زنان. سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- عباسی‌قادی، مجتبی و خلیلی‌کاشانی، مرتضی. (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت ملی. تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۱). "تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- قاسمی، وحید؛ میرمحمدتبار، سیداحمد و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۲). "تبیین جامعه‌شناختی تاثیر

- رسانه‌های خارجی بر کجروی فرهنگی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر فریدونکنار". مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. سال دوم، شماره ۳، صص ۷۸-۵۳.
- کنعانی، محمدامین؛ محمدزاده، حمیده و محمدزاده، فاطمه. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال هفتم، شماره ۴، صص ۸۴-۶۳.
 - مک کوایل، دنیس. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
 - نایی، هوشنگ و لطفی خاچکی، بهنام. (۱۳۹۴). "تاثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور". بررسی مسائل اجتماعی ایران. سال ششم، شماره ۱، صص ۴۶-۱.
 - هرمز، مهرداد. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی. تهران: انتشارات فاران
 - ویندال، سون، سیگنایتر، بنو و جین اولسون. (۱۳۸۷). کاربرد نظریه‌های ارتباطات. علیرضا دهقان. تهران: جامعه‌شناسان
 - Booth, J., Farrell, A., Varano, S. (2008). "Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior". *Crime & Delinquency*. Vol. 54, No. 3. pp: 423-456.
 - Boyd, D. M & Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: definition, history, and scholarship". *Journal of Computer-Mediated Communication*. Vol. 13, No. 1. pp: 210-230.
 - Chui, W. H and Heng C. C. (2013). "Juvenile offenders perceptions of probation officers as social workers in Hong Kong". *Journal of Social Work*. Vol. 14, No. 4, pp: 398-418.
 - Chui, W. H., Chan, H. C. (2010). "Social Bonds and Male Juvenile Delinquency While on Probation". *Children and Youth Services Review*. Vol. 33, No. 1. pp: 2329-2334.
 - Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press.
 - Jensen, G. (2003). *Social Control Theories*, Illinois: Fitzroy Dearborn Publishers.
 - Mehta, S. (2010). "Commodity Culture and Porous Socio-Religious Boundaries: Muslim Women in Delhi". *South Asia Research*. Vol. 30, No. 1, pp: 1-24.
 - Pilkington, H. A. Omel'chenko, E, Flynn, M, and Bliudina, U. (2002). *Looking West? Cultural Globalization and Russian Youth Cultures*, Pennsylvania State University Press.
 - Reckless, W. (1973). *The Crime problem*, New York: Appelton.
 - Ridenour, T., Greenberg, M., Cook, E. (2006). "Structure and validity of people in my life: A self-report measure of attachment in late childhood". *Journal Youth Adolescence*, Vol. 35, No. 6, pp: 1037-1053.
 - Salwen, M. (1991). "Cultural imperialism: A media effects approach". *Critical Studies in Mass Communication*, Vol. 8, pp: 29-38.
 - Tyler, T. (2012). "Social networking and Globalization", *Mediterranean Journal*

of Social Sciences ,Vol .4 ,No .6 ,pp :30-39.

- White ,R. (1983). **“A backwater awash: The Australian experience of Americanisation”**. Journal of Theory ,Culture and Society ,Vol .1 ,No .1 ,pp :108-122.



عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر مسئولیت پذیری جوانان شهر تهران

منیر سادات میرمحمدی^۱

منصور حقیقتیان^۲

اسماعیل جهانبخش^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

مسئولیت پذیری به عنوان یک فرآیند مهم اجتماعی شدن در هر جامعه ای سهم بسزایی در توسعه پایدار جامعه دارد و تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان پذیر نخواهد بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر آن در شهر تهران انجام شده است. مبانی نظری متغیرها و پارامترهای این پژوهش بر مبنای نظریات جیمسون، باومن، بودریار، گیدنز، و دورکیم، بوردیو، اینگلهارت و پاتنام تدوین شده است. روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه دارای قابلیت اعتبار و اعتماد می باشد. جامعه آماری تحقیق، جوانان (۱۸ تا ۲۹ سال) شهر تهران می باشند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای گردآوری گردیده است و حجم نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر می باشد. روش اصلی در تحلیل داده ها رگرسیون و مدل سازی معادلات ساختاری است. نتایج حاصل از نرم افزارهای Spss و Amos نشان می دهد که چهار مولفه نگرش دینی (۰/۹۴۹)، فرانوگرایی (۰/۵۲۱۵)، رسانه (۰/۷۲۱۷)، اعتماد اجتماعی (۰/۹۳۲۹) بر مسئولیت پذیری تاثیر گذارند. بعد دینداری با مقدار (۳/۵۴۵) دارای بیشترین میانگین است. به این ترتیب، رگرسیون خطی فوق به میزان ۳۵ درصد واریانس مسئولیت پذیری را تبیین می کند و ۶۵ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد.

واژگان کلیدی: مسئولیت پذیری، جوانان، جامعه، فرانوگرایی و پست مدرن

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: mansourhaghighatian@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

امروزه، برخی از عناصر دوران فرانوگرایی که بیشتر از طریق نفوذ رسانه‌های ارتباط جمعی و فرایند جهانی‌شدن وارد شده‌اند، در جامعه ما قابل لمس نیستند و به نوبه خود، تغییر ارزش‌های جامعه را طریق نسل جوان را در پی دارند. با توجه به اینکه جامعه در حال پیشرفت، نیازمند افرادی مسئول و خودکفاست و جوان، آینده ساز کشور و مهم‌ترین قشر اجتماع است، کم‌رنگ شدن عواطف، افزایش رفتارهای ضد انسانی و اجتماعی در روابط انسان‌ها، دور شدن از آداب و ارزش‌های ناب اسلامی و انسانی نشان دهنده افزایش بی مسئولیتی و مسئولیت‌گریزی جوانان در جامعه اسلامی ماست. نظر به آرای پست مدرن‌هایی چون هاروی، پسامدرنیته انعطاف‌پذیر، یک فرهنگ پسامدرن خلق می‌کند. جست و جوی بی‌پایان برای بازارهای جدید، تغییر سریع کالاها و دستکاری مداوم سلیقه و عقیده مردم از طریق تبلیغات باعث ایجاد فرهنگ پسامدرنی شده است. ویژگی این نوع فرهنگ، وجود ناپایداری و اندیشه‌های سطحی به جای معانی عمیق، کثرت گرایی و هرج و مرج به جای فرا روایت‌های عقل و پیشرفت است (چینی چیان، ۱۳۸۹: ۵۰). همچنین، از آنجا که نسل جوان بیش‌ترین روحیه تأثیرپذیری را داراست و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه نیز به شمار می‌آید، کاهش مسئولیت‌پذیری جوانان آسیب‌های اجتماعی فراوانی را با خود به همراه داشته است. بالا رفتن سن ازدواج و افزایش طلاق، افزایش آمار کودکان بی سرپرست و افزایش جرم و جنایت و... نمونه‌ای از آنهاست. در سال‌های اخیر، شیوه خطرناکی از مسئولیت‌گریزی در جوانان جامعه ما دیده می‌شود.

در واقع، این ایده در اذهان جوانان ایرانی شکل گرفته است که با شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، راحت‌تر می‌توان زندگی کرد. پذیرش مسئولیت را دیدگاه جوانان امروزی، اسیر قید و بند شدن است؛ قید و بندهایی که به نظر آن‌ها دست و پا گیرند و باعث هدر رفتن انرژی آنان می‌شوند - مشکلاتی که به نظر می‌رسد محصول مدرنیته و فرانوگرایی حاصل از پسا مدرنیته باشد.

لذا با توجه به تعریف مسئولیت‌پذیری - که عبارت است از (احساس تعهد و رفتار مسئولانه‌ای که افراد به عنوان کنشگران اجتماعی در قالب کنش‌ها و نقش‌های خود در حوزه‌های گوناگون بروز می‌دهند) - به بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر مسئولیت‌پذیری جوانان در شهر تهران با متغیرهای گرایش مذهبی با ابعاد ("اعتقادی، پیامدی، مناسک")، رسانه‌های جمع (با ابعاد "اینترنت، ماهواره، تلویزیو"، فرانوگرایی فرهنگی با ابعاد ("سیالیت روابط، بازاندیشی، زوال عاطفه، مصرف محور") بر مسئولیت‌پذیری (با ابعاد "فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیط") پرداخته می‌شود.

پژوهش حاضر با رویکرد و بینش تلفیقی و با ایمان به گفتگوی نابرابر عوامل و پیچیدگی و در هم تنیدگی ابعاد پدیده‌های اجتماعی به تبیین مسوولیت‌پذیری اجتماعی جوانان در چارچوب نظری شامل مدل ترکیبی از طیف نظریه‌های فرانوگرایی (جیمسون، باومن، بودریار، گیدنز، بوردیو، اینگلهارت) می‌پردازد. هدف پژوهش، (شناخت موانع مسئولیت‌پذیری جوانان) می‌باشد. لذا بر مبنای تحقیق میدانی در اجتماع مورد مطالعه به دنبال پاسخ به این سوال است: مسئولیت‌پذیری جوانان در دوران معاصر از چه عواملی تأثیر پذیراست؟

پیشینه پژوهش

در ایران مطالعات متعددی در حوزه مسئولیت‌پذیری صورت گرفته است. خوشبین و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن" که جامعه آماری آن جوانان ۲۰-۲۹ ساله شهر همدان بود و چارچوب نظری آن مبتنی بر رویکرد تلفیق و با استفاده از نظریه‌های ویر، دورکیم، پارسونز و بوردیو تدوین شده بود، دریافتند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان

همدان در حد متوسط بوده است. نتایج میزان مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان را در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت نشان می دهد. همچنین، بین سطوح احساسی و رفتاری مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان نیز تفاوت و شکاف وجود دارد. نتایج حاصله از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که متغیرهای مستقل اصلی در این پژوهش، عام گرایی، اعتماد اجتماعی، دینداری و قومیت مورد تایید واقع شده اند. نتایج تفسیری و تحلیلی رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر نیز بر وجود رابطه معنادار بین این متغیرها دلالت دارد. در این بین، متغیر عام گرایی، بیشترین قدرت تبیین و اثرگذاری را بر متغیر وابسته داشته است.

بحری پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "میزان جمع گرایی در مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان شهر کاشان" با بررسی تأثیر متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و دینداری بر میزان جمع گرایی در مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان پراکنده اند. یافته های تحقیق نشان داده است که در مجموع، جمع گرایی غالب شهروندان کاشان در مسئولیت پذیری اجتماعی ضعیف می باشد. معناداری رابطه بین متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و دینداری با میزان تأیید و رابطه بین متغیر سرمایه اقتصادی با میزان جمع گرایی در مسئولیت پذیری اجتماعی رد شده است.

نتایج پژوهش برزو و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان "فرزند پروری و مسئولیت پذیری در نوجوانان: نقش واسطه گری سبک های پرورش هویت" حاکی از روایی و پایایی قابل قبول آزمون ها بود. همچنین، نتایج تحلیل مسیر نشان داد که سبک پرورش هویت هنجاری در رابطه بین بعد فرزند پروری کنترل و مسئولیت پذیری نقش واسطه گری کامل ایفا می کند. ن سبک های پرورش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی نقش واسطه ای مهمی در ارتباط دارد.

هدایتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "تأثیر شیوه های فرزندپروری (سبک های والدینی) بر میزان مسئولیت پذیری" هدایتیافته است که شیوه های فرزندپروری بر میزان مسئولیت پذیری نوجوان مؤثر است. دان و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود با عنوان "جامعه فرانوگرا و فرد: ویژگی ساختاری جامعه فرانوگرا"، به این نتیجه دست یافته اند که قرار گرفتن در معرض فناوری و عقاید مادی با تکرر و تعدد خود افراد در ارتباط است. همچنین، تجارب روزمره زندگی در تصور از هویت خود در زندگی دوران مدرن مرتبط است. پیک و پان (۲۰۰۴) در مطالعه ای با عنوان "گسترش مصرف گرایی جهانی، تأثیر رسانه های جمعی و تبلیغات بر ارزش های مصرف گرایانه در چین"، نتیجه دگرگرفتند که قرار گرفتن در معرض محتوای رسانه های غربی و همچنین رسانه های حاوی مطالب مصرف گرایانه، موجب پذیرش ارزش مصرف گرایانه و توسعه نگرش های مثبت تر به تبلیغات می شود و به مصرف بیشتر منجر می گردد.

اکاس (۲۰۰۱) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که زنان جوان در زمینه خرید محصولات مصرفی تمایل بیشتری دارند. این موضوع نشان می دهد که زنان بیشتر از مردان از لباس و ظاهر برای بیان اینکه چه کسی هستند و چه میزان پرستیژ دارند، استفاده می کنند. بنابراین میزان مصرف زنان بالاتر از مردان است. اینگلهارت (۲۰۰۱) به جهانی شدن و ارزش های فرانوگرا و نقش دین در عصر جهان گرایی توجه کرده است و به این نکته اساسی اشاره دارد که جهان بینی فرانوگرایی با تقلیل پذیری هنجارهای سفت و سخت دینی ناظر بر مسائل جنسی، زاد و ولد و نیاز رو به زوال عقاید مطلق در ارتباط است. او همچنین بیان کرد که اگر چه نهادهای دینی در بسیاری از جوامع صنعتی توسعه یافته کاهش یافته است، اما در علائق معنوی زوال و کاهشی صورت نگرفته، بلکه دگرگونی عمده بیشتر در سمت و سوی گرایش های معنوی رخ داده است. به طور کلی، از یافته های تحقیقات پیشین می توان استنباط کرد که جامعه ما نیز تحت تأثیر تحولات پرشتاب فناوری های نوین و جهانی شدن قرار گرفته است. در جریان این تأثیرگذاری، دگرگونی هایی در ارزش ها، رفتارها و کنش های مردم به خصوص جوانان ایجاد شده است. همچنین پیشینه تحقیق نشان

می‌دهد که برخی از عناصر دوران فرانوگرایی در جامعه ما قابل لمس است. این عناصر و مؤلفه‌ها بیشتر از طریق نفوذ رسانه‌های ارتباط جمعی و فرایند جهانی‌شدن وارد می‌شوند. عمده مباحثی که در باب فرانوگرایی صورت گرفته است، ماهیت نظری دارند و تحقیق تجربی که به بررسی شاخص‌های فرانوگرایی به ویژه در ایران پردازد، در دسترس نیست.

مبانی نظری پژوهش

در مبانی نظری این پژوهش از نظریات دورکیم، تالکوت پارسونز، بوردیو، اینگلهارت، گلاک و استارک، مک لوگین، هانس پیر هورف، وبلن، پاتنام (۱۹۹۹) و آرای پست مدرن‌ها (فردریک جیمسون، رابرتسون، زیگمونت باومن، بودریار، گیدنز) و نظریات ارتباط جمعی استفاده گردید. با توجه به هدف تحقیق در راستای بررسی مسئولیت پذیری جوانان و عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر آن در عصر کنونی، تغییرات فرهنگی فرانوگرایانه جوانان نسبت به عصر سنتی در دو سطح خرد و کلان مطالعه گردید؛ خرد نگرها شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابه عوامل فردی و موقعیت کنشگر نسبت می‌دهند، ولی کل نگرها مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ناشی از عملکرد ساختارها می‌بینند. تغییر در کنش‌های جوانان با توجه به نظریه اندیشمندان فرانوگرا در قالب، چهار مؤلفه: مصرف‌گرایی، بازاندیشی، سیالیت روابط، زوال عاطفه بررسی، برای تمایز جامعه فرانوگرا از جامعه سنتی و مدرن بیان می‌شود.

دیوید هاروی از نظریه پردازان پست مدرنی فرانوگرایی را به جهانی‌شدن مرتبط می‌داند و کوچک شدن و قبض فضا در تمامی ابعاد فرهنگ، سیالیت روابط، جهانی‌شدن فرانوگرایی را مطرح نموده است (گل محمدی: ۹۷: ۱۳۸۱) به عقیده هاروی، جهانی‌شدن برای سرمایه داری پدیده جدیدی نیست. از نظر او زوال عاطفه در پست مدرن، زوال تعهد و اخلاقیات محسوب می‌شود (چینی‌جان، ۱۳۸۹: ۴). یان رابرتسون جامعه‌شناس، معتقد است که از اوایل قرن بیستم رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی چنان بر زندگی بشر سایه افکند که اثرات مثبت و منفی فراوانی بر زندگی بشر گذاشته است. از همه مهم تر اینکه در عصر کنونی با ظهور اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات و به ویژه اینترنت فضای ارتباطات و تأثیر گذاری آنها، توسعه زیادی یافته است (رابرتسون، ۱۹۹۲: ۴۶).

باومن به سیالیت روابط پرداخته است. از نظر او در دوران فرانوگرایی روابط بین انسان‌ها سرد و بر اساس سود و منفعت‌طلبی مادی، است و احساس همدردی که باعث آرامش درونی می‌شود از بین می‌رود. این دوران را دوران بازاندیشی می‌داند (باومن: ۱۰: ۱۳۸۴). هویت‌ها و سبک‌های زندگی مصرفی ناپایداری خارق‌العاده‌ای به پیوندهای انسانی می‌دهد و احساس ناامنی از این ناپایداری بوجود می‌آید. باومن نیز در نظریه خود اخلاق دوران پست‌مدرن را اخلاق نسبی می‌داند و اصول و قوانین عام اخلاقی و کلیت بخش را مورد تردید قرار می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۱: ۲۵۷-۲۵۲). باید افزود انسان پست مدرن اندیشه‌های گذشته‌اش را طبق آموزه‌های عصر پست مدرن و منافعش مورد بازبینی قرارداده و این منافع در بسیاری از مواقع باز اندیشی منافع و فرار از تعهد است و اخلاق نسبی نیز اخلاقی سوداگر است که حق افراد، طبیعت و محیط زیست و اجتماع را که فرد در قبالش تعهد دارد، تضییع می‌کند.

گیدنز به هویت بازاندیشانه (بازتابی) و هویت مدرن ناشی از آن می‌پردازد. او معتقد است که بازاندیشی، خود وارد مرحله بدن نیز می‌شود و با این رویکرد، بدن دیگر شیء نمی‌شود، بلکه بخشی از یک نظام کنشی است؛ فاعل و سوژه، به‌طور مرتب بر فرایندهای جسمی خود نظارت دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۴) و تغییر سبک زندگی و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی را مطرح می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷-۴۴) لذا در

دوران پست مدرن توجه جوانان به بدن، مد، عمل های جراحی زیبایی و... جایگزین تعهدات اصلی زندگی آنها در مقایسه با دوران سنتی شده است.

ژان بودریار فرانوگرایی را با رایانه‌ای شدن، پردازش اطلاعات، رسانه‌ها و سیستم های کنترل سیبرنتیکی شبیه سازی، حاکمیت الگوها، رمزگان و سیبرنتیک بازاندیشی نسبی گرایی سیالیت روابط زوال عاطفه مصرف گرایی توضیح می دهد. بودریار در نظریه خود بیان می کند که برخلاف نظر مارکسیست‌ها که مدعی بودند مهم ترین عامل اقتصادی همان فراگرد تولید است، جامعه بر پایه اصل مصرف شکل می گیرد. باید افزود انسان پست مدرن وقت انرژی و هزینه اش را به سمت مصرف گرایی که سمت و سویی متضاد با الزامات و تعهداتش است می برد (بودریار، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

فردریک جیمسون زوال عاطفه و فاجعه در کنار پیشرفت را مطرح می کند. یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که جیمسون نیز همانند دیگر متفکران پست مدرن اشاره می کند، این است که جامعه و انسان فرانوگرا جامعه و انسانی است که مصرف محوری شدید در آن ترویج می شود و انسان ها برده کالاهای تجاری و لوکس می شوند (ریترز: ۱۳۸۹، ۷۷۱).

بودریو به تغییر سبک زندگی - عادت واره ها، منش خاص و وبلن به تغییر الگوهای رفتار جمعی و سبک زندگی خود نمایانه و نمایشی و اینگلهارت به دگرگونی ارزش های بین نسلی و تغییر سبک زندگی می پردازد. لذا سبک زندگی مسئولانه سنتی در دوران پست مدرن تغییر می یابد و از نظر بودریو، افراد درون طبقه و پایگاه اقتصادی اجتماعی خود به تدریج عادت واره هایی به دست می آورند که هر یک از آنها بر سبک زندگی و نوع خوراک، پوشاک، علایق و سلاقی بر نحوه نگرش، تصمیم گیری و عملکرد آنها تاثیر می گذارد (بودریو، ۱۹۸۶). به نظر می رسد میزان مسئولیت پذیری اجتماعی در طبقات گوناگون و طبق سرمایه متفاوت باشد.

پارسونز با تاکید بر جمع گرایی و عام گرایی، آن را یکی از عوامل اجتماعی موثر در افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی کنشگران می داند. عام گرایی یکی از عناصر ساختاری نظام کنش در فرایند انتخاب های دوتایی است که کنشگران در موقعیت انجام عمل باید بر اساس استانداردهای عام نقش با دیگران بر خورد کنند. این نوع عمل و تصمیم گیری نقطه مقابل خاص گرایی و فرد گرایی خواهد بود که در آن دامنه قضاوت و عمل محدود به کنشگران آشنا می باشد (استونز، ۱۳۸۸: ۱۵۷، روشه ۱۳۶۶: ۷۰). به نظر پارسونز در صورتی که افراد دامنه تصمیم گیری و قضاوت اجتماعی را به کل نظام گسترش دهند، شاهد افزایش توجه به منافع جمعی و ارزش ها و نوع دوستی و به طور کلی مسئولیت پذیری اجتماعی در جامعه خواهیم بود - این عامل در جوامعی که دارای تنوع قومی می باشند بسیار دارای اهمیت است.

به عقیده دورکیم (۱۳۶۹) آن چه که افراد یک جامعه را گرد هم می آورد و موجب پیوند میان آن ها می شود یک اخلاق مشترک نیرومند و قوی یا همان وجدان جمعی است که شیرازه جوامع ابتدایی تا نوین است (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷). دورکیم بر عوامل ساختاری و لزوم کنترل و الزام های درونی نیز تأکید داشت. او این مهم را از طریق بسط نظام های اعتقادی و دینی در جامعه ممکن می دانست. هر چند بر نیروهای حرفه ای و تخصصی برای جذب افراد در خود در دوران مدرن نیز تأکید داشت. به زعم دورکیم، کاهش در اعتقادات و دینداری افراد، زمینه بی هنجاری اجتماعی را فراهم می سازد (توسلی، ۱۳۸۵: ۶۶).

گلاک و استارک در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا بودند. بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کردند و به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداری پرداختند. هدف اصلی آنها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوت اند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن

حوزه‌ها و یا ابعاد دیگر جلوه‌گر می‌شود. الگوهای دینداری با ابعاد (رفتاری، مناسکی و پیامد) را ارائه داده‌اند که از نخستین الگوهایی است که بسیاری از الگوهای دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته‌اند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

اینگلهارت معتقد است که اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها شده است؛ به طوری که در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر گذاشته است (اینگلهارت: ۱۳۷۳، ۴۰). لباس‌های متحدالشکل جوانان، موسیقی پاپ و... از نمودهای تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و عدم پای بندی به سنت‌های فرهنگی خود است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۲). پژوهش حاضر با رویکرد و بینش دیالکتیکی و با ایمان به گفتگوی نابرابر عوامل و پیچیدگی و در هم تنیدگی ابعاد پدیده‌های اجتماعی به تبیین مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان می‌پردازد. لذا چارچوب نظری شامل مدل ترکیبی از طیف نظریه‌های فرانوگرایی (جیمسون، باومن، بودریار، گیدنز، بوردی و اینگلهارت) همچنین نظریه‌های ارتباط جمعی (جورج گرینر با بیان تئوری کاشت، و مک کامبز و شاو با نظریه برجسته‌سازی، و ملوین دیفلور با نظریه وابستگی مخاطب رسانه، نظریه میمی‌های کاپل، و دیوید رایزن و لرنر) می‌باشد که همگق به قدرت رسانه و تغییرات ارزشی ناشی از آن در عصر مدرن می‌پردازد. می‌توان گفت بسیاری از ارزش‌های سنتی تعهد و التزام با القا از سوی رسانه، جای خود را به ارزش‌های مصرف‌گرای دوران پست مدرن داده است.

مدل نظری پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه‌های تحقیق که از مبانی نظری و تجربی و مطالعات میدانی شکل گرفته‌اند، به قرار زیر اند:
- میزان استفاده از رسانه (وسایل ارتباط جمعی نوپدید مانند ماهواره، اینترنت، شبکه‌های مجازی) بر مسئولیت‌پذیری جوانان موثر است. (طیف نظریه‌های ارتباط جمعی)
 - میزان گرایش مذهبی بر مسئولیت‌پذیری جوانان موثر است. (دورکیم و ...)
 - فرانوگرایی فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری جوانان موثر است. (طیف نظریه‌های فرانوگرایی)
 - میزان اعتماد اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری جوانان موثر است. (گیدنز، زومکا و پاتنام)

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی^۱ است و اطلاعات آن بر اساس پرسشنامه جمع آوری گردیده است. ابتدا پرسشنامه اولیه تنظیم و پس از آزمون آن (test-pre)، پرسشنامه نهایی تدوین شد. سپس با بکارگیری پرسشگران مجرب از طریق مراجعه به شهروندان واقع در جمعیت نمونه، پرسشنامه‌های مربوط به تکنیک مصاحبه حضوری، تکمیل و اطلاعات به دست آمده با استفاده از برنامه نرم‌افزارهای Spss و Amos در قالب جداول توصیفی بررسی شدند. لذا قدر روش گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (پیمایشی و مصاحبه) سود برده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، از پیشینه و مطالعات انجام گرفته قبلی و نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جهت تحلیل موضوع استفاده خواهد شد و پس از ارزیابی تحقیقات پیشین و نظریه‌های مرتبط با موضوع و شناخت وضعیت فعلی جامعه، تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق انجام خواهد پذیرفت. در نهایت، با استفاده از گویه سازی پرسشنامه تحقیق ساخته می‌شود.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

مسئولیت پذیری

الف) تعریف مفهومی: "مسئولیت پذیری اجتماع" به احساس تعهد و رفتار مسئولانه یی که افراد به عنوان کنشگران اجتماعی (جوانان) در قالب نقش‌های خود (شهروندان) نسبت به جامعه و ارزش‌های جمعی آن در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی داشت، یا دارند، دلالت می‌کند. ("طالبی، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش متغیر مسئولیت پذیری از پنج بع، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی، سوالات محقق ساخته طراحی و هر مولفه بر اساس طیف لیکرت نمره گذاری شد.

گرایش مذهبی (دینداری)

الف) تعریف مفهومی: با بررسی عناصر مشترک تعاریف مربوط به دین، می‌توان دین را مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که به یک حقیقت متعالی (خدا) مرتبط است تعریف نمود. دینداری یا التزام دینی نیز مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تبعیت از دستورهای دین و مجری آنها بودن اشاره دارد. در واقع، اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورهای دینی را پذیرفته باشند. بنابراین می‌توان گفت که دینداری عبارت است از: التزام فرد به دین مورد پذیرش خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند سازمان می‌پذیرد (شایسته، ۱۳۶: ۱۳۸۶).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش متغیر دینداری از سه بع، اعتقادی، مناسکی، پیامدی با سوالات محقق ساخته و استاندارد استفاده شد. دینداری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک مورد سنجش قرار گرفته اس.

اعتماد اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تایید شده به لحاظ

اجتماعی دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند و قرین با روابط متقابل تعمیم یافته است. آنتونی گیدنز، اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال ها در بحران ها و در حال و هوایی آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می بخشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش اعتماد اجتماعی از سه مولفه (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه ها، اعتماد به نهادها یا سازمان های دولتی) استفاده شده است.

رسانه های جمعی

الف) تعریف مفهومی: رسانه های جمعی یا گروهی عبارت اند از: شکل های ارتباط، مانند روزنامه ها، مجلات، رادیو یا تلویزیون که به منظور رساندن پیام به پیام گیرندگان انبوه طرح ریزی شده اند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۰۵) رسانه های جمعی یا وسایل ارتباط جمعی به مجموعه ای از وسایل غیرشخصی اطلاق می شود که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار و در مناطق دور دست موجب می شوند. شاخص این وسایل، ارتباط با جمع است. بدین سان رسانه های همگانی، وسایل و ابزاری هستند که بین جمع و جمع، یا فرد و جمع ایجاد ارتباط می کنند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۲۹-۴۲۸). به نظر بیرو، رسانه های جمعی "مجموع فنون، ابزار و وسایلی را می رساند که از توانایی انتقال پیام های ارتباط حسی و یا اندیشه ای در یک زمان به شماری بسیار از افراد و به خصوص در فواصل زیاد برخوردار باشند". (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۱۸).

ب) تعریف عملیاتی: مبنای سنجش متغیر وسایل ارتباط جمعی در این تحقیق، روزنامه و مجلات (مطبوعات) رادیوی ایران، تلویزیون ایران، رایوهای خارجی، تلویزیون خارجی، ماهواره و اینترنت می باشند که میزان استفاده از آنها شامل شش متغیر با سطح سنجش رتبه ای بود. فرانواگرایی فرهنگی

الف) تعریف مفهومی: فرانواگرایی را می توان با حرکت به سمت مصرف گرایی، دگرگونی سریع و بی وقفه، تأکید بر ظواهر و تصاویر، عدم قطعیت، پیش بینی ناپذیری، تردید در واقعیت و حتی پایان امر اجتماعی تعریف کرد (کراک و دیگران، ۱۹۹۸؛ الش و اوری، ۱۹۹۹؛ لایون، ۱۹۹۹ و اسمارت، ۱۹۹۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش فرانواگرایی فرهنگی، از ترکیب پنج بعد مورد تأکید در تعاریف و نظریه های مختلف (سیالیت روابط، بازاندیشی، نسبی گرایی فرهنگی، زوال عاطفه) استفاده شد که سؤالات در قالب طیف لیکرت نمره گذاری گردید.

بازاندیشی

الف) تعریف مفهومی: فرایندی مداوم و فراگیر که طی آن، فرد در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقی که افتاده است به نوعی بازپرسی از خود می پردازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای عملیاتی کردن این متغیر با توجه به نظریات گیدنز و بک، گویه هایی در مورد آزادی افراد در تغییر ظاهر خود، نگرش افراد به تعیین سرنوشت به دست خود، تجربه شخصی و کم اهمیت دادن به سنت در کنش های روزمره فرد طراحی شد.

سیالیت روابط

الف) تعریف مفهومی: "بر اساس تعریف میلبراث و گوئل: آن دسته از اعمال شهروندان است که سعی دارند سیاست و حکومت را تحت تاثیر یا پشتیبانی قرار دهند" (وان دت، ۲۰۰۱: ۴). مایکل راش "مسئولیت پذیری سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی تعریف می کند" (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

ب) **تعریف عملیاتی:** برای سنجشی این متغیر گویه هایی در مورد دوستی های زودگذر، اعتقاد به تکراری شدن دوستان و آشنایان، اعتقاد نداشتن به ازدواج های دائم، روابط سرد در نظر گرفته شد.

مصرف محوری

الف) **تعریف مفهومی:** "مصرف محوری عبارت است از اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و با خرید دارایی های مادی و مصرف گرایانه". (همان منبع).

ب) **تعریف عملیاتی:** برای عملیاتی کردن این متغیر گویه هایی با این مضمون تهیه شد.
زوال عاطفه

الف) **تعریف مفهومی:** "زوال عاطفه به معنای بی تفاوتی به مشکلات، رنج ها و نیازهای دیگران است".
ب) **تعریف عملیاتی:** برای عملیاتی کردن این متغیر گویه هایی در قالب طیف لیکرت (کاملاً مخالف، کاملاً موافق) طراحی شد. تعداد گویه های این بعد نیز شش گویه و سطح سنجش آن فاصله ای است.

اعتبار و روایی ابزار اندازه گیری

در این پژوهش به جهت برآورد اعتبار سوالات پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص ها با معرفت های پژوهش از طریق مراجعه به داوران می باشد. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر پژوهشگران از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیدند که شاخص گنجانده شده در سوالات، معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند. همچنین، برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت؛ به این صورت که تعداد ۳۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسشنامه مذکور کدگذاری و در نرم افزار spss پایایی آنها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ شده و گویای این واقعیت می باشد که سوالات پرسشنامه از انسجام درونی مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ مقیاس های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ		تعداد	متغیرهای پنهان	
مقیاس	خرده مقیاس		خرده مقیاس	مقیاس
۰/۷۶	۰/۶۷	۳	جامعه ای	مسئولیت پذیری اجتماعی
	۰/۷۳	۳	سیاسی	
	۰/۷۹	۴	فرهنگی	
	۰/۶۹	۳	اقتصادی	
	۰/۶۵	۳	زیست محیطی	
۰/۸۹	۰/۸۴	۴	اعتماد بین شخصی	اعتماد اجتماعی
	۰/۷۶	۷	اعتماد تعمیم یافته	
	۰/۸۷	۱۰	اعتماد نهادی	
۰/۸۳	۰/۷۷	۴	داخلی	رسانه های جمعی
	۰/۶۸	۴	خارجی	

۰/۷۸	۰/۶۹	۵	بازاندیشی	فرانوگرای فرهنگی
	۰/۷۱	۴	زوال عاطفه	
	۰/۶۹	۴	مصرف محوری	
	۰/۸۵	۵	سیالیت روابط	
۰/۸۶	۰/۸۹	۷	اعتقادی	دبنداری
	۰/۷۸	۹	مناسکی	
	۰/۸۱	۳	تجربی	
	۰/۷۵	۵	پیامدی	

جامعه، نمونه آماری، استراتژی نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

در این پژوهش با توجه به حجم جامعه آماری (گروه سنی ۱۸-۲۹ سال) از فرمول زیر استفاده شد: که در آن حد مطلوب اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته شد. در نتیجه، سطح احتمال مورد نظر (d) برابر با ۰/۰۵ و اندازه متغیر در توزیع طبیعی یا ضریب اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ است. برای تعیین واریانس، از پیش برآورد استفاده گردید. بزرگ ترین نمونه لازم برای پاسخ گویی به سوالات یک تحقیق وقتی به دست می آید که احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه (p) برابر ۰/۵ باشد. در این صورت، اشتباه استاندارد کم ترین مقدار را به خود می گیرد. همچنین، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جامعه آماری (N) افراد ۱۸-۲۹ سال ساکن در شهر تهران بزرگ برابر با ۲۲۱۹۶۵۳ است. با توجه به داده های بالا و فرمول کوکران حجم نمونه (n) برابر با ۳۸۴ نفر خواهد بود که این مقدار برای کاهش خطای ناشی از نمونه گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسشنامه ها به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها تجزیه و تحلیل داده ها در چند مرحله و با استفاده از نرم افزار اس پی اس^۱ انجام شد و به تناسب سوالات و فرضیات تحقیق از روش توصیفی یا تبیینی استفاده گردید. در بخش آمار توصیفی با توجه به سطوح سنجش متغیرها، از آماره های میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد و برای ایجاد مفاهیم مورد نظر - زمانی که سطوح سنجش گویه ها و سوالات با هم متفاوت بودند- از طریق استاندارد سازی امکان جمع آوری آنها فراهم آمد. در تحلیل دو متغیری نیز بنا به سطح سنجش متغیرها از آزمون های مقایسه میانگین ها، تحلیل واریانس^۳ و آزمون پیرسون استفاده گردید. به منظور انجام تحلیل چند متغیری و مشخص کردن سهم هر یک از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر وابسته، تحلیل رگرسیون چند متغیری انجام شد.

1. spss
2. T-test
3. F-test

یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲: آماره های پراکندگی مرتبط با ابعاد و مولفه های مسئولیت پذیری

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ماکسیمم	مینیمم	دامنه تغییرات	تعداد
مسئولیت پذیری جامعه ای	۳/۳۵	۰/۴۶۳	۵	۱	۴	۳۹۰
مسئولیت پذیری فرهنگی	۳/۱۷	۰/۷۴۰	۵	۱	۴	۳۹۰
مسئولیت پذیری سیاسی	۲/۸۷	۰/۵۰۷	۵	۱	۴	۳۹۰
مسئولیت پذیری اقتصادی	۳/۲۴	۰/۶۰۷	۵	۱	۴	۳۹۰
مسئولیت پذیری زیست محیطی	۲/۴۵	۰/۶۲۱	۵	۱	۴	۳۹۰
شاخص مسئولیت پذیری	۳/۱۶	۰/۵۷۴	۵	۱	۴	۳۹۰

داده های جدول فوق نشان می دهد که میزان احساس مسئولیت پذیری در ابعاد گوناگون آن متفاوت است؛ به طوری که میانگین احساس مسئولیت پذیری جوانان شهر تهران در بعد سیاسی ۲/۸۷ و بعد زیست محیطی آن برابر با ۲/۴۵ در مقایسه با سایر ابعاد پایین تر بوده است. بیشترین درصد مسئولیت پذیری مربوط به بعد اجتماعی با میانگین ۳/۳۵، بعد اقتصادی با میانگین ۳/۲۴ و بعد فرهنگی با میانگین ۳/۱۷ بوده است. با توجه به داده های حاصله می توان اظهار داشت که جوانان شهر تهران از نظر احساس مسئولیت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از وضعیت مطلوب و بالایی برخوردار می باشند، اما در بعد سیاسی و زیست محیطی مسئولیت پذیری آنها در حد پایینی قرار دارد. در کل میانگین احساس مسئولیت پذیری در جامعه مورد مطالعه ۳/۱۶ بوده که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می باشد نشان می دهد که میزان احساس مسئولیت پذیری در بین جوانان تقریباً در حد متوسط می باشد.

جدول ۳: آماره های توصیفی متغیرهای موثر بر مسئولیت پذیری

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ماکسیمم	مینیمم	دامنه تغییرات	تعداد
شاخص دینداری	۳/۴۵	۰/۷۹۸	۵	۱	۴	۳۹۰
شاخص فرانوگرایی فرهنگی	۲/۹۳	۰/۶۷۱	۵	۱	۴	۳۹۰
اعتماد اجتماعی	۳/۲۱	۰/۶۲۳	۵	۱	۴	۳۹۰
شاخص رسانه های داخلی و خارجی در کل	۲/۷۱	۰/۷۸۳	۵	۱	۴	۳۹۰

نتایج حاصل از جدول نشان می دهد که شاخص دینداری با میانگین ۳/۴۵ بالاترین میانگین و شاخص تاثیر رسانه با میانگین ۲/۷۱ کمترین میانگین را داراست، ولی همه متغیرهای مستقل دارای تاثیری در حدود

متوسط بر متغیر وابسته می باشند.

به منظور بررسی فرضیه های پژوهش در ابتدا به بررسی نرمال بودن توزیع نمرات می پردازیم. بدین ترتیب از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف استفاده شده که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات

سطح معنی داری	آماره کالموگروف اسمیرنوف	متغیرهای پژوهش
۰/۶۳	۰/۷۴۶	شاخص دینداری
۰/۲۲	۱/۰۴	شاخص فرانوگرایی فرهنگی
۰/۳۵	۰/۹۳۱	اعتماد اجتماعی
۰/۴۵	۰/۸۵	شاخص رسانه های داخلی و خارجی در کل
۰/۶۳	۰/۷۴۶	مسئولیت پذیری

بر اساس نتایج مندرج، سطح معناداری آماره محاسبه شده برای تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابر این فرض نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای پژوهش پذیرفته می شود.

آزمون فرضیه چند متغیره: آزمون رگرسیون چندگانه

جدول ۵: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر بر مسئولیت پذیری

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		عنوان متغیر
		Beta	اشتباه استاندارد	B	
۰/۱۲۴	۱/۵۴۸	-	۱/۳۵۵	۲/۰۹۶	عدد ثابت (<i>Constant</i>)
۰/۰۰۰	۳/۷۶	۰/۳۲۹	۰/۱۳۸	۰/۵۲۰	اعتماد اجتماعی
۰/۰۱۲	۲/۵۸	۰/۲۱۵	۰/۱۳۰	۰/۳۳۵	فرانوگرایی فرهنگی
۰/۰۰۰	۵/۶۹	۰/۴۹۰	۰/۱۰۹	۰/۶۲۳	دینداری
۰/۰۰۰	۳/۴۲	۰/۲۱۷	۰/۱۴۹	۰/۴۵۷	رسانه های جمعی

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود مقدار ضریب تعیین برابر است با: $R^2 = ۰/۳۵$ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می توانند تا ۳۵ درصد میزان مسئولیت پذیری جوانان را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۶۵ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است. همچنین جدول فوق بیانگر مقادیر ضریب رگرسیون و باقیمانده است و از آنجایی که مقدار رگرسیون معنادار شده است می توان به بررسی تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخت. در معادله رگرسیونی به شیوه Enter،

نخست کلیه متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی می شوند. سپس آن دسته از متغیرهایی که با متغیر وابسته رابطه معنادار ندارند و سطح معناداری شان بیش از ۰/۰۵ است، از معادله خارج می شوند. در این پژوهش نیز پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل به معادله رگرسیونی، متغیرهای اعتماد اجتماعی، فرانگرایی فرهنگی، دینداری و رسانه بر مسئولیت پذیری جوانان تاثیر داشتند و سایر متغیرها از معادله خارج شدند. به این ترتیب معادله رگرسیونی پژوهش عبارت است از:

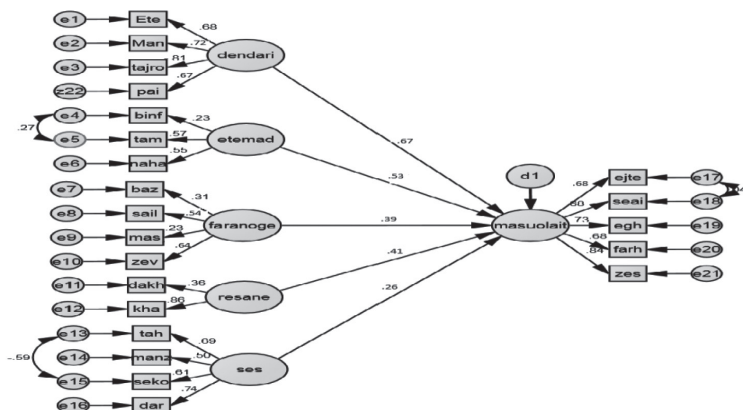
$$b_0x_0 + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + a = Y$$

دینداری ۶۲۳٪ + فرانگرایی فرهنگی ۳۳۵٪ + اعتماد اجتماعی ۵۲۰٪ + مقدار ثابت (۲,۰۹۷) = مسئولیت پذیری جوانان پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰۲۹٪ + میزان استفاده از رسانه های جمعی ۴۵۷٪ +
به این ترتیب، رگرسیون خطی فوق به میزان ۳۵ درصد می تواند مقدار Y (میزان مسئولیت پذیری جوانان) را پیش بینی کند.

مدلسازی معادلات ساختاری (کاربرد آموس^۱)

مدل های معادله ساختاری از جمله روش های آماری محسوب می شوند که براساس آنها می توان به طور همزمان مجموعه ای از متغیرهای آشکار و پنهان، درونی و بیرونی، مستقل و وابسته را در ارتباط یکسویه و دو سویه با یکدیگر ملاحظه کرد و مدل های تدوین شده بر مبنای چارچوب نظری را آزمود، نقاط ضعف و قوت آنها را یافت، اصلاحشان کرد و با تکرار مطالعات در جهت پایدار کردن مدل های نظری و یافته های علمی گام برداشت. همچنین این امکان را به پژوهشگر می دهد که ساخت ذهنی خود را در ارتباط با یک مسئله پژوهشی به آزمون گذارد؛ ساختی که بر گرفته از نظریه های علمی، مطالعات پیشین تجربی و ایده ها و باورهای خود در مورد یک مسئله پژوهشی را شکل داده و در قالب فرضیه یا فرضیه ها بیان شده است. بنابراین می توان چنین گفت که مدلسازی معادله ساختاری به منزله روشی برای برآورد پارامترهای تعریف شده در این مدل ها، مسیر را برای آزمون، اصلاح و در نهایت باز تدوین آنها هموارتر از گذشته کرده است. در این قسمت به آزمون اعتبار سازه ای وسیله اندازه گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم افزار آموس با در اختیار داشتن داده های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه ها می پردازیم. شکل زیر تصویر کلی آزمون مدل نظری تحقیق را نشان می دهد. در این شکل یافته ها حاکی از آن است که بین ماتریس واریانس نمونه ای و مشاهده شده تفاوتی وجود ندارد و شاخص های برازش مدل = ۵۸ = GFI ، $TLI = ۰/۹۷$ ، $CFI = ۰/۹۸$ ، $NFI = ۰/۹۷$ ، $chi-square = ۱۸۵/۸$ ، df به نسبت مناسب مدل هستند. همچنین مقدار $RMSEA = ۰/۰۵$ می باشد که برازش به نسبت خوبی را نشان می دهد. شاخص های مدل آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیله اندازه گیری وسیله مورد بحث را نشان می دهد. کلیه شاخص های تطبیقی مدل، نیز مقادیری نزدیک به محدوده پذیرش را نشان می دهند که به معنای توان نسبی مدل برای فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنها است. با توجه به درجه آزادی مدل، مدل فرا مشخص می باشد.

شاخص های برازندگی مدل معادلات ساختاری



Chi-square = ۲۹۸/۷۸ , df = ۷۳, NFI=۰/۹۱, CFI=۰/۹۵, GFI=۰/۹۲ , RMSEA=۰/۰۳۸
 مدل نهایی برآزش شده بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری برای پیش بینی عوامل موثر بر تغییرات خانواده

بحث و نتیجه گیری

در بررسی مسئولیت پذیری جوانان ایرانی و عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر آن باید گفت در جامعه‌ای همچون ایران که هنوز مدرنیته را به صورت کامل تجربه نکرده است، سخن گفتن از جامعه‌ی فرانوگرا گیج کننده به نظر می رسد. با وجود این نمی توان انکار کرد که برخی از مؤلفه‌های فرانوگرایی به جامعه‌ی ایران وارد شده و جامعه‌ی ما عناصری از سنت، نوگرایی و فرانوگرایی را در خود جای داده است و این عوامل در تعهدات جوانان ایرانی دینداری، میزان اعتماد و میزان مسئولیت پذیری آنها تاثیر گذاشته است. عناصر فرانوگرایی از طریق نیروهای جهانی شدن در بخش‌هایی از جامعه به صورت آشکار و پنهان وارد شده است. این عناصر در معماری و نوع پوشش و مراکز خرید و نوع رفتار و افکار جوانان به صورت آشکار و در برخی رفتارها و روندهای اجتماعی و فرهنگی به صورت پنهان قابل پیگیری است. پژوهش حاضر اثبات کرد یکی از مواردی که در کاهش مسئولیت پذیری جوانان نقش دارد، وزیدن نسیم فرانوگرایی در جامعه و فرهنگ ایران و رسوخ نیروهای جهان گرایی در آنهاست. در بررسی مسئولیت پذیری ناشی از ابعاد فرانوگرایی، میانگین مصرف گرایی عدد بالایی رانشان می دهد که حاصل جهانی شدن و کم رنگ شدن مرزهای فرهنگی جوامع در دوران حاضر است. این به نوبه خود باعث نفوذ عناصر نظام سرمایه داری به جامعه‌ی ما شده است و رسانه‌ها به عنوان یکی از مهم ترین نیروهای جهانی شدن، به نیازهای مصرفی کنشگران اجتماعی دامن می زند و آن را تقویت می کنند. همچنین گسترده شدن بازارهای جهانی و نفوذ آن به قلمرو کشور ایران، با تبلیغات زیاد و پر هزینه باعث ایجاد موجی از تغییرات فرهنگی در جهت تشویق به مصرف می شود. عوامل دیگری که در این میان نقش دارند، رسانه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی هستند. این شبکه‌ها، فرصت بحث و اظهار نظر و همچنین دریافت بازخورد این اظهار نظرها را فراهم می کنند و افراد در هر جای دنیا می توانند به صورت مساوی و با استفاده از امکان برابر در این بحث‌ها شرکت کنند. این موضوع روحیه‌ی

تساهل در جوانان را پرورش می‌دهد.

میانگین بعد بازاندیشی از میانگین مورد انتظار بیشتر است. پس می‌توان گفت که کنشگران ما زندگی روزمره خود، باتوجه به شرایط و موقعیت‌ها خود را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند. یکی از عناصر عمده جهانی شدن، عنصر ذهنی آن است. عنصر ذهنی همان باز اندیشی در جایگاه اجتماعی و هویت و آگاهی افراد است. آن گونه که برخی از اندیشمندان معتقدند فناوری‌هایی از قبیل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون سوپر مارکتی فرهنگی عمل می‌کنند و در این فضا، کنشگران در معرض کالاهای فرهنگی سایر نقاط جهان قرار می‌گیرند و در مورد آن تعمق می‌کنند. استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی باعث می‌شود که جوانان بیشتر در هویت خویش باز اندیشی کنند و هویت خود را با باز اندیشی به شکل جدیدی درآورند. گیدنز نیز با تاکید بر نقش اطلاعات، به نقش این پدیده در تجدید نظر اساسی در عرف و سنت‌ها اشاره دارد.

نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که استفاده از رسانه بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر است ($P = 0/000$). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ استفاده از رسانه بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر می‌باشد. از طرفی ضریب تاثیر رگرسیونی معادل ۰/۲۱۷ است که نشان دهنده میزان تاثیر گذاری رسانه بر متغیر وابسته می‌باشد. این فرض تایید نظریه گربرنر یا نظریه کاشت و تحقیق پیک و پان (۲۰۰۴) مبنی بر تاثیر رسانه های جمعی در جامعه پذیری و افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان می‌باشد.

همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر می‌باشد ($P = 0/000$). با توجه به نتایج به دست آمده از جدول، می‌توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ استفاده از رسانه بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر است. از طرف دیگر، ضریب تاثیر رگرسیونی معادل ۰/۳۲۹ می‌باشد که نشان دهنده میزان تاثیر گذاری اعتماد اجتماعی بر متغیر وابسته می‌باشد. فرض حاضر تایید نظریه دورکیم و تایید تحقیق خوشبین و همکاران (۱۳۹۰) است مبنی بر اینکه پیوند اجتماعی افراد و دارا بودن اعتماد اجتماعی عمیقاً در مناسبات اجتماعی به خصوص مسئولیت پذیری اجتماعی موثر می‌باشد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که فرانوگرایی فرهنگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر است ($P = 0/001$). با توجه به نتایج به دست آمده از جدول، می‌توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ فرانوگرایی فرهنگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر می‌باشد. از طرفی ضریب تاثیر رگرسیونی معادل ۰/۲۱۵ می‌باشد که نشان دهنده میزان تاثیر گذاری فرانوگرایی فرهنگی بر متغیر وابسته می‌باشد. فرض حاضر در جهت تایید نظریات طیف فرانوگرایی و تحقیق دان و همکاران (۲۰۱۲) گام برداشته است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که میزان دینداری بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان موثر می‌باشد ($P = 0/000$). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ بین دینداری و مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد. از طرف دیگر، ضریب تاثیر رگرسیونی معادل ۰/۴۹۰ می‌باشد که بیشترین تاثیر را بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان شهر تهران داشته است. بنابراین این عدد نشان دهنده میزان تاثیر گذاری دینداری بر متغیر وابسته می‌باشد. این فرض تایید نظریه دورکیم و گلارک و استارک و تحقیق اینگلهارت (۲۰۰۱) می‌باشد که معتقد بودند دینداری و اعتقادات مذهبی در بالا بردن مسئولیت پذیری اجتماعی تاثیر مثبت دارد.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۸۸). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- بودریار، ژان. (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی*. پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث
- باومن، زیگمونت. (۱۳۸۴). *عشق سیال (در باب پیوندهای انسانی)*. عرفان ثابتی. تهران: نشر ققنوس
- گلاک و استارک. (۱۹۶۵). *پرسشنامه دینداری*.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۵). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت
- خوشبین، یوسف. (۱۳۹۰). "بررسی مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد دوم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- سیدمن، استیون. (۱۳۹۱). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). *تقسیم کار اجتماعی*. باقر پرهام. بابل: انتشارات نقش جهان
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه (با تاکید بر نظریه‌های کارکرد گرایی، ستیز و کش متقابل نمادی)*. حسین بهروان. چاپ دوم، مشهد: نشر آستان قدس رضوی
- روشه، گی. (۱۳۶۶). *تغییرات اجتماعی*. منصور وثوقی. تهران: نشر نی
- طالبی، ابوتراب و خوشبین، یوسف. (۱۳۹۱). "مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان". فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۹.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). *مبانی نظریه‌های جامعه‌شناختی*. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی دوران معاصر*. م. ثلاثی. نشر علمی
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۵). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات ارسباران
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخص در عصر جدید*. ناصر موفیان. تهران: نی
- Giddens ,Anthony. (1995). **Politics, Sociology and Social Theory: Encounters with Classical and Contemporary Social Thought**. Cambridge :Polity
- Inglehart ,Ronald. (1999). **"World Values Survey"**. Institute for Social Research. The University of Michigan .
- Bourdieu, P. (1986). **"The forms of capital"**. In Richardson ,ed .Handbook of theory and research for the sociology.
- Dunn ,T & .Castro, A. (2012). **"Postmodern society and the individual: The structural characteristics of postmodern society and How they Shape who we Think we Are"**. Social Science Journal .5 ,298.
- O' Cass, A. (2001). **"Consumer self-monitoring, materialism and involvement in fashion clothing"**. Australasian Marketing Journal. 9 (1), 46–60.
- Adams ,M. (2006). **"Hybridizing habitus and reflexivity: Towards an understanding of contemporary identity?"**. Sociology, 40 (3), 511-528 .Hebdige,

- Dick. (1988). **Light the in hiding: Things and images** .Routledge .London
- Robertson, R. (1992). **Globalization, social theory and global culture** .London: sage
- Lyon, D. (1994). **Postmodernism** .London :Open University Press.
- West ,D & .Heath, D. (2011). **“Theoretical pathways to the future: globalization, ICT and social work theory and practice”**. Journal of Social Work. 11 (2), 209- 221.
- Fitz, P. T. (2001). **Welfare theory: An introduction**. London :Palgrave .Lash ,S& .
- Urry, J. (1994). **Economies of sings and space** .London :Sage.
- Smart, B. (1993). **Postmodernity**. London :Routledge.
- Kroker ,A & .David C. (1998). **The Postmodern scene: Excremental culture and hyper-aesthetics** .London :Macmillan.
- Beuman, Z. (1992). **Legislators and interpreters: On modernity and intellectuals**. Cambridge :Polity Press
- Inglehart, R. (2001). **“Globalization and Postmodern Values”**. The Washington Quarterly .The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts institute of technology. 23(1), 215 -228.
- Paek ,H .& Pan, Z. (2004). **“Spreading global consumerism: effects of mass media and advertising on consumerist values in China. Mass Communication and Society”**. 7 :42-60.
- Ross ,K & Nightingale ,V. (2008). **Media and Audiences**. London :McGraw Hill.
- Walsh, F. (2006). **Strengthening family resilience** .New York :Guilford Press
- Baker ,Anna. (2010). **Factor which influence pro-social behavior**. www.myfreearticle.com.
- Putnam ,Robert, D. (1999). **“The Prosperous Community: Social Capital and Public Life”**. The American Prospect ,Inc.



بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران)

فریبا شایگان^۱

محمد رحیمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

در این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی پرداخته خواهد شد. در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده و ابزار تحقیق، پرسشنامه بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران بودند که از میان آنها به روش کوکران تعداد ۴۰۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار (spss) پردازش گردید. با بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی و بر مبنای نظریه آنومی دورکیم، از جاکندگی گیدنز، کنترل اجتماعی هیرشی، جامعه شبکه‌ای کاستلز، وابستگی بال روکیچ و دی فلور، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه انتقال فرهنگی ساترلند به تدوین فرضیه‌ها اقدام شد. نتایج پژوهش مبین آن است که جوانان شهر تهران گرایش شدیدی به انحرافات اخلاقی دارند. بین مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیر مستقل) و گرایش به انحرافات اخلاقی (متغیر وابسته) با ابعاد اباحه‌گری عملی جوانان، خشونت و پرخاشگری جوانان، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری، عادی شدن روابط دختر و پسر، گسترش رفتارهای وندالیستی و ترویج همزیستی به جای ازدواج رابطه معناداری وجود دارد. نیکویی برازش مدل نظری بر اساس تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر، نشانگر آن است که بر حسب ارزش بتا (β)، در مجموع ۴۸ درصد از گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی ($R^2=0/48$) بستگی به مصرف

۱. دانشیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۲. دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: m.rahimi5564@gmail.com

بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران)

شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیرهای زمینه‌ای دیگری نظیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی، جنسیت، سن و میزان تحصیلات دارد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، انحرافات اخلاقی، ناپهنجاری، جوانان و شهر تهران

مقدمه

در قرن بیست و یکم، صاحب نظران علوم ارتباطات با اذعان به توانایی شگرف رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی افکار، نگرش‌ها و رفتار افراد، مطالعات مختلفی را در مورد سنجش میزان و نوع تأثیرات رسانه‌ها انجام داده‌اند. آنان بیان می‌دارند که وسایل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه‌ای، سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه به ویژه جوانان را تهدید کنند و الگوهای ناپه‌ن‌جار رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند. از سوی دیگر، می‌توانند با توجه به کارایی و توان رسانه‌ها، نرخ وقوع انحرافات اجتماعی را کاهش دهند که در این نوشتار برخی از کارکردهای فوق‌تیین گردیده است.

با ورود فناوری و وسایل ارتباط جمعی به حریم خصوصی افراد، ارزش‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته و موجب شده تا شاهد تغییراتی در رفتار و گفتمان نسل جوان باشیم. از جمله این وسایل، دسترسی آسان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ است. یافته‌های پژوهش‌های اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که جوانان بیشترین و مهم‌ترین کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران هستند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی نه تنها مهم‌ترین فعالیت آنان در اوقات فراغت به حساب می‌آید، بلکه بیشتر جوانان وقت قابل توجهی را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی اختصاص می‌دهند. آمارهای متعدد موجود از تعداد کاربران اینترنت در ایران و ایرانیانی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند فیس‌بوک و توییتر و ... عضویت یافته‌اند، نمایانگر گستره حضور خیره‌کننده رسانه‌های اجتماعی در میان جامعه ایرانی است (رحیمی، ۱۳۹۵: ۵).

بر اساس گزارش‌های مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران^۲ (۱۳۹۴)، ۵۳ درصد از کل مردم ایران حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند که در این میان، تلگرام به پرتعدادترین شبکه اجتماعی در بین مردم ایران تبدیل شده و تعداد کاربران تلگرام در ایران بیش از ۲۰ میلیون نفر است. نتایج نظرسنجی ایسپا نشان داد که ۵۶ درصد شهروندان مراکز استان‌ها، ۵۶ درصد شهروندان شهرهای درجه دو و ۴۲ درصد مردم روستاها حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند. همچنین، ۷۲ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله کشور اعلام کرده‌اند حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند. این میزان برای افراد ۳۰ تا ۴۹ ساله برابر با ۵۳ درصد و برای افراد بالای ۵۰ سال برابر با ۲۵ درصد است (فناوران اطلاعات، ۱۳۹۴: ۲). به طور قطع، این ضریب در شهر بزرگی مانند تهران که اغلب خانواده‌ها به اینترنت دسترسی دارند، بسیار بالا و به جرات می‌توان گفت که حدود دو برابر این رقم است. نکته قابل توجه این است که رشد این ضریب در ده سال گذشته در ایران تصاعدی بوده است و انتظار می‌رود که در سال‌های آینده نیز تشدید خواهد شد و از رشد آن گریزی نیست. یکی از مسائلی که به دنبال گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی مجازی در جهان امروز ایجاد شده است، تغییرات رفتاری جوانان می‌باشد. تغییر و تحول در رفتارهای جوانان امروزه دیگر مسئله‌ای منحصر به جامعه یا جوامعی خاص نیست، بلکه مسئله‌ای است که دیر یا زود، همه جوامع با آن رو به رو خواهند شد. همان گونه که گیدنز اشاره می‌کند، مسئله‌ای جهانی^۳ است. این واقعیت محض را همه احساس و درک می‌کنند که نهاد خانواده جامعه شهری امروز ایران به ویژه شهر تهران در حال تغییر است. آمارهای رسمی نشان از درگیری بیش از پیش جوانان با تکنولوژی‌های ارتباطی^۴ در ایران دارند؛ به طوری که در دور افتاده‌ترین نقاط ایران هم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی امری بدیهی به حساب می‌آید؛ اما تفاوتی که مصرف رسانه‌ای

1. virtual social networks

2. Ispa

3. Global issue

4. Communication technologies

کلانشهرها با سایر نقاط دارد، در میزان زمانی است که افراد به استفاده از این رسانه‌ها اختصاص می‌دهند و نیز اموری که تنها از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت یا موبایل میسر می‌گردد. امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن ساعتی از وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نکند و رفتار و افکارشان تحت تأثیر آن قرار نگیرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی امروزه بخش اعظم زمان جوانان را به خود اختصاص داده و به دلیل گستردگی و ناشناخته ماندن آن آسیب‌های اجتماعی چندی را بر رفتارهای آنان وارد کرده است (رحیمی، ۱۳۹۵: ۶).

بر این اساس، جوانان را می‌توان به عنوان سرمایه انسانی و یکی از ارکان توسعه یافتگی جوامع محسوب کرد که اگر به درستی تربیت نشوند، سلامت اجتماعی جامعه در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. کنش‌های نابهنجار که اغلب در حاشیه شهرها نمایان می‌گردد، سبب می‌شود همبستگی اجتماعی با چالش رو به رو شود و موجب هدر رفت سرمایه انسانی گردد. هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، با انواعی از انحرافات و مشکلات رو به روست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعامل هموار سازد. شناسایی عوامل مؤثر بر نابهنجاری‌های اجتماعی در کاهش اتلاف هزینه، اتلاف وقت و نیرویی که دولت‌ها صرف حل آن می‌کنند نیز اهمیت زیادی دارد. اداره قانون‌های اصلاح و تربیت، کانون‌های کارآموزی، سازمان زندان‌ها، نیروی انتظامی، دادگستری و هزینه‌های مربوط به آن، باری بر دوش بودجه هر کشوری است. در صورتی که اگر به صورت علمی عوامل دخیل در این معضل شناسایی شود، قسمت اعظم این بودجه را می‌توان صرف توسعه و بالندگی جامعه نمود.

ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مسئله نابهنجاری اجتماعی اختصاص یافته است که بر اساس آن دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی اقدام نماید و برای این کار نیاز به بهره‌گیری از مطالعات علمی آسیب‌شناسان اجتماعی از جمله جامعه‌شناسان دارد تا نابهنجاری‌های اجتماعی را مورد شناسایی و برحسب اهمیت اولویت بندی نمایند. از سوی دیگر، منابع آسیب‌ها و پیدایی آنها باید مورد علت‌کاوی قرار گیرد تا به قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل انحرافات اجتماعی دست یافته و با شیوه‌ای علمی به ترمیمی آسیب‌ها و اصلاح کجروان اجتماعی و توانمندسازی افراد در معرض آسیب پرداخته شود. پس برای مدیریت مسئله از طرف برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اجتماعی، انجام تحقیقات و مطالعات علمی توسط پژوهشگران اجتماعی امری ضروری است (محبوبی منش، ۱۳۸۷: ۱۴).

این مطالعه با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت و به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر بود:

- چه میزان از گرایش به اباحه‌گری عملی جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است؟
- چه میزان از تضعیف باورهای دینی جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است؟
- چه میزان از گسترش خشونت و پرخاشگری در میان جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است؟
- چه میزان از عادی شدن رابطه دختر و پسر نزد جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است؟

- چه میزان از رفتارهای وندالیستی جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است؟
- چه میزان از ترویج همزیستی به جای ازدواج در میان جوانان مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی

مجازی است؟

پیشینه تجربی پژوهش

ناظری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان تفاوت معیارهای دوست‌یابی نوجوانان در فضای مجازی و غیر مجازی" به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر سبک زندگی نوجوانان پرداخته است. پژوهش بیانگر این مطلب است که معیارهای دوست‌یابی در فضای مجازی و غیرمجازی دارای تفاوت‌های معناداری با یکدیگر است که می‌تواند نشانگر رابطه میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تغییرات سبک زندگی افراد باشد؛ چنان که در بررسی عوامل مختلف مؤثر در انتخاب دوست در دنیای واقعی مشخص شد که از نظر پاسخگویان مهمترین عامل «هم‌سن» بودن است. همچنین «اظهار محبت و مهربانی از جانب طرف مقابل»، «تأیید خانواده»، «مشترکات دینی و عقیدتی» و «هم‌جنس» بودن از دیگر عوامل مهم در انتخاب دوست در دنیای واقعی اظهار شده است، در حالی که در بررسی عوامل مؤثر در انتخاب دوست در دنیای مجازی، مهمترین دلیل «آشنایی تصادفی با وی» عنوان شده است. «اظهار مهربانی و محبت از سوی دیگری» و «قرار داشتن فرد مورد نظر در کانون توجه دیگران»، از دیگر عوامل مهم در انتخاب دوست در شبکه‌های اجتماعی است که خود بیانگر رابطه میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی و تغییر در سبک دوست‌یابی افراد است. علاوه بر این، در مقایسه معیارهای دوست‌یابی در دنیای مجازی و واقعی مشخص شد که بیشتر معیارهای دوست‌یابی در اینترنت و دنیای واقعی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند؛ به گونه‌ای که بر این اساس با آزمون‌های آماری با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که به غیر از «عوامل موقعیت اقتصادی و اجتماعی مشابه» و «جاذبیت ظاهری» که تفاوت معناداری در دنیای مجازی و واقعی نداشتند، میانگین سایر عوامل برشمرده شده در جدول معیارهای دوست‌یابی، با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

رجبی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "رسانه‌ها و ارزش‌های اخلاقی خانواده در سریال جستجوی پدر فارسی وان" بیان می‌دارد دو روش پیمایش و تحلیل محتوا در این پژوهش به کار گرفته شده است. هدف بخش پیمایش، انجام یک پژوهش مقدماتی پیرامون موضوع مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه برای رسیدن به پربیننده ترین سریال فارسی وان در شهر کرمانشاه بود. جامعه آماری تحقیق، همه افراد سال ساکن در شهر کرمانشاه است. بر اساس فرمول کوکران و به روش تصادفی منظم، تعداد ۶۰۰ پرسشنامه توزیع و بر اساس نتایج حاصل، بیش از نیمی از حجم نمونه، برنامه‌های شبکه فارسی وان را دنبال می‌کنند. زنان بیش از مردان و افراد مجرد بیش از افراد متأهل به دیدن سریال فوق علاقه دارند.

علیزاده اقدم و دیگری (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان" انجام دادند. در این تحقیق به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان شهرستان آران و بیدگل پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق، دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آران و بیدگل هستند که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی سیستماتیک، نمونه ۵۴۳ نفری انتخاب شده است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای معدل، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده، دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه و ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد، ولی تفاوت معناداری بین جنسیت و ناهنجاری‌های رفتاری وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان عبارت‌اند از: دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه، معدل تحصیلی، عملکرد جامعه، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده. متغیرهای باقی‌مانده در معادله رگرسیون با هم‌دیگر ۵۸/۹ درصد از

واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. بر همین اساس نمودار تحلیل مسیر ترسیم شده است. کفاشی و همکاران (۱۳۹۳) تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده و جامعه آماری تحقیق جوانان ۱۹ تا ۳۶ سال ساکن منطقه ۴ تهران می‌باشد. چارچوب نظری پژوهش، نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و نظریه هویت گیدنز است. محقق برای محاسبه نمره هویت اجتماعی افراد از مجموع نمرات شاخصه‌های هویت خانوادگی، فردی و گروهی استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش بر اساس محاسبه رگرسیون نشان می‌دهد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (همانگونه که گیدنز اشاره به خاصیت بازتابندگی هویت دارد) با هویت اجتماعی پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. از یافته‌های دیگر این پژوهش مطابق با دیدگاه کاستلز- مبنی بر تحت تأثیر قرار گرفتن فرهنگ و نظام باورها از درجه ارتباطات شبکه‌ای- رابطه معکوسی میان میزان استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت دینی افراد وجود دارد. همچنین، بین هویت مذهبی پاسخگویان و هویت اجتماعی آنان همبستگی و رابطه مثبت مشاهده شد. یکی از پژوهش‌های معروفی که به رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی پرداخته است، نظرسنجی است که به "نظرسنجی ۲۰۰۰" شهرت دارد. نظرسنجی ۲۰۰۰ توسط انجمن ملی جغرافیا از سپتامبر تا نوامبر ۱۹۹۸ برای اعضای پایگاه اینترنتی این انجمن که خود نوعی شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دادند، قابل دسترس بود. نتایج نظرسنجی ۲۰۰۰ بیانگر این مطلب است که افرادی که مدت طولانی‌تری در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند، به انواع بیشتری از فعالیت‌های اینترنتی پرداخته‌اند و رفته رفته میزان حضورشان در فضای وب بیشتر شده و فعالیت‌های آن‌ها در اجتماع غیرمجازی کمتر گردیده است. در حقیقت، شبکه‌های اجتماعی به موضوعی محوری در ساخت و بازسازی شیوه زندگی و فعالیت‌های مختلف اجتماع کاربران تبدیل می‌شود (ولمن و کوان هاس، ۲۰۰۸).

پارک و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی انگیزه‌ها و نیازهای دانش‌آموزانی پرداختند که از بازدیدکنندگان دائمی شبکه فیسبوک هستند. بررسی نشان داد که مشارکت و فعالیت در فیسبوک برای ارضای چهار نیاز اساسی بود: اجتماعی بودن، تفنن و سرگرمی، شناخت خویش و کسب اطلاعات. تنوع این نیازها به ویژگی‌هایی همچون جنس، شهر و زادگاه و مدت تحصیل آنها بستگی داشته و تجزیه و تحلیل بین نیاز کاربران و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنها نشان داد که کسب اطلاعات از طریق استفاده‌های تفریحی و تفننی به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌انجامد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که پتانسیل شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک سرگرمی، ابزار قدرتمندی برای توجیه علاقه جوانان به تجمع‌های دوستانه و درگیر کردن نسل جوان به عنوان مشارکت کنندگان فعال در جامعه است.

دیویس (۲۰۱۲) در مطالعه‌اش با عنوان "تنش‌های هویتی در عصر شبکه‌های اطلاعاتی؛ دیدگاه‌های جوانان درباره خطرات و فرصت‌های خود بیانگری در تجربه آنلاین"، به چگونگی تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر مسئله هویت و تصوراتی که جوانان درباره خود بیانگری در تجربه آنلاین دارند، می‌پردازد. او از طریق مصاحبه‌های عمیقی که با ۲۴ جوان ۱۵ تا ۲۵ ساله که به مدت طولانی در زمان مصاحبه با رسانه‌های دیجیتالی فعالیت می‌کردند، پرداخت. شرکت کنندگان در این مصاحبه مثل فیلم طراحی شده تصورات خودشان را از هویت در تجربه آنلاین و غیر آنلاین ارائه نمودند. او از طریق مصاحبه‌های سازمان یافته در چهارچوب تصورات ذهنی جوانان به‌طور خلاصه اطلاعاتی پیرامون راهبردهای جوانان برای وفق دادن تنش‌های هویتی در میان گوناگونی شناخت‌ها و تجربه خود و همسانی در عرصه شبکه‌ای شده دریافت نمود. این چهارچوب تصورات ذهنی شامل تعهد به هویت خود، تعهد به هنجارهای روابط بین شخصی، هنجارهای تجربه آنلاین و ارزش‌های سطح گسترده اجتماعی- که کارکرد ضمنی محدودکننده‌ای بر روی تعدد تجربه به خود دارند-

می‌باشد. او دریافت که وقتی شرکت‌کنندگان در تجربه آنلاین تصمیم می‌گیرند خودشان را در این عرصه‌های شبکه‌ای شده اطلاعات ابراز کنند، وزن هریک از این حوزه‌ها را تغییر می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بین آثار داخلی نمی‌توان تحقیق مستقلی را درباره رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به کج رفتاری اجتماعی و ارائه مدلی جهت تبیین انحرافات اخلاقی در ایران مشاهده کرد. در تحقیقات خارجی نیز بیشتر آثار به تقسیم‌بندی کلی از ناهنجاری‌ها و رفتارهای انحرافی و تحلیل کارکردهای مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته‌اند و بیشتر بر مبنای رویکرد مجازی‌سازی^۱ به تفکیک الگوها مبادرت کرده‌اند. از مرور این پژوهش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی به مواردی چون: اعتیاد اینترنتی، انزوای اجتماعی، درونگرایی، برقراردن رابطه صحیح در تعامل‌های اجتماعی، اختلالات خانوادگی، فردگرایی، کاهش ارتباط‌های خانوادگی، کمرنگ شدن هویت ملی و دینی، جذب در فرهنگ بیگانه، بی‌تفاوتی اخلاقی، کاهش فعالیت‌های مشارکتی و ... اشاره شده است. با وجود این، اگرچه بعضی از پژوهش‌ها به نقش مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز اشاره کرده‌اند، بیشتر محققان به ویژه در ایران با نظری منفی و با سوگیری ارزشی به شبکه‌های اجتماعی مجازی نگاه کرده‌اند و به عبارتی، نوعی رویکرد آسیب‌شناختی از این فن‌آوری ارائه نموده‌اند.

چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

به طور کلی بررسی ادبیات تحقیق، شامل تحقیقاتی که با استناد به دیدگاه‌های نظری مختلف به موضوع رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی در حوزه جوانان پرداخته‌اند، با وجود نظریه‌های کارآمدی که قدرت تبیینی بالایی در بررسی کجروی اجتماعی دارند، بیانگر خلأ تئوریک در بیشتر این مطالعات هستند؛ خلأیی که در نتیجه نگاه مطلق‌گرایانه^۲ و یک سویه به انحرافات اخلاقی در این تحقیقات پدید آمده است. منظور از نگاه مطلق‌گرایانه این است که در اغلب تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، محققان ابتدا بر اساس تعلقات نظری‌شان، رویکرد آسیب‌شناختی^۳ را مد نظر قرار داده و به دنبال تأیید تأثیرات منفی گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظریه‌های مطرح در این زمینه هستند و به همین دلیل به نتایجی رسیده‌اند که انحرافات اخلاقی به گرایش به شبکه‌های اجتماعی تقلیل داده شده است. باید توجه کرد که انحرافات اخلاقی، موضوعی چند بعدی و پیچیده است و نیازمند نظریه‌های سطوح مختلف خرد، میانه و کلان برای تبیین درست این پدیده هستیم. در این پژوهش، از نظریه‌ها و رویکردهایی استفاده می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع پژوهش مرتبط است. اگرچه، باید بر این نکته تأکید شود که این پژوهش هرگز مدعی آن نیست که یک مطالعه جامع را پی‌ریزی کرده است و عاری از نقص می‌باشد، ولی سعی نگارنده پژوهش بر این بوده است تا ضعف‌های عمده تحقیقات انجام گرفته در این حوزه را به حداقل برساند.

مطابق نظریه آنومی دورکیم، زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و درنهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست‌یازیدن این افراد به خودکشی و کج‌روی است. بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. در نظر

1. Sybrentic

2. Absolute

3. Phatological approach

دورکیم^۴، پیامدهای آنومی نیز به شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی شود. نتیجه این تعارض هم آن است که خواسته‌های وجدان جمعی- که در کنار نفوذ شخصیت اجتماعی و دیگر خواه فرد، نیروهای برانگیزاننده شخصیت فردی و خودخواه او را تحت کنترل دارد- کارایی خود را از دست می‌دهد. تضعیف این الزام‌ها و فشارها نیز سبب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند و اینجاست که آرزوهای نامحدود، لجام‌ها را می‌گسلد و فشارهایی را بر فرد وارد می‌آورد تا به رفتارهایی مانند کج‌روی یا خودکشی دست یازد؛ پدیده‌هایی که دورکیم آن را همان نادیده گرفتن مقتضیات وجدان جمعی می‌داند.

از دیدگاه گیدنز، روابط اجتماعی تحت تأثیر مدرنیته قرار دارند و تأثیر مدرنیته بر هر نوع رابطه‌ای، مانند پیوندهای خویشاوندی، روابط شخصی و عناصری از این دست غیر قابل انکار است. به باور وی، در دوران جدید پیوندهای خویشاوندی تحلیل رفته و "اینکه انواع خاصی از پیوندهای خانوادگی در برخی از محیط‌های جوامع مدرن نیرومند باقی مانده‌اند، نمی‌تواند به معنای این باشد که خویشاوندی هنوز همان نقشی را که زمانی در تنظیم زندگی روزانه اکثریت مردم بازی می‌کرد، ایفا می‌کند". مکان و پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند، دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط صمیمانه را فراهم کنند (لبیبی به نقل از گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۸۵).

نظریه کنترل اجتماعی، وقوع کج‌روی را بر حسب وجود ضعف در فرآیند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند. تراویس هیرشی (۱۹۶۹) پایه گذار نظریه کنترل اجتماعی بر این باور است که اجزای تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. ارتباط با سایر افراد؛
 ۲. پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد؛
 ۳. اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن.
- وی می‌گوید: "کیفیت هر کدام از موارد سه گانه فوق در هر مورد خاص می‌تواند موجد هم‌نوایی و نیز علت ناهم‌نوایی و کج‌روی باشد. به عنوان مثال، اگر کسی پیوندهای مختصری با افرادی که طرفدار هم‌نوایی و رفتارهای قانونی و قابل قبول هستند داشته باشد، احتمال کج‌روی در مورد وی افزایش می‌یابد. به اعتقاد کاستلز، رسانه‌های جدید نهاد ارزش‌های جوانان را در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار داده است. به عقیده وی، جامعه شبکه‌ای تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته و در چنین جامعه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگر هستند تا ساختار اجتماعی را بهبود بخشند (کاستلز، ۲۰۰۷). به عقیده کاستلز، شبکه‌ای شدن جامعه امروز معنای همه چیز و هر چیزی را مورد بازاندیشی قرار داده و مفاهیم تازه‌ای را ایجاد کرده است. اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و حتی مفاهیم عام‌تری همچون مکان و زمان در این فرآیند دگرگون شده یا همچنان در حال دگرگونی هستند و معانی و تعاریف نو و جدیدی به خود گرفته‌اند (عاملی، ۱۳۸۸: ۴). نظریه جامعه شبکه‌ای، تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی را بر همه ابعاد زندگی نشان می‌دهد و مطرح می‌کند که چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییر سبک زندگی افراد می‌شوند.

تئوری وابستگی بال روکیچ و دی فلور، جامعه شبکه‌ای کاستلز و الگوی رمزگذاری و رمزگشایی استیوارت هال، الگوهایی برای سازش الگوهای اثرهای محدود و الگوی اثرهای قدرتمند در این زمینه می‌باشند. نظریه وابستگی حاکی از آن است که افراد وابستگی‌های متفاوتی به رسانه‌ها دارند و این وابستگی از شخصی به شخص دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌کند. دی فلور و بال روکیچ

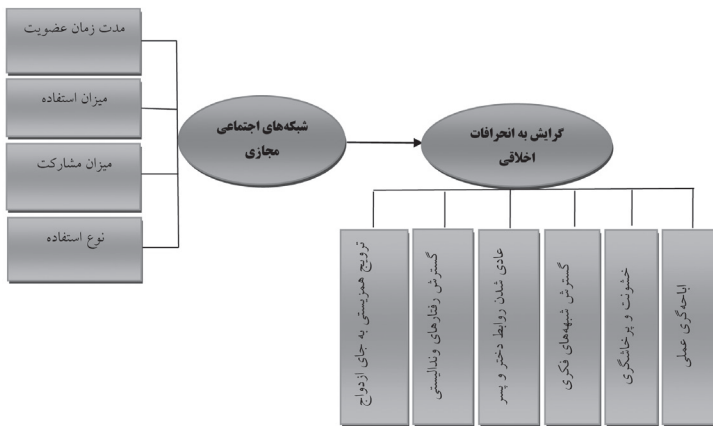
استدلال می‌کنند که به طور خاص در جامعه جدید شهری صنعتی، مخاطبان وابستگی‌های زیادی به اطلاعات رسانه‌ها دارند. این نظریه بر رابطه سه‌گانه رسانه‌ها، مخاطبان و جامعه تأکید دارد. در هریک از این سه واحد (جامعه، رسانه‌ها، مخاطبان) عواملی در افزایش یا کاهش میزان وابستگی رسانه‌ها دخالت می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که هرچه قدر وابستگی رسانه‌ای در ارتباط با یک پیام ویژه بیشتر باشد، این احتمال که پیام، شناخت‌ها، احساسات و رفتارهای مخاطب را تغییر دهد، بیشتر است. به کارگیری نظریه وابستگی کمک می‌کند برخی مطالعات را که اثرهایی برای رسانه‌ها نشان می‌دهند و مطالعاتی را که برای اثر رسانه‌ها اثر اندکی قائل هستند با هم آشتی دهیم. افراد ممکن است برای دریافت اطلاعات خود به رسانه خاصی وابسته شوند و افرادی را که به رسانه خاصی وابستگی دارند به داشتن تصویرهای مختلف از دنیا سوق پیدا می‌کنند. همچنین هرچه فردی بیشتر به رسانه‌ی خاصی وابسته باشد، احتمال اینکه پیامی در آن رسانه اثرهای موردنظر را داشته باشد، بیشتر است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۱۷-۴۱۲).

بر حسب نظریه یادگیری اجتماعی، الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. به اعتقاد او، رسانه‌ها مؤثرترین راه برای آموزش شیوه‌های جدید رفتاری هستند و به ویژه بر کودکان و نوجوانان تأثیر عمیق بر جای می‌نهند. فرایند مدل‌سازی در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار داد که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود. با توجه به این نظریه، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مجموعه‌ای از عوامل به ویژه قدرتمندی برای یادگیری اجتماعی هستند و تردیدی نیست که این نوع شبکه‌ها نقش عمده‌ای در اجتماعی ساختن نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، محتوای این رسانه‌ها حاوی القائات ارزشی بسیاری هستند که در اشکال متنوع و گوناگون و به شکلی دائم تکرار می‌شوند و احتمال دارد با القائات سیاسی، عقیدتی، فرهنگی همراه باشند و به سهم خود بر نظام ارزشی نوجوانان و جوانان مؤثر واقع شوند.

نظریه انتقال فرهنگی ساترلند انحراف را به عنوان رفتاری توجیه می‌کند که مانند همنوایی آموخته می‌شود یعنی از طریق ارتباط متقابل با سایر مردم فراگرفته می‌شود. در نتیجه، نظریه مزبور به بینش‌های طرفداران کنش متقابل نمادی نزدیک می‌شود و از آن‌ها برای فرایند جامعه‌پذیری انحراف استفاده می‌کند. جامعه‌شناسان در اوایل قرن حاضر متوجه شدند که میزان جرائم برای سال‌های بسیار در محلات یکسانی ادامه یافته است. این واقعیت چنین فکری را ایجاد کرد که ممکن است انحراف ریشه‌ای در فرهنگ‌های محلی باشد و سپس از آنجا به مرور زمان به اشخاص یا نسل‌های دیگر انتقال یافته باشد. ادوین ساترلند، نظریه‌ای تأثیرگذار برای تبیین دقیق چگونگی وقوع فرایند انتقال فرهنگی ارائه کرد. طبق نظریه او، رفتار انحرافی از طریق معاشرت^۱ با اغیار یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود. این مفهوم درواقع بیان دقیق‌تری از فرمول قدیمی «معاشران بد» است؛ چنان‌که گفته می‌شد «تا وقتی که با آن دسته معاشرت نداشت، آدم خوبی بود».

نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. این نظریه بیشتر بر فراگرد یادگیری فرهنگی تأکید می‌کند که در جریان آن کژ رفتاری و نابهنجاری آموخته می‌شود. این نظریه وضعیت رفتار را بیشتر از نظر زمینه‌های رشد و پرورش شخصیت فرد در نظر می‌آورد. همچنین بر اساس تبیین‌های خرده فرهنگی، بخش مهمی از رفتار انحراف‌آمیز معمولاً در چهارچوب یک گروه منحرف انجام می‌گیرد. اغلب مردمی که در انحرافی خاص با همدیگر اشتراک دارند، به‌منظور دوگانه حمایت متقابل و فراهم آوردن تسهیلاتی برای ارتکاب اعمال خلافشان، گرد هم می‌آیند (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

مدل نظری رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی



فرضیه‌های پژوهش فرضیه اصلی

بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباح‌گری عملی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و خسونت و پرخاشگری جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر در نزد جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گسترش رفتارهای وندالیستی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ترویج همزیستی به جای ازدواج نزد جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- انحرافات اخلاقی جوانانی که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند بیشتر از جوانانی است که که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای مطالعه و بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات

اخلاقی در بین جوانان از روش همبستگی یا همخوانی مبتنی بر روش تحقیق پیمایشی - به دلیل کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آن‌ها - به کمک استنباط علی استفاده شد. لذا به دلیل نوع روش مطالعه و تنوع و تعدد متغیرهای پژوهش و نیز به عنوان مهم‌ترین تکنیک در گردآوری داده‌ها، از تکنیک مصاحبه کتبی یا پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت در قالب روش میدانی یعنی مشاهده مستقیم پنهانگر استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران می‌باشند که بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعدادشان ۳۶۳۴۷۶۱ نفر برآورد شده است. به منظور تعیین حجم نمونه مناسب و با عنایت به جمعیت آماری تحقیق و نیز برآورد حجم نمونه به روش دیلیو. جی. کوکران نمونه‌ای (۳۸۳ نفر) با کمتر از ۵٪ خطا و ۹۵ درصد اطمینان مورد تخمین قرار گرفت. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. بر این اساس، در این تحقیق با ۱۰۶ نفر در خوشه جنوب شرقی (۵۳ دختر و ۵۳ پسر)، ۸۴ نفر در خوشه جنوب غربی (۴۸ دختر و ۳۶ پسر)، ۱۲۲ نفر در خوشه شمال شرقی (۵۵ دختر و ۶۷ پسر)، ۷۲ نفر در خوشه شمال غربی (۳۶ دختر و ۳۶ پسر) و در نهایت با ۴۰۰ نفر (۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر) در شهر تهران مصاحبه انجام شد.

در این پژوهش جهت برآورد اعتبار سؤالات پرسشنامه، از اعتبار محتوایی صوری و سازه‌ای استفاده شد. همچنین برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت؛ به این صورت که تعداد ۵۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه تنظیم شده را تکمیل کردند. روایی سازه‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار Lisrel عاملی انجام خواهد شد و سپس با اطمینان از اعتبار آن به تحلیل داده‌ها اقدام گردید. داده‌ها با نرم‌افزار spss در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفت و برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی پژوهش

شاخص	مقدار آلفا	تعداد گویه‌های حذف شده	تعداد گویه‌های تصحیح شده
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	۰/۷۶	----	----
اباحه‌گری عملی	۰/۷۰	----	۱ مورد
تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری	۰/۸۳	----	----
گسترش خشونت و پرخاشگری	۰/۶۹	----	۲ مورد
عادی شدن روابط دختر و پسر	۰/۸۵	۱ مورد	----
رفتارهای وندالیستی	۰/۶۸	۱ مورد	----
ترویج همزیستی به جای ازدواج	۰/۷۱	----	----
آلفای کلی	۰/۷۸	۲ مورد	۳ مورد

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه، از آزمون‌های آماری مناسب با هر یک استفاده گردید؛ به این ترتیب که جهت بررسی رابطه بین متغیرهای اسمی - فاصله‌ای در دو گروه مجزا از آزمون آماری t مستقل و در بیش از دو گروه مجزا از آزمون آماری f مستقل و برای بررسی رابطه بین متغیرهای فاصله‌ای - فاصله‌ای از آزمون آماری پیرسون بهره گیری شد. از رگرسیون چندگانه نیز برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (گرایش به انحرافات اخلاقی جوانان شهر تهران) استفاده شد. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار

spss نسخه ۲۳ مورد پردازش قرار گرفت. همچنین فرضیه‌های اصلی تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری آزمون شدند. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از این تکنیک به محقق یاری می‌رساند تا با متغیرهای اصلی درگیر در فرضیه به عنوان متغیرهای پنهان برخورد کند و خطاهای اندازه‌گیری را در برآورد پارامترهای مرتبط با آزمون فرضیه دخالت دهد. به منظور انجام محاسبات از نسخه ۲۳ دو نرم‌افزار spss و Lisrel استفاده گردید.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش متغیر مستقل (شبکه‌های اجتماعی مجازی)

تعریف نظری: یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب^۱ است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و در میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید جست و جو کنند (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۶). بر اساس تعریفی دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی، خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباطشان با دیگران را حفظ کنند و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (Boyd & Ellison, 2007: 12).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش از سه شاخص عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، متوسط زمانی که در شبانه روز صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌شود و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی برای سنجش شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌شود.

متغیر وابسته (گرایش به انحرافات اخلاقی)

انحراف اخلاقی به عنوان نمونه‌ای از کژ رفتاری اجتماعی^۲ به رفتاری اطلاق می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی‌گیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌گردد. (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵). انحراف اخلاقی را نیز می‌توان به عنوان عدم پایبندی به اصول اخلاقی و دست زدن به کارهای ناشایست تعریف کرد (معین، ۱۳۸۷: ۳۷۰).

این تعریف شامل تمامی رفتارهایی می‌شود که به نقض رفتارهای استاندارد شده منجر شود، در حالی که بسیاری از کجروی‌ها و رفتارهای غیراخلاقی، خلاف، عجیب و بیمارگونه‌اند. برطبق این تعریف، انحراف اخلاقی امری به شدت نسبی محسوب می‌گردد، زیرا محتوای آن از بافت فرهنگی و اجتماعی گروه‌هایی به دست می‌آید که انحراف اخلاقی در درون آنها رخ داده است.

در این پژوهش انحرافات اخلاقی در بین جوانان شهر تهران در شش بعد مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به تعریف نظری و عملیاتی آن‌ها پرداخته می‌شود.

اباحه‌گری عملی جوانان

تعریف نظری: اباحت عبارت است از: نداشتن اعتقاد به وجود تکلیف و روا داشتن ارتکاب محرمات. اباحتی، ملحدی است که همه چیز را مباح شمرد و ارتکاب محرمات را روا داند (معین، ۱۳۷۶: ۱۱۶). منظور از اباحه‌گری عملی جوانان در این پژوهش، بی‌توجهی جوانان به اخلاقیات و بی‌اعتنایی عملی به محرمات، منهیات و منکرات است و با شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود.

تعریف عملیاتی: اباحه‌گری عملی جوانان با شاخص‌های زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:
عدم اهتمام به اقامه نمازهای واجب، بی‌اعتنایی به روزه‌های ماه مبارک رمضان، عدم اعتقاد به پرداخت خمس و زکات و غیره؛

مصرف مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر در مهمانی‌های خانوادگی؛
استماع انواع موسیقی‌های زننده؛

اختلاط زن و مرد و دختر و پسر در مجالس عروسی؛

عدم رعایت شئونات شرعی و اخلاقی در روابط زن و مرد و دختر و پسر نامحرم؛

عدم رعایت پوشش لازم در رفت و آمدهای خانوادگی و آمد و شدهای دوستانه.

تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری

تعریف نظری: یکی از سازوکارهای تغییر ارزش‌های دینی، تضعیف اعتقادات و گسترش شبهه‌های فکری است. تضعیف باورهای دینی در این پژوهش، نمود و پدیدار شدن این باورها در رفتار و سبک زندگی جوانان می‌باشد.

تعریف عملیاتی: در این تحقیق شاخص تضعیف باورهای دینی جوانان در ۲ بعد اعتقادی و مناسکی و با شاخص‌های پایبندی به فرایض دینی، شرکت در زیارت اماکن مقدس، موافقت با ترویج دین در رسانه‌ها، گرایش به معنویت در دنیای مدرن، شرکت در سخنرانی‌های مذهبی، رعایت حجاب و عمل به گفته‌های روحانیون مورد سنجش قرار می‌گیرد.

گسترش خشونت و پرخاشگری

تعریف نظری: معمولاً خشونت با مفهوم پرخاشگری به کار برده می‌شود که در تعریف پرخاشگری آمده: اعمال خصمانه‌ای که از روی عمد صورت می‌گیرد و به افراد و اشیا آسیب می‌رساند. اریک فروم، همه اعمالی را که سبب آسیب رساندن به شخص، شیء یا جانور دیگر می‌شود یا با چنین قصدی صورت گیرد پرخاشگری می‌نامد (فروم، ۱۹۶۱).

تعریف عملیاتی: خشونت و پرخاشگری به عنوان آسیب اخلاقی در سه بعد زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

خشونت جسمانی: شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگدزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است؛

خشونت عاطفی: خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی به عنوان لفظی که در آن جوانان به خودپنداره شایستگی‌های اجتماعی دیگران حمله می‌کنند که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن نمود دارد؛

خشونت جنسی: عبارت از اینکه جوانان از جنس مخالف برای ارضای جنسی استفاده کنند که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد.

عادی شدن روابط دختر و پسر

تعریف نظری: منظور از عادی شدن روابط دختر و پسر پیش از ازدواج در این مطالعه، گستره‌ای از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج است (بدون حریمیت) که با انگیزه‌های مختلفی مانند صمیمیت، رفاقت، دل‌بستگی، فعالیت جنسی، تعهد، مراقبت و مبادله طرفین شکل می‌گیرد و در قالب شکل‌های دوستی چون: قرارهای عاشقانه، دوستی به منظور ازدواج، دوستی‌های خیابانی، هم‌خانگی و شکل‌های دیگر تداوم می‌یابد. بیشتر نظریه‌پردازان و محققان در عرصه نگرش سنجی، نگرش را دارای سه بعد شناختی، احساسی و تمایل به عمل می‌دانند (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳).

تعریف عملیاتی: در تعریف عملیاتی نگرش نسبت به عادی شدن روابط دختر و پسر در سه نوع شناختی، احساسی و تمایل به عمل با متغیرهایی نظیر نیاز به دوست داشته شدن، نیاز به ارتباط دوستانه داشتن، لذت‌جویی، شناخت جنس مخالف، تنهایی، کسب تجربه و پرکردن اوقات فراغت و پایه‌ریزی ازدواج - که به نظر می‌رسید عامل اصلی در برقراری رابطه باشد - پوشش داده شده است (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۴). این متغیرها در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش ترتیبی (رتبه‌ای) سنجیده می‌شوند.

رفتارهای وندالیستی

تعریف نظری: در اغلب تعاریف ارائه شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، محققان و صاحب‌نظران از آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده‌اند. خرابکاری را می‌توان جزو بزه کاری‌های ملایم به حساب آورد که معمولاً از دید مراجع قضایی قابل اغماض و چشم‌پوشی است. نمی‌توان چنین گفت که فقط آسیب‌رساندن به آثار تمدن، جزء وندالیسم است، بلکه هر گونه آسیب ارادی به اموال عمومی و خصوصی، اعم از این که آثار تمدن باشد یا نباشد - مثل آسیب رساندن به درخت - را می‌توان مشمول اعمال وندالیستی دانست (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۱).

خرابکاری‌های شهری، از جمله انحرافات اخلاقی هستند که در آن افراد سعی دارند نیازها، هیجانات و احساسات درونی خود را به شیوه‌ای بروز دهند و با در دسترس نبودن روش مناسب، به رفتارهای نابهنجار روی می‌آورند. در واقع، وندالیسم نوعی انحراف رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نیست و عموماً زمانی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نکنند. لذا وندالیسم نه تنها به عنوان انحراف اخلاقی و رفتاری بزه‌کارانه، بلکه "به مثابه معضل یا مسئله‌ای اجتماعی در بسیاری از جوامع از سوی صاحب‌نظران و آسیب‌شناسان مطرح شده است" (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۴).

تعریف عملیاتی: برای سنجش رفتارهای وندالیستی جوانان از دو شاخص رفتارهای مربوط به محیط زیست و رفتارهای مربوط به محیط اجتماعی استفاده می‌شود.

ترویج همزیستی به جای ازدواج

تعریف نظری: یکی از گونه‌های جدید روابط پیش از ازدواج بین دختر و پسر، روابط مبتنی هم‌خانگی است. این الگو، به زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون ازدواج با یک دیگر اشاره دارد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۳).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش نگارنده نگرش جوانان را نسبت به همزیستی (زندگی مشترک بدون ازدواج) با شاخص‌های ذهنی و عینی مورد سنجش قرار می‌دهد. بدین ترتیب که ابتدا نگرش جوانان را نسبت به این پدیده جویا می‌شود و سپس تجربه‌ای که در این مورد داشته‌اند مورد پرسش قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

توزیع پاسخگویان بر حسب گرایش به انحرافات اخلاقی

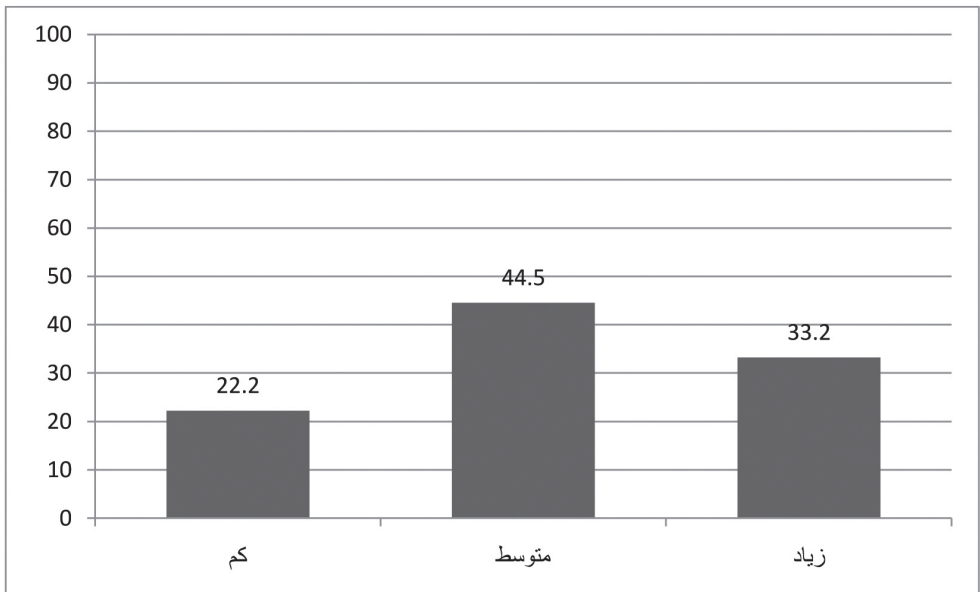
متغیر گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی از تلفیق ابعاد اباحه‌گری عملی، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری، خشونت و پرخاشگری، عادی شدن روابط دختر و پسر، رفتارهای وندالیستی و ترویج همزیستی به جای ازدواج ساخته شده است.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب گرایش به انحرافات اخلاقی

گرایش به انحرافات اخلاقی	تعداد	درصد
کم	۸۹	۲۲/۲٪
متوسط	۱۷۸	۴۴/۵٪
زیاد	۱۳۳	۳۳/۲٪
جمع	۴۰۰	۱۰۰٪

جدول ۲ نشان می‌دهد که گرایش به انحرافات اخلاقی در بین جوانان شهر تهران چه وضعیتی دارد. بیشترین تعداد پاسخگویان (۱۳۳ نفر و ۳۳/۲ درصد) گرایش زیادی به انحرافات اخلاقی دارند. همچنین، ۸۹ نفر از پاسخگویان (۲۲/۲ درصد) نیز گرایش کمتری به انحرافات اخلاقی دارند.

نمودار ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان گرایش به انحرافات اخلاقی



شاخص‌های آماری متغیر گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی و ابعاد آن

جدول ۳: شاخص‌های آماری متغیر گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی و ابعاد آن

تعداد	واقعی	انحرافات اخلاقی	اباحه‌گری عملی	تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری	خشونت و پرخاشگری	عادی شدن روابط دختر و پسر	رفتارهای وندالیستی	ترویج همزیستی به جای ازدواج
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
گم شده	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
میانگین	۲/۷۱	۲/۶۹	۲/۶۱	۲/۷۰	۲/۸۹	۲/۸۲	۲/۵۷	۲/۵۷
انحراف معیار	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۱۹
جذر واریانس	۰/۵۹	۰/۵۵	۰/۴۴	۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۴۳	۰/۳۸	۰/۳۸
واریانس	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۳۸	۰/۱۸۹	۰/۴۵	۰/۴۵
چولگی	۰/۳۰	-۰/۳۳	۰/۱۸	۰/۹۸	۰/۲۷	۰/۶۰۶	-۱/۵۰۶	-۱/۵۰۶
خطای معیار چولگی	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲
کشیدگی	۰/۱۸۹	۰/۱۲	۰/۱۴۳	۱/۷۴	-۰/۲۲۹	-۰/۱۵۹	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳
خطای معیار کشیدگی	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴
بازه داده‌ها (دامنه تغییرات)	۳/۳۸	۳/۰۸	۲/۴۶	۳	۳/۱۱	۲/۲۰	۳/۲۹	۳/۲۹
کوچکترین داده	۱/۲۳	۱	۱/۴۶	۱/۲۷	۱	۱/۴۰	۱/۱۲	۱/۱۲
بزرگترین داده	۴/۶۲	۴/۰۸	۳/۹۲	۴/۲۷	۴/۱۱	۳/۶۰	۳/۷۶	۳/۷۶

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، انحرافات اخلاقی در بین جوانان دارای ابعاد اباحه‌گری عملی، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری، خشونت و پرخاشگری، عادی شدن روابط دختر و پسر، رفتارهای وندالیستی و ترویج همزیستی به جای ازدواج می‌باشد. میانگین نمره در این متغیرها به ترتیب ۲/۶۹، ۲/۶۱، ۲/۷۰، ۲/۸۹، ۲/۸۲، ۲/۵۷ است. از دیگر نتایج این جدول می‌توان به این نکته اشاره کرد که کمترین میانگین نمره مربوط به بعد ترویج همزیستی به جای ازدواج (۲/۵۷) و بیشترین میانگین نمره مربوط به رفتارهای وندالیستی (۲/۸۲) است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی جوانان شهر تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
۱- میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ۲- گرایش به انحرافات اخلاقی	۰/۶۱۷	۰/۰۰۰	۴۰۰

با توجه به مقدار **sig** محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و چون این عدد کوچک تر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین، با توجه به شدت همبستگی به دست آمده ما که برابر با ۰/۶۱۷ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت قوی و با جهت مستقیم بین دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، میزان گرایش جوانان به انحرافات اخلاقی بیشتر می شود. بر این اساس، فرضیه اصلی پژوهش حاضر تأیید می شود.

فرضیه‌های فرعی: بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی جوانان شهر تهران (اباحه‌گری عملی، خشونت و پرخاشگری، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری، عادی شدن روابط دختر و پسر، رفتارهای وندالیستی و ترویج همزیستی به جای ازدواج) رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ به این ترتیب که رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با شاخص گرایش به انحرافات اخلاقی و ابعاد آن بررسی شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۵: رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با گرایش به انحرافات اخلاقی و ابعاد آن

متغیر	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		جمع
اباحه‌گری عملی جوانان	ضریب همبستگی	$r = ۰/۵۶۹$	۴۰۰
	سطح معنی داری	$sig = ۰/۰۰۰$	
خشونت و پرخاشگری جوانان	ضریب همبستگی	$r = ۰/۵۴۶$	۴۰۰
	سطح معنی داری	$sig = ۰/۰۰۰$	
تضعیف باورهای دینی جوانان	ضریب همبستگی	$r = ۰/۶۰۶$	۴۰۰
	سطح معنی داری	$sig = ۰/۰۰۰$	
عادی شدن روابط دختر و پسر	ضریب همبستگی	$r = ۰/۳۱۷$	۴۰۰
	سطح معنی داری	$sig = ۰/۰۰۰$	

۴۰۰	$r = ۰/۶۰۱$	ضریب همبستگی	گسترش رفتارهای وندالیستی
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۴۶۸$	ضریب همبستگی	ترویج همزیستی به جای ازدواج
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	

همان‌طوری که جدول فوق نشان می‌دهد رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی جوانان در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/56$) معنی‌دار است. به این ترتیب همبستگی مثبت، با شدت قوی و با جهت مستقیم بین دو متغیر میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی جوانان وجود دارد؛ بدین‌صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، میزان اباحه‌گری عملی جوانان نیز بیشتر می‌شود. همچنین، رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و خشونت و پرخاشگری جوانان در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/54$) معنی‌دار است. به این ترتیب که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد میزان خشونت و پرخاشگری جوانان نیز افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تضعیف باورهای دینی جوانان نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر در سطح معنی داری ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) با ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/60$) رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد؛ به این صورت که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، باورهای دینی جوانان تضعیف و سبب گسترش شبهه‌های فکری در آنها می‌شود. رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/31$) معنی‌دار است. به این ترتیب، همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر وجود دارد؛ بدین‌صورت که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد میزان عادی شدن روابط دختر و پسر نزد جوانان بیشتر می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گسترش رفتارهای وندالیستی نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر در سطح معنی داری ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) با ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/60$) رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد؛ به این صورت که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، میزان رفتارهای وندالیستی جوانان نیز افزایش می‌یابد. سرانجام اینکه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ترویج همزیستی به جای ازدواج در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/46$) رابطه دارد؛ یعنی هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد میزان ترویج همزیستی به جای ازدواج نزد جوانان بیشتر می‌شود.

تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه بین "استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی" به‌منظور تحلیل نقش متغیرهای مستقل بر گرایش به انحرافات اخلاقی از روش رگرسیون چندگانه به شیوه توأم استفاده شد. جهت مقایسه نقش متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیون بر روی متغیر وابسته از ضرایب استاندارد شده (Beta) استفاده شد. جدول ۶ یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه توأم را نشان می‌دهد.

جدول ۶: یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه توأم

ردیف	متغیر مستقل	B	SEB	Beta	sig
۱	X شبکه‌های اجتماعی مجازی ۱	۰/۲۸۰	۰/۰۴۶	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰

۲	X پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۲	-۰/۴۸۰	۰/۳۸	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰
۳	عرض از مبدأ	۰/۹۶۷	۰/۳۸۶		۰/۰۱۳

$$R=۰/۶۹۸ \quad R^2=۰/۴۸۷ \quad AdjR^2=۰/۴۷۹ \quad F=۹۶/۳۰۰ \quad Sig F=۰/۰۰۰$$

ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۶۹۸ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی متغیرهای پیش بین (متغیرهای مستقل) و متغیر معیار (گرایش به انحرافات اخلاقی) است. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل برابر ۰/۴۷۹ است و می توان گفت که ۴۷/۹ درصد از تغییرات متغیر معیار را می توان به وسیله رابطه خطی آن با متغیرهای پیش بین، تعیین نمود. p - مقدار به دست آمده جهت آزمون F بسیار کوچک تر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. بنابراین فرض H_0 مبنی بر ناهمبسته بودن متغیر معیار "گرایش به انحرافات اخلاقی" و متغیرهای پیش بین (متغیرهای مستقل) در جامعه رد می شود و می توان گفت که متغیر معیار و متغیرهای پیش بین همبسته می باشند. با توجه به ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت به دست آمده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه توأم معادله رگرسیون تحقیق به شکل زیر است:

$$Y = 0/967 + 0/280 X_1 + 0/480 X_2$$

همچنین، نتایج نشان می دهد که از میان متغیرهای مستقل که با متغیر وابسته رابطه معناداری داشته اند، متغیرهای زیر دارای نقش معناداری بر روی متغیر وابسته هستند و به طور تعاملی ۴۸/۷ درصد ($R^2 = 0/487$) تغییرات متغیر وابسته (گرایش به انحرافات اخلاقی) را تبیین می کنند:

(۱) شبکه های اجتماعی مجازی، (۲) پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه گرایش به انحراف اخلاقی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه های اجتماعی و فرهنگی بوده است؛ چرا که سرمایه انسانی یکی از مؤلفه های توسعه یافتگی جوامع محسوب می شود که اگر به درستی تربیت نشود، سلامت اجتماعی جامعه در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. این واقعیتی مشهود است که عوارض و تبعات شیوع انحرافات اخلاقی در جامعه پیآمدهای سوئی بر روی جوانان به عنوان سرمایه های اجتماعی جامعه خواهد داشت. رفتارهای غیر اخلاقی که اغلب در کلانشهرها نمایان می گردد، سبب می شود همبستگی اجتماعی با چالش رو به رو شود و سرمایه انسانی به هدر رود. لذا هر جامعه ای متناسب با شرایط خود، با انواعی از انحرافات و مشکلات رو به روست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. پژوهش های انجام گرفته در این حوزه نیز اکیدا نشان می دهند که ارزش های اخلاقی جوانان دچار تغییر شده و گرایش به نابهنجاری های اخلاقی به شدت در حال افزایش است. بر همین مبنا در این پژوهش عوامل مرتبط با گرایش جوانان شهر تهران به انحرافات اخلاقی با تأکید بر مصرف شبکه های اجتماعی مجازی، با توجه به چهارچوب نظری - بر اساس نظریه از جا کنده گی، آنومی دورکیم، حوزه عمومی و کنش ارتباطی و نظرات هابرماس در زمینه گفت و گو، تبیین های خرده فرهنگی انحراف، کنترل اجتماعی هیرشی، تئوری وابستگی بال روکیچ و دی فلور، یادگیری اجتماعی بندورا، نظریه کاشت و نظریه جامعه شبکه ای کاستلز) بررسی و متغیرهای مستقل در ارتباط با گرایش به انحرافات اخلاقی مورد تحلیل واقع گردید. یافته های پژوهش بیانگر این بودند که گرایش به انحرافات اخلاقی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران در حال افزایش است؛ به طوری که ۳۳ درصد از جوانان شهر تهران گرایش شدیدی به سمت رفتارهای نابهنجار اخلاقی دارند و شبکه های اجتماعی مجازی در این گرایش نقش بسیار مهمی دارد که در ادامه به یافته های

تجربی و نظری پژوهش می‌پردازیم.

با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه اول مشخص می‌شود که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از عوامل اصلی گرایش جوانان به اباحه‌گری عملی می‌باشد. این نتیجه همسو با یافته‌های عرب انصاری و همکاران (۱۳۹۳)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴) و چراتی و همکاران (۱۳۹۴) می‌باشد؛ بدین معنا که جوانانی که استفاده بیشتری از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌کنند، نسبت به ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی بی‌تفاوت می‌شوند. این یافته تحقیق در راستای تئوری کاشت می‌باشد، چرا که بر مبنای تئوری کاشت، به هر میزان که افراد ساعات بیشتری را در معرض پیام‌های رسانه‌ای باشند، این رسانه‌ها تأثیر عمیق‌تری را در نگرش‌ها و باورهای آن‌ها خواهند گذاشت. آنچه سبب می‌شود اباحه‌گری عملی به عنوان یک آسیب اجتماعی در حوزه جوانان شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه جوانان به وجود آمده است. از جمله این موانع، فضای بی‌پایان شبکه‌های اجتماعی مجازی است که وابستگی شدید به این فضا، اباحی‌گری عملی در رفتارهای جوانان را به همراه دارد. در واقع، از بین رفتن قبح روابط غیراخلاقی، از پیامدهای ناشی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی است، زیرا با مشاهده روابط جنسی در اینترنت و از بین رفتن قبح چنین روابطی، سطوح نازل‌تر این روابط مهم تلقی نمی‌شود و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوتی ایجاد می‌شود.

رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری جوانان نیز معنادار بوده است؛ یعنی فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی پیرسون ($Pearson\ Correlation = 0/54$) بین دو متغیر رابطه مستقیم برقرار است؛ به طوری که با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد. همچنین مقدار آزمون T نشان می‌دهد که تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری جوانانی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند ($3/40$) از جوانانی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند ($2/26$) بیشتر است. بنابراین شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش بسیار مهمی در تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهات فکری جوانان دارند. بر این اساس مطابق با نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز، دگرگونی‌های عظیمی در حوزه‌های هویت و فرهنگ پدیدار شده یا در حال ظهور است و این مسئله ارزش‌های نسل جوان را آماج تغییر قرار داده است؛ به طوری که از یک طرف، فرهنگ مدرن غالباً غربی در حال گسترش به سراسر جهان و بسط هژمونی خود است و از سوی دیگر، در برابر هژمونی این فرهنگ مدرن، در حوزه‌های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی مقاومت‌هایی در سراسر جهان حتی در بخش‌هایی از جهان توسعه یافته پدیدار شده است. در این فرآیند جوانان که از ارزش‌های دینی خود کنده شده‌اند، در جستجوی باورهای دینی و فکری جدید، دچار شبهات فکری شده و در نتیجه در دام فرقه‌ها و عرفان‌های نوظهور می‌افتند. پس در صورتی که نتوانیم هویت دینی و اسلامی جوانان را حفظ نماییم و آنها را رها کنیم، دیری نخواهد پایید که عواملی هم چون از خودبیگانگی جایگزین هویت‌های فوق خواهد شد.

بر اساس نتایج تحقیق حاصل از فرضیه سوم پژوهش، ارتباط بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گسترش خشونت و پرخاشگری جوانان نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به نظر می‌رسد گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و درگیری بیش از حد جوانان در فضای مجازی سبب غفلت آنان از رفتارهای بهنجار اجتماعی می‌شود. یافته‌های پژوهشی (مرادی، ۱۳۹۴) نیز حاکی از این امر است که حضور و تعامل در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث گسترش خشونت و پرخاشگری جوانان می‌شود؛ به طوری که در این شبکه‌ها جملات رکیک، خشم، خشونت و ناهنجاری بیشتری اشاعه داده می‌شود که منجر می‌گردد سلامت روانی جوانانی که بخش زیادی از زمان خود را در این شبکه‌ها سپری می‌کنند، دچار آسیب گردد. همچنین با

توجه به نظریه وابستگی بال روکیچ و دی فلور می توان استدلال کرد که هرچه وابستگی به شبکه های اجتماعی اینترنتی بیشتر باشد، احتمال این که شناخت ها، احساسات و رفتارهای مخاطبان تغییر یابد، بیشتر می شود. نتایج حاصل از فرضیه چهارم بیانگر این است که بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر نزد جوانان رابطه معنادار وجود دارد. ضرایب همبستگی پیرسون بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر نزد جوانان برابر با ($Pearson\ Correlation = 0/73$) و سطح معناداری آن صفر است. بدین ترتیب در تجزیه و تحلیل آماری این فرضیه رابطه معناداری تأیید گردید و مشخص شد که عادی شدن روابط دختر و پسر نزد جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند، بیشتر از جوانانی است که هیچ استفاده ای از شبکه های اجتماعی مجازی نمی کنند. در همین زمینه نیز تحقیقاتی که در مورد شبکه های اجتماعی مجازی و عادی شدن روابط دختر و پسر نزد جوانان انجام شده است (شاکریان و همکاران، ۲۰۱۴؛ چراتی و همکاران، ۱۳۹۴ و نوغانی و محمدی، ۱۳۹۵) ثابت کرده جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند، میزان عادی شدن روابط دختر و پسر نزد آن ها بیشتر است. به نظر می رسد در دهه های اخیر به دلیل تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از فرآیندهای نوسازی اجتماعی، رابطه با جنس مخالف خارج از چهارچوب قواعد پذیرفته فرهنگی شکل گرفته است. همچنین مطابق با نظریه جامعه شبکه ای کاستلز می توان گفت، شبکه های اجتماعی مجازی بر همه ابعاد زندگی جوانان تأثیر گذاشته و سبب تغییر سبک زندگی آنان شده است. به اعتقاد کاستلز، در نهایت نتیجه گسترش جوامع مجازی، دگرگون شدن زندگی بشری به گونه ای است که مناطق از معنای فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی خود تهی می شوند. نتایج حاصل از پژوهش برای فرضیه پنجم نشان داد بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و رفتارهای وندالیستی جوانان رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که گرایش به رفتارهای وندالیستی جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند و جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند دارای تفاوت معناداری می باشد. در این راستا مطابق با نظریه ساترلند، کوهن و گرینر می توان گفت که رفتار انحرافی از طریق انتقال فرهنگی آموخته می شود. بر این اساس اگر افراد جامعه با گروه های ناپهنجار و تحت تأثیر پیام های ناپهنجار رسانه ها در زمان طولانی و با فراوانی بیشتر قرار گیرند، احتمال هنجارشکنی تشدید خواهد شد. پس می توان ادعا کرد که بین یافته های میدانی با چارچوب نظری پژوهش (ساترلند، کوهن و گرینر) و همچنین نتایج پژوهش حسینی (۱۳۷۹)، صیادی و همکاران (۱۳۹۳) و بگ رضایی و پیری (۱۳۹۴) هم فراخوانی وجود دارد.

نتایج به دست آمده از فرضیه ششم نیز نشان داد بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و ترویج همزیستی به جای ازدواج در بین جوانان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی پیرسون ($Pearson\ Correlation = 0/46$) بین دو متغیر رابطه مستقیم برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می یابد. همچنین مقدار آزمون T نشان می دهد که ترویج همزیستی به جای ازدواج در بین جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند ($3/13$) از جوانانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند ($1/89$) بیشتر است. این یافته با نتایج پژوهش های گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸)، خلیج آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) و آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. پژوهش ها نشان می دهند که رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است و یکی از این گونه های رابطه جنسی پیش از ازدواج جوانان، همزیستی (هم خانگی) است. در تحلیل این فرضیه می توان گفت ورود و گسترش رسانه های ارتباط جهانی مانند شبکه های اجتماعی مجازی، در کلانشهر تهران سبک های زندگی متفاوتی را آفریده و ارزش های گوناگونی را شکل داده است. با ورود ارزش های جهانی از طریق ابزارهای جدید ارتباطی، به تدریج رفتارهای جدیدی نیز در میان جوانان شهر تهران شکل گرفته که از مهم ترین آن ها، گسترش

همزیستی به جای ازدواج است.

بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش منطبق با استدلال‌های نظری بیانگر این است که ارزش‌های جوانان تحت فرآیندهای مدرنیته قرار گرفته است و فن‌آوری‌های جدید و مدرن وارداتی هم که با خود ارزش‌های جدید و ناهماهنگ با نظام اجتماعی موجود را به همراه آورده‌اند، سبب بروز تحولات سریع در ارزش‌ها و هنجارهای جوانان شده‌اند. به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که ارزش‌های اخلاقی جوانان شهر تهران با چالش‌های اساسی رو به روست و ضرورت مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد مطالعه به شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به گسترش گرایش به انحرافات اخلاقی در بین جوانان شهر تهران که دارای کارکردهای چندگانه منفی است، لازم است مطالعات بیشتری بر روی این پدیده صورت گیرد تا با تدابیر واقع‌بینانه و کارشناسانه از پیامدهای منفی این پدیده اجتماعی جلوگیری شود.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم فعالیت دارند مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، شوراهای امور ورزش و جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه‌های عملی پیش‌گیرانه و هماهنگی بیشتر؛
- آگاهی‌دادن به خانواده‌ها برای نظارت و کنترل بیشتر بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم اخلاقی در صورت ارتکاب جرم توسط آنان؛
- اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر توسط دولت در محل‌های آسیب‌خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده‌ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند؛
- شناخت نیازهای روانی جوانان و اهتمام به آنها، زیرا به همان اندازه که کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط آنان مؤثر است، ارضا نشدن و یا ارضای ناقص آنها، اثرات نامطلوب به همراه دارد و علاوه بر تلخی زندگی به کام جوانان، آنان را به انحراف می‌کشاند؛
- توجه به مشکلات اخلاقی و رفتاری جوانان همچون: تماس تلفنی و نامه‌نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس مختلط، خودارضایی، چشم‌چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغ‌گویی، اعتیاد، ولگردی و...؛
- تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی؛
- استفاده از توان شبکه‌های اجتماعی مجازی با توجه به استقبال نوجوانان و جوانان برای گسترش روحیه دینی و تشویق آنان جهت حضور گسترده در نهادهای دینی؛
- حمایت دولت‌مردان از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بومی و جایگزین ایرانی دارای گرایش‌های ارزشی و در عین حال دارای جذابیت‌های لازم که اقدام مهمی برای ترویج شعائر اسلامی از دریچه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به شمار می‌آید. در همین راستا لازم است شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با محوریت دوست‌یابی سالم، دانش‌افزایی، اطلاع‌رسانی، کارایی، سرگرمی‌های مفید و رشد دینی افراد مورد حمایت جدی قرار گیرند. در چنین شرایطی شاهد گسترش ارزش‌های دینی و بومی از بستر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در جامعه حقیقی خواهیم بود؛
- با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش که مهم‌ترین راه‌حل‌های رابطه با جنس مخالف در قالب آزاد

گذاشتن اصولی و معقول جوانان، آموزش برای داشتن رابطه سالم و شناخت جنس مخالف، فرهنگ‌سازی، وجود رابطه تحت نظارت والدین، افراط و تفریط نکردن در رابطه، تغییر در طرز تفکر نظام حاکم، مشخص کردن هدف دوستی، کاهش تعصبات و سخت‌گیری‌های خانواده‌ها و گسترش محیط‌های سالم برای ایجاد رابطه بیان شده اند، پیشنهاد می‌شود ایجاد حساسیت در مورد رابطه با جنس مخالف از کودکی با تمهیداتی در راستای عملیاتی و هدایت کردن آن‌ها صورت گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، محمد حسین، شریفی‌زاده، ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). "هم خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران". جامعه‌پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال سوم. شماره اول.
- بگ رضایی، پرویز و پیری، روضان. (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی علل ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان شهرستان ایلام". فصلنامه دانش انتظامی. سال چهارم. شماره چهاردهم.
- چراتی، عیسی؛ نیمروزی ناوخی، نوروز؛ کاظمی، خاور و چراتی، مهدی. (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی کاربران متأهل". اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری). تهران: دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی. <http://www.civilica.com/Paper-ICPEEE-ICPEEE۰۲-۲۸۵.html>
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و مهریار آ میرهوشنگ. (۱۳۸۹). "بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران". فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال ششم، شماره ۲۴.
- رجبی، محمد. (۱۳۹۰). "رسانه‌ها و ارزش‌های اخلاقی خانواده در سریال جستجوی پدر فارسی".
- رحیمی، محمد. (۱۳۹۵). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران". پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- سورین، ورنر جوزف و تانکارد، جیمز دبلیو. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. علیرضا دهقان. تهران
- صیادی، محمد امین؛ فتحی، فریبرز و محمدی، میترا. (۱۳۹۳). "استفاده بی‌رویه از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ارتباط آن با سلامت روانی". نشریه سلامت و تندرستی در مدارس. شماره دوم. بهار و تابستان.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۸). شبکه‌های علمی مجازی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی و روند تحول آن در ایران. تهران: نشر آگه
- عرب انصاری، مهدی؛ رضایی، حسن و صالحی، مهدی. (۱۳۹۳). "بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در فروپاشی بنیان خانواده". فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی. سال نهم. شماره سی و یکم.
- عزیززاده اقدم، محمدباقر و محمدامینی، حمیده. (۱۳۹۲). "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان". فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. دوره اول، شماره ۲، تابستان.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی؛ نظریه‌ها مفاهیم و کاربردها. تهران: نشر ارسباران
- کفاشی، مجید و فلاحتی، علی. (۱۳۹۳). "تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر تهران". دو فصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات. سال بیست و یکم. شماره دوم.
- گرمارودی، غلامرضا؛ مکارم، جلیل؛ علوی، سیده شهره و عباسی، زینب. (۱۳۸۸). "عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران". فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی (پایش). سال نهم. شماره اول.

- لبیبی، محمد مهدی. (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. تهران: نشر علم
- محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۷). "تاملی کوتاه بر آسیب های اجتماعی به عنوان مسئله امنیت ملی". فصلنامه دانش انتظامی. سال هشتم، شماره سوم.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم: مبانی روان شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی وندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کژرفتاری اجتماعی. تهران: انتشارات آن
- مرادی، مریم. (۱۳۹۴). "بررسی نقش رسانه‌های نوین ارتباطی در ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی در میان جوانان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال منطقه ۴ استان تهران (بررسی موردی لاین و وایبر)". کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ معین. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: طهوری
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و ملک‌پور، علیرضا. (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهرکرد". فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره چهارم شماره ۱.
- ناظری، خدیجه. (۱۳۸۷). "بررسی میزان تفاوت معیارهای دوست‌یابی نوجوانان در فضای مجازی و غیرمجازی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نوغانی، دخت؛ بهمنی، محسن و محمدی، فردین. (۱۳۹۵). "گرایش به ارتباط با جنس مخالف: مطالعه‌ای در باب نوجوانان پسر مشهد". فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. سال هفتم، شماره اول.
- ولمن، بری و کوان هاس، آنتونی. (۱۳۸۵). شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و تعهد اجتماعی. شیرزاد فلاح آزاد. تهران: فرهنگ و فناوری
- Devis, K. (2012). "Tensioof identity in a networks era: young people's perspectives on the rike and rewards of online self-expression". Journal new media and society. 14 (4).
- Park, Namsu, Kerk F. kee and Sebastian, Valenzuela. (2009). "Being Immersed in Social Networking Environment: Face book Grups, Uses and Gratifications and Social Outcomes". Cyber Psychology and Behacior. 12 (6).
- Shakerian, Ata, Nazari, Ali-Mohammad, Massomi, Mohsen, Ebrahimi, Painaz. (2014). "Investigating Personality and Pre-Marital Affair whit Opposite Sex among University Student of Sannadaj City". Procedia – Social and Behaviaorial Sciences. 114: 327-333.

جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج

سهیلا صادقی فسایی^۱
سید محسن بنی جمالی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

مقاله حاضر به مطالعه مقدمات ازدواج جوانان و نیز راهبردهایی که ایشان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند، می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه درک جوانان از مقدمات ازدواج با راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج مرتبط است. روش مطالعه، کیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. تحلیل اطلاعات با روش تحلیل تماتیک صورت پذیرفته است. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰ تن از افراد زن و مرد و مجرد و متأهل است که بیشتر بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سال واقع اند.

مطالعه مقدمات ازدواج را در سه مقوله مقدمات غیرمادی، مقدمات مادی و مقدمات اجتماعی خلاصه می‌کند. سه گونه مقدمات ازدواج قابل تبدیل به یکدیگرند. از حیث طبقاتی هر چند تمام طبقات به جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج اشاره می‌کنند، اما شدت توجه طبقات پایین به این مقوله بیشتر است. نیز توجه به جنبه‌های ذهنی در بین طبقات متوسط و بالا بیشتر مشاهده می‌شود. بر این اساس برای فردی از طبقه متوسط یا بالا مقدمات ازدواج بیشتر امری ذهنی و برای افرادی از طبقات پایین، امری عینی و مربوط به شرایط مادی و عینی زندگی است. مطالعه نشان داد که در توجه به مقدمات ازدواج خانم‌ها تأکید بیشتری بر جنبه‌های ذهنی و حتی سرمایه اجتماعی و آقایان تأکید بیشتری بر جنبه‌های عینی و مادی دارند. نیز برای خانم‌ها وجود خواهان و خواستگار امری مفروض در ازدواج است که بسیار متأثر از سرمایه اجتماعی و یا حتی اعتبار اجتماعی خود فرد می‌باشد.

راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج برآمده از دو جهت‌گیری کلی ازدواج یکباره و ازدواج

۱. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: ssadeghi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پیش‌بینی شده یا برنامه‌ریزی شده است. شواهد آشکار می‌سازد که راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج تحت تأثیر جنسیت است. در این مورد بدان علت که جنبه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر در ازدواج برای خانم‌ها بیشتر از آقایان است. راهبردهای آنها نیز در رو به رو شدن با ازدواج پیش‌بینی‌ناپذیرتر و منعطف‌تر است.

تفوق رویه میانه در راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج آشکار می‌سازد که جوانان در این زمینه هم از برنامه‌ریزی سود می‌برند و هم به خاطر طبیعت نامطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیر گذار، از برنامه‌ریزی تمام جزئیات فاصله می‌گیرند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه منعطف باشند و در این باره راهبرد برنامه‌ریزی را با آنچه که پیش می‌آید، ترکیب کنند. در این مورد طبقه، آشکارا عامل تمایز است؛ به گونه‌ای که طبقات بالاتر بر جنبه‌های فردی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و خطوط راهنما و طبقات پایین‌تر بر شانس و اقبال تکیه می‌کنند.

مطالعه آشکار می‌سازد علیرغم آنکه جوانان مسئولیت ازدواج را متوجه خود می‌دانند، اما همچنان در این زمینه تحت تأثیر عوامل ساختاری مثل طبقه و جنسیت هستند. براین اساس، جوانان درگیر آن موقعیتی هستند که با عنوان خطای شناخت شناسانه مدرنیته متأخر از آن یاد می‌شود. از این منظر جوانان درگیر موقعیت متناقضی هستند که بر اساس آن ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج به خود نیز تردید نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را ندارند.

واژگان کلیدی: جوانان، ازدواج، مقدمات ازدواج، مدیریت ازدواج، راهبردهای ازدواج و خطای شناخت‌شناسانه مدرنیته متأخر

مسئله

در مباحث مربوط به گذار به بزرگسالی، مقدمات ازدواج محل مناقشه فراوان است؛ اینکه این مقدمات چیست، شامل چه جنبه‌هایی است و در نهایت چه رابطه‌ای بین این مقدمات و تصمیم‌گیری برای ازدواج وجود دارد. حوزه مربوط به مقدمات ازدواج با حوزه سیاستگذاری اجتماعی نیز مرتبط و موضوع مباحثه‌های بسیار از سوی سیاستمداران بوده است. بسیار سؤال می‌شود که وظیفه دولت در مدیریت گذار جوانان به بزرگسالی چیست و عوامل مختلف هر یک چه نقشی در ایجاد مقدمات ازدواج دارند. این مباحث آنچنان دارای اهمیت است که در موارد بسیار مبنای جناح‌بندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و آرایش نیروهای سیاسی را شکل می‌دهد. به همین دلیل، مقاله حاضر مقدمات ازدواج جوانان را مورد بررسی قرار داده است تا در تجزیه و تحلیل بر اساس آنچه که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شده است، آن تم‌های اصلی را که در برگیرنده جنبه‌های مختلف مقدمات ازدواج است به دست آورد. به علاوه، این مقاله می‌خواهد آن راهبردهای اصلی را که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند، شناسایی نماید تا از آن طریق تم‌های اصلی این راهبردها را نیز به دست آورد. هدف مقاله از مقایسه این دو حوزه اصلی آن است تا به دریافت اثر مقدمات ازدواج بر راهبردهای ایشان در ازدواج نزدیک شود.

بر این اساس مسائل اصلی این مقاله به قرار زیر تعریف می‌شود:

- مقدمات ازدواج جوانان چیست؟

- جوانان چه راهبردهایی در رو به رو شدن با مسئله ازدواج اتخاذ می‌کنند؟

- راهبردهای جوانان در رو به رو شدن با ازدواج چه رابطه‌ای با مقدمات ازدواج می‌یابد؟

مروری بر ادبیات

مسئله مقدمات ازدواج بیش از هر جای دیگری در مطالعات مربوط به تأخیر سن ازدواج مطرح می‌شود. در این باره خرازی، مطلق و صدریان (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای نشان دادند که اساسی‌ترین مشکل ازدواج دانشجویان، عدم یافتن فرد مناسب با توجه به معیارهای ازدواج فرد و نیز ترس از افت تحصیلی است. این در حالی است که مصری‌نژاد (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای عمومی‌تر در همان سال نشان داد که کسب استقلال مالی و سطح تحصیلات بالاتر، علت اصلی به تعویق افتادن ازدواج زنان است. محمودیان (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای درباره سن ازدواج بیان می‌دارد که میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج همبستگی دارد، ضمن اینکه شهرنشینی، اشتغال زنان، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندی دورتر اثر مستقیمی بر سن ازدواج باقی می‌گذارد. در کار محمودیان آشکار می‌شود که میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت، اثر معنی‌داری بر سن ازدواج دارد. نیک منش و کاظمی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای درباره دختران و پسران بالای ۲۵ سال شهر زاهدان نشان می‌دهند که مهمترین دلیل ازدواج نکردن دختران به اظهار خود ایشان، نیافتن فرد مناسب و نیز ادامه تحصیل است. این در حالی است که پسران در این باره به مشکلات اقتصادی و بیکاری اشاره کرده و آن را دلیل ازدواج نکردن خود برشمرده‌اند. ایشان با طرح مسئله امید به ازدواج در آینده نشان می‌دهند که میزان امید به ازدواج جوانان برای پسران بیشتر از دختران است؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد مسئله ازدواج تا چه اندازه جنسیتی است. صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) مطرح می‌کنند که بنا بر نظر جوانان، موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا شدن شرایط مالی مناسب و برای دختران، بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی است. به همین دلیل از منظر ایشان مشکل دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل دائم برای پسران و نیز یافتن فرد مناسب برای

دختران زمینه ساز مسئله ازدواج در میان جوانان شده است.

علیرغم آنکه طیبی نیا (۱۳۹۳) اهمیت بیشتر موانع فرهنگی و اجتماعی را نسبت به موانع اقتصادی و حاکمیتی در تأخیر ازدواج جوانان مطرح می‌کند، اما نقیبی و حمیدی (۱۳۹۴) نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی و اجتماعی، مهمترین عوامل تعیین فضای مفهومی نگرش به ازدواج هستند. مطابق با مطالعه ایشان متغیرهای شاغل بودن (در بین عوامل اقتصادی)، مسئولیت‌پذیری (در بین عوامل اجتماعی)، نیافتن فرد مناسب (در بین عوامل فردی)، و اعتقادات مذهبی (در بین عوامل فرهنگی) اهمیت بیشتری دارند. در مطالعه‌ای دیگر رستگار، رحیمی و عظیمی (۱۳۹۴) مطرح می‌کنند که عوامل اجتماعی و سپس اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر دیررسی ازدواج جوانان دارند. آنها نشان می‌دهند که چگونه عواملی مانند ادامه تحصیل و مهاجرت باعث به تعویق افتادن ازدواج جوانان می‌شود. محمدی سیف و عارف (۱۳۹۴) نیز در تحلیل خود از مطالعات انجام شده درباره ازدواج جوانان مطرح می‌کنند که نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده به همراه نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره بهای آن و ادامه تحصیل مهمترین عوامل بازدارنده جوانان از ازدواج است. در این باره نصرتی نژاد، شریفیان و محمدی (۹۵) نیز نشان می‌دهند که از بین عوامل مختلفی که در کار ایشان مورد بررسی قرار گرفته است، تنها هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردانه بر دیرنگامی ازدواج در شهرستان طارم تأثیر می‌گذارند. سرانجام التجایی و عزیززاده (۹۵) در بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی بر سن ازدواج نشان می‌دهند که متغیرهای تورم و بیکاری مهمترین تعیین‌کننده‌های سن ازدواج مردان و زنان است. جمع‌بندی از مجموعه مطالعاتی که درباره عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج جوانان انجام شده است نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی به خصوص اشتغال جوانان همچنان مهمترین تعیین‌کننده ازدواج پسران و انتخاب زوج مهمترین تعیین‌کننده ازدواج دختران است.

روش شناسی پژوهش

از آنجا که مطالعه در جستجوی فهم و به دست آوردن روایت‌های پاسخگویان از فرآیندهاست، از روش کیفی استفاده می‌کند. روش کیفی کمک می‌کند تا امکان شناخت عمیق فرآیندها فراهم آید. نیز بسیار اهمیت دارد که به دست آید جوانان چه درک و تفسیری از موقعیت و از فرآیندهای ازدواج دارند. درک و تفسیر جوانان از موقعیت کمک می‌کند تا شناخت میدان از منظر خود جوانان پیگیری شود و در نهایت نیز به دست آید که جوانان با چه درکی از موقعیت و با چه تفسیرهایی از عوامل مختلف با مسئله رو به رو می‌شوند. دریافت درک و تفسیر جوانان از موقعیت آشکارا از راه روش کیفی حاصل خواهد شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه است، زیرا مصاحبه در فرآیند تعامل چهره به چهره بازنمایی کاملی از زندگی روزمره فراهم می‌سازد و بنابراین بیش از هر چیزی مشوق مطرح ساختن تجربه واقعی مشارکت‌کنندگان است (راپلی، ۲۰۰۷، ص. ۱۶). به علاوه، مصاحبه امکان دستیابی به گزارش‌های واقعی^۱ از تجربه مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌آورد (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴، ص. ۲۹۸). از این منظر این مطالعه تلاش می‌کند تا از طریق روش کیفی و مشخصاً مصاحبه و به دست آوردن روایت‌های پاسخگویان به شناخت مسئله نائل آید.

انتخاب نمونه‌ها به شکل هدف‌دار و براساس دو رویه انتخاب مبتنی بر اطلاعات^۲ و نیز انتخاب مبتنی بر موارد با حداکثر تغییرات^۳ انجام شد (ن. ک. به مرکنز، ۲۰۰۴، ص. ۱۶۵-۱۷۱ و نیز راپلی، ۲۰۱۴، ص. ۴۹-).

1. factual
2. information-oriented
3. maximum variation cases

۶۳). به همین دلیل نیز جنسیت، سن، وضع تأهل و طبقه در انتخاب نمونه‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت. در نهایت، تعداد نمونه‌ای که مورد پرسش قرار گرفت ۲۵ تن بود که متن مصاحبه ۲۰ تن از آنان برای تجزیه و تحلیل‌ها انتخاب شد. از این میان، ۱۰ تن مرد و ۱۰ تن نیز زن بودند. نیز مجردها و متأهلان هر دو به نسبت لازم در مصاحبه حضور داشتند. به همین ترتیب از سنین مختلف نیز نمونه‌هایی در نظر گرفته شد. همچنین، به عمد و در جهت به حداکثر رساندن اطلاعات، نمونه‌هایی از طبقات درآمدی مختلف انتخاب شد. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل آمد.

اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ به دست آمد که به صورت فردی و چهره به چهره انجام شد. اجرای مصاحبه بیشتر در مکان‌های عمومی از جمله پارکها صورت پذیرفت. تمامی مصاحبه‌ها، واج‌نویسی^۲ شد و سپس "متن" مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (ن. ک. به ینکس، ۲۰۱۱ و کوال و اکائل، ۲۰۱۴). در منظم ساختن اطلاعات نیز از نرم‌افزار مکس کیو دی ای^۳ استفاده شد.

از آنجا که مطالعه در جستجوی واقعیت است و با اطلاعات به مثابه منبع^۴ شناخت برخورد می‌کند و نیز داده‌های حاصل از مطالعه را به منزله گزارش‌هایی^۵ از وقایع و تجربیات تلقی می‌کند، هسته اصلی تحلیل داده‌ها مبتنی بر روش استقرایی است؛ هر چند جزء ابداتی^۶ نیز دارد، زیرا در جریان توسعه کدها، مقوله‌ها و مفاهیم نظری با نوعی غافلگیر شدن و گمانه‌زنی و خلاقیت نیز رو به روست (ن. ک. به برینکمان، ۲۰۱۳، ص. ۱۲).

روش تحلیل داده‌ها نیز بر سه مرحله تقلیل داده‌ها (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴، ص. ۳۰۴)، سازماندهی مجدد داده‌ها از طریق ایجاد مقوله‌ها (ن. ک. به همان) و سرانجام بازنمایی و تفسیر داده‌ها بر اساس تحلیل تمی استوار است (ن. ک. به سالدانا، ۲۰۰۹، ص. ۱۳).

در متن مقاله در جایی که شواهد ارائه می‌شود، ویژگی‌های فرد مصاحبه‌شده قبل از نقل قول آورده شده است (به عنوان مثال، مرد جوان بیست و هشت ساله که دارای مدرک لیسانس بیمه و در شرف ازدواج است)، ضمن اینکه در پایان هر نقل قول نیز شماره ارجاع که شامل شماره مصاحبه و شماره پاراگراف است ارائه شده است. به عنوان نمونه، شماره ۱۱-۵۹ نشان می‌دهد که شاهد مثال ارائه شده مربوط به مصاحبه شماره ۱۱ و پاراگراف ۵۹ از آن مصاحبه است.

تجزیه و تحلیل و بحث

بحث و تجزیه و تحلیل در این مطالعه به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول، به مسئله مقدمات ازدواج و در بخش دیگر، به مسئله چگونگی رو به رو شدن جوانان با ازدواج یا تصمیم‌گیری در باره ازدواج پرداخته می‌شود. بخش اول، شامل تم‌هایی است که در مطالعه مقدمات ازدواج به دست آمده است - ضمن اینکه نشان داده می‌شود که چگونه این تم‌ها تحت تأثیر تمایزات برخاسته از جنسیت و طبقه است. بخش دوم نیز به مسئله تصمیم در ازدواج می‌پردازد و شامل بررسی آن راهبردهایی است که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند. در این بخش نیز نشان داده می‌شود که چگونه هر راهبردی که جوانان در رو

1. semi-structured
2. Interview transcriptions
3. MAXqda
4. resourse
5. report
6. abductive

به رو شدن با ازدواج برمی‌گزینند، متأثر از طبقه و جنسیت است. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری نیز رابطهٔ تصمیم‌گیری با مقدمات ازدواج مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینکه چگونه آن راهبردی که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج اتخاذ می‌کنند با مقدمات ازدواج ارتباط می‌یابد.

مسئلهٔ مقدمات ازدواج

ازدواج امر مفروض

پاسخگویان در گفتگوهای خود ازدواج را مفروض می‌گیرند. مفروض بودن ازدواج بدان معناست که تردیدی در بارهٔ ازدواج نیست و جوانان به آن به عنوان امر محتوم می‌نگرند. مرد جوان بیست و هشت ساله که دارای مدرک لیسانس بیمه و در شرف ازدواج است^۱ در این باره می‌گوید:

"... آگه به اصطلاح گفتنی، خانواده‌ها سخت نگیرن، جوونا خودشون بخوان و شرایط مملکت ما مهیا باشه، چرا جوونا نرن به سمت ازدواج؟ چرا نرن به سمت به اصطلاح گفتنی استقلال کسب کردن؟ خوب کسی بدش نمی‌آد. مسلماً همه علاقه دارن و مسلماً به لحاظ اون فرهنگی که تو جامعه ما به اصطلاح گفتنی پابرجاست- اون فرهنگ سنتی ازدواج که خانواده‌ها بر این معتقدند که همهٔ جوونا به روزی باید برن خونهٔ بخت و ما با اون فرهنگ بزرگ شدیم و نسل به نسل اون فرهنگ هم داره انتقال پیدا می‌کنه- خوب مسلماً باید این شرایط هم مهیا باشه ..."^۲ (مصاحبهٔ ۱۱- پاراگراف ۱۶۶)

پسر جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است نیز در این باره می‌گوید:

"به نظر من کسانی که صددرصد نهی می‌کنن- نه من ازدواج نمی‌کنم- هیچ دلیل منطقی‌یی نداره. مثلاً بشینی باشون صحبت کنی، می‌بینی خیلی الکی به حرفهایی که می‌زنن و گرنه خوب طبیعت آدمیزاد اینجوریه که ازدواج خیلی خوبه. مثلاً من به دوست هلندی داشتم. دیدگاهش راجع به ازدواج این بود که من بچه خیلی دوست دارم. ازدواج هم خیلی خوبه، ولی خودمو بیشتر دوست دارم. این خیلی غیرمنطقی و مسخره بود، چون تو ازدواج چیزی از خودت کم نمی‌شه."^۳ (۱۴-۲۱۲)

نکته‌ای که در این میان به خصوص جوان دارای لیسانس بیمه در انتهای گفتهٔ خود بدان اشاره می‌کند اهمیت مقدمات ازدواج را آشکار می‌سازد و اینکه مفروض بودن ازدواج وابسته به وجود مقدمات آن است. وی در این باره می‌گوید:

"... خوب مسلماً باید این شرایط هم مهیا باشه. وقتی شرایط اقتصادی مملکت، شرایط اجتماعی مملکت ما مهیا نباشه ... آقا پسرها و دختر خانم‌هایی که تو سن ازدواج هستن ... احساس می‌کنند که من اگر تأهل پیدا کنم و ازدواج بکنم، محدود می‌شم. این جایگاهی رو که دارم، از دست می‌دم. آزادی عمل‌ام را از دست می‌دم. خوب مسلماً این روند همچنان همین که هست می‌مونه و آمار ازدواج پایین می‌آد و خیلی مسائل دیگه اتفاق می‌افته ..."^۴ (۱۱-۱۶۶)

از این منظر، مفروض بودن ازدواج مشروط به مقدمات آن است و بنابراین اگر شرایط آن فراهم نباشد، ازدواج نیز واقع نخواهد شد. از این منظر فراهم آوردن مقدمات ازدواج، اصلی‌ترین اقدام جوانان در بناکردن ازدواج خود خواهد بود.

مقدمات ازدواج

جوانان در برشمردن مقدمات ازدواج به جنبه‌های عینی و ذهنی و یا مشخصاً بلوغ مادی و معنوی یا فکری

اشاره می‌کنند. آقای چهل ساله مجرد و کارمند در بخش دولتی در طرح مقدمات ازدواج به مقدمات معنوی و مادی اشاره می‌کند. از منظر وی، مقدمات معنوی، رسیدن به سطحی از توانایی ذهنی است که فرد بر اساس آن قادر باشد خانواده‌ای را مدیریت کند. از جنبه مادی نیز رسیدن به سطحی از ثبات مالی مورد نظر است که بر اساس آن مشکلی مادی در زندگی فرد پیش نیاید. وی در این باره می‌گوید:

"... از نظر بنده، مقدمات به هر حال مقدمات مادی و معنوی هست دیگه. حالا از نظر معنوی سعی کردم که خودم را به اون سطح برسونم که (۱) که بتونم به خانواده رو مدیریت کنم از تمام جنبه‌هاش و عرض شود خدمتون که از نظر مالی هم سعی کردم خودم رو به به سطحی و به تثبیتی برسونم که مشکلی ایجاد نشه تو زندگیم ...". (۷۶-۷۷)

به همین ترتیب، آقای جوان در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، در این باره اظهار می‌دارد:

"من خودم سن ازدواج رو زمانی می‌دونستم - یعنی سن خاص عدد خاصی را براش در نظر نداشتم - من خودم سن ازدواج رو زمان و سنی می‌دونستم که به اون بلوغ فکری و شخصیتی رسیده باشم که بتونم به زندگی رو مدیریت بکنم. در وهله اول و به لحاظ شرایط اقتصادی و مالی هم حداقل‌ترین‌اش اینه که به درآمد نسبی داشته باشم - خودم این تشخیص رو بدم که از به اصطلاح پس کفاف خرج و مخارج زندگی دو نفره برمی‌آم؛ یعنی به نظر من اون وقتی خودم رو تو اون جایگاه دیدم و دیدم که مثلاً اقا تو سن بیست و هشت سالگی هم به اون بلوغ فکری رسیدم و به لحاظ اقتصادی هم اون درآمد رو به اصطلاح دارم می‌بینم که می‌تونم از پس‌اش بر بیام، احساس کردم که می‌تونم وارد عرصه تاهل و ازدواج بشم." (۸۲-۸۱)

خانم ۲۴ ساله دانشجوی فوق‌لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی در شرح این موضوع به تمایزاتی که تفاوت‌های جنسیتی در این امر ایجاد می‌کند می‌پردازد. از منظر وی، مقدمات ازدواج برای خانم‌ها بیشتر ذهنی و برای آقایان بیشتر عینی و مادی است:

"پسر باید پا پیش بذاره و اون آمادگی حالا چه سربازی، یه کاره، درس‌شه، درآمدشه، اونا را داشته باشه. اگه ما تلاش می‌کنیم بیشتر هم تو جامعه ایران جا افتاده که حالا خانم کار می‌کنه واسه خودش، درآمدش واسه خودش، پیشرفتش واسه خودش، من ام فکر می‌کنم من بیشتر از نظر ذهنی و روحی باید رو خودم کار کنم." (۱۶۲-۱۶۱)

دختر خانم سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی در باره مشکل مسئولیت‌پذیری آقایان و تفاوت ایشان با خانم‌ها در این موضوع می‌گوید:

"فکر می‌کنم که آقایون ارتباطشون خیلی کمه، ارتباط اجتماعی‌شون کمتره. ما خانم‌ها تو جمع دوستامون می‌شینیم، تو جمع خونواده می‌شینیم، بالاخره هر کسی یه نظری می‌ده. فیلم می‌بینیم، سریال می‌بینیم، خیلی چیزها یاد می‌گیریم، ولی آقایون چون کلاً شخصیت‌شون رو متکی به خودشون بار می‌اریم، از بچگی واسشون یعنی غرورشون، اعتماد به نفس‌شون اونقدر بالا هست که از کس دیگه‌ای تأثیر نمی‌گیرن. برا همینکه به بیشتر اشتباه می‌کنند و جرأت پذیرفتن اشتباهاتشون را ندارند. به نظر من، اگه کسی قبول کنه که اشتباه کرده، خب سعی می‌کنه که جبران‌اش کنه، تصحیح‌اش کنه یا راه درستش رو یاد بگیره، اونا فکر می‌کنند جرأت اینو ندارند که بپذیرند اشتباه می‌کنند."

البته مردان خود همچنان جنبه‌های غیرمادی را برای مدیریت ازدواج خود با اهمیت تلقی می‌کنند. آقای جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، اهمیت جنبه‌های غیرمادی و مادی را در مدیریت ازدواج این گونه شرح می‌دهد:

"اولین چیزی که باید به نظر من یک مرد داشته باشه، اون حس مسئولیت‌پذیری‌شه. باید حتماً مسئولیت‌پذیری و

به گردن خودش احساس کنه تا بتونه ازدواج کنه ... شرایط مادی‌ش من اعتقادم به اینه که از نظر مادی شاید یک مرد در حد متوسطام باشه خوب خوبه برای ازدواج ... در حد متوسط باشه حالا یه مبلغی داشته باشه. حد مالی‌اش یه طوری باشه که یه خونه‌ای رو بتونه بگیره. حالا به عنوان مستأجر یا رهن یا خونه‌کرایه‌ای اجاره‌ای هم بتونه بگیره و اینکه مراسم عروسی و عقد و اینا را بتونه بگذرونه. خوب می‌تونه کافی باشه برای قدم اول ازدواج." (۷-۱۴۰ تا ۱۴۴)

در توجه به جنبه‌های غیرمادی، به عنوان پیش‌نیاز ازدواج مردان و مشخصاً مسئولیت‌پذیری حتی دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی اظهار می‌دارد:

"خوب اونام باز یه مسئله اقتصادی‌اش هست که شغل داشته باشن یا آره یه ذره خوب پشتیبانی خانواده هم هست، ولی بیشتر از همه احساس می‌کنم مسئولیت‌پذیری براشون مهمه و اینکه اونا یه ذره جریزه یا نمی‌دونم اسم بهترش چیه اینکه بتونن گلیم خودشون رو از آب بکشن بیرون. این خیلی خوبه یعنی هم نیاز نیست مثلاً از همون اول زندگی همه چیز باشه. اینکه جنم یکی داشته باشه خیلی مهمه." (۱۶-۹۴)

مقدمات غیرمادی و معنوی یا بلوغ فکری و ذهنی

در مجموعه مصاحبه‌ها در شرح مقدمات غیرمادی به مواردی چون: بلوغ فکری، مسئولیت‌پذیری، توانایی تعامل با دیگری (آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و با کار خانوادگی) و مواردی مثل آن اشاره می‌شود. از سوی آقای چهل ساله مجردی که کارمند در بخش دولتی و دانشجوی دوره فوق‌لیسانس است، بلوغ فکری رسیدن به سطحی از توانایی‌ها معرفی می‌شود که براساس آن فرد، چه پسر یا دختر، قادر به اداره خانواده‌ای باشد. بلوغ فکری که گاه معنوی یا ذهنی نیز نامیده می‌شود، گاه حتی با اهمیت‌تر از بلوغ مادی در نظر گرفته می‌شود. آقای جوان در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، در این باره اظهار می‌دارد:

"به نظر من برخلاف خیلی‌ها که اعتقاداتشون تو زمینه‌های اقتصادی و مالی هست، اولویت اول و اصلی‌ترین به اصطلاح مسئله‌ای که باید مهیا بکنند برای خودشون که به اصطلاح گفتنی شرایط ازدواج رو فراهم بکنن برای خودشون، مهیا کردن مسائل شخصیتی‌یه؛ یعنی اون آقا و اون مرد باید واقعا در خودش ببینه که می‌تونه مستقل باشه، مستقل زندگی کنه و یه زندگی رو مدیریت بکنه، رهبری بکنه در کنار همسرش ... در نهایت امر رهبری و مدیریت اصلی با آقاهاست؛ یعنی اگر آقا اون بلوغ شخصیتی و بلوغ فکری رو نداشته باشه، مسلماً نمی‌تونه این مدیریت رو داشته باشه و مدیریت هم نداشته باشه، خوب زندگی برای یه مدت خیلی کوتاهی از هم پاشیده می‌شه. حالا این به نظر شخصی بنده در وهله اول اولویت همین هست که یه مرد برای ازدواج باید داشته باشه. این بلوغ فکری‌یه است و بعدش هم تو اون به اصطلاح گفتنی مسائل مالی و اقتصادی به یک جایگاه نسبی‌ای رسیده باشه نه رفاه کامل. اینو نمی‌گم، چون بالاخره خیلی سخت هست تو این برهه زمانی رسیدن به جایگاهی که شما ابراز کنی که من الان به لحاظ اقتصادی و مالی رفاه کامل دارم، اما به یه جایگاه نسبی رسیده باشه که حداقل به قول معروف گفتنی شرمندۀ خانواده‌اش نشه ... " (۱۱-۱۱۴)

از این منظر مقدمه ازدواج بیشتر امری ذهنی است تا عینی و بنابراین برای آنکه فرد بتواند مدیریت یک خانواده را بر عهده بگیرد، مشخصاً نیازمند رسیدن به بلوغ فکری است.

جنبه‌های مختلف بلوغ فکری که به عنوان شرط لازم ازدواج مورد اشاره جوانان است موارد مختلفی از بلوغ فکری تا توانایی مدیریت زندگی و مسئولیت‌پذیری را شامل می‌شود. می‌توان مسئولیت‌پذیری، داشتن ایمان و دیانت، بلوغ اجتماعی و موارد مشابه را شاهد مثال بلوغ فکری و بلوغ ذهنی در نظر آورد. آقای جوان متأهل

۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، در این باره می‌گوید: "... از نظر فکری هم خوب یا حالا اجتماعی‌بودن؛ باز اگر یک فردی باشه که به دین اسلام و شیعه بودنش کفایت کنه و با ایمان باشه، کافی باشه برای ازدواج." (۷-۱۴۰)

در این میان، آشکارا تأکید بسیاری بر مسئولیت‌پذیری و توانایی مدیریت زندگی است. مسئولیت‌پذیری هم متوجه ازدواج و هم زندگی پس از ازدواج است. از سوی دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی، که در خوابگاه زندگی می‌کند، تأکید می‌شود که مسئولیت‌پذیری و توانایی اداره زندگی به معنی داشتن تمکن مالی صرف و بنابراین فراهم آوردن مادیات به نحوی که همه چیز در زندگی فراهم باشد نیست، بلکه نتیجه وضعیتی است که در آن فرد از توانایی مدیریت موضوع ازدواج برخوردار باشد و تعهد لازم برای چنین اقدامی را نیز از لحاظ اجتماعی داشته باشد. (۶-۹۴)

ایمان به توانایی‌های خود و داشتن اعتقاد به وجود اراده‌ای که بسیاری از مشکلات را به لطف خود حل می‌کند، از دیگر موارد مورد اشاره است. آقای جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است، در پاسخ به سؤال اینکه چرا بعضی از جوانها ازدواج نمی‌کنند، به ضعف ایمان آنها اشاره می‌کند (۱۴-۲۱۲). طرح ایمان ضعیف می‌تواند به اینکه ازدواج مسئله‌ای ذهنی است، تعبیر شود. از این منظر فردگرایی مفرط، باور نداشتن به آن اراده برتری که بسیاری از مشکلات را با لطف خود حل می‌کند و نیز بی‌اعتنایی به توانایی‌های خود مانع ازدواج تلقی می‌شود، زیرا باعث می‌شود فرد مسئولیت‌های ازدواج را در محیطی که بسیار پیش‌بینی‌ناپذیر است، نپذیرد و خود را فاقد آن پشتوانه‌ای بیابد که به وی شجاعت رو به رو شدن با مشکلات را عطا می‌کند.

مقدمات مادی یا بلوغ مادی و عینی

مقدمه دیگر ازدواج، بلوغ مادی یا عینی یا به عبارت دیگر توانایی تأمین مالی زندگی مستقل است. در این مورد، رسیدن به سطحی از تثبیت در زندگی که براساس آن مشکلی در اداره زندگی بوجود نیاید مورد نظر است (۴-۷۶). بلوغ مادی شامل دو جنبه کاملاً مجزاست. این دو جنبه شامل ابتدا توانایی تأمین مقدمات و هزینه‌های ازدواج یا مدیریت ازدواج و سپس توانایی تأمین زندگی و مدیریت آن در پس از ازدواج است. آقای مجرد چهل ساله کارمند در بحث از چگونگی مدیریت ازدواج و زندگی مشترک مشکلات مادی مربوط به مدیریت این دو حوزه را از یکدیگر تفکیک می‌کند:

"مشکل برای ورود به ازدواج نه حالا، احتمال داره بعداً مثلاً توی خرج و مخارج زندگی با توجه به حقوق پایینی که وضعیت کارمندی داره بوجود بیاد، ولی برا شروع و ابتدا به ساکنش نه مشکل خاصی نیست." (۴-۸۴)

علیرغم آنکه در اشاره به جنبه‌های مادی مقدمات ازدواج بر توانایی‌های اقتصادی تأکید می‌شود، اما در بحث از آنها توجه اصلی جوانان به جای آنکه متمرکز بر امکانات مادی و مالی به صورت مستقیم باشد بر داشتن کسب و کار مناسب، داشتن پس‌انداز و داشتن مسکن جهت یافته است. البته آشکارا در بین تمام این موارد توجه اصلی بر داشتن شغل و کسب و کار مناسب متمرکز است. داشتن کار تا بدان حد دارای اهمیت است که از سوی جوانان برای ازدواج به عنوان امری مفروض در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در موردی که زوجی عقد بوده‌اند، به محض یافتن شغل جشن عروسی انجام و زندگی مشترک آغاز شده است. آقای جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، داستان این موضوع را این گونه شرح می‌دهد:

"یک مقداری پس انداز داشتیم، اما خوب به این مبلغ نمی‌رسید و همین هم یکی از دلایلی - شاید تأثیر کمی داشت، ولی خوب تأثیر داشت - بود که باعث شد که ما دو سال عقد بمونیم. مشکل این بود که شرایط کاری خوب نبود، اون موقع مساعد نبود، قرارداد هنوز اوکی نشده بود؛ اما بعد از اینکه اوکی شد - به محض اینکه اوکی شد - ما اوایل نود و چهار تقریباً ما ازدواج کردیم." (۷-۲۱۴).

ضرورت داشتن شغل حتی در ناخودآگاه بعضی از مصاحبه‌شوندگان وجود دارد و به همین دلیل در جای جای مصاحبه‌ها به تناسب مورد اشاره ایشان نیز قرار می‌گیرد.

مقدمات اجتماعی یا اعتبار اجتماعی

آنچه در شرح مقدمات ازدواج از سوی جوانان متفاوت می‌نماید، اشاره به مزیت‌های اجتماعی به عنوان مقدمات ازدواج است. به عنوان مثال، اشاره‌های متعددی از سوی برخی از پاسخگویان به ضرورت وجود اعتبار اجتماعی برای ازدواج می‌شود. آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم موضوع این ضرورت را این گونه مطرح می‌کند:

"... یه مقدار اعتبار معنوی تو محل و این‌ور اون‌ور، یه چیزی لازمه که مثلاً بالاخره تو محل فردا می‌یان تحقیقات بکنن، نگن مثلاً نمی‌شناسم یا نمی‌دونم. بالاخره حداقل دو رکعت نماز تو مسجد محل خونده باشی فردا یه موقع نگند نمی‌دونم..." (۱۵-۱۴۴)

علاوه بر اعتبار اجتماعی، پشتیبانی خانواده از فرد در مقدمات ازدواج نیز از جمله این مزیت‌های اجتماعی است. دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی رشته داروسازی در شرح مقدمات ازدواج به پشتیبانی خانواده اشاره می‌کند، هر چند در مقایسه با سایر مقدمات ازدواج اهمیت کمتری برای آن قائل است (۱۶-۹۴).

اعتبار اجتماعی آنقدر مهم است که حتی می‌تواند در هیئت یک کد محوری نیز ظاهر شود، زیرا تعیین‌کننده بسیاری از موقعیت‌ها از جمله وضعیت کار و ازدواج است. از این منظر اعتبار اجتماعی وضعیت تحصیل، کار و ازدواج را تعیین می‌کند.

اگر انواع مزیت‌های اجتماعی با اغماض سرمایه اجتماعی تلقی شود می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از مهمترین جنبه‌های مقدمات ازدواج است. عملکرد سرمایه اجتماعی بسیار پیچیده می‌نماید، زیرا انواع مختلف آن اثرات متفاوتی بر کار یا ازدواج باقی می‌گذارد. مثلاً به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی خانواده نسبت به سرمایه اجتماعی خود فرد اثر تعیین‌کننده‌تری بر کار یا ازدواج و یا مواردی مثل آن داشته باشد. در موارد متعددی سرمایه اجتماعی به عنوان زمینه یافتن شغل یا باقی ماندن در کسب و کار مناسب معرفی می‌شود - از جمله در مصاحبه با آقای متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است و نیز در مصاحبه با دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی که در خوابگاه زندگی می‌کند.

مقدمات اجتماعی می‌تواند داشته‌های مادی و غیرمادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، توانایی فرد در تأمین هزینه‌های ازدواج را افزایش دهد. در موردی از مصاحبه‌ها فرد علیرغم ناتوانی خود و والدین در تأمین هزینه‌های ازدواج به کمک دیگر اعضای خانواده و یا خویشاوندان امیدوار است. آقای جوان بیست و دو ساله کارگر که در تهران به همراه برادر خود زندگی می‌کند و در جستجوی کار بهتر است، در باره چگونگی تأمین هزینه‌های ازدواج خود اظهار می‌دارد:

"خب یه مقداری از خودم، یه مقداری هم خانواده برادران کمک می‌کنند. بالاخره اگه ما هم بخوایم ساده بگیریم چه جوری بگم شاید کسی باشه کمک کنه یه مقدار مثلاً آبرومندانه‌تر برگزار شه. اینجوری مثلاً کسی باشه که هومون و داشته باشه شاید تو خانواده..." (۳-۱۲۹)

سرمایه اجتماعی می‌تواند در عین حال با ایجاد اعتماد به نفس ظرفیت های فرد را در مدیریت موقعیت ارتقا دهد. موارد متعددی وجود دارد که در آن فرد بر اهمیت مشورت های خانواده و نظارت آنها بر مدیریت ازدواج خود تأکید می‌کند. پسر دانشجوی ۲۸ ساله در شرح اهمیت پشتیبانی خانواده از وی و نقشی که آنها در ایجاد اعتماد به نفس برای وی دارند، می‌گوید:

"... خانواده به شدت به من ایمان دارند، اعتقاد دارند و اعتماد به انتخابم و می‌دونند که مسیررو درست می‌رم..." (۲-۱۳۵)

"... مطمئناً خانواده اگر مالی‌ام کمک نخواست، حداقل فکری باید کمکم کنند، چون خودشون کوهی از تجربه‌ان. مثلاً دو تا پسر چی می‌گن زن دادن یا عروس گرفتن. به هر حال خیلی کمکم می‌تونن بکنن. حالا شاید مالی‌ام کمک نکردن، ولی حداقل می‌گم فکری خیلی می‌تونن دخیل باشند..." (۲-۱۶۳)

در نهایت می‌توان مقدمات ازدواج را در سه مقوله اصلی مقدمات غیرمادی یا ذهنی و معنوی، مقدمات مادی یا عینی و مقدمات اجتماعی که متناظر با داشتن اعتبار و سرمایه اجتماعی است جای داد. سه گونه مقدمات ازدواج قابل تبدیل به یکدیگرند و می‌توانند جای همدیگر را پر کنند یا به یکدیگر تبدیل شوند. مقدمات مادی می‌تواند به اعتبار اجتماعی تبدیل شود، همانطور که مسئولیت‌پذیری و بلوغ فکری نیز به نوبه خود می‌تواند به برخورداری مادی و یا اعتبار اجتماعی تبدیل شود. شایان ذکر است در اولویت دادن به جنبه‌های مادی، غیرمادی و اعتبار اجتماعی پاسخگویان اشارات متفاوتی دارند؛ به گونه‌ای که گروهی از آنها به جنبه‌های غیرمادی و گروهی نیز به جنبه‌های مادی اولویت می‌دهند. در این باره اعتبار اجتماعی کمتر به عنوان مهمترین مقدمه ازدواج مورد ارجاع است.

مقدمات ازدواج و طبقه

مقدمات ازدواج در بین طبقات مختلف جنبه‌های بسیار متفاوتی می‌یابد. علیرغم آنکه تمام طبقات به جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج اشاره می‌کنند، اما شدت توجه طبقات پایین به این مقوله بیشتر است. نیز توجه به جنبه‌های ذهنی بیشتر در بین طبقات متوسط و بالا مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، اشاره آشکاری از سوی جوانان طبقه پایین (دو جوان سرباز زیر دیپلم) به حتی ضرورت تأمین مسکن در قبل از ازدواج موجود است - امری که در طبقات متوسط و بالا دیده نمی‌شود. توجه آنها در این مسئله به پیش‌بینی ناپذیری کار و زندگی آینده ایشان مربوط است که حتی امکان اجاره منزل را به آنها نمی‌دهد و بنابراین بنا به ضرورت بر اول تهیه خانه‌ای برای سکونت و سپس ازدواج تأکید می‌کنند. جوان سرباز زیر دیپلم شرح می‌دهد که در تأمین هزینه‌های زندگی خود و از جمله مسکن آنچنان در شرایط پیش‌بینی ناپذیری است که بر اساس آن حتی نمی‌تواند به خانه اجاره‌ای در مدیریت زندگی خود فکر کند:

"من منتظر اینم که بعد از خدمت به کاری انجام بدم و درآمدی داشته باشم که بتونم به خونه‌ای بخرم، بعد ازدواج کنم و گر نه غیر این باشه، نمی‌شه ازدواج کرد. ... اگه کارمون همین کار ساختمونی باشه، باید به پنج شش سالی انجام بدیم تا به درآمد درست و حسابی و پس‌اندازی داشته باشیم که بتونیم خونه بخریم وگرنه اگه بخوایم بعد به سال، دو سال انجام بدیم نمی‌شه. ... اجاره‌ام می‌شه کرد، ولی مثلاً اجاره باید هر ماه به پولی در به کار دائمی داشته باشی تا بتونی اجاره بدی. اگه کار دائمی نداشته باشی، اجاره نمی‌شه درآورد داد. کار ساختمانی در حدی به که مثلاً نمی‌شه پیش‌بینی کرد این ماه چقدر کار می‌کنی، این ماه می‌تونی کار کنی یا نه و این ماه می‌تونی این اجاره‌ای که می‌خوای به این خونه بدی در بیاری یا نه؛ ولی اگه بتونی چند سال کار کنی و به درآمدی داشته باشی که بتونی به خونه‌ای بخری واسه خودت باشه، دیگه بعدش راحتی."

می‌گویی اگر این کار نشد می‌رم سر کار دیگه‌ای. حالا درآمد حالا کمتر یا بیشتر فرق نداره. یه جوروی زندگی را می‌چرخونیم، ولی مال اجاره باید هر ماه اون حدی که بخوای اجاره بدی - پولی که می‌خوای واسه اجاره بدی - اونو باید در بیاری که با این کارم نمی‌شه پیش‌بینی کرد اونو بتونی در بیاری... نمی‌شه پیش‌بینی کرد بتونی اون پولی که می‌خوای اجاره بدی، در بیاری و خرج زندگی‌رم بدی ... اگه می‌خوای خونه اجاره داشته باشی و خونه اجاره‌ای بری زندگی کنی باید یه کار دائمی داشته باشی که مثلاً درآمدش حدی باشه که هم بتونی با اون خرج زندگی رو بدی و هم خرج اجاره و اینا را بدی". (۱۲-۱۸۱ تا ۱۹۱)

بدین ترتیب می‌توان گفت برای فردی از طبقه متوسط یا بالا مقدمات ازدواج بیشتر امری ذهنی و برای افرادی از طبقات پایین، امری کاملاً عینی و مربوط به شرایط مادی است. مرد جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه و از طبقه متوسط بالاست علیرغم تأکیدی که بر جنبه‌های مادی در مقدمات ازدواج دارد، در باره جنبه‌های غیرمادی یا ذهنی می‌گوید:

"خب قاعدتاً باید یه مسکنی داشته باشن، یک شغلی داشته باشند یا ... امنیت احساس بشه برا آدم. بعد از نظر فکری، فرد باید درک کنه ماهیت ازدواج رو و درک کنه که چه می‌دونم صرفاً یه رابطه جنسی نیست، بلکه یک تفکره و یک ایده است که شما باید کلاً زندگی‌تو تغییر بدی. یه زندگی مشترکه که کاملاً برای پیشرفت خودتم لازم داری نه یک چیز دیگه‌ای. مثلاً شما ازدواج می‌کنی واقعاً تو پیشرفت زندگیت تأثیر داره. (۱۴-۱۲۶)

نکته با اهمیت دیگر در تأمین مقدمات ازدواج سهم بیشتر مسئولیت فردی در بین طبقات پایین به نسبت سایر طبقات است. آشکارا در خانواده‌های با منشأ طبقاتی پایین‌تر که امکانات مالی محدودتری دارند، فراهم آوردن بخش مهمی از مقدمات ازدواج به عهده خود فرد خواهد بود. به عبارت دیگر، در طبقات پایین فرد بیش از سایر طبقات مجبور به ساختن ازدواج خود می‌شود - مصاحبه با آقای متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است (۷-۱۴۸). آقای چهل ساله مجرد کارمند در بخش دولتی در باره نقش خود در ساختن ازدواج خود می‌گوید:

"سعی می‌کردم که از خانواده‌م نخوام مثلاً کمکی بگیرم. سعی می‌کردم خودم کارام و انجام بدم". (۴-۲۲۶)
"از خانواده قاعدتاً کمکی نخواهم گرفت؛ یعنی خرجی‌یه و هزینه‌ای‌یه که خودم باید انجام بدم". (۴-۱۷۲)

مقدمات ازدواج و جنسیت

مقدمات ازدواج برای خانم‌ها و آقایان متفاوت است. خانم‌ها تأکید بیشتری بر جنبه‌های ذهنی و حتی سرمایه اجتماعی دارند، در حالی که در بین آقایان تأکید بر جنبه‌های عینی و مادی فراوان‌تر و عیان‌تر است. دختر خانم ۲۷ ساله مجرد با کار تمام وقت که دانشجوی فوق‌لیسانس است در شرح مقدمات ازدواج اظهار می‌دارد:

"... تو ایران که ما داریم الان زندگی می‌کنیم، برای ازدواج بیشتر خانواده پسر باید آمادگی رو داشته باشه؛ پسر باید پا پیش بذاره و اون آمادگی - حالا چه سربازی‌یه، کاره، درس‌شه، درآمدشه - را داشته باشه. بیشتر تو جامعه ایران جا افتاده که اگه خانم کار می‌کنه، واسه خودش درآمدش، واسه خودش پیشرفتیش. من ام‌فکر می‌کنم من بیشتر از نظر ذهنی و روحی باید رو خودم کار کنم". (۱۹-۱۶۲)

خانم‌ها هنگامی که از آماده بودن یا نبودن برای ازدواج می‌گویند، بیشتر بر جنبه‌های ذهنی توجه دارند - اگرچه جنبه‌های مادی را نادیده نمی‌گیرند. دختر خانم مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی که از طبقه متوسط بالاست، بر بالغ شدن از نظر فکری تأکید می‌کند و می‌گوید:

"بیست و پنج شیش سالگی ... یا شاید هم بالاتر، بیست و شش سالگی ... آخه با توجه به زندگی‌ای که تا الان داشتم احساس می‌کنم اون موقع باشه که آماده باشم دیگه برای ازدواج. الان هم حس می‌کنم یه ذره بچه هستم. بعد اینکه تحصیلاتام تموم بشه و برنامه‌هام اینجوری پیش بره، تا اون موقع فکر می‌کنم که آماده بشم آدم بالغی بشم". (۱۶-۷۴)

البته، همانطور که یادآوری شد، خانم‌ها علیرغم توجه به جنبه‌های غیرمادی به جنبه‌های مادی نیز توجه دارند. خانم سی و یک ساله مطلقه و دانشجوی رشته پرستاری در این باره اظهار می‌دارد:

"من از نظر فکری کاملاً آمادگی دارم، ولی نه آمادگی مالی دارم برای خودم، نه آمادگی شغلی دارم و نه هنوز درسم تموم شده. پس اگر بخوام اینو بنده‌ام به این زمانی که دارم می‌گم باید بره تا اون ور سی و پنج سال این قضیه". (۱۷-۱۳۲)

شایان ذکر است که در مورد خانم‌ها، وجود خواهان و خواستگار امر ضروری و اولیه ازدواج است که تا حدودی متأثر از اعتبار اجتماعی فرد و خانواده است. در موارد مختلف بر ضرورت وجود فرد مناسب و یا آشنا شدن با فرد مناسب تأکید می‌شود.

راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج

راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج برآمده از دو جهت‌گیری کلی است که در برگیرنده دو سر طیف برخورد جوانان با مسئله ازدواج نیز هست. این دو راهبرد شامل اول ازدواج یکباره و دوم ازدواج پیش‌بینی شده یا برنامه‌ریزی شده است.

راهبرد ازدواج یکباره

راهبرد اول شامل رودرویی یکباره و اتفاقی با مسئله ازدواج است که البته گاهی با ازدواج زودهنگام نیز همراه است. در این راهبرد دل به پیش آمدها داده می‌شود و اینکه سرنوشت برای فرد چه عاقبتی را رقم زده است. تصمیم‌گیری در مورد ازدواج یکباره صورت می‌پذیرد و مدیریت موضوع نیز بنابر آنچه که پیش می‌آید رقم می‌خورد. در این وضعیت خبری از برنامه‌ریزی پیشین برای ازدواج کردن نیست و ازدواج نیز براساس آمادگی قبلی و از پیش تعیین شده صورت نمی‌پذیرد. در بعضی مصاحبه‌ها استدلال می‌شود که راهبرد ازدواج یکباره و زود هنگام باعث می‌شود که جوانان زودتر به بلوغ و پختگی برسند و بنابراین زودتر نیز سر و سامان بیابند. آقای جوان بیست و پنج ساله مجرد دارای مدرک لیسانس برق که در حال خدمت سربازی است، در این باره می‌گوید:

"... من اینو به خانواده گفتم. گفتم وقتی یکی تو زندگیت باشه، زندگی کردنت هم عوض می‌شه و فرق می‌کنه؛ بیشتر می‌ری دنبال کار، بیشتر می‌ری دنبال زندگی، کمتر مثلاً رفیق‌بازی می‌کنی، اما وقتی که کسی نباشه، شما هیچ شور و شوقی نداری. همون زندگی عادی خودتو می‌ری و به قول معروف می‌گی حالا ازدواج کنم نکنم، دنبال کار برم نرم، باز خودمم دیگه. به قول معروف هیچ پله ترقی‌ای نداری ...". (۸-۹۴)

مطابق تعبیر وی، کسی که در مسیر ازدواج قرار می‌گیرد، اجباراً خود در کار ساختن آینده خود می‌شود. بنابراین زودتر نیز به سامان می‌رسد و زندگی‌اش با سرعت بیشتری نظم می‌یابد. براساس نگاه عمل‌گرایانه وی، در واقع خود ازدواج است که افراد را به بلوغ می‌رساند.

آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است در نقد کسانی که دارای ازدواج کاملاً پیش‌بینی شده هستند و اینکه برنامه‌ریزی کامل اصلاً امکان‌پذیر نیست، اظهار می‌دارد:

"هستن کسایی که می‌گن من باید به اون رفاه کامل برسم تا بعد برم سراغ مسئله ازدواج. مثلاً می‌پرسم می‌گم شما رفاه کامل را تو چی می‌بینید؟ ... به یک همچین سطح رفاهی رسیدن خیلی زمان بره خیلی سخته و خیلی شرایط خاص می‌خواد. اگر کسی بخواد از طریق کار کردن خودش، تلاش خودش به این جایگاه برسه خیلی نیاز داره که به شدت تلاش فراوانی داشته باشه. به قول معروف گفتنی، یه شبه به دست نمی‌آد". (۱۱-۱۷۰)

بنابر منطق وی، آنها که منتظر تأمین همه شرایط و مقدمات هستند تا ازدواج کنند، هیچوقت ازدواج نخواهند کرد؛ چون رفاه هیچگاه کامل نخواهد شد و هیچگاه همه چیز فراهم نخواهد بود. مطابق با چنین نگاهی برای ازدواج باید یکباره وارد گود شد و در میدان زندگی با مشکلات رو به رو گشت. از این منظر موفقیت در تأمین رفاه تنها پس از ازدواج و با مدیریت زندگی به دست خواهد آمد. همان آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه در باره رویه‌ای که مطابق آن فرد با قناعت مقدمات ازدواج را فراهم می‌کند، می‌گوید:

"... اما یه عده هستند می‌گن ما باید همه اون مسائل اقتصادی و رفاه نسبی رو داشته باشیم - یه درآمدی که از پس خرج و مخارج زندگیم بر بیایم و بتونیم طرف مقابل را راضی نگه داریم، از پس مسکن‌ام، اجاره‌اش و چیزای دیگه در حد نرمال بر بیام - مسلماً اون آدم وقتی به خودش خیلی آسونتر می‌گیره و خیلی مسئله را سخت نمی‌گیره، مسلماً زودتر شرایط رو برا ازدواج خودش مهیا می‌کنه تا اون شخصی که می‌گه من باید به این رفاه برسم". (۱۱-۱۷۰).

راهبرد ازدواج پیش‌بینی شده یا فکر شده

راهبرد دیگری که در نقطه مقابل ازدواج یکباره نمایان است، راهبرد ازدواج فکر شده یا پیش‌بینی شده است. راهبرد ازدواج پیش‌بینی شده مبتنی بر رسیدن به پختگی و بلوغ قبل از تصمیم به ازدواج و نیز چنگ زدن به رفتاری عقلانی در انتخاب و ازدواج است. آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم پختگی و بلوغی را که ازدواج عقلانی نیازمند آن است، این گونه توصیف می‌کند:

"پخته بودن... بالاخره فردا فرض مثال یه اختلاف خونیادگی پیش میاد، یه مشکل مالی پیش میاد، یه وضعیت اقتصادی تو مملکت پیش می‌آد، شما کارت افت میکنه، درآمدت فلان می‌شه باید با خانمت بتونی از عهده‌اش بر بیای. بی پول شدی بتونی چه جوری بچرخونی. فردا اون کانون و چارچوب خانواده‌ت به هم نریزه، احترامات سرجاش بمونه، بی ادبی نشه خدا نکرده، اون احترام از وسط برداشته نشه. دیگه آدمی هم که بخواد اینجوری باشه باید یه مقدار تجربه یا پختگی داشته باشه. آدمی که بیست و هشت سالشه، با آدمی که بیست و دو سالشه تجربه‌شون خیلی فرق داره". (۱۵-۱۰۶)

بر اساس راهبرد ازدواج فکر شده تا مقدمات ازدواج حاصل نشود، ازدواج نیز امری بیهوده خواهد بود. فراهم آوردن مقدمات و زمینه‌های مناسب ازدواج، ضرورت هر تصمیمی در این باره خواهد بود. موارد مختلفی از تأکید بر این راهبرد در جوانان وجود دارد. آقای چهل ساله مجرد کارمند در بخش دولتی در باره ضرورت آمادگی برای ازدواج می‌گوید:

"از نظر معنوی سعی کردم که خودم را به اون سطح برسونم که ... بتونم یه خانواده رو مدیریت کنم از تمام جنبه‌هاش و عرض شود خدمتون که از نظر مالی هم سعی کردم خودم رو به یه سطحی و تثبیتی برسونم که مشکلی ایجاد نشه تو زندگیم ...". (۴-۷۶)

وی بر این اساس تأکید می‌کند که تا آمادگی لازم را نیافت، به ازدواج نیز فکر نکند:

"من تا ۳۰ سالگی به صورت جدی به ازدواج فکر نمی‌کردم، چون فکر می‌کردم که ... پایه‌های اقتصادیم برای ازدواج هنوز محکم نشده و سعی می‌کردم که از خانواده‌ام نخوام مثلاً کمکی بگیرم. سعی می‌کردم خودم

کارام و انجام بدم ...". (۴-۲۲۶)

به همین ترتیب، آقای جوان بیست و پنج ساله مجرد که دارای مدرک لیسانس برق و در حال خدمت سربازی است، می گوید:

"من تا شرایط زندگی و نداشته باشم - حالا چه تو چهل سالگی چه تو سی و پنج سالگی - جلو اصلاً نمی‌رم، چون شرایط ازدواج الان خیلی سخت شده". (۸-۱۱۶)

آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است، پیش‌بینی خود را در آمادگی برای ازدواج این گونه شرح می‌دهد:

"من خودم چون یه چند سالی قبل از ازدوایم مشغول به کار بودم تا حدودی پس‌انداز داشتم؛ یعنی سعی می‌کردم چون پیش‌بینی می‌کردم و برنامه‌ریزی می‌کردم برای زندگی خودم که احتمالاً اش هست فردا یا یکسال یا ده سال دیگه باشه - چون به هر حال می‌خواستم که اینکار رو بکنم یعنی بالاخره یه روزی می‌رسه که من باید ازدواج بکنم - برای این شرایط خودم رو مهیا کردم. نیاز بود که پس‌انداز بکنم، البته یه مقداری پس‌انداز خودم داشتم و زمانی که مسائل ازدواج و تأهل پیش آمد، سعی کردم این پس‌اندازها را بیشتر بکنم - حالا از طریق گرفتن تسهیلات بانکی و وام و این مسائل و تا حدودی هم کمک خانواده ...". (۱۱-۱۷۲)

خانم سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا در برنامه داشتن و هدفدار بودن ازدواج خود اظهار می‌دارد:

"کاملاً با هدف بود. همینطوری که اصلاً نبود، چون ما دو سال همینجوری داشتیم همدیگه رو می‌شناختیم". (۱۳-۲۲۹)

سرانجام خانم ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق‌لیسانس که کار حق‌التدریس دارد، در شرح با برنامه بودن ازدواج خود می‌گوید:

"کاملاً با هدف و مشخص بود، نه همینطوری ... برنامه‌ام داشت آره ... بخاطر اینکه از روز اولی که تصمیم گرفتم، خواستگاری با هدف بود و من با برنامه به آینده فکر کرده بودم. اون آدمو می‌شناختم. اون جوری نبود که بی‌هدف بخوام ازدواج کنم". (۲۰-۲۸۳)

طبقه و راهبردهای جوانان در رو به روشن شدن با ازدواج

هر چند بخش مهمی از تصمیم‌گیری در باره ازدواج وابسته به سطح طبقاتی فرد و چگونگی تأمین مقدمات ازدواج است، اما مطالعه نشان می‌دهد که انواع مختلفی از راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج در طبقات متفاوت قابل مشاهده است. این در حالی است که از منظر جوانان دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد. به عنوان مثال، آقای سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق‌دیپلم در گفتگو از سن مناسب ازدواج، دو رویه متفاوت رو به رو شدن با ازدواج را این گونه شرح می‌دهد:

"دو تا شرایط؛ یکیش تو این شرایطه ... که وضع مالی مشکل نداره - طرف فرض مثال توی خانواده‌ای به که از نظر مالی هیچ مشکلی نداره و مسکن و اینا همه چی براهه - به نظر من تو اون سن بیست و دو بیست و سه خیلی خوبه، چون اون آدم از لحاظ مالی مشکل نداره ازدواج زودتر موفق‌تر می‌شه، زود پخته‌تر می‌شه، زود وارد اجتماع می‌شه. بعد کسی هم که نه بخواد خودش بسازه، بیست و هشت، سی، سی و دو آره نظر شخصی‌ام همینیه. نمی‌دونم حالا شاید چون کسی که می‌خواد خودش بسازه، باید پخته باشه دیگه به ذره سرد و گرم و چشیده باشه که فردا تو زندگی به یه مشکلی خورد، کم نیاره، پس نزنه. بالاخره فردا دختر مردم با هزار تا آرزو می‌آد خونه". (۱۵-۱۰۴)

از این منظر مسئله تصمیم‌گیری در باره ازدواج به وضعیت طبقاتی فرد ارجاع می‌یابد و اینکه افراد برآمده

از طبقات بالاتر، زودتر و افراد دارای سطح طبقاتی پایین‌تر، دیرتر ازدواج می‌کنند.

جنسیت و راهبرد جوانان در رو به رو شدن با ازدواج

به شکل منحصر به فردی، راهبرد جوانان در رو به رو شدن با ازدواج به شدت تابع جنسیت آنهاست. علیرغم تمام عواملی که ازدواج را پیش‌بینی‌ناپذیر می‌سازد، برای خانم‌ها جنبه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر نسبت به آقایان بسیار بیشتر و البته تعیین‌کننده‌تر است. این امر از آنجا برمی‌آید که تصمیم به ازدواج برای خانم‌ها علیرغم وابستگی به عوامل مختلف به شدت تابع وجود خواستگار و خواهان است. به همین دلیل تصمیم به ازدواج برای خانم‌ها در اختیار خود آنها نیست. این در حالی است که برای آقایان شروع رو به رو شدن برای ازدواج و تصمیم‌گیری در این باره در اختیار خود ایشان است. از این منظر، پیش‌بینی‌ناپذیری بخش ذاتی ازدواج خانم‌هاست. این امر هر چند در ازدواج سنتی پررنگ‌تر است، اما حتی در ازدواج مدرن نیز که با فردگرایی و تظاهرات رومانتیک نیز همراه است، نمایان است و وجود خود را تحمیل می‌کند. این امر خانم‌ها را در نوعی تعلیق قرار می‌دهد و اینکه بیش از آنکه به تصمیم در این باره فکر کنند چشم انتظار بمانند تا سرنوشت برای ایشان چه رقم زده باشد. در تقریباً تمامی مصاحبه‌های خانم‌های جوان به نحوی مسئله خواستگار و خواهان خود را می‌نمایاند. در این مورد اشاره می‌شود که تا خواستگار مناسب نباشد آنها نیز به ازدواج فکر نمی‌کنند.

۲۱۰

رو به رو شدن با ازدواج بین دو رویه ازدواج یکباره و پیش‌بینی شده

بررسی متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جوانان پیش‌بینی و زمان‌بندی مشخصی برای ازدواج ندارند. آقای جوان بیست و هفت سال‌های که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است، در باره پیش‌بینی خود از زمان و سن ازدواجش می‌گوید:

"قبلاً تا بیست و دو سالگی بود، ولی حالا می‌گیم سی سالگی و اینها تا خدا چی بخواد". (با خنده) (۱۴-۲۰۳)

خانم سی و یک ساله مطلقه و دانشجوی رشته پرستاری در این باره اظهار می‌دارد:

"... نه آمادگی مالی دارم برای خودم و نه آمادگی شغلی دارم نه هنوز درس تمام شده. پس اگر بخوام اینو بنده‌ام به این زمانی که دارم می‌گم، باید بره تا اون و سی و پنج سال این قضیه". (۱۷-۱۳۲)

آنها در این مورد منتظرند ببینند چه پیش می‌آید تا پس از آن تصمیم بگیرند که چه کنند و چگونه ازدواج خود را مدیریت کنند. دو جوان سرباز زیردپلم برنامه خود را در ازدواج این گونه شرح می‌دهند:

"بله دیگه، بعد خدمت منتظریم ببینیم چی می‌شه. کاری پیدا کنیم که درآمدش خوب باشه، یه خونه‌ای بخریم، بعد اگر شرایطمون جور شد و درآمدمون خوب بود، بریم ببینیم طرف مقابل اگر راضی بود با وضع زندگیمون، ازدواج کنیم. دیگه در این حدیم". (۱۲-۱۶۴)

آشکارا راهبرد آنها در این مورد، "رو به رو شدن با آنچه که پیش می‌آید" است. آنها در باره در نظر گرفتن فرد مناسب برای ازدواج نیز بر پیش‌بینی‌ناپذیری این موقعیت تأکید می‌کنند:

"نه فعلاً که وضع طوریه که نمی‌شه مثلاً کسی رو در نظر گرفت؛ اگه کسی و در نظر بگیریم می‌بینی بعد یک سال، بعد درس الان طوری شده که دخترها به یه سنی می‌رسن - سن چهارده پانزده سالگی - ازدواج می‌کنن. نمی‌شه پیش‌بینی کرد مثلاً این دختر که در نظر گرفتی، بمونه یا نمونه. در این حده. باید موقعیت اون برسه و انتخاب کنیم کسی را". (۱۲-۲۱۱)

تجربه جوانان متأهل نیز گواه آن است که ایشان نه کاملاً حساب شده، بلکه بنابر آنچه که اتفاق می افتد و براساس آنچه که پیش می آید تصمیم به ازدواج می گیرند. آشکار است که نقطه عزیمت آنها در تصمیم گرفتن برای ازدواج، پدید آمدن علاقه به دیگری بوده که بعدها به ازدواج ختم شده است. از این منظر، جوانان بیشتر از خلال روابط عاشقانه ازدواج می کنند. شاید به همین دلیل است که در بیشتر ازدواج ها فرد به یکباره با ازدواج رو به رو می شود. آقای در شرف ازدواج ۲۸ ساله که دارای لیسانس و کارمند شرکت بیمه است، داستان آشنایی و ازدواج با همسر خود را این گونه روایت می کند:

"... هم دانشگاهی بودیم و تو همون مسائل درسی آشنا شدیم. چون من توی دانشگاه تغییر رشته داده بودم - از علوم تجربی اومده بودم به علوم انسانی - درس های محاسباتی ام مثل ریاضی و آمار و نمی دونم تحقیق در عملیات و یه سری در سهای تخصصی که تو رشته تحصیلی خودمون داشتیم، خوب بود. تو دانشگاه تا حدودی تدریس می کردم و همان جا با خانومم اولین بار آشنا شدم. یه تقریباً چهار پنج تا از دوستای دانشگاهمون بودن که قرار بود من بهشون آموزش بدم، اونجا باهاشون آشنا شدم؛ یه شناخت خیلی جزئی پیدا کردیم. بعد احساس کردم که اون می تونه انتخاب مناسبی باشه که من می تونم داشته باشم." (۹۶-۱۱)

به همین ترتیب خانم سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا روایت خود از داستان آشنایی و ازدواج با همسر خود را چنین شرح می دهد:

"ما هم دانشکده ای بودیم. هم ورودی بودیم، ولی رشته هامون متفاوت بود. عرضم به حضورتون تا تو خود دوره در واقع لیسانس و فوق لیسانس فقط در حد سلام و علیک بود. می شناختیم همدیگه رو. من آخر پایان نامه ام کار آماری اش چون می دونستم ایشون آمارش خوبه بردم که مثلاً یه چکی بکنن. ایشون هم که چک کردنشون همانا و (با خنده) دیگه یه آره آشنایی ای باز شد." (۱۳-۱۲۵) ... [لیسانس و بعدش هم فوق لیسانس توی همون دانشکده بودیم. آشنایی مون که صمیمی بشیم در واقع با اتمام فوق لیسانس (۲) شروع شد." (۱۳-۱۲۷)

وی نتیجه می گیرد:

"آشنایی مون یه مقداری یه هوایی شد. اینجوری نبود که مثلاً همسر من با برنامه ریزی باشه و مثلاً بگه که من می خوام با فلانی آشنا شم. یه خرده به خاطر همون که برای پایان نامه ام رفتم پیشش، شاید جلب نظر کردیم (۱۳-۲۳۱) ... خوب یه مدتی دوست بودیم و می رفتیم بیرون و اینور و اونور؛ سینما و تفریح و نمی دونم از این جور جاها - یا تو جمع دوستان مثلاً باهم می رفتیم که بیشتر بتونیم رفتارهای هم رو ببینیم اینجوری (۱۳-۱۲۹) ... آخه چون دوره این دوستی مون خیلی طولانی شد - تقریباً دو سال و چند ماه شد - به نظر خودم خیلی شناخت کاملی پیدا کردم؛ یعنی تقریباً می تونم بگم بعد از اینکه ازدواج کردم و رفتیم زیر یک سقف، هیچ چیز جدیدی از ایشون من نتونستم بشناسم. (۱۳-۱۳۱) ... آخه اول که اصلاً ما با هم آشنا شدیم، همسر من پیشنهاد کرد که من اصلاً برم آشنا بشم به هدف ازدواج. اول همدیگر رو بشناسیم، آگه به درد هم می خوردیم، ازدواج کنیم. بنابراین از اول خانواده من می دونستن که با یه چنین رویکردی هست. ولی اینکه مثلاً حالا بعد از چند وقت دقیقاً این شخص و دیدن، فکر می کنم یه پنج ماه مثلاً گذشت تقریباً تا اینکه مثلاً یه روز با مادرم رفتیم بیرون و ایشون و دید." (۱۳-۱۵۹)

خانم ۳۱ ساله مطلقه در حال تحصیل در رشته پرستاری نیز روایت خود را از این موضوع این گونه تشریح می کند:

"ما توی دانشگاه آشنا شدیم." (۱۷-۱۱۲)

"توی دانشگاه، تو یک تجمع دانشجویی با هم آشنا شدیم؛ تو یک تجمع دانشجویی که توی دانشگاه عادی بود با همدیگه آشنا شدیم. ایشون از یه دانشکده دیگه و من از یه دانشکده دیگه بودم. ما با همدیگه شروع

"توی موقعیت های خیلی مختلف شناخت پیدا کردم. بعد توی موقعیتهای مختلف سنجیدم|ش". (۲۰-)

"کاملاً با هدف و مشخص بود، نه همینطوری ... برنامه‌ام داشت آره ... بخاطر اینکه از روز اولی که تصمیم گرفتیم برای خواستگاری با هدف و با برنامه بود. من به آینده فکر کرده بودم. اون آدمو می‌شناختم. اون

جوری نبود که بی هدف بخوام ازدواج کنم". (۲۰-۲۸۳)

بدین ترتیب وجود شواهد مختلف بر هر دو شکل یکبارگی و پیش‌بینی‌پذیری حاکی از آن است که در ازدواج هر دو رویه همزمان و همراه با هم وجود دارند. از این منظر، ازدواج برنامه‌ریزی شده جنبه‌های پیش‌بینی نشده و ازدواج یکباره جنبه‌های برنامه‌ریزی شده بسیاری را در خود دارد. مقایسه شواهد در هر دو جنبه نشان می‌دهد که موارد واحدی شاهد هر دو بخش است. به عبارت دیگر، افراد تجربه‌هایی از هر دو رفتار را به صورت همزمان به نمایش می‌گذارند. بر این مبنا، بررسی و مقایسه موارد آشکار می‌سازد که در عمل ازدواج‌ها نه کاملاً یکباره و نه کاملاً پیش‌بینی شده است، بلکه به طور معمول آنچه واقع می‌شود شامل رویه‌ای بین این دو است.

نتیجه‌گیری

در موارد متعددی از مصاحبه‌ها، توجه به مقدمات ازدواج در همراهی با راهبرد برنامه‌ریزی قابل مشاهده است. این بدان معنا است که توجه به مقدمات ازدواج به خصوص مقدمات مادی در ازدواج پیش‌بینی شده بیشتر دیده می‌شود. مطابق با چنین رویکردی، در ازدواج برنامه‌ریزی شده مسئله تأمین مقدمات اهمیت بیشتری می‌یابد و سعی می‌شود در آن ابتدا مقدمات مادی برآورده شود و سپس تصمیم به ازدواج گرفته شود. به همین ترتیب شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در ازدواج پیش‌بینی نشده یا یکباره، از اهمیت مقدمات کاسته و بر اهمیت وجود احساس عشق و علاقه نسبت به دیگری اضافه می‌شود. در این صورت محرک ازدواج و آغازکننده فرایند آن، علاقه به دیگری است. در این حالت ممکن است مقدمات ازدواج فراهم نباشد، اما ازدواج صورت پذیرد.

از آنجا که هر قدر فرد بخواهد اقدام به برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات کند باز هم جا برای فراهم آوردن مقدمات بیشتر وجود خواهد داشت، نمی‌توان حدی برای ازدواج پیش‌بینی شده متصور شد. به علاوه، حتی اگر پیش‌بینی کردن موقعیت و برنامه‌ریزی برای فراهم آوردن مقدمات به نهایت برسد و رفاهی کامل حاصل آید، باز هم تضمینی برای واقع شدن ازدواج نخواهد بود.

اینکه در تمام گروه‌های مختلف می‌توان مواردی را از تمرکز بر ازدواج پیش‌بینی نشده یافت نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در ازدواج وابسته به مسائلی بجز مقدمات ازدواج است. شاید از این منظر فراهم آوردن مقدمات ازدواج، امر لازم ازدواج باشد، اما ضرورتاً امر کافی نیست. به همین ترتیب مقایسه موارد و نیز بازخوانی تجربه جوانان متأهلی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، آشکار می‌سازد که تصمیم جوانان برای ازدواج، مستقل از مقدمات ازدواج و یا برنامه‌ای است که از قبل برای ازدواج تدارک می‌کنند. در این موارد به نظر می‌رسد علاقه به دیگری یا وجود احساس عاشقانه و یا در معنای سنتی آن داشتن خواستگار، فرد را به تصمیم در این عرصه می‌رساند.

مرور مصاحبه‌ها به خصوص بازخوانی تجربه افراد متأهل در مدیریت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که شکل افراطی موضوع یعنی با برنامه بودن و یا یکباره بودن ازدواج کمتر به وقوع می‌پیوندد. به نظر می‌رسد در این مورد شکل واقعی ازدواج برآیندی از ازدواج یکباره و ازدواج برنامه‌ریزی شده است. در این معنا مواردی که حاکی از ازدواج یکباره است در خود نوعی از برنامه‌ریزی را نیز در تقدیر دارد. متقابلاً مواردی که حاکی از ازدواج برنامه‌ریزی شده است نوعی از یکبارگی را در تقدیر دارد. به نظر می‌رسد آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، نتیجه دیالکتیک فراهم آوردن مقدمات و تصمیم‌گیری یکباره است. در این مورد مقدمات ازدواج به آرامی فراهم می‌شود، اما آنچه باعث ازدواج می‌شود تصمیم ناگهانی است که می‌تواند

نتیجه پدید آمدن علاقه نسبت به دیگری و یا به عبارت دیگر، یافت شدن فرد مناسب برای ازدواج باشد. مطابق با چنین تعبیری، ازدواج بیشتر ترکیبی از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری یکباره است. در این معنا هر چند فرد مقدمات ازدواج را به آرامی و در طی زمانی طولانی فراهم می‌کند، اما در یک لحظه تصمیم به ازدواج می‌گیرد. در این منظر تصمیم به ازدواج به آن احساس علاقه‌ای وابسته است که باعث حرکت فرد در اقدام به ازدواج می‌شود.

مقدمات ازدواج و یافتن فرد مناسب (پدید آمدن علاقه یا احساس عاشقانه نسبت به دیگری) درگیر رابطه دیالکتیکی کاملی است. در این مورد فراهم‌تر بودن مقدمات ازدواج به افزایش احتمال پدید آمدن علاقه نسبت به دیگری می‌انجامد و متقابلاً ایجاد علاقه به دیگری، انگیزه‌ای برای فراهم آوردن مقدمات ازدواج می‌شود تا از خلال آن تصمیم به ازدواج عملی شود. دیالکتیک دخیل در این قضیه باعث می‌شود افرادی که تأکید بسیاری بر فراهم آوردن مقدمات ازدواج دارند و می‌خواهند ازدواج پیش‌بینی شده‌ای داشته باشند، اسیر عقلانیت بیش از اندازه شوند. تأکید بیش از اندازه بر مقدمات و نیز ازدواج پیش‌بینی شده از آنجا که زمان بیشتری را نیاز دارد، همبسته با سن بالاتر و از آنجا عقلانیت بیشتر در ازدواج است که اتفاقاً از این بابت باعث کاهش امکان ازدواج خواهد شد.

مجموعه شرایط نشان می‌دهد که ازدواج وابسته به تصمیم فردی گشته و به نوعی فردگرایانه شده است. از این منظر، مدرن شدن ازدواج و فردگرایی همبسته با آن شخصی‌ترین بخش زندگی هر فردی را تسخیر کرده و حیات جوانان را به خصوص در امر ازدواج پر ابهام ساخته است.

مقدمات ازدواج در سه شکل مقدمات مادی، معنوی و اجتماعی از سوی جوانان بسیار نزدیک و همبسته با مسئولیت‌های فردی تعریف می‌شود. تعبیر فردگرایانه مقدمات ازدواج که مبتنی بر عاملیت فردی و همزمان توجه کمتر به عوامل اجتماعی و یا حتی نهادی در مقدمات ازدواج است آشکار می‌سازد که مسئولیت ازدواج در ذهن جوانان متوجه خود آنان است. این وضعیت بسیار نزدیک است با آنچه جونز از زندگی در عصر خود تعیین‌کنندگی مطرح می‌کند. براساس مفهوم جونز، به دلیل ناپیوستگی زندگی‌نامه‌ای در عصر جدید (پس و پیش رفتن‌ها در گذار به بزرگسالی) فرد نه تنها مجبور به تصمیم گرفتن و پذیرش مسئولیت تصمیم خود است، بلکه حتی در جایی که تصمیمی نیز نمی‌گیرد باز هم خود را مسئول عواقب هر چیزی می‌شمارد (جونز، ص ۹۹). در این تحقیق به دست آمد که نگرانی مهم جوانان از ازدواج بیش از هر چیز متوجه سرانجام ازدواج است و اینکه آیا فرد منتخب، همسر مناسبی در زندگی آینده خواهد بود یا خیر. این امر شاهدی است از آنکه آنها مسئولیت ازدواج را به هر شکل متوجه خود می‌دانند و هم در مقدمات و هم در تصمیم‌گیری عواقب امر را به خود منتسب می‌کنند.

تحقیق نشان می‌دهد علیرغم آنکه جوانان عواقب هر گونه تصمیم‌گیری در ازدواج را می‌پذیرند، اما همچنان مثل گذشته در چگونگی ازدواج، مقدمات آن و نیز راهبردهایی که برای رو به رو شدن با ازدواج انتخاب می‌کنند، تحت تأثیر طبقه هستند. اگر به تأثیرپذیری از طبقه به همراه انتساب عواقب تصمیم‌گیری به خود توجه شود می‌توان استنباط کرد که جوانان درگیر آن موقعیتی هستند که فرلانگ و کارتمل با عنوان خطای شناخت شناسانه مدرنیته متأخر از آن یاد می‌کنند. مطابق مفهومی که ایشان مطرح می‌کنند، جوانان تصور می‌کنند که خود سرنوشت خود را می‌سازند، اما در واقعیت آنها در کار ساختن سرنوشت خود همچنان اسیر متغیرهای ساختاری مثل طبقه و جنسیت باقی مانده‌اند. در این معنا شواهد گواه آن است که آنچه جریان واقعی زندگی و ازدواج ایشان را شکل می‌دهد، طبقه است و نه عاملیت خود ایشان. از این منظر آنها تصور اشتباهی درباره نقش خود در ساختن زندگی خود دارند و این خطای شناخت شناسانه‌ای را رقم می‌زند که ویژگی عام زندگی جوانان امروز شده است. مطابق با چنین تعبیری علیرغم آنکه به نظر می‌رسد زندگی

پروژه‌ای بازانديشانه شده، اما همچنان تحت تأثیر و حتی تسلط طبقه و جنسیت است (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷؛ فرلانگ، ۲۰۰۹ و جونز، ۲۰۰۹). در این تحقیق واقعیت تفسیر فرلانگ و کارتمل از نقش خانواده در ازدواج جوانان قابل استنتاج است. مطابق با آنچه به دست آمد جوانان ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده (یا حتی نهادهایی که در این امر مداخله می‌کنند) نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری به خود نیز تردید نمی‌کنند. آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را ندارند.

وضعیت جوانان در رو به رو شدن با ازدواج و نیز انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج به خود با تعبیر هایتز نیز که با عنوان "فردی شدن ساختاریافته" مطرح می‌شود قابل تفسیر است. مطابق مفهوم وی، علیرغم آنکه اثرات شرایط نامطمئن و بیم حاصل از آن به وسیله عوامل ساختاری مثل خانواده، طبقه و جنسیت فیلتر می‌شود، اما بازانديشی نیز کماکان ویژگی زندگی نامه‌ای گذار باقی می‌ماند (هایتز، ۲۰۰۹). در تفسیر هایتز، بازانديشی همچنان ویژگی مهم گذار جوانان به بزرگسالی است. تفسیر هایتز هر چند مثل تفسیر فرلانگ و کارتمل بر اثر عوامل ساختاری تأکید می‌کند، اما از جنبه تأکید بر امر بازانديشی متفاوت از تفسیر فرلانگ و کارتمل است - شواهد این تحقیق هر دو تفسیر را تأیید می‌کند.

به عبارت دیگر، هم شواهدی از تسلط بازانديشی وجود دارد و هم شواهدی از خطای شناخت‌شناسانه. اینکه جوانان مدیریت منعطفی بر جریان ازدواج اعمال می‌کنند، علامتی از رفتار بازانديشانه ایشان در فرآیند ازدواج و گذار به بزرگسالی است.

وضعیت متناقض احساس مسئولیت نسبت به شرایط موجود و همزمان فقدان در اختیار داشتن منابع لازم برای مدیریت موقعیت مطابق با تفسیر رابرتز به بی‌طبقه شدن جوانان و نیز عدم آگاهی آنها از اثر طبقه می‌انجامد که نتیجه آن باز هم خطای شناخت‌شناسانه جوانان در جریان گذار به بزرگسالی است (رابرتز، ۲۰۰۹). این امر ناشی از پذیرش مسئولیت خود در مقدمات ازدواج و راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج و در عین حال نادیده گرفتن و توجه نداشتن به جایگاه طبقاتی و نیز توانایی‌های خود در شکل دادن به این دو است. شواهدی از این امر در تحقیق حاضر به خصوص در مورد طبقه متوسط و خانم‌ها مشاهده می‌شود. هر چند شواهد گواه آن است که طبقه پایین و تا حدودی مردان، ادراک روشن‌تری از ناتوانی خود در فراهم ساختن مقدمات ازدواج و نیز چگونگی تصمیم‌گیری در رو به رو شدن با ازدواج دارند. در این مورد در بین طبقه متوسط این نگاه بیشتر وجود دارد که فرد خود در کار ساختن آینده خود است. به همین ترتیب، خانم‌های برآمده از طبقه متوسط نیز در این امر مصرند و تصور می‌کنند توانایی تغییر را نیز به کاملترین شکل در اختیار دارند.

تفوق رویه میانه در راهبردهای رو به رو شدن با ازدواج نشان می‌دهد که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج هم از برنامه‌ریزی سود می‌برند و هم به خاطر طبیعت نامطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیرگذار از برنامه‌ریزی تمام جزئیات فاصله می‌گیرند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه منعطف باشند و در این باره راهبرد برنامه‌ریزی را با آنچه که پیش می‌آید ترکیب کنند. لکاردی نیز با چنین امری در تحقیق خود رو به روست. وی مطرح می‌کند که چگونه عدم قطعیت اجتماعی معاصر منبعی برای کنش و الهام‌بخش چگونگی راهبری گذار توسط جوانان شده است. مطابق تفسیر ایشان هر چند جوانان طرح‌هایی را برای رو به رو شدن با موقعیت پی می‌ریزند، اما از جزئیات در می‌گذرند و اجرای آن را به موقع مناسب خود واگذار می‌کنند (لکاردی، ۲۰۰۶، ص ۱۶). براساس کاری که وی انجام داده است ایده برنامه‌ریزی^۱ در راهبردهای جوانان می‌تواند با خطوط راهنما^۲

1. planning
2. guidelines

جایگزین شود. خطوطی که می‌تواند برای کنش به عنوان نوعی قطب‌نما عمل کند (همان). این امر با ماهیت تعریف جوانان از مقدمات ازدواج و نیز چگونگی رو به رو شدن با ازدواج در این تحقیق هماهنگ است. آنها ضمن اینکه مقدمات ازدواج را طوری تعریف می‌کنند که جنبه‌هایی بسیار فردی می‌یابد، تصمیم‌گیری برای ازدواج را نیز منعطف تعریف می‌کنند. تجربه‌های ایشان نیز نشان می‌دهد که رو به رو شدن با ازدواج و تصمیم‌گیری در آن باره متکی به رویه‌ای منعطف در رو به رو شدن با موقعیت و در عین حال تمسک به نگاه طولانی مدت است. در این وضعیت مدیریت منعطف و بسته به موقعیت ازدواج و البته برنامه‌ریزی جنبه‌های اصلی زندگی که اثر تعیین‌کننده‌ای بر جریان ازدواج دارد (مثل شغل، تهیه مسکن و پس‌انداز) رویه عمومی جوانان می‌شود. این در حالی است که با تفاوت‌ها در سطح طبقاتی تمایزات آشکاری در توجه به برنامه‌ریزی، گرفتن خطوط راهنما، دنبال کردن اهداف محدود و عملی و نیز تکیه بر شانس و اقبال بوجود می‌آید؛ امری که انعکاسی از وضعیت دوگانه جوانان در توانایی و ناتوانی است که با مفهوم عاملیت محدود شده جونز نیز نزدیک است (جونز، ۲۰۰۹، ص. ۱۰۴). براساس شرح جونز، بیشتر متحمل است تا راهبردهای کوتاه‌مدت توسط آنها که فاقد قدرت هستند انتخاب و بکار گرفته شود (همان، ص. ۱۰۶). در این باره آشکارا طبقه، عامل تمایز است؛ به گونه‌ای که طبقات بالاتر بر جنبه‌های فردی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و خطوط راهنما و طبقات پایین‌تر بر شانس و اقبال تکیه می‌کنند. در این مورد مثلاً طبقات بالاتر هم برنامه‌ریزند و هم منعطف رفتار می‌کنند، اما طبقات پایین‌تر علیرغم آنکه رفتار منعطفی دارند بر شانس و اتفاقات پیش‌بینی نشده نیز توجه دارند. آنها احتمالاً زندگی خود را براساس طرح و برنامه‌ای روشن دنبال نمی‌کنند، بلکه اهدافی حداقلی را در نظر می‌گیرند که از خلال آنها بتوانند جنبه‌های دیگر زندگی و از جمله ازدواج را سر و سامان دهند.

در مجموع به نظر می‌رسد راهکاری که جوانان در رو به رو شدن با ازدواج پی می‌گیرند بیشتر مبتنی بر عمل‌گرایی است؛ بدان معنا که در تأمین مقدمات ازدواج و رو به رو شدن با ازدواج هم برنامه‌ریزند و هم منعطف. در این تعبیر حتی آنها که یکباره با ازدواج رو به رو می‌شوند، جنبه‌های مهمی از پیش‌بینی‌پذیری و برنامه‌ریزی را در رویه‌ها و اعمال خود دارند.

منابع

- التجائی، ابراهیم و عزیززاده، مینا. (۱۳۹۵). "بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی". جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۷، ۱-۲۳.
- جولایی، ز. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج از منظر جوانان. مرکز مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
- خرازی، محمدعلی، حسینی مطلق، سیدمحمد و صدریان، محمدرضا. (۱۳۸۰). "بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج". مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد. ۹(۱)، ۳۷.
- رستگار خالد، امیر، رحیمی، ماریا و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۴). "نگرش سنجی پدیده دیررسی ازدواج (مورد مطالعه: شهر ایلام)". مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۴(۴)، ۶۸۵-۷۰۶.
- زین آبادی. (۱۳۸۹). "طرح بررسی عوامل مؤثر در تغییرات سن ازدواج جوانان شهر تهران". تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی. سازمان ملی جوانان.
- سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳) سازمان ملی جوانان.
- صادقی، رسول، قدسی، علی محمد و افشارکهن، جواد. (۱۳۸۶). "واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل". پژوهش زنان، ۵(۱)، ۸۳-۱۰۸.
- طیبی‌نیا، موسی. (۱۳۹۳). "میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن". فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. ۵(۱۶)، ۸۶-۶۳.
- فاطمی‌نیا. (۱۳۸۹). بررسی و اولویت‌بندی نیازهای جوانان از نگاه خود. معاونت مطالعات و تحقیقات. سازمان ملی جوانان.
- قانون تسهیل ازدواج جوانان. (۱۳۸۴). مجلس شورای اسلامی.
- قنبری، ب. (۱۳۹۰). مصاحبه اکتشافی در باره مسائل جوانان. مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی. وزارت ورزش و جوانان.
- محمدی سیف، معصومه و عارف، محمد. (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)". فصلنامه مهندسی فرهنگی. ۱۰(۸۶)، ۷۴-۸۹.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". نامه علوم اجتماعی. ۲۴، ۵۳-۲۷.
- مرکز ملی سنجش افکار. (۱۳۸۸). بررسی موانع فرهنگی در امر ازدواج جوانان. مرکز مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
- مصری‌نژاد، شیرین. (۱۳۸۱). "بررسی پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و رابطه آن با سن ازدواج در ایران". مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. ۱۴(۲)، ۲۱۴.
- نصرتی نژاد، فرهاد، شریفیان ثانی، مریم و محمدی نوبری، علی. (۱۳۹۵). "تبیین جامعه‌شناختی دیرنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم". مسائل اجتماعی ایران. ۷(۲)، ۱۴۱-۱۵۸.
- نقیعی، سیدابوالحسن و حمیدی، مهرانه. (۱۳۹۴). "سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم‌شهر". مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه). ۲۵(۱۳۱)، ۱۵۹-۱۶۴.

- نیک منش، زهرا و کاظمی، یحیی. (۱۳۸۵). "علل و راه حل های تأخیر در ازدواج جوانان". مجله علوم تربیتی و روانشناسی. ۳.

- Brinkmann, S. (2013). **Qualitative interviewing**. Oxford University Press.
- Furlong, A. (2009). **Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas**. Routledge.
- Furlong, A., and Cartmel, F. (2007). **Young People and Social Change: Individualization and Risk in Late Modernity**. Open University Press.
- Furlong, A., and Cartmel, F. (2009). **Mass higher education**. In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas (pp. 121-126). Routledge.
- Heath, S. (2002). **Domestic and Housing Transitions and the Negotiations of Intimacy**. In G. P. Mark Cieslik, Young People in Risk Society: The Restructuring of Youth Identities and Transitions in Late Modernity (pp. 137-158). Ashgate.
- Heinz, W. R. (2009). **Youth transitions in an age of uncertainty**. In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas (pp. 3-13). Routledge.
- Jenks, C. J. (2011). **Transcribing talk and interaction : issues in the representation of communication data**. John Benjamins B.V.
- Jones, G. (2009). **Youth**. Polity Press.
- Kowal, S. and O'Connell D. C. (2014). **Transcription as a Crucial Step of Data Analysis**. In U. Flick, The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis (pp. 64-78). SAGE Publications Ltd.
- Leccardi, C. (2006). **Facing Uncertainty**. Temporality and Biographies in the New Century. In C. L. Ruspini, A new youth?: young people, generations and family life (pp. 15-40). Ashgate.
- Merkens, H. (2004). **Selection Procedures, Sampling, Case Construction**. In U. Flick, A Companion to Qualitative Research (pp. 165-171). Sage Publications Ltd.
- Rapley, T. (2007). **Interviews**. In C. Seale, Qualitative Research Practice (pp. 15-33). Sage Publications.
- Rapley, T. (2014). **Sampling Strategies in Qualitative Research**. In U. Flick, The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis (pp. 49-63). SAGE Publications Ltd.
- Roberts, K. (2009). **Socio-economic reproduction**. In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas (pp. 14-21). Routledge.
- Roberts, K. (2005). **Youth unemployment and social exclusion**. In J. P. Christopher Pole, Young People in Transition: Becoming Citizens (pp. 116-138). Palgrave Macmillan.
- Roulston, K. (2014). **Analysing Interviews**. In U. Flick, The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis (pp. 297-312). SAGE Publications Ltd.
- Saldaña, J. (2009). **The Coding Manual for Qualitative Researchers**. SAGE

Publications Ltd.

- Swartz, T.T., and O'Brien, K. B. (2009). **Intergenerational support during the transition to adulthood.** In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas (pp. 217-225). Routledge.

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

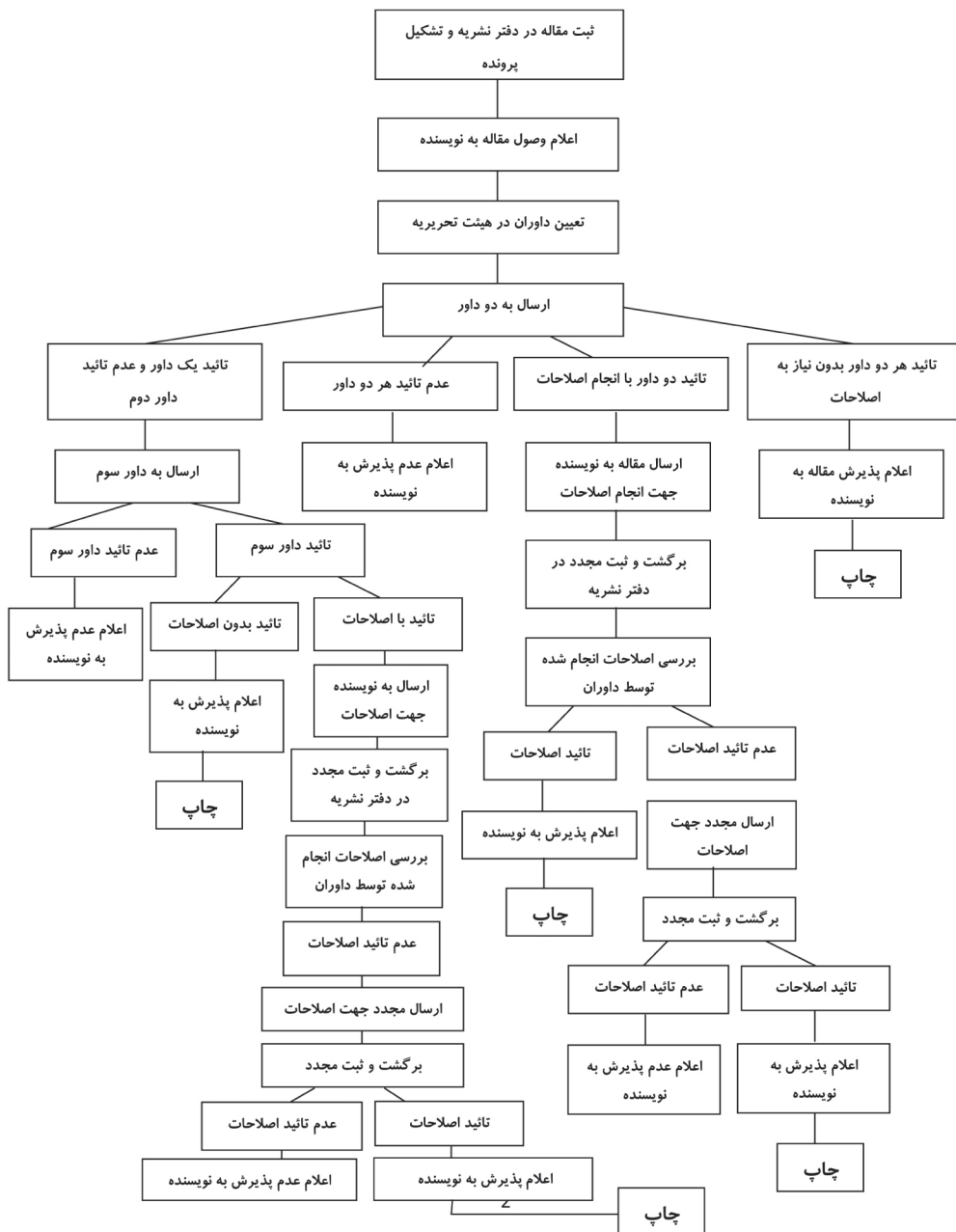
خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن مرد

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی:

کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:

واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):

امضای مسئول و مهر مؤسسه:

Supremacy of flexible procedures in marriage encountering strategies shows that young people benefit from both planned and casual or contingent arrangements. They have learned how to be flexible and how to mix planning and contingency. In this setting, indeed, class is the main determinant factor. Upon it upper classes emphasize on individual modes of decision making, consist of planning and making life guideline procedures, whereas lower classes rely on chance and luck.

Findings indicate although young people accept their responsibility for marriage procedures, but they yet are under the influence of structural factors, like class and gender. This means young people face a paradoxical situation in which they cannot afford marriage procedures but without doubt they acknowledge their responsibility for those procedures. Based on sociological perspectives this situation is defined as an epistemological fallacy in late modernity. In this account although they do not have power to manage their marriages but they accept their responsibility for managing marriage procedures.

Key words: Young People, Marriage, Marriage Requirements, Marriage Management, Strategies for Encountering Marriage and Epistemological Fallacy in Late Modernity

Marriage Requirements and Young People's Strategies for Encountering Marriage

Soheila Sadeghi Fasaii

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohsen Banijamali

Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 22 Jan. 2017

Accepted: 15 Mar. 2017

19

This article focuses on three issues. At first, it concentrates on marriage requirements from young people's point of view. Then, it emphasizes on strategies by which young people face with marriage. Furthermore, the article continues with researching on how young people percept marriage requirements and how young people make their decisions on marriage.

In this qualitative inquiry information has been gathered through structured interviews. Interviews have been transcribed and changed to texts and then analyzed by thematic accounts.

Sample consists of single and married men and women from different classes. Their ages are between 20 up to 40.

Based on interviewees accounts marriage requirements are summarized in three categories which are materialistic, non-materialistic and social. These requirements are transformable and can change to each other. Although young people from different classes point to materialistic requirements, lower classes are more inclined to them. Sticking to non-materialistic requirements is seen more repeatedly in middle and upper classes. As a result marriage requirements for middle and upper classes are more subjective and for lower classes are more objective.

In referring to marriage requirements women are more inclined to subjective or non-materialistic issues whilst men are more interested in objective or materialistic issues. Also for women, existence of a person who wants to marry her is the most important issue in marriage requirements.

Young people strategies in encountering marriage are rooted in two modes of marriage: un-predictable or all at once marriage and predictable or planned marriage.

Interviewee's accounts indicate that young people strategies in encountering marriage are under the influence of gender. In this stance marriage for women in comparison with men are more un-predictable. Therefore their strategies for encountering marriage are more flexible and even liquid.

Sociological Approach to Relationship between the Use of Virtual Social Networks and Tendency to Moral Deviations (Case Study: 15-29 year old Youth in Tehran)

Fariba Shayegan

Ph.D., Associate Professor, Amin Police University, Tehran, Iran

Mohammad Rahimi

Ph.D. in Sociology, Social Sciences Department, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Received: 30 Jan. 2017

Accepted: 11 Mar. 2017

18

This study focused on a sociological approach to the study of relationship between the use of virtual social networks and tendency of young people in Tehran city to moral deviations. In this study a survey method was used and the research technique was a questionnaire. The study population included all youth aged 15 to 29 in Tehran. Among them, 400 people were selected by Cochran and multi-stage cluster sampling. The required information was collected through oriented questionnaires and was processed by the software (spss & Lisrel). The results showed that Tehran's young people have a strong tendency to moral deviation. There is a significant relationship between the use of virtual social networks (independent variable) and a tendency to moral deviation (dependent variable) with dimensions of youth violence and aggression, the weakening of religious beliefs and expansion of intellectual doubts, normalization of relations between girls and boys, expansion vandalistic behavior, expansion of cohabitation rather than marriage. Furthermore, our path analysis indicated that in terms of the value of beta (β), a total of %48 of the changes in tendency of young people to moral deviations ($R^2=0/48$), depends on the use of virtual social networks and demographic variables such as socio-economic status, gender, age and level of education.

Key words: Virtual Social Networks, Moral Deviations, Abnormality, Youth and Tehran City

A Study on Socio-Cultural Factors Affecting the Youth Responsibility in Tehran

Monir Sadat Mir Mohammadi

Ph.D. Student in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mansour Haghighatian

Ph.D., Associate Professor of Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Esmail Jahanbakhsh

Ph.D., Assistant Professor of Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Received: 29 Jan. 2017

Accepted: 12 Mar. 2017

17

Social responsibility as an important process in each community contributes to the sustainable development of society and strengthening and growth but will not be possible to identify the factors responsible behavior. The present study to investigate the causes and socio-cultural social responsibility and its effective youth was conducted in Tehran. In order to achieve this goal through a various of factors and variables that responsibility affects young people influential young religious attitude, higher modernism, media, social trust is used as independent variables theoretical foundations of variables and parameters of the study opinions on Jameson, Bauman, Giddens, Durkym, Parsons, Bourdieu, Inglehart, Ztvmka, has been developed. In this study, significant independent variable dependent variable responsibility examined. Research, survey and data collection and questionnaire has validity and reliability is. Statistical society is about the population of young people (18 to 29) in Tehran. Multi – stage cluster sampling method used for statistical residence is Compiled, and a sample size of 384 results and the results of the software SPSS and Amos show that the five components of religious attitude and higher modernism and trust social and media and the socioeconomic status affect the responsibility. (Methods in regression analysis and structural equation modeling). Religiosity with the highest average value is 3.45. Multiple regression analysis showed that the variables of social trust and cultural higher modernism and religious and the mass media and the socio-economic status have a significant relationship with the youth responsibility. The linear regression responsibility to explain the variance in rates of 35% and 65% depend on other factors.

Keywords: Responsibility, Community, Higher Modernism, Youth and Post Modern

Relationship between Using the Face book and Commitment to Family and Religious Values with Cultural Deviations (Case Study: Youth of Tabriz City)

Samad Adlipour

Ph.D., Lecturer at Department of Family Studies, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Hamed Akbarpour

Master degree in General Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Mohammad Mahaki

Master degree Student in General Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 31 Dec. 2016

Accepted: 11 Mar. 2017

The aim of the present study is to investigate the relationship of the presence in the Face book social network, as one of the instruments for globalization, and commitment to family and religious values with cultural deviations of the youth in Tabriz City. The present study was conducted via a survey research method on the participants who were selected using the voluntary and convenience sampling method. The data were collected using an internet-based questionnaire relying on the Cultivation theory, cultural imperialism theory and Hirschi's Social Bond theory. The research population consists of all young users of Face book in Tabriz in 2015. The sample size was as 400 participants. Findings of the research indicate that the degree of cultural deviations in the participants is at a moderate level. In addition, there is a significant correlation between ground variables (gender, marital status, employment, education, and socio-economic status) and cultural deviations. Moreover, there is a direct correlation between the degree of using Face book and considering its content realized in the cultural deviations of the participants, while a significant but reverse correlation is between commitment to religious and family values and cultural deviations. All in all, independent variables entering the regression model can explain 30% of the variations of the youth's cultural deviations.

Keywords: Face book Social Network, Cultural Deviation, Family Values and Religious Values

A Study on Factors Influencing Educational and Occupational Migration of Iranian Young Women during 2006-2011

Nasibeh Esmaeli

Master degree in Demographics, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Mahmoodian

Ph.D., Associate Professor, Demographics Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 15 Nov. 2016

Accepted: 21 Feb. 2017

15

Gender is one of the most important social contexts of migration. Until recent decades, migration was considered mostly as a male phenomenon, whereas nowadays, women make up half of migration movements. The structural and attitudinal changes regarding the position of the women and their contributions in the social activities led to increasing economic-social expectations of young women and their intention to migration. Due to the increasing role of women in migration processes in Iran, and also research gaps in this area, this paper using 2011 micro-census data examine the young women's educational and occupational migrations and the associated factors in Iran. During 2006 to 2011, about 5/5 million have been migrated in Iran that 48 percent of them were female. The results showed that about one fifth of the young women have migrated due to educational and occupational reasons. Multivariate analysis indicated being single, female head of household, internet use, university education, and economic participation, significantly are determinant factors on educational and Occupational Migration of Iranian Young Women. Thus, the increasing of academic education among the young women, social mobility and high tendency to participants in labor force led to increasing of female migration in the future.

Keywords: Occupational Migration, Educational Migration, Secondary Analysis, Gender and Youth

Role of Youth Diplomacy in Foreign Relations of Governments Using YNGOs' (Youth Non Governmental Organizations) Capacity

Ruhollah Modaber

Ph.D. in International Relations, Researcher about Youth Diplomacy, Tehran, Iran

Hassan kalashloo

Ph.D. Student in Political Sociology, Academic Member, Tehran, Iran

Received: 17 Sep. 2016

Accepted: 15 Jan. 2017

14

In the contemporary world, considering the ongoing developments in the field of human communications, the way international affairs are conducted have weakened the role of governments; and this new situation has brought about changes in common traditional diplomacy of past centuries. It is obvious that along with evolution of societies, new scenarios are applied in the field of diplomacy and international relations which need new priorities with adoption of modern methods and instruments; such as using the capacity of non-state entities particularly NGOs. In this context, a new dialogue with the subject of youth diplomacy as modern diplomacy has been established according to important roles which youths are playing in different countries especially in science centers and official entities of developed nations as work and thought force; development trend of NYGOs in global system with diverse programs including offshore welfare and humanitarian activities; development of the global network of active youths and expanding it into many young societies along with international expansion of humanitarian programs which are affecting the minds of different masses of people, even the governments and international organizations. This paper studies the role of youth diplomacy using NGOs in development of humanitarian discourse and promotion of welfare activities in global system. Accordingly, it seems that in the course of development, a mutual understanding among youths from all around the world who are concerned about wars, tribal disputes, AIDS, environment and other similar cases leads to creation of effective global network of youths which alongside the governments and by the use of unofficial instruments aims to achieve peace and put pressure on the governments which are promoting violence.

Key words: Modern Diplomacy, Youth Diplomacy, Non-state Youth Organizations and Global Trust

Overtraining Syndrome, Fatigue and Performance

Mohammad Reza Fazli

Head of Strategic Studies and Research Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran

Reza Ghare Khanloo

Ph.D., Full Professor, Tarbiat Modares University, Head of Sports Sciences Research Institute of Iran (SSRII), Tehran, Iran

Received: 18 Jan. 2017

Accepted: 4 Mar. 2017

Overtraining syndrome is a common cause of underperformance of athletes. Chronic fatigue, muscle ache, lost of coordination, weight loss, mood changes and immune suppression are the concomitant symptoms. Definite laboratory findings are not determined yet. Clinical experts usually prescribe rest complete or partial for over trained athletes, but training modification, nutritional and psychological intervention are the other actions. Overtraining syndrome could be detrimental for any athlete, because it needs a relatively long period of time for management.

The assessment and treatment is a challenging process, and an over trained athlete maybe diagnosed too late. Accurate diagnosis needs differential diagnosis of the other related conditions.

Scientific literature review shows good evidence-base research in this respect. However, debates remain about the underlying mechanisms. In the future, we need more in-depth studies in the fields of diagnosis, treatment and rehabilitation.

Key words: Overtraining Syndrome, Fatigue and Performance

The Causal Relationship between Visual Sense and Satisfaction and Loyalty of Sport Consumers

Mohammad Sayyadfar

Ph.D. Student in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farshad Tojari

Ph.D., Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Zarei

Ph.D., Associate Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammadreza Esmaeili

Ph.D., Associate Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 13 Sep. 2015

Accepted: 5 Mar. 2016

The purpose of the present research is to determine the casual relationship between visual sense and satisfaction and loyalty of swimming pools consumers in Tehran. The method of the present research is an applied one in terms of purpose, and it is a descriptive-correlational research in terms of data collection. The population of the research includes all males and females that have used swimming pools in Tehran in 2014, among which 385 individuals were selected as the sample. The questionnaire of visual sense prepared by the researcher, the questionnaire of satisfaction by Bitner and Hubbert (1994) and the questionnaire of loyalty by Liu (2008) were used in this research. For data analysis, inferential statistics was used. Partial Least Squares (PLS) path modeling was used to test the hypotheses and the model fit. Findings of the research showed that visual sense are significantly related to satisfaction ($t=8/80$; $p \leq 0/05$); and loyalty ($t=5/83$; $p \leq 0/05$); and finally, satisfaction is significantly related to the loyalty of consumers ($t=12/8$; $p \leq 0/05$). Therefore, according to the results, it is suggested that in addition to establishing intellectual bonds, the swimming pools also establish emotional bonds with customers and attract human senses through sensory experiences. This experience often includes the physical environment with the cues of light, color and decoration that have been demonstrated that strongly affect the consumers and their emotional responses.

Keywords: Visual Sense, Satisfaction, Sensory Experience and Loyalty

Providing Communications Model Organizational Intelligence and Organizational Effectiveness Managers of Fitness Clubs in Tehran

Abdolreza Amirtash

Ph.D., Academic Member, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Katayoon Kamkary

Ph.D. Student, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Mohammad Javad Afsharian

Master degree in Sport Organizations Management, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 250 Jul. 2015

Accepted: 3 Oct. 2015

The present study examined the relationship between organizational intelligence and organizational effectiveness. Sample included between 384 managers of sport clubs in Tehran Province. Cluster sampling was used. To achieve the objectives of the research questions of interest questionnaire, productivity Albrecht organizational intelligence Golda Smith) were used. Feature individual questionnaire was constructed according to the research objectives. Data collected through descriptive statistics and inferential statistics, correlation coefficients, and structural equation modeling analysis was conducted. The results showed that: Average organizational intelligence in front of the subjects to 8/142 to 79/31 = SD of mean effectiveness is also equal to 13/70 with 68/54SD = was given the maximum score of organizational intelligence (175) and most of the effectiveness (110). The IQ scores indicating organizational and employee effectiveness is relatively good. The results indicated that the demographic characteristics of organizational intelligence, and there is no significant relation effectiveness. There is a positive relationship Between all the components of organizational intelligence (strategic vision, shared destiny, spirit, desire for change, unity and consensus, the application of pressure performance) and the managers of sport clubs of Tehran- the most relevant application of knowledge ($r=66/0$) and the least common destiny communication ($r=52/0$). The structural equation model was fit enough.

Keywords: Organizational Intelligence, Organizational Effectiveness and Managers of Fitness Clubs in Tehran

The Feasibility of Sports Provincial Teams Success in East Azerbaijan in the League and Championship Competitions

Mohammad Rasoul Khodadadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 8 May 2016

Accepted: 16 Oct. 2016

The study was to investigate the feasibility of successful sports teams of East Azerbaijan in the league and the championship competitions. The method of study was descriptive and causal-comparative and has been done survey way. The Statistical population included individuals specializing in different sports in the province that have points of presence in the league or country championship. The research sample consisted 155 people were selected from this population by sampling available and purposeful. For gathering the data, the researcher made questionnaires of "Effective Resource of Sports provincial Team's Success in the Competition championship and country League" was used. Face and content validity of the questionnaire was done based on Lushi model (1975) and content validity of the questionnaire was obtained (CVI = 0.89). Reliability was determined in a pilot study on 30 subjects' sample (0.81) and the internal reliability for 0.84 total items. We used K-s test with assumptions of normal distribution, to compare variables from Binomial test and Kruskal-Wallis. SPSS software also was used for prioritization and determine the best factors to success of sport teams by TOPSIS method. The results showed that the average respondent comments was significant on the situation of human resources, management, financial, technology, financial, and socio-cultural facilities effect on the success of the provincial teams in the Championship and League Club. The TOPSIS results showed that socio-cultural, managerial and material resources ranked first to third resource influences on the success of the provincial teams in the country Championship and human resources, financial, technology and facilities have fourth to seventh ranks. Thus, paying attention to the effective resources of teams and clubs provide success; consultation and cooperation of coaches, officials and athletes would achieve the success goals.

Key words: Feasibility, Success, Athletes, Sports Teams, Country Championships, League Clubs and East Azerbaijan Province

A Study on Evolution of Polo Stick in the Safavid and Seljuk Miniatures and Manuscripts

Fatemeh Gholami Houjaghan

Master degree in Handicrafts, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Seyed Saeed Seyed Ahmadi Zavieh

Ph.D., Associate Professor in Art Research Department, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Azartash Azarnoush

Ph.D., Full Professor, Arabic literature Department, Tehran University, Tehran, Iran

Received: 1 May 2016

Accepted: 20 Oct. 2016

9

The Polo is an ancient game and sport belonging to Iran and despite its long history, there is only little written and recorded information about its principles, rules, equipment and clothes. Based on this question that how to be changed the polo stick in the Safavid and Seljuk miniatures and what is the basis of these evolutions, this paper has gathered the previous related research works using the library, documental and internet resources and in the next stage, it has selected the case studies gathering the old texts and illustrated pages related to the polo game and refining them in terms of the validity of documents and containing the date. Finally, after collecting data, the differences and similarities between them have been analyzed. According to the results of this research, based on the findings of the Safavid and Seljuk poets that have been studied, 456 cases of "čawgān", 30 cases of "sawlajān" and 3 cases of "tabtāb" (Polo without horses) found and based on the finding of the Safavid and Seljuk miniatures that have been studied, four forms of polo mallet has been similar to curved cane= "ج", "L", curved "T", "V" form (with an open angle) found. Finally, it seems that In the Safavid era compared with the Seljuk era, there is an evolution in the quality of polo stick in the passage of time, based on the relationship with the west and developments of science and technology. Based on this research in terms of purpose is functional and in terms of method is descriptive-analytical using the library technique has been carried out.

Key Words: Polo Stick, Miniatures Containing Polo (Motives), Safavid and Seljuk Manuscripts Containing Polo (word)

Identifying and Prioritizing the Barriers and Solutions of Sports Laws in Iran

Keivan Shabani Moghaddam

Ph.D. in Sport Management, Academic Member, Razi University, Kermanshah, Iran

Hossein Zokaee

Ph.D. in Sport Management, Payam-e- Noor University, Tehran, Iran

Mohammad Taghi Hassan Zadeh

Ph.D. in Management and Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 21 Oct. 2015

Accepted: 23 May 2016

The research is to recognize the priorities of development of sport law system in the country. Study population consisted of some experts including university professors, sport attorneys and the others who have articles or thesis about sport law took part in this research. Using snow-ball sampling method, 75 persons participated in the study. After approving the validity and reliability of questionnaire ($\alpha=0/95$), descriptive statistics and factor analysis have been used. In the section of barriers, educational barriers, legal barriers and human resource barriers had the highest priorities respectively, and in the section of solutions, human resource solutions, educational solutions and legal solutions had the highest priorities respectively. It should be mentioned that the structural-managerial dimension hadn't any role in variables and as a result, it hasn't any significant effect on sport law development. Totally, based on the results, some suggestions offered for developing sport law in Iran.

Keywords: Priority, Development and Sport Laws

Esmacil Jahanbakhsh / Ph.D., Assistant Professor of Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

.....	17
Sociological Approach to Relationship between the Use of Virtual Social Networks and Tendency to Moral Deviations (Case Study: 15-29 year old Youth in Tehran)	

Fariba Shayegan / Ph.D., Associate Professor, Amin Police University, Tehran, Iran

Mohammad Rahimi / Ph.D. in Sociology, Social Sciences Department, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

.....	18
Marriage Requirements and Young People's Strategies for Encountering Marriage	

Soheila Sadeghi Fasaii / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohsen Banijamali / Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

.....	19
-------	----

Azad University, Tehran, Iran

Ali Zarei / Ph.D., Associate Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammadreza Esmacili / Ph.D., Associate Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

.....12

Overtraining Syndrome, Fatigue and Performance

Mohammad Reza Fazli / Head of Strategic Studies and Research Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran

Reza Ghare Khanloo / Ph.D., Full Professor, Tarbiat Modares University, Head of Sports Sciences Research Institute of Iran (SSRII), Tehran, Iran

.....13

Role of Youth Diplomacy in Foreign Relations of Governments Using YNGOs' (Youth Non Governmental Organizations) Capacity

Ruhollah Modaber / Ph.D. in International Relations, Researcher about Youth Diplomacy, Tehran, Iran

Hassan kalashloo / Ph.D. Student in Political Sociology, Academic Member, Tehran, Iran

.....14

A Study on Factors Influencing Educational and Occupational Migration of Iranian Young Women during 2006-2011

Nasibeh Esmaeli / Master degree in Demographics, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Mahmoodian / Ph.D., Associate Professor, Demographics Department, University of Tehran, Tehran, Iran

.....15

Relationship between Using the Face book and Commitment to Family and Religious Values with Cultural Deviations (Case Study: Youth of Tabriz City)

Samad Adlipour / Ph.D., Lecturer at Department of Family Studies, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Hamed Akbarpour / Master degree in General Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Mohammad Mahaki / Master degree Student in General Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

.....16

A Study on Socio-Cultural Factors Affecting the Youth Responsibility in Tehran

Monir Sadat Mir Mohammadi / Ph.D. Student in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mansour Haghighatian / Ph.D., Associate Professor of Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

CONTENTS

Identifying and Prioritizing the Barriers and Solutions of Sports Laws in Iran

Keivan Shabani Moghaddam / Ph.D. in Sport Management, Academic Member, Razi University, Kermanshah, Iran

Hossein Zokaee / Ph.D. in Sport Management, Payam-e- Noor University, Tehran, Iran

Mohammad Taghi Hassan Zadeh / Ph.D. in Management and Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

..... 8

A Study on Evolution of Polo Stick in the Safavid and Seljuk Miniatures and Manuscripts

Fatemeh Gholami Houjaghan / Master degree in Handicrafts, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Seyed Saeed Seyed Ahmadi Zavieh / Ph.D., Associate Professor in Art Research Department, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Azartash Azarnoush / Ph.D., Full Professor, Arabic literature Department, Tehran University, Tehran, Iran

..... 9

The Feasibility of Sports Provincial Teams Success in East Azerbaijan in the League and Championship Competitions

Mohammad Rasoul Khodadadi / Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport / Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

..... 10

Providing Communications Model Organizational Intelligence and Organizational Effectiveness Managers of Fitness Clubs in Tehran

Abdolreza Amirtash / Ph.D., Academic Member, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Katayoon Kamkary / Ph.D. Student, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Mohammad Javad Afsharian / Master degree in Sport Organizations Management, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

..... 11

The Causal Relationship between Visual Sense and Satisfaction and Loyalty of Sport Consumers

Mohammad Sayyadfar / Ph.D. Student in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farshad Tojari / Ph.D., Professor in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.34 Winter 2017

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel: +98(21)22662369

Fax: +98(21)22662260

<http://faslname.msy.gov.ir>

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*